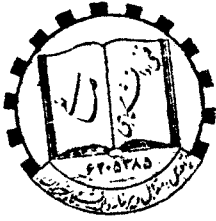


محمد رضا سلطان دوست

تئوری گشایشها

(جلد اول)



انتشارات کوتنبرک

نام کتاب : تئوری گشایشها
بهاه تمام : محمدرضا سلطاندوست
طرح روی جلد : محسن معینی
حروفچینی : تهران آشنا ۸۲۷۳۵۶
لیتوگرافی : قاسم‌لو
تیراژ : ۳۰۰۰ نسخه
چاپ : حیدری
تاریخ چاپ : ۱۳۶۹ چاپ اول
صحافی : مینو

پیشگفتار

همان گونه که در بسیاری از منابع و ماءخذ تئوریک خاطر نشان شده بازی شطرنج به سه مرحله آغاز (گشایش) وسط و آخر بازی قابل تقسیم است که ویژگیها و اهداف مشخص هر یک، آنها را نسبت به هم متمایز می سازد، ولی برغم وجود چنین مرزهای این مراحل با رشته های آشکار و نهان به هم مرتبط و تابع یک هدف کلی می باشند و آن، مات نمودن شاه دشمن است. به تسلیم واداشتن حریف و کسب پیروزی مستلزم به وجود آوردن اوضاعی است خاص، که خود از جابجا کردن مهره ها پدید می آید و بالطبع این جابجاییها ضمن هدفمند بودن می بایست جهت دهنده نیز باشد، جهت و سمت و سوئی که منافع ما را تضمین کند و اولین حرکت، نخستین گام است در جهت به وجود آوردن چنان وضعی اما طرف دیگر نیز دقیقاً "در همین راستا عمل می کند بنابراین در طرح و نقشه ما می بایست وجه مقابله با نیات برتری طلبانه حریف نیز طرف توجه قرار گیرد.

ما در هر یک از مراحل یاد شده با مسائلی روبروئیم که برای دست یافتن به پیروزی می بایست به آنها پاسخی مناسب دهیم، به عنوان مثال چگونه گشادن شاه به مرکز، راندن و یا فرزین ساختن پیاده، استفاده از مهره های دوربردی چون رخ و فیل در عرصه ای تهی از سوار، چگونگی استفاده از ستونها و عرصه های باز، شکافتن زنجیره پیاده های حریف و در کل به کف آوردن پیروزی و یا احیاناً "تامین تساوی (در صورت ضعف قوا و یا پوزیسیون)

از جمله مسائلی است که در آخر بازی پیشروی ماست .
در وسط بازی نیز ما با مسائلی نظیر چگونه استفاده کردن از نقاط
ضعف و یا ایجاد آنها، حفظ و یا بسط برتریهای به دست آمده از مرحله
گشایش، کسب امکانات تهاجمی و یا در صورت ضعف محکم کردن مواضع و
جستجوی راههای برای حمله متقابل روبروئیم و اما مسائل اول بازی عبارتند از
چگونگی گستردن سوارها و تسخیر مرکز .

درگیری اصلی در تمامی گشایشها بر سر به دست آوردن بهترین خانهها
برای استقرار سوارها می باشد و سفید این مهم را معمولاً " با ایده ایجاد
یک ساختمان پیادهای مستحکم در مرکز و حفظ ابتکار عمل انجام می دهد
و متقابلاً " سیاه در جهت تساوی و ایجاد تعادل می کوشد و یا مایل است
که با آفریدن موقعیتهای پیچیده و دشوار از رفتن به راههای دلخواه سفید
بپرهیزد و کتاب حاضر، نگاهی دارد به نتایج و ماحصل چنین تلاشهایی
که در سه جلد تقدیم علاقمندان می گردد . در جلد اول (کتاب حاضر) نگاهی
خواهیم داشت به ادامه های که پس از 1.e4 ممکن می گردند . و در دومین
جلد به بررسی واریانتهای خواهیم پرداخت که پس از 1.d4 به وجود
می آیند و سومین جلد در مورد گشایشهایی است که در آنها سفید حرکتی
غیر از 1.e4 و یا 1.d4 را انجام می دهد . همانطور که در متن اصلی و نمودار
ابتدای کتاب آمده سیاه در مقابل 1.e4 سفید ، امکانات گوناگونی را در
اختیار دارد که عبارتند از 1...e5, 1...d5, 1...c5, 1...d6,
1...e6, 1...c6, 1...g6, 1...b6, 1...f6, 1...c6,
که انجام هریک از این حرکات از سوی سیاه ، اسگلت و استخوانبندی اولیه
پوزیسیونهای بعدی را از نقطه نظر ساختمان پیادهای پی ریزی می کند .
مثلاً " پاسخ 1...e5 به حرکت 1.e4 غالباً " منجر به پوزیسیونهای باز
می گردد و پاسخهای دیگر وضعیتهای بالنسبه بسته تری را به وجود می آورد
و به شروع بازیهای نیمه باز معروفند که با مطالعه دقیق و صبورانه متن با
کم و کیف آنها آشنا خواهید شد .

در خاتمه این مقدمه مختصر لازم می بینم تا بدینوسیله از تلاشهای
فداکارانه همسرم فرزانه و دوست خویم آقای محمود پایداراریان که در
تدوین مطالب این کتاب یاری رسان من بودند قدردانی کنم .

- ۲۱ کشایش روی لویز
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5
- ۲۴ دفاع کلاسیک
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 Fc5
- ۲۵ واریانت کوردل
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 Fc5 4.c3 f5
- ۳۱ دفاع برلین
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 Cf6
- ۳۲ دام تاراش
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 Cf6 4.0-0 Fe7 5.Cc3 d6
6.d4 Fd7 7.Te1 0-0 8.Fxc
- ۳۶ دفاع چیگورین
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 f5
- ۳۹ واریانت بانیک
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 f5 4.Cc3 Pxp 5.Cc3xPd5
6.Cg3
- ۴۲ دفاع اشتاینیتز
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 d6

- ۴۵ دفاع کوزیو
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 Cg-e7
- ۴۷ واریانت تعویضی
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 a6 4.Fxc6
- ۵۳ واریانتهای غیرتعویضی
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 a6 4.Fa4
- ۵۵ دفاع معوقه اشتاینیتز
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 a6 4.Fa4 d6
- ۵۷ دفاع معوقه برلین
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 a6 4.Fa4 Cf6
- ۶۲ واریانت بسته لویز
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 a6 4.Fa4 Cf6 5.0-0 Fe7
- ۷۰ واریانت برهیر
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 a6 4.Fa4 Cf6 5.0-0 Fe7
- ۷۲ واریانت باز
 6.Tf-e1 b5 7.Fb3 d6 8.c3 0-0 9.Cb8
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 a6 4.Fa4 Cf6 5.0-0 Cf6xe4
- ۷۳ واریانت ریگا
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 a6 4.Fa4 Cf6
 5.0-0 Cf6xe4 6.d4 e5xd4
- ۷۵ واریانت کرس
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 a6 4.Fa4 Cf6 5.0-0 Cf6xe4
 6.d4 b5 7.Fb3 d5 8.d4xe5 Fe6 9.De2
- ۸۵ گشایشهای که در آنها سفید 3.Fc4 را انجام می دهد
- ۸۷ گشایش ایتالیائی
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Fc5

- ۸۸ ژیکو پیانو
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Fc5 4.c3
- ۹۰ واریانت کراکف
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Fc5 4.c3 Cf6 5.d4 Pxp
 6.Pxp Fb4+ 7.Rh1
- ۹۳ حمله مولر
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Fc5 4.c3 Cf6 5.d4 Pxp
 6.Pxp Fb4+ 7.Cc3 Cxe4 8.0-0
- ۱۰۰ واریانت d3
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Fc5 4.d3
- ۱۰۵ گامبی اوانس
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Fc5 4.b4
- ۱۰۶ گامبی اوانس پذیرفته شده
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Fc5 4.b4 Fxp
- ۱۱۲ گامبی اوانس رد شده
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Fc5 4.b4 Fb6
- ۱۱۵ دفاع دو اسب
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Ct6
- ۱۱۷ حمله ماکس لانگ
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 f6 4.d4 Pxp 5.0-0 Fc5
 6.e5 d5 7.Pxc
- ۱۲۰ واریانت فگاتلو فگاتلو
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Cf6 4.Cg5 d5 5.Pxp Cxp
 6.Cxf7
- ۱۲۵ دفاع مجار
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Fe7

- ۱۲۷ گشایش اسکا تلندی
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.d4 PXP
- ۱۲۸ بازی اسکا تلندی
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.d4 PXP 4.CXP
- ۱۳۲ گامبی اسکا تلندی
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.d4 PXP 4.Fc4
- ۱۳۳ گامبی گورینگ
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.d4 PXP 4.c3
- ۱۳۵ گشایش سه اسب
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Cc3
- ۱۳۷ گشایش چهار اسب
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Cc3 Cf6
- ۱۳۸ چهار اسب اسکا تلندی
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Cc3 Cf6 4.d4
- ۱۴۰ گامبی بلگراد
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Cc3 Cf6 4.d4 PXP 5.Cd5
- ۱۴۱ گامبی بلگراد پذیرفته شده
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Cc3 Cf6 4.d4 PXP 5.Cd5 cxe4
- ۱۴۱ گامبی بلگراد رد شده
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Cc3 Cf6 4.d4 PXP 5.Cd5 Fe7
- ۱۴۲ چهار اسب لویز
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Cc3 Cf6 4.Fb5
- ۱۴۲ واریانت روبین اشتاین
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Cc3 Cf6 4.Fb5 Cd5
- ۱۴۴ واریانت تقارنی
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Cc3 Cf6 4.Fb5 Fb4

- ۱۴۹ گشایش پونزیانی
1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.c3
- ۱۵۵ دفاع فیلیدر
1.e4 e5 2.Cf3 d6
- ۱۵۹ گامبی دامیانو
1.e4 e5 2.Cf3 f6
- ۱۶۱ گامبی پیاده وزیر
1.e4 e5 2.Cf3 d5
- ۱۶۳ گامبی لیتوانی
1.e4 e5 2.Cf3 f5
- ۱۶۵ دفاع پطروف
1.e4 e5 2.Cf3 Cf6
- ۱۷۳ مجموعه گشایشهایی که سفید در آنها حرکتی غیر از 2.Cf3 را انجام می دهد
- ۱۷۵ گشایش مرکزی
1.e4 e5 2.d4
- ۱۷۵ بازی مرکز
1.e4 e5 2.d4 PxpP 3.DxxP
- ۱۷۶ گامبی مرکز
1.e4 e5 2.d4 PxpP 3.Fc4
- ۱۷۷ گامبی دانمارکی
1.e4 e5 2.d4 PxpP 3.c3
- ۱۷۹ گامبی شاه
1.e4 e5 2.f4
- ۱۸۰ گامبی شاه پذیرفته شده
1.e4 e5 2.f4 PxpP
- ۱۸۰ واریانت اسب
1.e4 e5 2.f4 PxpP 3.Cf3

- ۱۸۶ واریانت فیل
1.e4 e5 2.f4 Pxp 3.Fc4
- ۱۸۸ گامبی شاه رد شده
1.e4 e5 2.f4 Fc5
- ۱۹۱ ضدگامبی فالکبر
1.e4 e5 2.f4 d5
- ۱۹۵ کشایش وینی
1.e4 e5 2.Cc3
- ۱۹۶ واریانت فیل وینی
1.e4 e5 2.Cc3 Cf6 3.Fc4
- ۲۰۴ گامبی وینی
1.e4 e5 2.Cc3 Cf6 3.f4
- ۲۱۵ کشایش فیل
1.e4 e5 2.Fc4
- ۲۱۷ مجموعه دفاعهای که در آنها سیاه حرکتی غیر از e5... را انجام می دهد.
- ۲۱۹ دفاع اسکاندیناوی
1.e4 d5
- ۲۲۳ دفاع سیسیلی
1.e4 c5
- ۲۲۶ گامبی مورای
1.e4 c5 2.d4
- ۲۲۷ واریانت آلاپین
1.e4 c5 2.c3
- ۱۲۳۰ گامبی سیسیلی
1.e4 c5 2.b4

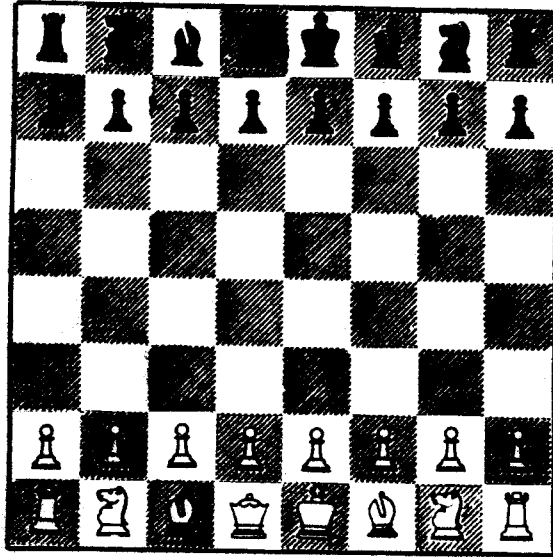
- ۲۳۰ سیسیلی بسته
1.e4 c5 2.Cc3
- ۲۳۱ شاخه اصلی
1.e4 c5 2.Cf3
- ۲۳۲ واریانت دراگون
1.e4 c5 2.Cf3 g6
- ۲۳۴ لوپز سیسیلی
1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 Fb5+
- ۲۳۵ گامبی معوقه سیسیلی
1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 b4
- ۲۳۷ دراگون تعویقی
1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 PxpP 4.CxpP Cf6 5.Cc3 g6
- ۲۳۷ حمله استکهلم
1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 PxpP 4.CxpP Cf6 5.Cc3 g6 6.Fe2
- ۲۴۱ حمله یوگسلاو
1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 PxpP 4.CxpP Cf6
5.Cc3 g6 6.Fe2
- ۲۴۸ حمله لونفیش
1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 PxpP 4.CxpP Cf6
5.Cc3 g6 6.f4
- ۲۵۰ واریانت نایدروف
1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 PxpP 4.CxpP Cf6 5.Cc3 a6
- ۲۵۹ حمله راتورز
1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 PxpP 4.CxpP Cf6 5.Cc3 a6 6.Fg5
- ۲۶۶ واریانت گوتبرگ
1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 PxpP 4.CxpP Cf6 5.Cc3 a6
6.Fg5 e6 7.f4 8.Df3 h6 9.Fh4 g5
- ۲۶۹ واریانت شونینگن
1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.a4 PxpP 4.CxpP Cf6 5.Cc3 e6

- ۲۷۱ سیسیلی چهار اسب
1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 Pxp 4.Cxp Cf6 5.Cc3 Cc6
- ۲۷۲ واریانت ریختر
1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 Pxp 4.Cxp Cf6 5.Cc3 Cc6 6.Fg5
- ۲۸۰ واریانت سوزین
1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 Pxp 4.Cxp Cf6 5.Cc3 Cc6 6.Fc4
- ۲۸۲ حمله سوزین
1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 Pxp 4.Cxp Cf6 5.Cc3 Cc6
6.Fc4 e6 7.Fb3
- ۲۸۵ حمله ولیمیریویچ
1.e4 c5 2.Cf3 Cc6
- ۲۹۱ واریانت بولسلاوسکی
1.e4 c5 2.Cf3 d8 3.d4 Pxp Cf6 5.Cc3 Cc6 6.Fe2 e5
- ۲۹۴ سیسیلی ارتدکس
1.e4 c5 2.Cf3 Cc6
- ۲۹۶ دراگون پیش افتاده
1.e4 c5 2.Cf3 Cc6 3.d4 Pxp 4.Cxp g6
- ۲۹۸ واریانت تایمانوف
1.e4 c5 2.Cf3 Cc6 3.d4 Pxp e6
- ۳۰۱ حمله سیسیلی
1.e4 c5 2.Cf3 Cc6 3.d4 pxxP 4.Cxp Cf6 5.Cc3 Fb4
- ۳۰۲ واریانت پائولسن
1.e4 c5 2.Cf3 Cc6 3.d4 Pxp 4.Cxp a6 5.Fd3
- ۳۰۵ واریانت کان
1.e4 c5 2.Cf3 Cc6 3.d4 Pxp 4.Cxp a6 5.Cc3
- ۳۰۵ واریانت روبین اشتاین در دفاع سیسیلی
1.e4 c5 2.Cf3 Cf6

۳۰۷	1.e4 c6	دفاع کاروگان
۳۰۸	1.e4 c6 2.Cc3	واریانت دواسب کاروگان
۳۱۲	1.e4 c6 2.d4	واریانت اصلی کاروگان
۳۱۶	1.e4 c6 2.d4 d5 3.e4xd5 c6xd5 4.c4	حمله پانو
۳۲۷	1.e4 e6	دفاع فرانسه
۳۳۰	1.e4 e6 2.De2	واریانت چیگورین
۳۳۰	1.e4 e6 2.d3	حمله شاه هندی
۳۳۴	1.e4 e6 2.d4 d5 3.e4xd5	واریانت تعویضی فرانسه
۳۳۵	1.e4 e6 2.d4 d5 3.e5	واریانت ادوانس
۳۳۷	1.e4 e6 2.d4 d5 3.Cd2	واریانت تاراش
۳۳۷	1.e4 e6 2.d4 d5 3.Cd2 Cc6	واریانت گیمارد
۳۳۸	1.e4 e6 2.d4 d5 3.Cd2 Cf6	تاراش بسته
۳۳۹	1.e4 e6 2.d4 d5 3.Cd2 Cf6 4.e5 Cf-d7 5.Fd3 c5 6.c3 Cc6 7.Cf3	واریانت تریفونویچ

- ۳۴۰ تاراش باز
1.e4 e6 2.d4 d5 3.Cd2 c5
- ۳۴۲ واریانت روبین اشتاین در دفاع فرانسه
1.e4 e6 2.d4 d5 3.Cd2 Pxp
- ۳۴۳ واریانت اصلی فرانسه
1.e4 e6 2.d4 d5 3.Cc3 Cf6
- ۳۴۴ واریانت بیورن
1.e4 e6 2.d4 d5 3.Cc3 Cf6 4.Fg5 Pxp
- ۳۴۵ واریانت کلاسیک
1.e4 e6 2.d4 d5 3.Cc3 Cf6 4.Fg6 Fe7
- ۳۴۵ خط اصلی واریانت کلاسیک
1.e4 e6 2.d4 d5 3.Cc3 Cf6 4.Fg5 Fe7 5.e5 Cf-d7
6.FxF
- ۳۴۸ حمله شاتار
1.e4 e6 2.d4 d5 3.Cc3 Cf6 4.Fg5 Fe7 5.e5 Cf-d7 6.h6
- ۳۵۰ واریانت مگکیوتشن
1.e4 e6 2.d4 d5 3.Cc3 Cf6 4.Fg5 Fb4
- ۳۵۲ واریانت ویناور
1.e4 e6 2.d4 d5 3.Cc3 Fb4
- ۳۶۹ دفاع بیرک
1.e4 d6
- ۳۷۱ حمله اتریشی
1.e4 d6 2.d4 Cf6 3.Cc3 g6 4.f4
- ۳۷۷ واریانت بیرن
1.e4 d6 2.d4 Cf6 3.Cc3 g6 4.Fg5
- ۳۸۰ واریانت 4.Cf3
1.e4 d6 2.d4 Cf6 3.Cc3 g6 4.Cf3

۳۸۱	1.e4 g6	دفاع مدرن پیرک
۳۸۵	1.e4 b6	دفاع فیل وزیر
۳۸۷	1.e4 Cf6	دفاع آلخین
۳۹۷	1.e4 Cc6	دفاع نیمزویج (پیاده شاه)
۴۰۱		مروری بر گشایشها
۴۱۷'		فهرست منابع و بازیهای جلد اول
۴۳۷		معرفی گشایشها و واریانتهای که در جلد دوم مورد بررسی قرار گرفتهاند.



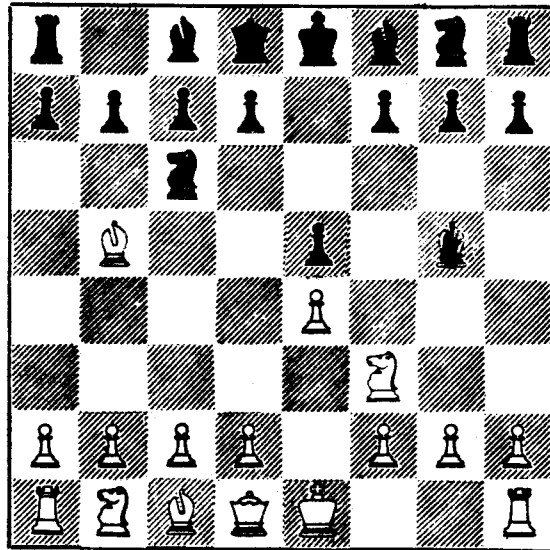
شاه R
 وزیر D
 رخ T
 فیل F
 اسب C
 پیاده P

+
 ≠
 ++
 !
 !!
 ?
 ??
 !?
 ?!
 =

کیش
 مات
 کیش دوپل
 حرکت خوب
 حرکت خیلی خوب
 حرکت بد
 حرکت خیلی بد
 حرکت جالب، مشکوک به خوب بودن
 حرکت مشکوک به بد بودن
 مساوی

روی لویز (The Ruy Lopez)

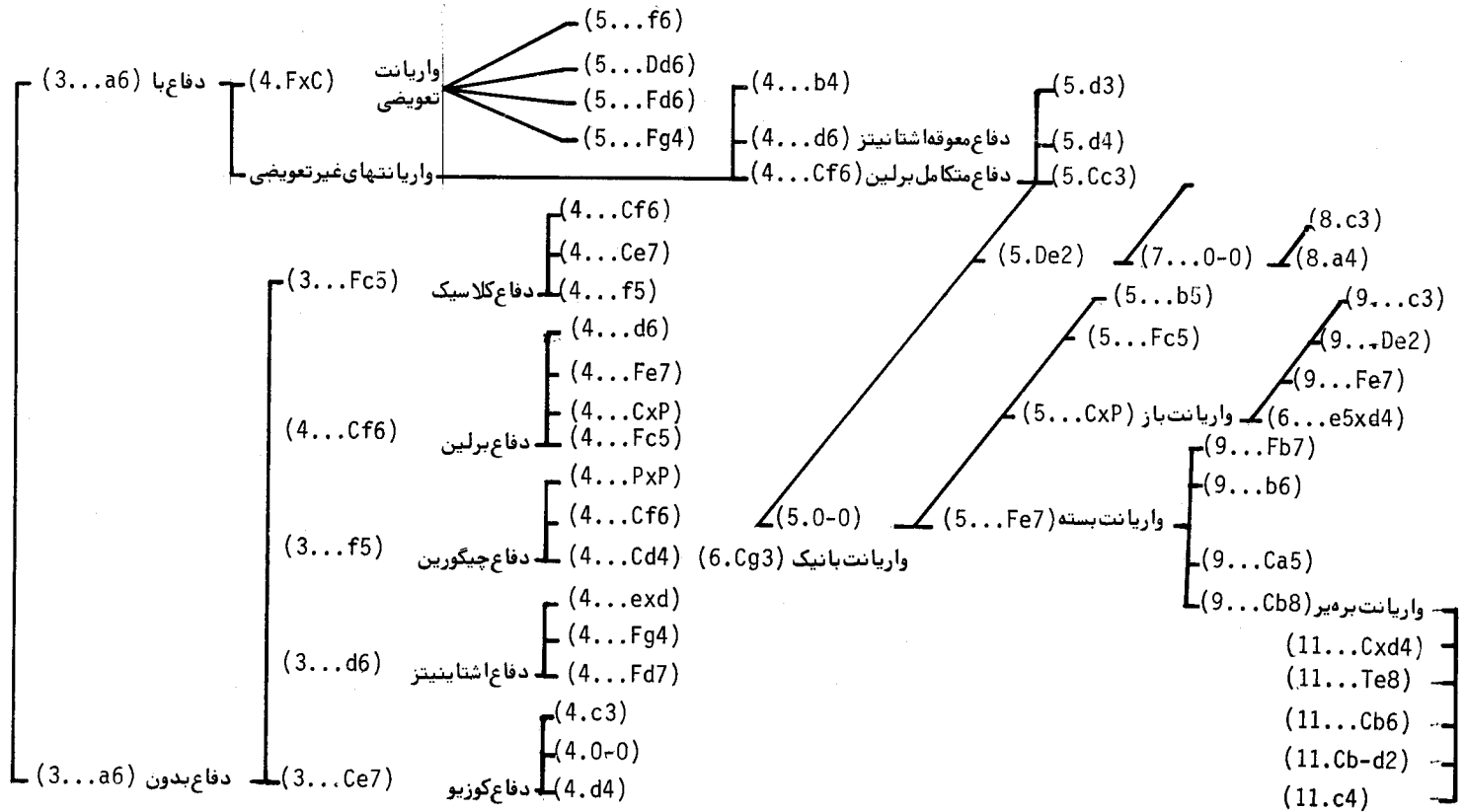
(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5)



در بین بازیهایی که هر دو طرف بازی را با قدم مضاعف پیاده آغاز می کنند روی لویز یا به عبارت دیگر "گشایش اسپانیایی" از منطقی ترین و در ضمن پیچیده ترین گشایشهاست . در این نوع گشایش بسیار قدیمی که سابقه اش به ۱۴۰۰ میلادی می رسد ، سفید ضمن گسترش

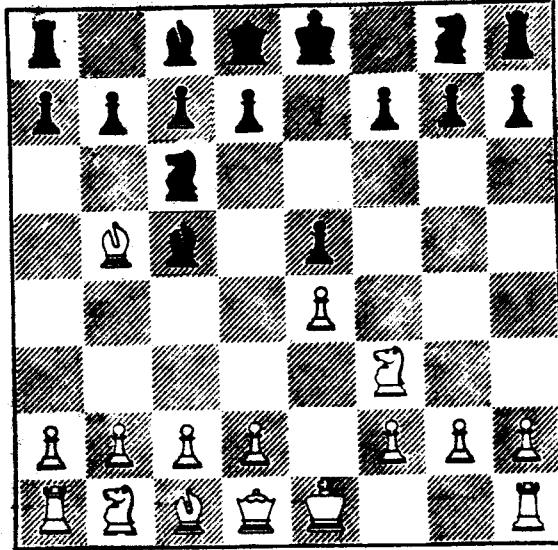
فیل به‌خانه b5، اسب c6 را تحت فشار قرار داده و پیاده f4 را تهدید و مرکز سیاه را متزلزل می‌سازد. قهرمانان و اساتید بزرگ شطرنج راههای دفاعی متنوع و گوناگونی را برای سیاه پیشنهاد کرده و می‌کنند ولی آنچه که امروزه بعد از سالیانتمادی و پس از بررسیهای فراوان مشخص شده این است که سیاه بدون انجام حرکت a6...3 ندرتا" موفق به برقرار ساختن تعادل می‌گردد، از اینرو در دوران ما حرکت a6...3 جزء لاینفک روی لویز گشته و در اکثر قریب به اتفاق بازیهای که با این شیوه شروع می‌گردند در مقام سومین حرکت سیاه به‌چشم می‌خورد. همانطور که خواهید دید این حرکت به سیاه امکان می‌دهد تا در موقع مقتضی با انجام b5 و سپس c5 فیل قدرتمند سفید را با اسب خود معاوضه نموده و ضمن کاستن فشار سفید بر جناح شاه و مرکز با راندن پیاده c دست به اقدامات متقابلی در جناح وزیر بزند که شما با بررسی واریانتهای گوناگون این شروع بازی که در پی این مقدمه مختصر خواهد آمد با کم و کیف این ایده و ایده‌های دیگر آشنا خواهید شد.

* * * *



دفاع کلاسیک (Classical Defence)

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 Fc5)



3...Fc5

این حرکت مشخص‌کننده دفاع کلاسیک می‌باشد که از قدیمی‌ترین واریانتهای گشایش اسپانیایی - ویا لویز است.

4.c3

این حرکت به منظور 5...d4 و فرار فیل به c2 انجام می‌شود. اوانس - فیشر (بوئنوس آیرس ۱۹۶۰) اینطور دنبال کردند:

(4.0-0 Cg-e7 5.c3 Fb6 6.d4 exd 7.cxd d5 8.exd CxP

9.Te1+ Fe6) (با وضعیتی برابر

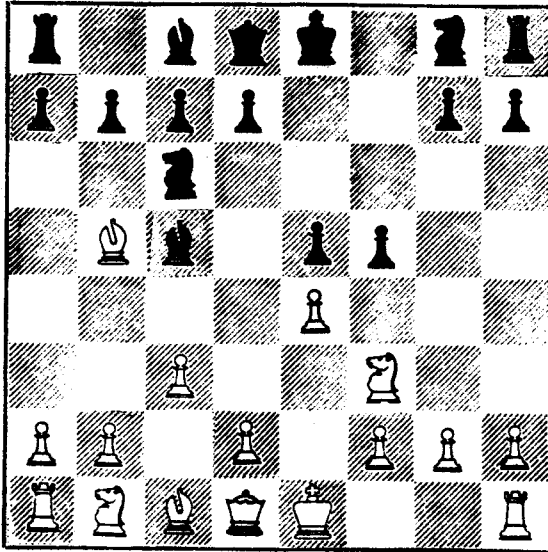
در مقابل حرکت متن سیاه سه راه زیر را پیش رو دارد:

I) 4...f5 واریانت کوردل

II) 4...Cf6

III) 4...Cg-e7

4...f5



قرنها این حرکت مبهم تلقی می‌شد و آخر و عاقبتی روشن نداشت ولیکن در سال ۱۹۶۲ کاوالک در یکی از بازیهای خود در برابر گوفلد این واریانت را برگزید و بسیاری از ابهامات را برطرف ساخت. وی توانست با استفاده از این واریانت بازی را اداره نموده و نتیجه درخشانی بدست آورد:

گوفلد - کاوالک (چکسلواکی ۱۹۶۲)

4...f5 5.d4 fxe 6.Cg5

در سال ۱۹۴۶ اسمسیلوف در مقابل ویدمار حرکت 6.Fxc را انجام داد که به مراتب بهتر از حرکت متن است:

(6.FxC dx f 7.CxP Fd6 8.Dh5+)

بعدها اونزیکر به جای 8.Dh5+ حرکت بهتر 8.0-0 را پیشنهاد داد. البته اسمسیلوف می‌توانست در حرکت هفتم چنین کند:

7.Cd2 Fd6(7...Dd5 8.PxF DXP 9.Dh5+ بهتر 8.dxc e3

9.fxe(7.Ce4?!))9...Fc5

حرکت $Dh4+$... 9 اشتباه محض است چرا که در آن صورت فیل سیاه از دست خواهد رفت .
 $10.Dh5+ g6$ $11.Df3$

(با تهدید $12.0-0$)

اینک به حرکت متن ($6.Cg5$) باز می‌گردیم ، در همان سال (۱۹۶۲) گی ترمن در مقابل واسوکف در مسابقات فهرمانی شوروی همین حرکت متن را انجام داده بود و بر اثر اشتباه واسوکف نتیجه خوبی گرفت . ادامه آن بازی به قرار زیر بود .

(و سیاه تسلیم شد $8.Ce6$ $7.Pxp$ $7.Fe7$... 6)

منتهی کاوالک در مقابل $6.Cg5$ چنین ادامه داد :

$6...Fb6$ $7.d5$ $e3$!

به نظر می‌رسد که سیاه می‌بایست حرکت $Cc-e7$ را انجام دهد و لیکن این حرکت باعث از دست رفتن وزیر توسط $8.Ce6$ می‌شود و در ثانی از آنجائی که حرکت $7.d5$ برای گرفتن اسب و یا وزیر بازی شده ، حرکت $7...e3$ جواب بسیار خوب و مناسبی است . چرا که Pxc سفید پاسخ Dxc را به دنبال خواهد داشت . و اگر سفید درصد نابود کردن $e3$ توسط فیل خود برآید سیاه به وسیله Fxf مجدداً "اسب سفید را بلا دفاع خواهد کرد .
 $8.Ce4$ $Dh4$! !

سیاه ضمن گسترش به اسب حمله نموده و از رهگذر آچمز گرفتن $f2$ مقدمات تبدیل پیاده را فراهم می‌آورد .

$9.Df3$ $Cf6$!

$9...PxP+$ $10.CxP$ $11.DxD$ $FxD+$ $12.RxD$ $Cc-e7$

ادامه

نیز به برتری سیاه می‌انجامید

$10.CxC+$ PxC $11.PxC$ $PxP+$ $12.Rd1$ dxc

این حرکت از این جهت خوب است : ۱- تهدید $Fg5$ و آچمز گرفتن وزیر ۲- $Td8$ و ۳- PxF و اگر چنانچه سفید در مقابل این حرکت به خیال $Dxp+$ یا فیل خود پیاده $e6$ را معدوم سازد اشتباه بازی کرده ، چرا که سیاه به جای گرفتن فیل با پیاده اسب خود ، شاه را به $f8$ می‌راند .

($13.FxP+$ $Rf8$!)

$13.Fe2$ $Fe6$

این حرکت ضمن گسترش ، تهدید $0-0-0$ را به همراه دارد ، البته ادامه زیر هم خوب است :

(13.Tg8 14.g3 Fg4 15.PxD FxD 16.FxF)

14.Dh5+ DxD 15.FxD+ Re7 16.b3

با تهدید 17.Fa3+، که سیاه را مجبور می‌کند از ستون آزاد d برای نظارت رخ‌ها صرف‌نظر کرده و با 17...c5 پیاده پیشرفته خود را ناتوان سازد.

18.Fg4+ f5 19.Fh3 Th-g4 20.Cd2 Fxg2 21.FxF TxF 22.Tf1

سفید نمی‌تواند فیل سیاه را بگیرد چرا که با ادامه

(22.Cc4 Tg1+ 23.Re2 Ta-g8 24.CxF? TxTh 25.TxT)

مواجه خواهد شد.

22...Td6 23.Re2 Txc+!!

این قربانی تفاوت باعث حفظ فیل سیاه از تعویض گردیده و امکانات موثری برای عملیات در مرکز را در اختیار سیاه قرار می‌دهد. پیشروی پیاده‌های مرکزی سیاه در حال حاضر بی‌موقع و ناصواب است.

24.RxT e4 25.Ff8 f4 26.b4 Tg5!.

با تهدید کیش در خانه d5 و جدا ساختن شاه سفید از جناح خود و اگر چنانچه شاه سفید به e2 رود با کیش پیاده d4 مات خواهد شد.

27.Fc5 TxF!!! 28.PxT FxP 29.a-b1 f3

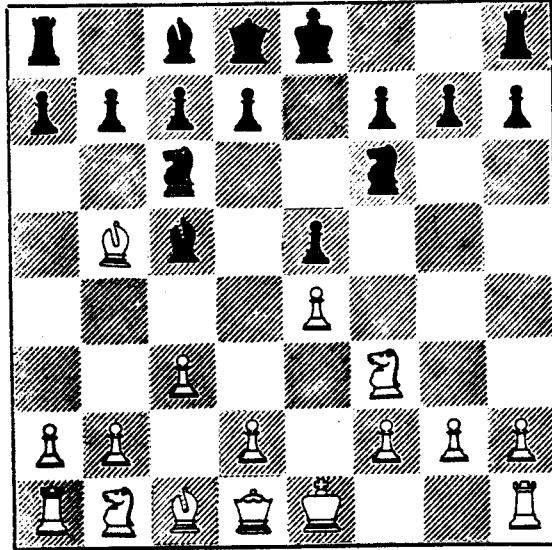
حرکت 30...e3 به وسیله حرکت 31.Re2 بی‌اثر می‌گشت.

30.Tb4 Rf5 31.Td4 FxT 32.PxF Rf4 33.TxP e3+ 34.Re1 PxT+

و سفید تسلیم شد.

* * * *

II) 4... Cf6



4... Cf6 5. d4

5... exd (5... Fb6) در پاسخ به این حرکت برای سیاه دو ادامه ممکن است
 تال - وانگت ۱۹۶۸ چنین ادامه دادند:

5... Fb6 6. De2

اونزیکر در برابر فیشر (لایبزیگ ۱۹۶۰) چنین ادامه‌ای را برگزید:

(6. 0-0, 0-0 7. Te1 exd 8. cxd d5 9. e5 Ce4 با وضعیتی برابر)

6... PxP 7. e5 0-0 8. PxP (Pxc? Te8) 8... Te8 9. Fe3 Cd5

10. Cc3 CxF 11. PxC

تهیه مقدمات برای نظارت رخ برستون f

11... d5 12. 0-0 Fg4 13. Df2 Fh5 14. Fa4

با برتری سفید و امکان حمله در جناح شاه اگر چنانچه سیاه حرکت 5... exd را انجام دهد که
 فیشر در برابر گلیگوریچ (بوئنوس آیرس ۱۹۶۰) انجام داد ممکن است بازی چنین ادامه یابد:

5... exd 6. e5 Ce4 7. 0-0 d5 8. Cxd4 0-0 9. f3 Cg5

10. Fxc6 bxf

با وضعیتی برابر

اما یکسال بعد یعنی سال ۱۹۶۱ استین و اسپاسکی به شکلی دیگر ادامه دادند ، اختلاف این بازی با بازی که آمد از حرکت هشتم سفید آغاز می شود . استین در حرکت هشتم چنین کرد :

8. exd ep (8. Dd3 Ff5 با برتری سیاه)

8... 0-0 (8... CxP 9. FxC+ PxF 10. Fg5 Dd7 یا Df6 11. Te1+)

با برتری سفید

9. dxc Df6 ! 10. FxC PxF 11. PxP Fd6? 12. Te1 Ff5 13. Cc3 Tf-e1
14. CxC FxC 15. Fg5 !.

اما حرکت 11... Fb6 به جای Fd6? می توانست طی ادامه

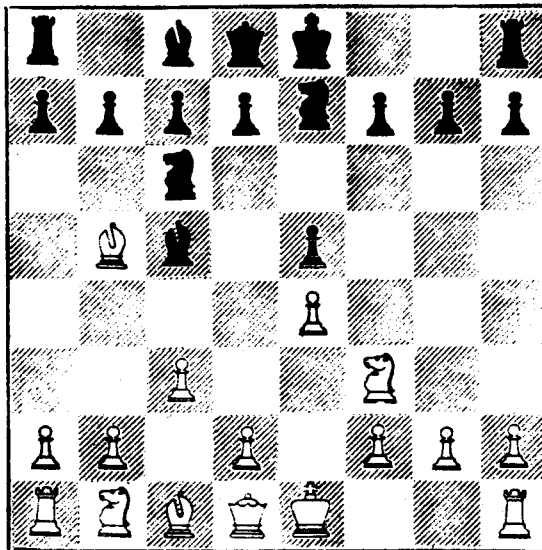
(12. Te1 Ff5 13. Cc3 Tf-e1 14. CxC FxC 15. Fg5! Dd6!

16. Fd8 Fxc7)

اوضاع را متعادل سازد .

* * * *

III) 4... Cg-e7



4...Cg-e7

حال سفید می تواند یکی از دوراه 5.0-0 و یا 5.d4 را برگزیند :
در صورت 5.0-0 :

5.0-0

شالتن در مقابل جی آرنیومن (برلن ۱۸۶۵) در مقابل این حرکت به قلعه رفت و بازی چنین ادامه یافت .

5...0-0 6.d4 Pxp 7.Pxp Fb6 8.d5 Cb8 9.d6 Cg6 10.e5 Cc6
11.Te1 Te8 12.Fg5 f6 13.Fc4+ Rh8
(و مات 13...Rf8 14.exp gxp 15.Fh6+ ر مات)

14.exf TxT+ 15.DxT gxp 16.De8+!!

و سیاه تسلیم شد زیرا پس از گرفتن وزیر با Fxp مات خواهد شد .

اما آئی تسینکف در مقابل نی (مینسک ۱۹۶۲) چنین ادامه ای را برگزید :

5...Fb6 6.d4 PxP 7.PxP d5 8.PxP CxP 9.Te1+ Fe6 10.a4 a6
11.FxC PxP 12.Fg5 Dd6 13.Cb-d2 0-0 14.Cc4 با برتری سفید
در صورت 5.d4 :

نال - فیشر (کورا کاو ۱۹۶۲) تفسیر از فیشر

5.d4 PxP 6.PxP Fb4+ 7.Fd2 FxF+ 8.FxF a6 9.Fa4 d5
10.PxP DxP 11.Cc3 De6+ 12.Rf1 Dc4+ 13.Rg1 0-0 14.d5 Ca7

آلخین - بوگولیووف (پترزبورگ ۱۹۱۴) چنین ادامه دادند :

14...Td8? 15.De1! Fg4 16.Fb3 Df4 17.Pxc Fxc 18.Dxc Fxc6

و بنا به نظر آلخین سفید پس از 19.Ce2 و سپس Cg3 با توجه به پیش افتادن یک سوار باری را به راحتی می برد .

15.Te1 Cf5 16.h3 Cb5 17.CxC PxP 18.Fb3 Dc5 19.Tc1 Dd6
20.Dc3 Fd7!

اکنون پیاده c7 غیر مستقیم دفاع شده است . چرا که در صورت 21.Dxc7 Tc8 سفید خواهد باخت .

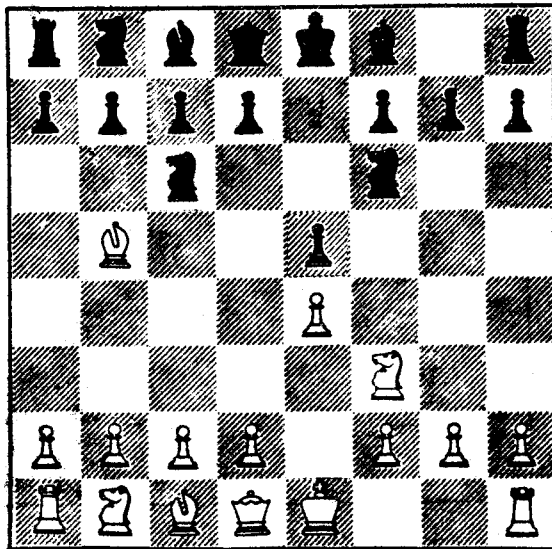
21.g4 Cg3! 22.PxC DxP+ 23.Rf1 f5 24.g5 f4 25.d6+ Rh1
26.PxP (26.Ce5 f3) 26...Ta-c8 27.Dd4 FxP+ 28.TxF DxT+
29.Rf2!

پس از این حرکت طرفین به تساوی رضایت دادند :

* * * *

دفاع برلین (Berlin Defence)

(1. e4, e5 2. Cf3 Cc6 3. Fb5 Cf6)



3...Cf6

سیاه با حرکت اخیر خود نشان می‌دهد که دفاع برلین را برگزیده. سیاه با حمله متقابل به e4 درصدد خنثی ساختن حمله اسب سفید برمی‌آید و قویترین جواب سفید به این حرکت به قلعه رفتن است تا ضمن تامین شاه و گسترش رخ مجدداً " بر پیاده e5 سیاه فشار آورد .

4.0-0

سیاه برای مقابله با این فشار جدید، چهار امکان زیر را در اختیار دارد :

I) 4...d6

III) 4...CxP

II) 4...Fe7

IV) 4...Fc5

امکان اول d6...4

4...d6 5.d4 Fd7

نیمزویج درمقابل یکی از رقبای خود که به جای حرکت متن 5...Cxp را برگزیده بود به شکل زیر بازی را سریعاً "به نفع خود پایان داد .

(5...Cxp 6.d5 a6 7.Fd3 Cf6?)

اگر سیاه در اینجا 7...Ce7 می نمود ضمن نجات دادن سوار خود، شاید می توانست باری را هم نجات دهد، ببینید :

(7...Ce7 8.Fxc f5 9.Fd3 e4 10.Te1 Pxc 11.Dxp)

اما به هر حال نیمزویج با استفاده از اشتباه بعدی سیاه بازی را به نحو زیر به پایان برد .

8.Pxc e4 9.Te1 Pxp 10.Fe2 Pxc 11.Fxp+

و سیاه تسلیم شد .

6.Cc3

سفید با این حرکت ضمن گسترش، از فیل و پیاده e4 و همینطور به نحو غیر مستقیم از d4 حمایت می کند .

6...PxP 7.CxP Fe7 8.Fc4 !

ساندور با مهره سیاه درمقابل خولموف (بخارست ۱۹۵۴) به این حرکت چنین پاسخ گفت :

8...CxC 9.dxC 0-0 10.Ta-d1 FxF 11.CxF a6 12.Cc3

با برتری سفید

"امکان دوم 4...Fe7"

4...Fe7 5.Cc3 d6

این حرکت منجر به دفاعی خواهد شد که ما به جای خود تحت عنوان دفاع اشتاینیتز به معرفی آن خواهیم پرداخت و در اینجا اشاره ای کوتاه در جنبه های دیگر به آن خواهیم کرد .

6.d4 Fd7 7.Te1

اینک پوزیسیون سفید بهتر است، حرکت a6 و یا Pxp می تواند تا حدودی سیاه را قادر به دفاع سارد و لیکن حرکت به نظر طبیعی 7...0-0 سیاه را در دامی خواهد انداخت که به تاراش معروف است . دکتر تاراش خود در سال ۱۸۹۲ در مسابقات قهرمانی درسدن این دام را علیه مارکو بکاربرد آنان چنین ادامه دادند :

(7...0-0 8.FxC FxF 9.PxP PxP 10.Dxd TaxD)

اگر چنانچه سیاه با رخ دیگرش اقدام به گرفتن وزیر می نمود، آنگاه :

(11.Cxp Fxp 12.CxF CxC 13.Cd3 f5 14.f3 Fd5+ 15.Rf1 Tf8

16.Re2 Fb6 17.PxC PxP 18.Cf4 g5 19.Ch3) (و سفید می برد

11.Cxp Fxp 12.CxF CxC 13.Cd3 f5 14.f3 Fc5+ 15.CxF CxC

16.Fg5 Td5 17.Fe7 Te1 18.c4 و سفید در تعویض نفع می کند

در این واریانت که ما آن را به عنوان امکان دوم در دفاع برلین طرح کردیم ، اگر

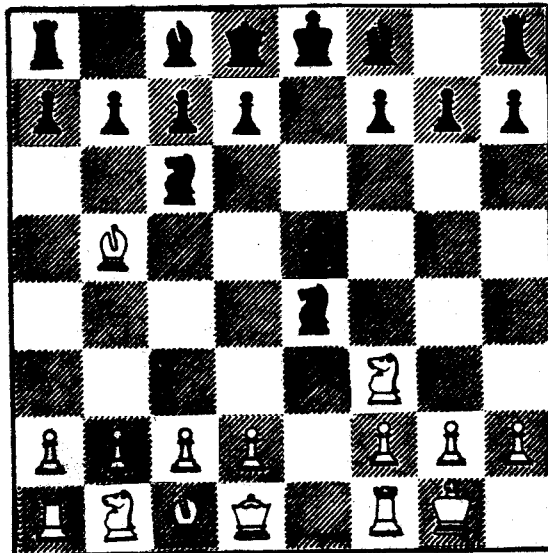
چنانچه سیاه در حرکت هفتم خود در مقابل 7.Te1, 7...PxP را انجام دهد ، بازی به

شکل همان واریانت 4...d6 درخواهد آمد که در آن صورت نیز سفید از امکانات بهتری

برخوردار خواهد بود .

* * * *

" امکان سوم 4...CxP "



4...CxP

این حرکت قویترین حرکت سیاه و معمولترین آن در دفاع برلین است . سفید در جواب

می تواند یکی از دو حرکت 5.d4 و یا 5.Te1 را انجام دهد .

در صورت 4.d4

4.d4

اگر سیاه در جواب این حرکت 5...a6 کند سفید پس از

6.Fd3 d5 7.c4 exd? 8.Pxp Dxp 9.FxC Dxf 10.Te1

برتری می جوید. سانگینتی درمقابل اسپاسکی (۱۹۵۸) ادامه دیگری را برگزید و ظرف بیست و دو حرکت مجبور به تسلیم شد او چنین ادامه داد:

5...Cd6 6.Pxp CxF 7.a4 cb-d4 8.Cxc CxC 9.DxC

و سفید ضمن پس گرفتن سوار موقعیتی عالی بدست آورد.

5...d5 6.Cxp Fd7 7.Cxp! Rxc 8.Dh5+

ادامه

نیز امکان حمله‌ای نیرومند را برای سفید مهیا می سازد.

5...Fe7

این حرکتی است که سیاه می تواند به آن دل خوش دارد.

6.De2

(6.Te1 Cd6 7.PxP Cxd5 8.a4 d6 !)

ادامه‌های:

یا (6.Te1 Cd6 7.FxC dxF 8.Pxp Cf5)

یا (6.a5 Cd6 !! 7.FxC dxF 8.Pxp f6)

چیزی عاید سفید نمی کند

6...Cd6 7.FxC bxF 8.PxP Cb7

حرکت 8...Cf5 به علت 9.De4 خوب نیست چون سیاه مجبور می شود برای دفاع g6 را انجام دهد که منجر به تضعیف وضعیت جناح شاه می گردد.

9.Cc3 0-0 (9...Cc5 10.Cd4! Fa6 11.Dg4

و اگر چنانچه سیاه با 11...Fxf1 پاسخ دهد با حمله خطرناکی روبرو خواهد شد:

12.Dxg7 Tf8 13.Rxf1 Ce6 14.Cf5

10.Tf-e1

ایجاد اشکال در پیشروی پیاده d، چرا که اگر سیاه اقدام به راندن پیاده کند سفید با 11.exd جواب خواهد داد. در آن صورت سیاه مجبور خواهد شد که به ازای پیاده از دست رفته و برای جبران آن، پیاده سفید را با فیل خود بگیرد که این به قیمت تضعیف آرایش پیاده‌هایش تمام خواهد شد.

10...Cb-c5 (10...Fe5 11.Ce4) 11.Cd4 Ce6 12.Fe3 CxC

13.FxC c5 14.Fe3 d5 15.PxP FxP 16.Ce4

با وضعیتی معالتر.

گفتیم که سفید در مقابل $4\dots CxP$ دارای دو امکان $5.d4$ و $5.Te1$ می باشد. ادامه مربوط به $5.d4$ را از نظر گذرانندیم و اینک نگاهی خواهیم داشت به:

$5.Te1 Cd6 6.CxP$

با تهدید کیش برخاست و گرفتن وزیر در حرکت هشتم

$6\dots Fe7$

سیاه ستون باز را بسته تا از کیش برخاست مصون بماند و ضمن فراهم آوردن امکان قلعه فیل را هم گسترش دهد. اشتاینیتز با مهره سیاه در مقابل دوور (دوندی ۱۸۶۷) ادامه پیرماجرای $6\dots CxC$ را برگزید و با یک اشتباه در حرکت هشتم بازی را از دست داد و در حرکت بیست و هفتم تسلیم شد: آنان چنین ادامه دادند:

$(6\dots CxC 7.TxC+ Fe7 8.d4 f6?)$

این حرکت باعث تضعیف جناح شاه وی گشت او می بایست $8\dots CxF$ می کرد و اما ادامه مطلب

$7.Fd3 0-0$

با وضعیتی تقریباً "برابر"

البته سفید می تواند در حرکت ششم خود به جای $6.CxP$ حرکت $6.Cc3$ را انجام دهد، به امید اینکه سیاه با $6.CxF$ در دامی گرفتار شود، ببینید:

$6.Cc3 CxF? 7.CxP CxP CxCe$

سیاه نمی تواند اسب $c3$ سفید را بگیرد زیرا وزیرش از دست می رود.

$8.TxC+ Fe7 9.Cd5 0-0 10.CxF+ Rh8 11.Dh5 g6$

حال اگر سیاه:

(و مات $11\dots d6 12.DxP+ RxD 13.Th5+$)

و مات $12.Dh6 Te8 13.Rh5 PxT 14.Df6+$)

در صورت

$(11\dots h6 12.d4 Rh7 13.FxP PxF(13\dots g6 14.FxT+ PxD$

$15.TxP+)$ (و مات $14.Df5+ Rg7$)

برای سیاه نتیجه ماتی به همراه ندارد ولی سفید پس از مبادله اسب با فیل و گرفتن اسب سیاه دارای پوریسونی برنده می شود اما در صورت:

$11\dots h6 12.d4 Rh7 13.Df5+ Rh8$

(و در چند حرکت دیگر مات $13\dots g6 14.Df4$)

14. FxP PxP

(و در دو حرکت دیگر سیاه مات خواهد شد

15. Df6+ Rh7 16. Th4 (و در حرکت بعد مات

امکان چهارم 4...Fc5

4...Fc5 5.c3 0-0 6.d4 Fb6 7.Fg5 h6 8.Fh4 d6 9.a4 a5

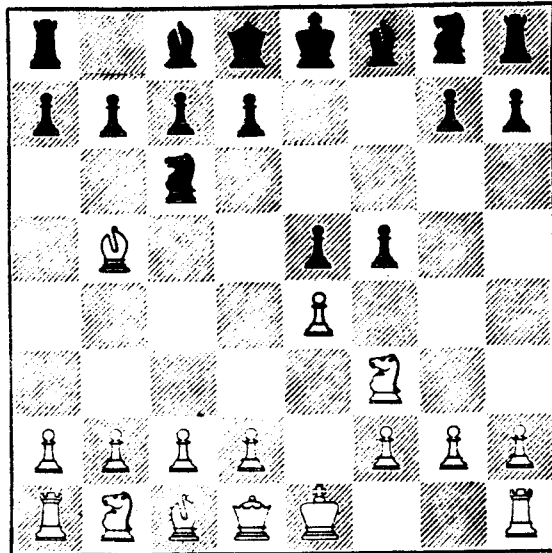
10.Te1 Fg4 11.FxCc PxP 12.PxP PxP 13.Cb-d2

سیاه در عوض برتری دو فیل آرایش پیاده‌های خوبی ندارد.

* * * *

دفاع چيگورين (Chigorin Defence)

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 f5)



3...f5

با این حرکت سیاه یک بازی پرحادثه و حاد می‌آفریند که جزء ترکیبی‌ترین شاخه‌های

روی لویز است. حال اگر چنانچه سفید دست به حرکت عجولانه 4.PxP بزند و پیاده f

را بگیرد به دردرس خواهد افتاد. و یا اینکه از طریق زیر اقدام به گرفتن پیاده e5 کند
 زمعی عایدش نخواهد شد :

4.FxC

سعید قصد دارد پس از بلا دفاع نمودن پیاده e5 ترا گرفته و مسیر وزیر را برای کیش
 h5 بار کند ولی اشتباه او دقیقا " در همین جاست .

4...dxF 2.CxP? Dd4 6.Dh5+ g6 7.Cxg Cf6 8.Dh4 Cg4 9.CxT?

این حرکت کار سعید را تمام خواهد کرد. او یک رخ گرفت ولی بازی را واگذار کرد.
 او می بایست اقدام به دفاع کرده و درصدد ترمیم وضعیتش برمی آمد و حرکت 9.Cf4 را
 انجام می داد و حتی از این طریق امکان می یافت که دامی برای سیاه تهیه بینند، اگرچه
 سیاه توانائی سرپیچی را دارد ولی حداقل سعید می توانست از این کانال به میزان قابل
 ملاحظه ای وضع خود را بهبود بخشد.

(و سعید می برد 9.Cf4 Dxe4+ 10.Ce2 Dxc2 11.Tg1 Dxh2 12.TxC

9...Dxe4+ 10.Rf1 Ce3+ 11.PxC DxD

در این طریقه گشایشی، باید سعید هشیار بوده و فریب خطوط باز جناح شاه سیاه را
 نخورد و از هرگونه تعجیل در امر حمله و یا گرفتن و مبادله چشم ببوشد و به برد زود هنگام
 نیندیشد. وی برای یک حمله موثر احتیاج به نیروهای بیشتری دارد که هنوز در عرصه
 نبرد حاضر نیستند، بنابراین سعید می بایست با حوصله و درایت کافی به گسترش بپردازد
 و اگر چنانچه متوجه نقطه ضعفی در جناح شاه سیاه شده، بعد از گسترش کافی و سنجیدن
 اوضاع مبادرت به حمله نماید. کیوکالتی - مالیش (۱۹۶۴) چنین ادامه دادند :

4.Cc3

چیور دانیدزه در مقابل گاپرین داشویلی (۱۹۷۸) حرکت 4.d3 را انجام داد ولی سیاه
 موفق شد طی ادامه زیر تساوی را برقرار سازد :

4.d3 PxP 5.PxP Cf6 6.0-0 d6 7.Cc3 Fe7 8.a3 Fg4 9.h3 FxC

10.DxF 0-0

4...PxP

استین - نردزین (شوروی ۱۹۶۳) چنین ادامه دادند :

4...Cc6 5.PxP Fe5 6.0-0 0-0 7.CxP! CxC 8.d4 FxP 9.DxF d6

10.Ff4 (یا Fe3) 10...FxP 11.FxC PxP 12.DxP FxP

13.Fc4+ Rh8 14.Cc3

میدان عمل سفید وسیعتر و حرکاتش فعالتر است .

زورخف - زایتسیو (شوروی ۱۹۶۳) اینطور دنبال کردند :

4...Cd4

حمله به فیل و آماده کردن وضعیت برای هجوم پیاده‌های c و d به مرکز . در صورت تعویض هم سیاه موفق به تحقق این ایده خواهد شد .

5.Fa4 Cf6 6.0-0 Fe5 7.CxP 0-0(7...PxP?! 8.d3)8.PxP d5

9.Ce2 De7 10.CxC DxC 11.Cf3 DXP 12.d4 Fd6 13.c3

سیاه به عوض پیاده‌ای که قربانی داده فشار کمی را در جناح شاه وارد آورده که قابل دفاع است .

5.Cxe4 d5 6.Cxe5

این حرکت تا سال ۱۹۶۳ طبیعی‌ترین حرکت سفید تلقی می‌شد و تجزیه تحلیلهای بسیاری بر روی آن انجام گرفته و مشخص شده که این حرکت امکانات ترکیبی بسیاری را برای سفید بوجود می‌آورد . اما در بازیهای قهرمانی شوروی در سال ۱۹۶۳ بانیک در مقابل اسپاسکی واریانت جدیدی را پیشه ساخت و به جای حرکت متن 6.Cg3 را انجام داد و در همان بازی به خوبی نشان داد که این حرکت امکانات بهتری را در اختیار سفید قرار می‌دهد که ما در جای خود به آن خواهیم پرداخت .

6...PxC 7.CxC Dd4

در سال ۱۹۶۰ گلر در مقابل لایبرسون به جای حرکت متن 7.PxC را انجام داد و بازی چنین ادامه یافت :

17...PxC 8.FxP+ Fd7 9.Dh5+ Re7 10.De5+ Fe6 11.f4 Ch6

12.f5 CxP 13.Tf1Cd4 14.De5+

(سیاه واگذار کرد چرا که : 14...Dd6 15.Dg5+)

ترینگوف هم در مقابل گیپسلیس (وارنا ۱۹۶۲) همین حرکت گلر را انجام داد یعنی (7...PxC) و بازی ایندو نیز مانند بازی قبلی تا حرکت یازدهم سیاه به یکسان پیش رفت ولی در حرکت یازدهم ترینگوف راه دیگری را به جای 11...Ch6 برگزید اما باز این سفید بود که به برتری دست یافت ، ترینگوف چنین ادامه داده بود :

(با برتری سفید 11...PxPep 12.0-0 Tb8 13.d4 Cc6 14.d5

در سال ۱۹۷۳ (مجارستان) سزیل در مقابل هازا در حرکت هفتم خود نه وزیر را به d4 راند و نه 7...PxC نمود ، او راه دیگری برگزید ولی باز این سفید بود که برتری پیدا کرد :

(7...Dg5 8.De2 Cc6 9.f4 ! Dh4+ 10.g3 Dh3 11.Ce5+!c6
12.Fc4)

8.c4 Dd6 9.CxP+

(9.Dh5+ g6 10.De5+ DxD 11.CxD+ c6 12.Fa4 Fb7!)

9...Fd7 10.FxF+ DxF 11.Dh5+!! g6

(11...Rd8 12.Dh4+ Re8 13.0-0 Cf6 14.d3 PxP 15.Fe3)

12.De5+ Rf7 13.Cb5 c6 14.Dd4

اگر سیاه 14...Dg5 کند. سفید به قلعه خواهد رفت، با وضعیتی بهتر

* * * *

واریانت بانیک

در این واریانت همانگونه که پیشتر اشاره رفت سفید به جای حرکت 6.CxP اسب خود را به g3 می راند و اینک ادامه ماجرا:

بانیک - اسپاسکی (ایروان ۱۹۶۳) تفسیر از پل کرس

6.Cg3!

سفید یک ایده تازه ای را ارائه می دهد، اکنون سفید حریف خود را در مقابل مسائلی قرار می دهد که هیچ یک در این صحنه حل نمی شوند:

6...Fd6?

با این حرکت سیاه یک پیاده بدون هیچگونه نفعی از دست می دهد حرکت صحیح 6...Fg4 است.
7.d4

حرکت بدی نیست ولی ادامه بهتر از این قرار بود:

(7.CxP FxC 8.FxC+ PxF 9.Dh5+ 10.DxF و سپس)

7...PxP

(7...e4 8.Ce5 FxC 9.FxC+ PxF 10.Dh5+) 8.CxP De7+

ار آنجائی که هنوز سفید تهدید نیرومند کیش در h5 را دارد، سیاه قبل از فرار دادن فیل وزیر خود در d7 وزیر خود را برای قرار دادن در خانه f7 در مقابل کیش سفید آماده می کند.

9.Fe3 Fd7 10.Cg3 f5 De5 11.CxF+ DxC 12.FxC

یک حرکت خوب، اگر سفید می خواست دو فیل خود را نگهدارد این موضوع به قیمت از دست

دادن چند حرکت و زمان تمام می‌شد که در طی آن سیاه به راحتی می‌توانست وضع خود را ترمیم نماید. اکنون تا مدتها ضعف واضحی در مربعهای سیاه برای اسپاسکی بوجود می‌آید.

12...FxF 13.Dh5+ g6 14.Dg5 Ce7 15.0-0-0 h6 16.Dg3

یک حرکت عالی دیگر از بانیک پس از 17.h2xD و 16...DxD سیاه بایک آخر بازی مشکلی روبرو می‌شود ولی با این وجود هنوز انتخاب این شکل بهتر است، زیرا اکنون سیاه با حملات سختی می‌بایست مقابله نماید.

16...0-0-0 17.Ff4 Dd7 18.Da3 Rb8 19.Th-e1 Th7

20.Fxh6 Cf5 21.CxF+ DxF 22.Fg5 Tc8 23.h3 d4

سفید با دست خود وضع بازی خویش را ضعیف می‌کند و اسب سیاه را به خانه بهتری می‌راند حرکت صحیح 24.f3 است.

24...Cd6 25.Dd3?

سفید با حرکت 25.Ff4 می‌توانست پوزیسیون خود را خیلی بهتر سازد ولی با یک اشتباه واضح جناح شاه خود را شدیداً ضعیف می‌کند و به سیاه اجازه حمله متقابل می‌دهد.

25...Dd5 26.h4 DXP 27.Dxd4 Da1+

اسپاسکی که شدیداً "در این وضع نامساعد دنبال حمله متقابل می‌گردیده است دریافتن آن خود را گم کرده است زیرا او مجبور بود حرکات ۱۲ تا ۲۷ در تنگی وقت بسیار شدیدی به سرعت انجام دهد سیاه با حرکات 27...Cc4 و یا 27...Ce4 و یا 27...Td7 می‌توانست سفید را مجبور به انجام 28b3 کند که پس از 28...Ce4 دیگر باخت برای سیاه وجود نداشت.

28.Rd2 Da5+ 29.b4 Db5 30.Rc1 b6 31.Te5 Da6 32.Rb1 Cc4

33.Td5 Ca3+ 34.Rc1 Cc4

به علت حرکت ضعیف سفید در حرکت بیست و پنجم اکنون سیاه وضع بسیار خوبی پیدا کرده است ولی از آنجائی که شدیداً دچار کمبود وقت شده بود نتوانست به خوبی نقشه‌ای را برای حمله طرح کند.

35.Td3 b5

"با این اسب شما هیچگاه بازی را اردست نخواهید داد" این جمله معروف سالوفلور درباره اسب بسیار نیرومند سیاه صدق می‌کند زیرا تهدیدها و مانورهای آن باعث شده است که سفید نتواند از همکاری و ستون شدن نیروهای خود استعاده کافی ببرد.

36.Td8 TxT 37.DxT+ Rb7 38.Dd5+ c6 39.Dd4 Tf7 40.Ff6 Da4
41.Dd8 DxP 42.Td7+ TxT 43.DxT+ Rb8?

ار آنجائی که بازی در حرکت چهل و دوم ثبت شده بود اسپاسکی وقت ریادی برای بررسی بازی داشته است. این موضوع قابل بحث و انتقاد است که چطور اسپاسکی این حرکت ضعیف را انتخاب کرده است در حالیکه ادامه خوب وجود داشت.

44.De8+ Rb7 45.De7+ DxD 46.FxD Ce5 47.h5 CxP
در صورت 48.PxP 47...PxP سیاه مجبور می شد اسب خود را با پیاده رونده سفید عوض کند.

48.PxP Ch6 49.Ff8! Cg8

اسپاسکی که تا به حال به سرعت بازی می کرد در این وضع به فکر فرو رفت زیرا او در تجزیه تحلیل های هنگام بررسی بازی ثبت شده خیال می کرد یا 49...Cf4 می توان بازی را مساوی کرد ولی در این هنگام متوجه شد که سفید راه ساده ای برای پیروزی در پیش دارد و با این وجود هنوز با پیدا کردن راهی توانست بازی را طولانی تر کند. راهی را که اسپاسکی تصور می کرد عبارت بود از:

49...Cf4 50.Rd2 Rc7 51.Rd3 Rd7 52.Re4 Re6

و به این ترتیب اسب سیاه موقعیت خود را حفظ می کرد ولی ناگهان در این موقع اسپاسکی متوجه شد که در وضع بالا سفید با ادامه ریر بازی را به راحتی می برد:

51.g7! Ch6 52.Re3 Rd6 53.Rf4 Re6 54.Rg5

50.Rd2 a5 51.Re3 Rb6 52.Rd4 b4 53.Re5 Rb5 54.Re6 a4

55.Rf7 b3

پیشروی به موقع پیاده های سیاه اسب را نجات می دهد ولی بازی را نمی تواند نجات دهد.

56.PxP PxP 57.Fa3 Ch6+ 58.Rg7 Cf5+ 59.Rf6 Cd6 60.Re6

گرفتن اسب صحیح نیست زیرا:

60.FxC b2 61.g7 b1=D 62.g8=D Db2+

و به این ترتیب سفید پیاده f2 را اردست می داد.

60...Ce8 61.f4

خیلی ساده تر 61.Fb2 و در تعقیب آن 62.Rd7 بود.

61...c5 62.f5 c4 63.f6 CxP 64.RxC c3 65.g7 Ra4

حرکت 65...b2 سیاه با حرکات 66.FxP و 67.g8=D مواجه می‌شد. حالا سیاه امیدوار است که بعد از آنکه سفید پیاده خود را فررین ساخت فیل او را معدوم سازد چه در آن صورت سفید راه قاطعی برای پیروزی نخواهد داشت.

66.Fd6 !.

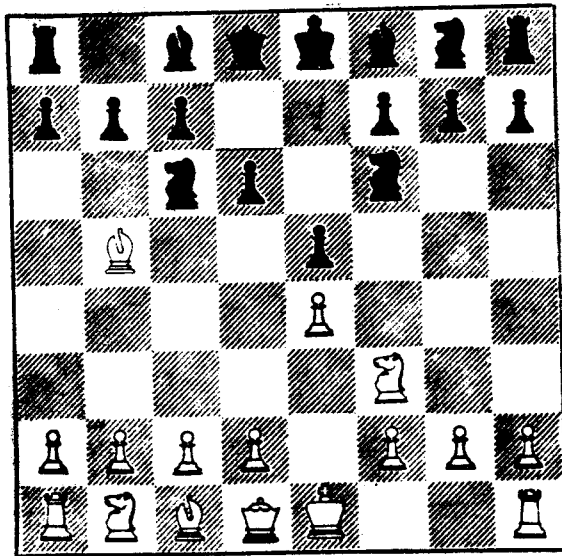
سیاه تسلیم می‌شود. زیرا در صورت فررین ساختن یکی از پیاده‌ها هم بازی را از دست می‌دهد.

* * * *

دفاع اشتانیتز (Steinitz Defence)

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 d6)

3...d6



سیاه تصمیم گرفته که مستقیماً " از پیاده e5 خود دفاع کند و به ترتیب با حرکات 4...Fd7 ، 5...Cf6 و 6...Fe7 حدالامکان مرکز را در تصرف داشته باشد و با

قلعه رفتن ضمن تامین شاه رخ را بر ستون e ناظر سازد و لیکن در عمل این دفاع به میزان قابل توجهی دست و پای او را می‌بندد و مشکلاتی برای وی بوجود می‌آورد.

4.d4 Fd7

این حرکت اسب را از آچمری رها نموده و آنرا برای دفاع از پیاده آماده می‌سازد و حال اگر سفید 5.FxC کند پس از 5...FxF نمی‌تواند به رایگان پیاده‌ای را به‌چنگ آورد. در صورت 4...PxP ممکن است بازی چنین ادامه یابد:

5.Cxd4 Fd7 6.Cc3 Cf6 7.FxC bxF 8.Df3 e5 9.Cf5 FxC 10.DxF
7.bxF و سفید در جناح وزیر برتری می‌یابد. و اگر چنانچه سیاه در حرکت هفتم به‌جای حرکت 7...FxF را انجام دهد، آنگاه با تهدید e5 سفید روبرو خواهد شد.

7...FxF 8.CxF PxC 9.Df3

البته سفید در مقابل حرکت 4...PxP می‌تواند از امکان DXP نیز بهره‌مند گردد و وضعیت نسبتاً خوبی پیدا کند. مثلاً:

5.DxP Fd7 6.FxC FxF 7.Cc3 Cf6 8.Fg5 Fe7 9.0-0,0-0

10.Th-e1 با برتری سفید

حال اگر سیاه فیل را در حرکت چهارم به d7 نراند و یا اقدام به مبادله پیاده هم نکند و این راه را برگزیند:

4...Fg4 5.d5 a6 6.Fa4 b5 7.PxC PxP 8.c4

بار سفید برتری خواهد داشت.

5.Cc3

با ایده FxC و گرفتن پیاده ضمن آنکه از پیاده e4 خود دفاع می‌کند.

5...Cf6

بلومفیلد (مسکو ۱۹۵۳) در مقابل یکی از رقبای خود که به‌جای حرکت متن 5...Cg-e7 نموده بود چنین ادامه داد:

(6.Fc4 PxP 7.CxP g6?)

مصیبت اصلی از همین جا گریبان سیاه را گرفت.

8.Fg5 Fg7 9.Cd5 FxC 10.DxF 0-0 11.Cf6+ Rh8 12.Cg4+ CxD

13.Ff6+ Rg8 14.Ch6+ (و مات)

ادامه دیگر در اینجا 5...PxP می‌باشد که کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. رومانشین - لیمان (کی‌یف ۱۹۷۸) پس از این حرکت چنین ادامه دادند:

6.CxP g6 7.0-0 Fg7 8.CxC FxC 9.Fc4 Cf6 10.Fg5 0-0
 11.Df3 h6 12.Fh4 g5 12.Fg3 Rh8 14.Fd3 Cd7 15.De2 Cc5
 16.f4 CxF 17.DxC g4 18.f5 Df6 19.Ta-d1 Ta-e8 20.Dc4 Tg8
 21.Cd5 FxC 22.PxF Dxb2 23.DxP Te2 24.Td-e1 TxT
 25.FxT Fd4+ 26.Rh1 Db5 27.c4 Da6 28.Fg3 Dxa2 29.Dxd6 Rh7
 30.Dc7 b5 31.f6 Dxc4 32.Dxf7+ Rh8 33.DxT8+

و سیاه تسلیم شد .

اینک در مقابله با حرکت پنجم سیاه (5...Cf6) سفید دارای دو امکان است ، یا بهقلعه رود و یا اینکه اقدام به مبادله فیل با اسب کند .

در صورت 6.0-0 :

6.0-0 Fe7 7.Te1 PxP

حال اگر سیاه بخواهد تهدید سفید را روی پیاده خود خنثی ساخته و بهقلعه رود آنگاه ادامه‌های زیر ممکن می‌گردند :

7...0-0 8.FxC FxF 9.PxP PxP 10.DxD TaxD
 (10...TfxD 11.Rf1!) 11.Cxe5 Fxe4 12.CxF CxC 13.Cd3 f5
 14.f3 Fc5+ 15.CxF! 16.Fg5 Td5 17.Fe7 Te8 18.c4 با گرفتن تفاوت
 8.CxP 0-0 9.FxC PxP 10.Ff4 Tb8 11.Cb3 (11.b3 d5)
 11...Fe6 12.e5 Cd5 13.CxC FxC 14.Dd4 Fg5 15.Ta-d1
 15...FxF 16.DxF PxP 17.DxP Dc8! 18.Dd4 Td8 19.c4 Fe6
 20.Dc5 Td6! 21.TxT PxT 22.Dxd6 FxP 23.Cd4 Df8!

یا وضعیتی برابر

در صورت 6.FxC :

6.FxC FxF 7.Dd3!PxP

(و بدنیال آن d5 8.Fe3 9.d5 7...Cd7 در صورت

و یا (7...De7 Fg5)

با تهدیدات سفید روبرو شده و همچنان وضعیتی بسته و دشوار خواهد داشت .

8.CxP Fd7 9.Fg5 Fe7 10.0-0-0

اشپیل مان در برابر مارکوزی (گوتبرگ ۱۹۲۰) بهقلعه کوچک رفت و ارضاً امکانات تهاجمی خوبی بدست آورد .

10.0-0,0-0 11.f4 Ce8 12.FxF DxF 13.Cd5 Dd1 14.g4!

10...0-0 11.f4

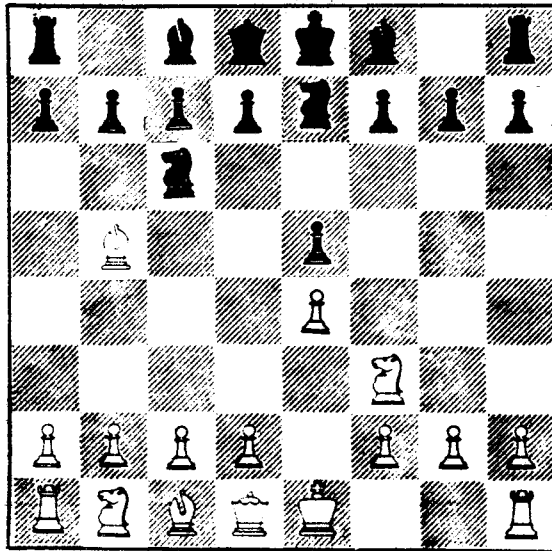
در مجموع امکانات تهاجمی سفید بسیار خوب است و وضعیت سیاه دشوار.

* * * *

دفاع کوزیو (Cozio Defence)

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 Cg-e7)

3...Cg-e7



این دفاع که مرتیمرنیز نامیده می‌شود، دفاع از یاد رفته و قدیمی است که اخیراً توسط بنت لارسن دانمارکی مجدداً احیا شده. با حرکت اسب به e7 سیاه از واریانت تعویضی (که شرحش خواهد آمد) اجتناب ورزیده و در صورت امکان می‌تواند بازی را به شکل یکی از واریانتهای دفاع معوقه اشتاینیتر درآورد.

4.c3

مستیل - لارسن (لندن ۱۹۷۳) چنین ادامه دادند:

(4.d4 CxP 5.CxC PxC 6.DxP Cc6 7.FxC dxF 8.DxD RxD)

سیاه در عوض برتری دو فیل از قلعه محروم گشته و می‌توان گفت در این حال بختها برابر است.

وسترنین - لارسن (۱۹۷۸) چنین دنبال کردند:

(4.0-0 Cg6 5.c3 d6 6.d4 Fd7 7.d5 Cb8 8.Db3 Dc8 9.Ca3 Fe7
10.FxF+ CxF 11.Cc4 Ch4 12.CxC FxC 13.f4 PXP 14.FXP

یا وضعیتی فعالتر

4...a6

زوکرتورت - آندرسن (برلن ۱۸۶۵) اینطور ادامه دادند:

(4...d6 5.d4 Fd7 6.0-0 Cg6 7.Cg5 h6? 8.CxP! RxC

9.Fc4 Re7 10.Dh5 De8 11.Dg4+!! PxD 12.FXP!+ (و مات)

اسپاسکی - سانتس (۱۹۷۸) چنین ادامه دادند:

(4...g6 5.d4 Fg7 6.d5 a6 7.Fe2 Ca7 8.c4 d6 9.Cc3 0-0

10.h4 f5 11.h5 f4 12.Fd2 h6 13.PXP CXP 14.Db3 Tb8

15.a4 Fd7 16.a5 Rh8 17.Da3 Cc8 18.b4 Df6 19.b5 Tg8

20.Tb1 Ta8 21.PXP PXP 22.Tb7 Dd8 23.Rd1 Ca7 24.Rc2 Fc8

25.Tb1 Ff8 26.Th2 Rh7 27.Da1 De7 28.Tb-h1 Tb8 29.g3 Fd7

30.Th5 Th8 31.PXP CXP 32.FxC PxF 33.e5 Fg7 34.Tg1 PXP

35.Txe5 Db4 36.Fd3+ Rg8 37.Tb1 Df8 38.TxT DxT

39.Te7 Dd8 40.Txg7+ RxT 41.Ce4+)

و سیاه تسلیم شد. نکته جالب در بازی بالا بلوکه شدن پیاده‌ها در مرکز و به قلعه نرفتن سفید بود. و از آنجائی که نیروهای سیاه پراکنده بودند سفید توانست در هر دو جناح دست به اقدامات فعالانه‌ای بزند.

5.Fa4 d3(5...b5 6.Fb3 d5 7.De2 PXP 8.De4 Ff5 9.CXP FXD

10.FXP+ (و مات)

6.d4 Fd7

سیاه از وضعیت فشرده ولی نسبتاً "محکمی برخوردار است که شباهتهای زیادی به‌واریانتهای دفاع معوقه اشتاینبیر دارد.

بررسی امکانات دفاعی سیاه پس از 3...a6

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 a6)

تا بدینجا به بررسی دفاعهای پرداختیم که سیاه در آنها از 3...a6 به عنوان سومین حرکت خود استفاده نکرده بود و اینک به گروه دفاعهای خواهیم پرداخت که سیاه در آنها از امکان فوق بهره می‌گیرد و به دنبال آن اشکال متنوع و گوناگون بسیاری پدید می‌آید، همانطور که قبلاً "نیز اشاره شد سیاه با انجام این حرکت امکانات دفاعی مطلوبتری بدست آورده و در جهت تعادل قوا و حفظ مرکز و برابری وضعیت تلاشهای ثمربخشتری خواهد داشت، که ما در این بخش به اشکال گوناگون آن خواهیم پرداخت. سفید در مقابل با این حرکت دو راه در اختیار دارد یا اینکه اقدام به مبادله فیل با اسب نماید و یا با حفظ تهدید پیشین فیل را به a4 عقب براند که در صورت مبادله واریانت تعویضی لوپز بوجود خواهد آمد که ما هم در آغاز همین واریانت را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد و سپس در ارتباط با 4.Fa4 به بررسی امکانات مختلف سیاه در حرکت چهارم می‌نشینیم.

* * * *

واریانت تعویضی (The Exchange Variation)

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 a6 4.FxC)

4.FxC

حال اگر سیاه به وسیله پیاده اسب خود، فیل را بگیرد، بدبازی کرده، چرا که پیاده a6 را ایزوله نموده و در ثانی اسب سفید با حمله به پیاده و گرفتن آن نفع می‌کند، و اگر چنانچه سیاه در صد برآید که هر چه زودتر توسط وزیر خود پیاده را پس بگیرد، در گسترش خود به میزان قابل توجهی عقب خواهد ماند چرا که سفید پس از دادن پیاده فیل وزیر را گسترش داده و در حرکت بعد به راحتی به قلعه خواهد رفت.

(4...bxF 5.CxP De7 6.d4

در اینجا حتی اگر سفید اسب را قربانی دهد از لحاظ کیفی نفع کرده.

6...d6 7.Cf3

حرکت CxP باعث محروم شدن شاه سفید از قلعه می شود چرا که 7.CxP DxP+ و حالا برای آنکه سفید اسب و یا پیاده g2 را ازدست ندهد مجبور است که با وزیر خود ضمن دفع کیش وزیر سیاه را آچمز بگیرد و بعد از DxD سفید از قلعه رفتن محروم خواهد شد و سیاه با حرکت بعدی یعنی Fb7 پوریسیون سفید را درهم می ریزد.

7...DxP+ 8.Fe3

و اگر سیاه حرکت 8...Fg4 را انجام دهد سفید با Cd2 جواب خواهد داد. ولی آنچه که بیش از هر دلیلی باعث می شود که حرکت 4...bxF را ضعیف بدانیم، این است که حرکت خوب و بهتر 4...dxF وجود دارد، چرا که اگر:

5.CxP? Dd4! 6.Cf3 DxP+ 7.De2 DxD+ 8.RxD

به هر حال چه سفید De2 نماید و یا نه از قلعه رفتن محروم خواهد شد. ضمن اینکه سیاه برتری دو فیل خواهد داشت.

4...dxF 5.0-0 (5.d4,6.Cc3 نیز میسر است)

از آنجائی که فعلا "نمی تواند پیاده را بگیرد، ضمن قلعه رفتن که یک حرکت گسترشی محسوب می شود، بار دیگر پیاده e5 سیاه را مورد تهدید قرار می دهد. حال سیاه برای دفع این تهدید می تواند یکی از حرکات زیر را برگزیند:

I) 5...Fg4

که ضمن دفاعی غیرمستقیم از e5 حرکتی گسترشی محسوب می شود.

II) 5...f6

این حرکت معمولترین و متداولترین حرکت برای سیاه است.

III) 5...Dd6

IV) 5...Fd6

در صورت 5...Fg4:

کاگان - ری (هاوانا ۱۹۶۶)

5...Fg4 6.h3 h5

حال اگر سفید اقدام به گرفتن فیل سیاه کند قلعه اش سخت مورد تهاجم قرار خواهد گرفت در صورت 7.RxF PxP سفید یا باید در حفظ اسب خود بکوشد و یا راه حمله وزیر به خانه f4 را سد سازد.

7.d3! (7.c3 Dd3 8.PxF PxP 9.CxP Fd3!

سفید مجبور است که وزیر سیاه را بگیرد.

10.CxD Fb2+ 11.Rh1 Fg3+ (و کیش دائم)

7...Df6 8.Cb-d2 Ce7 9.Cc4 FxC 10.DxF DxD 11.PxD

با امکاناتی تقریباً برابر

در صورت 5...f6:

5...f6 6.d4

در جواب این حرکت سفید که تهاجمی جدید به e5 و در مجموع به مرکز محسوب می شود، سیاه دارای دو امکان است، یا اینکه از طریق آچمزگیری اسب توسط فیل در g4 موقتاً "ضمن گسترش دفع حمله نماید و یا اینکه دست به معاوضه پیاده بزند.

6...PxP (اگر

زودیمان - رییلی (ویکانزی ۱۹۷۳)

7.CxP c5

اونزیکر در مقابل فیشر (زیگن ۱۹۷۰) چنین ادامه داد.

(با برتری سفید! 11.C4! b5 10.Ca5! 9.TxD Fd6 8.Cb3 DxD 7...Ce7)

و اما اگر سفید در مقابل 7...Ce7 چنین کند:

(8.Fe3 Cg6 9.Cd2 Fd6 10.Cc4 0-0 11.Dd3 Ce5 12.CxC5 FxC

13.f4 Fd6 14.c4 برتری مختصری بدست خواهد آورد)

8.Cb3 DxD 9.TxD Fg4?!

این حرکت راهی برای کیش فیل سیاه باز می کند.

10.f3 Fd7 11.Cc3 0-0-0 12.Ff4

پایان گسترش سفید در صورتی که جناح شاه سیاه هنوز گسترش نیافته.

12...c4 13.Ca5 Fc5+

این همان کیشی که در حرکت نهم گفته شد.

14.Rh1 b5

(و یک پیاده نفع می کند 16.Cd5+ 15.Fxc7 RxF 14...Fb4)

15.Cd5 c6 (15...Fb6 16.CxF PxC 17.Te6! PxC 18.Tb6 Fe8

19.Tb8+ Rd7 20.Td1+)

16.b4! Fa7(16...PxC 17.PxF

برای سیاه خوب نیست چرا که پیاده سفید رونده شده.

17.Cc7 Fb8 18.Ce6 FxF

(16...FxC 19.TxT+ RxT 20.Cxc6+ Rc8 21.CxF Rb7 22.a4 Ce2
23.PxP PxP 24.Ca6 (با وضعیتی بهتر برای سفید

19.Cxc6!!

این حرکت خیلی بهتر است از CxT و یا CxF چرا که سیاه با گرفتن هر کدام از اسبها باز رخ و یا فیل خود را خواهد داد. ضمن اینکه سفید وضعیتی عالی بدست می‌آورد.

19...Fxe6 (19...FxC6 20.TxT+ Rb7 21.CxF)

و یا اگر (19...Te8 20.Ca7+ Rb8 21.CxF Te7 22.Cd5 Tf7 23.Cc6)
20.CxT Fd2 21.Cf7 Ce7 22.CxT Fe6

برای محبوس ساختن اسب

23.a4 Fe5 24.PxP! FxT 25.PxP Fe5 26.Td8+!!

و سیاه تسلیم شد

(26...RxT 27.a7 (و پیاده وزیر می‌شود

(و باز پیاده تبدیل خواهد شد 26...Rc7 27.a7) و یا

در صورت 6...Fg4 :

6...Fg4

اینک سفید دوراه پیش رو دارد :

7.PxP یا 7.c3

اگر 7.PxP DxD 8.TxD

(8...PxP 9.Td3 FxC 10.PxF!!

تسخیر مرکز و راندن پیاده به f4 و در ضمن جلوگیری از قلعه رفتن و حمله در جناح وزیر و اگر چنانچه بسان بازی فیشر - اسمیلوف (موناکو ۱۹۶۷) ادامه یابد :

10.TxF Cf6 11.Cc3 Fb4 12.Fg5 FxC 13.bxF Tf8 14.FxC TxF

15.TxT PxT 16.Td1

سفید در آخر بازی برتری واضحی خواهد داشت.

8...FxC 9.PxF PxP

در پی ایجاد چنین وضعیتی، فیشر - روبی ننتی (بوئنوس آیرس ۱۹۷۰) چنین ادامه دادند :

(10.Fe3 Fd6 11.Cd2 Ce7 12.Cc4 0-0 13.Td3 b5 14.Ca5

(با برتری سفید

و حال آنکه آدوریان در برابر ترینگوف (وارنا ۱۹۷۲) چنین ادامهای را برگزید :

10.Td3 Cf6 11.Cd2 b5

برای کنترل خانه c4 که توسط اسب روبه اشغال بود

12.a4 Fd6

ضمن گسترش فیل و حمایت از e5 سیاه آماده قلعه رفتن می شود .

13.Cb3

تهدید به اشغال خانه a5 برای حمله به پیاده c6 و باز نمودن راه فیل

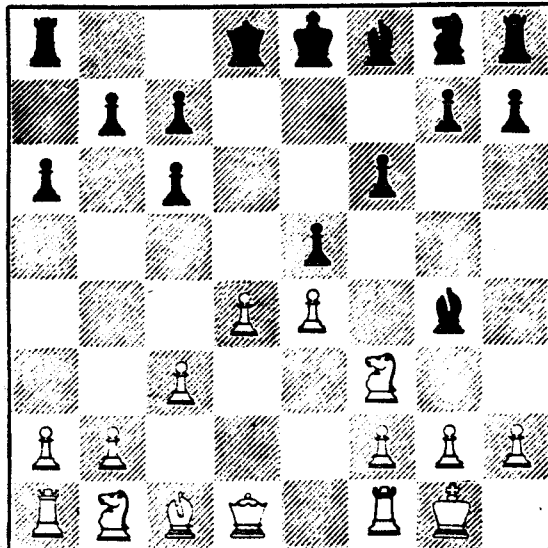
13...0-0 14.Ca5 c5 15.c4

گسسته شدن زنجیره پیاده‌های جناح وزیر سیاه . وضع سفید بسیار خوب است ، به ویژه اینکه فیل سیاه عملاً "منفعل گشته" چرا که تمامی اقطار مفیدش توسط پیاده‌های خودی مسدود شده و به واسطه عدم تحرک این پیاده‌ها ، فیل سیاه تا مدت‌ها در همین وضعیت خواهد ماند و سفید می‌تواند با فراغ بال حمله‌ای را بر علیه مواضع سیاه تدارک ببیند .

* * * *

فیشر - گلیگوریچ (هاوانا ۱۹۶۶)

اگر 7.c3



این حرکت که فیشر آن را در این بازی بکار گرفته خود از ابداعات گلیگوریچ می باشد .

7...PxP 8.PxP Dd7

(با برتری سفید 8...FxC 9.DxF DXP 10.Td1 Dc4 11.Ff4

9.h3 Fe6

جی منز برای تساوی ادامه زیر را پیشنهاد می کند :

9...Fh5 10.Ce5 FxD 11.CxD RxC 12.TxF

سفید هنوز دارای برتری است ولی برای سیاه بختهای که منجر به تساوی شود وجود دارد .

10.Cc3 0-0-0 11.Ff4

سفید برتری قابل ملاحظه‌ای یافته و شانس حمله در جناح وزیر را دارا می باشد .

بار دیگر به حرکت پنجم سیاه بازگشته و امکان سوم او را مورد بررسی قرار می دهیم . در حرکت پنجم سیاه می تواند به وسیله وزیر خود از پیاده دفاع کند ، و برای این منظور می تواند از سه خانه d7 ، f6 ، d6 استفاده نماید . ولی خانه d7 از آنجائی که مانع گسترش آسان فیل می شود و به همین سان خانه f6 هم جلوی خروج اسب را می گیرد برای سیاه خوب نیست ، ولیکن خانه d6 ضمن اینکه نظارت وزیر را بر ستون d حفظ می کند فاقد عیوب یاد شده است .

5...Dd6

از سوی دیگر این حرکت برای مقابله با حرکت d4 سفید و پرهیز از معضلاتش حرکت نسبتاً خوبی است و سفید نیز در مقابل می تواند به d3 اکتفا کند اما سیاه تا مدت ها در جناح شاه و گسترش سوارهایش مشکل خواهد داشت :

هرندی - شریف (تهران ۱۹۷۵) چنین ادامه دادند :

6.d3 f6 7.Fe3 Fg4 8.Cb-d2 Dd7

در اینجا گاها " Fe6 را نیز انجام می دهند .

9.h3 Fe6 10.d4 PxP 11.CxP Ff7 12.De2 c5

این حرکت سیاه ضمن راندن اسب مقدمه‌ای است برای حرکت پیاده‌های جناح وزیر

(بهنتر 13.Cb3 b6 14.a4 (14.Ta-d1 Ce7 15.Cb1! Dc6 16.Cc3

امکان چهارم سیاه برای حرکت پنجم (5...Fd6)

5...Fd6

6.d4 PxP 7.DxP f6 8.Cb-d2 Fe6 9.b3 Ce7 10.Fb2 0-0

11.Ta-d1 De8

با امکاناتی برابر

همانگونه که اشاره شد سفید در حرکت پنجم جدای از امکان قلعه دو امکان 5.d4 و 5.Cc3 را نیز در اختیار دارد که ندرتا " بکار می‌روند ، مثلا " پس از 5.d4 ممکن است بازی چنین ادامه یابد :

5...PxP 6.DxP DxD 7.CxD Fd7

که در این صورت سیاه برتری دو فیل خواهد داشت ولی سفید از ساختمان پیاده‌ای بهتری برخوردار است . در صورت 5.Cc3 نیز ممکن است بازی چنین دنبال شود :

شیستوپيرووا - آخملووسکایا (۱۹۷۸)

5.Cc3 f6 (5...Fd6 6.d4 f6 7.PxP PxP(7...Fxp 8.DxD+)

8.CxP FxC 9.Dh5+ (و سفید می‌برد

6.d3 Fe6

تارتاکوور - آلخین (۱۹۲۶) اینگونه ادامه دادند :

(6...Fd6 7.Ce2 Ce7 8.Cd2 Fe6 9.0-0 Cg6

10.Cb3 0-0 (با امکاناتی برابر

7.Fe3 c5 8.Cd2 Cd7 9.f4 PxP 10.Fxf4 0-0-0 11.De2 Ce7

12.0-0 Cc6 13.Cf3 g5 14.Fe3 Cd4 15.Df2 h6 16.Ce1 Fg7

17.Cd1 f5 18.c3 f4 19.FxC PxF 20.c4 Td-f8 21.b4 g4

22.a4 Fe5 23.Dd2 f3 24.PxP PxP 25.TxP Th-g8+ 26.Rh1 Dg7

27.Df2 Fh3 28.Ta2 Fg4 29.Df1 FxT 30.CxF TxC

و سفید تسلیم شد .

* * * *

واریانتهای غیرتعویضی

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 a6 4.Fa4)

اگر چنانچه سفید در حرکت چهارم خود برابر 3...a6 سیاه اقدام به تعویض ننماید

و فیل را به ۸۴ عقب بنشیند برای سیاه سه جواب ممکن است :

I) 4...b5

II) 4...d6 دفاع معوقه و یا متکامل اشتاینیز

III) 4...Cf6 دفاع معوقه و یا متکامل برلین

در مورد حرکت 4...b5 همین بس که بگوئیم عجولانه است و اگر سیاه بخواهد به همین فوریت از شرفیل سعید خلاصی یابد و آن را به b3 رانده و با اسب خود تهدید به مبادله نماید . از لحاظ تعادل وضعیت به زیانش تمام خواهد شد .

4...b5 5.Fb3 Ca5 6.0-0 CxF 7.axc

در این صورت سیاه در گسترش عقب مانده و رخ سفید به راحتی وارد میدان خواهد شد و از آن بهتر اینکه :

4...b5 5.Fb3 Ca5 6.FxP+ RxF 7.CxP+ Re7 8.d4

به ازای یک سوار دو پیاده و وضعیتی برتر را داراست .

اما در رابطه با حرکات ۲ و ۳ یعنی دفاع معوقه اشتاینیز و همینطور دفاع معوقه برلین حرف بسیار است که در ادامه این مقدمه به ترتیب درباره آنها به بحث خواهیم پرداخت .
پیش از این با حرکات d6 و Cf6 برخورد داشته ایم ولی در مقام سومین حرکت سیاه و دیدیم که سیاه در هر دو مورد چه در دفاع اشتاینیز و چه در دفاع برلین دچار مشکلات و مصایبی گشته بود و در مجموع دشواریهای بسیاری را در ارتباط با تعادل قوا و وضعیت می بایست متحمل می شد ولی اکنون او با حرکت 3...a6 ، حرکات 4...d6 و 4...Cf6 را بدون مشکلات پیشین انجام می دهد و در مجموع قابلیت های دفاعی فزونتر می شود . و در صورت لزوم با حرکت 4...b5 و ...Ca5 می تواند از شرفیل خلاصی یافته و یا اینکه در صورت عدم مبادله پیاده های جناح وزیر خود را پیش رانده و سفید را در جناح وزیر دچار مشکلاتی سازد .

* * * *

دفاع معوقه اشتانیتز (Steinitz Defence Deferred)

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 a6 4.Fa4 d6)

4...d6

امکانات سفید برای مقابله با این حرکت به‌قرار زیر است :

I) 5.0-0

II) 5.FxC+

III) 5.c4

IV) 5.c3

I) 5.0-0

فیدروف - کوکسوف (۱۹۷۸)

5...Fd7 (5...Fg4 6.c3 Df6 نیز میسر است)

6.c3 Cf6 7.Te1 Fe7 8.d4 0-0 9.Cb-d2 PXP 10.PXP Cb4

11.FxF CxF 12.Db3 c5 13.d5 a5

با امکاناتی برابر

II) 5.FxC+ PxF 6.d4

سیاه می‌تواند از طریق f6 مرکز را حفظ نموده و از خانه g7 برای گسترش فیل سود جوید و اسب را از طریق h6 در f7 مستقر سازد و یا فیل را از راه e7 و اسب را از کانال e7 به g6 ببرد. البته در این صورت سفید دارای وضعیتی باز خواهد بود ولی سیاه نیز امکانات دفاعی مناسبی در اختیار خواهد داشت. ولی اگر سیاه از این خانه به‌خوبی استفاده نکند آنگاه دچار مصیبت خواهد شد. حال به‌بازی که در ارتباط با همین واریانت انتخاب شده توجه کنید :

ریختر - نایگلی (مونیخ ۱۹۳۹)

6...f6 7.Dd3! g6

استولیک - پادگورنی (کارلوی واری ۱۹۴۸) چنین ادامه دادند :

(7...Ce7 8.Cc3 Cg6 9.h4 h5 10.Fe3 Fd7 11.0-0-0 سفید)

8.h4! h6 9.Cc3 Fe6 10.Fe3 Ce7 11.0-0-0 Fg7 12.Ch2! Db8

13.f4 Db4

سفید در حرکت ۱۲ تمایل خود را به حمله در جناح شاه نشان داد و موقعیت را با آن حرکت برای پیشروی پیاده‌های خود فراهم آورد و سیاه در این حرکت خود یعنی 13...Db4 بنا به اصلی قدیمی و رایج دست به تهاجم در جناح وزیر زده تا بدینوسیله تعادل را برقرار سازد:

14.a3 Dc4 15.Dd2 a5

سیاه برای تهدید b3 راهی برای وزیر خود باز نموده

16.b3 Da6 17.fxe fxe 18.PxP FxP 19.Cf3 Fg4 20.CxF!!

سفید با این حرکت راه را برای حمله می‌گشاید.

20...FXT 21.TxF PxC 22.Dd7+ Rf7 23.DxP Th7 24.DxP Te8

25.a5! Dc8 26.Td6! g5 27.Tf6+ Rg8 28.Fd4 Dd7 29.Txh3! Cf5

30.Dh8+!!!

و سیاه تسلیم شد چرا که اگر

30...TxD 31.TxT+ Rf7 32.Th7+ Re6 33.PxC+ Rd6 34.TxD+ RxT

35.h6 Te2 36.Fg7

و پیاده وزیر خواهد شد.

III) 5.c4

این حرکت سفید باعث ضعف خانه مرکزی d4 خواهد شد.

گلدنو - یودویچ (شوروی ۱۹۴۷) چنین ادامه دادند:

5...Fg4 6.Cc3 Cf6 7.h3 FxC 8.DxF Fe7 9.d3 0-0 10.Fe3 Cd7

با وضعیتی مناسب

IV) 5.c3

این حرکت معمولتر است.

5...Fd7 6.d4 g6 7.0-0

(7.Fg5 f6 8.Fe3 Ch6 9.0-0 Fg7 10.h3 Cf7

11.Cb-d2 0-0 (با وضعیتی برابر)

7...Fg7 8.dxe

رائورز در مقابل لونیفیش (شوروی ۱۹۳۴) به جای حرکت متن چنین ادامه‌ای را برگزید:

(8.Te1 Cg-e7 9.Fe3 0-0 10.Cb-d2 h6 11.Fb3 Rh7 12.dxe dxe

13.Fc5 b6 14.Fa3 Ca5

با امکانات و وضعیتی برابر

8...Cxe5

(8...PxP 9.Fg5 Cg-e7 10.Dd3 h6 11.Fe3 0-0 12.Fc5

با برتری سفید

9.CxC PxC 10.f4 Fb5!

این حرکت که توسط رومانوسکی کشف شده سیاه را از این عقب ماندگی درگسترش می رهااند.

11.FxF+ axF 12.Db3 Dd7 13.fxe FxP 14.ca3

(14.Fe3 Cf6-15...Fhx2+ و یا 15...Cg4 سپس)

14...c6

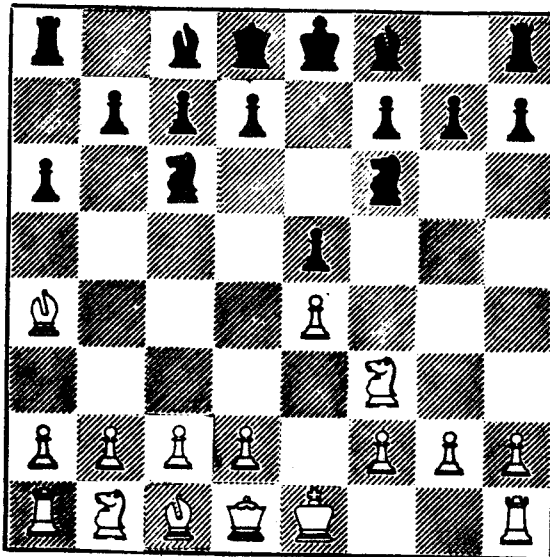
با امکاناتی برابر

* * * *

دفاع معوقه برلین (Berlin Defence Deferred)

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 a6 4.Fa4 Cf6)

4...Cf6



با این حرکت در دفاع برلین که شرحش آمده آشنائی پیدا کردید، ولی در اینجا حرکت چهارمین سیاه است و همین موضوع بطور کلی وضع را دگرگون می‌سازد، همانطور که در مورد دفاع اشتاینیتز اینگونه بود. اصولاً " این دفاع بیشتر از سایر اشکال دفاعی لویز بکار گرفته می‌شود و از این جهت فوق‌العاده غنی است و اشکال متنوع و پیچیده‌ای را شامل می‌شود و به جرات می‌توان گفت که این دفاع بهترین دفاع سیاه در مقابل شروع اسپانیولی است!

اکنون سفید در پاسخ به این حرکت تعیین‌کننده، پنج راه پیش‌رو دارد و از این میان می‌بایست یک راه را برگزیند:

I) 5.d3

II) 5.d4

III) 5.Cc3

IV) 5.0-0

V) 5.De2

پیشاپیش و در آغاز راه متذکر می‌شویم که بهترین و معمولترین راه سفید (5.0-0) می‌باشد ولیکن ما در اینجا به بررسی دیگر راهها هم می‌پردازیم و در ابتدا از 5.d3 شروع می‌کنیم:

I) 5.d3

سیاه در مقابل این حرکت بازی راحتتری خواهد داشت:

اشتاینیتز - بلک برن (لندن ۱۸۷۶)

5...d6

حرکت 5...b5 زود هنگام است و تهدیدات بیشتری به همراه خواهد داشت.

6.c3

سفید ضمن آماده ساختن مقدمات حرکت d4 در اصل راهی برای فیل خود باز نموده تا فیل را به e2 کشانده و ضمن ترمز از مبادله پیاده e5 و بالتیجه مرکز را حفظ می‌کند. البته عده‌ای قبل از این حرکت ترجیح می‌دهند تا h3 را انجام داده و خانه g4 را از دسترس فیل سیاه دور سازند.

6...Fe7

برخی برای گسترش فیل خود از طریق 6...g6 اقدام می‌نمایند که تا با استقرار فیل خود در g7 آمادگی d5 را پیدا نمایند، منتهی این به قیمت تضعیف قلعه‌اشان تمام می‌شود.

7.h3 0-0 8.De2

حرکت 8.Cb-d2 حرکت خوبی نیست، چرا که مانع گسترش آسان فیل خواهد شد و گذشته از آن امید سفید برای رفتن به خانه c4 با حرکت 8...b5 سیاه برباد خواهد رفت، ببینید:

(8.Cb-d2 b5 9.Fc2 d5 10.De2 Te1 11.0-0 Fe6 12.PxP FxP
13.CxP CxC 14.DxC Fd6)

وضعیت سیاه به مراتب بهتر است و اگر چنانچه سفید به d4 عقب بنشیند با 15...c5 روبرو خواهد شد و آنگاه مجبور خواهد شد که وزیر را به g5 براند که در آن صورت با ادامه 15...Te5 16.Dh4 Th5 17.Dd4 c5 18.De3 Cg4 19.De2 روبرو خواهد شد.

8...Ce8

این حرکت برای فعال ساختن پیاده f و فیلها بازی می شود.

9.g4 b5

این حرکت سیاه ایده حمله متقابل در جناح وزیر و پیدا کردن راهی برای گسترش فیل را دنبال می کند.

10.Fc2 Fd7 11.Fd2 Dd7

هر دو طرف از کمبود فضا رنج می برند.

12.Cf1 Cd8 13.Ce3 Ce6

عرصه های بسته، اغلب میدان مانورهای متوالی اسب است و این میادین، چنین مانورهای را در پی دارد، چرا که اقطار و ستونها بسته است و فیلها قادر به انجام هیچگونه مانوری نیستند. بهر حال همانطور که پیشتر اشاره رفت در این واریانت، سیاه به راحتی دم لای تله نمی دهد و برای مقابله توانائیهای دفاعی خوبی را در اختیار دارد.

یونکه - کارپف (۱۹۶۹)

II) 5.d4 PxP (5...CxP 6.Dd2!) 6.0-0 Fe7 7.e5 Ce4

8.CxP 0-0 9.Cf5

به واسطه کسب برتری دو فیل و تهدید Dg4 ولی او فرصتها را از دست می دهد.

9...d5 (9...CxD 10.Te1) 10.FxC bxF 11.CxF+ DxC 12.Te1 Te8

سفید در گسترش عقب مانده و وضعیت سیاه به مراتب بهتر است.

13.f3 Cd6! (14.PxC DxT+ 15.DxD TxD+)

15.Fa3 Dg5 16.Fb2? Ch4 17.De2 f6 18.Df2 Fh3 19.g4 PxP

و سفید تسلیم شد .

III) 5.Cc3 Fe7 !

ستون e بسته شد و حال یکی از ادامه‌های ممکن این است :

6.FxC dxF 7.CxP CxP! 8.CxC Dd4 با برتری سیاه
(6.0-0 b5 7.Fb3 d6) و یا اینکه

از e5 دفاع نموده و تهدید مبادله را بوجود می‌آورد

8.a4 b4! با برتری سیاه

اگر چنانچه سفید برای حفظ فیل خود حرکت هشتم را به این شکل انجام نمی‌داد ، سیاه ضمن مبادله پیاده‌های جناح وزیر خود را بر علیه پیادگان جناح وزیر سفید بسیج نموده و حمله‌ای را در این جناح سامان می‌داد و از طرفی با فیل خود اسب سفید را به‌نحو نامطلوبی آچمز می‌گرفت .

IV) 5.0-0

پاسخ سیاه به این حرکت ، یکی از جوابهای زیر است :

I) 5...b5

II) 5...Fc5

III) 5...Fe7 واریانت بسته

IV) 5...CxP واریانت باز

I) 5...b5 6.Fb3 Fb7

در صورت 6...Ca5 فیل سفید به f7 حمله کرده و آن را می‌گیرد و به‌ازای یک قربانی سوار ۲ پیاده و امکان بسیار عالی برای حمله بدست می‌آورد .
پیساریف - سویل (۱۹۷۸) چنین ادامه دادند :

6...CxP 7.d4 d5 8.PxP Fe6 9.Cb-d2 Cc5 10.c3 d4 11.FxF CxF
12.Ce4 Fe7 13.PxP Ccxd4 14.Fe3 c5 15.b4 CxC+ 16.DxC c4
17.Tf-d1 Dc8 18.Cd6+ FxC 19.PxF 0-0 20.d7 Dc7 21.a4 PxP
22.Fc5 CxF 23.PxC Ta-b8 24.Dg3 Da5 25.c6 Tb3 26.c7! TxD
27.d8=D Td3 28.TxT PxT 29.DxT+ RxD 30.c8=D+ Re7
31.Dc4 De5 32.Td1

و سیاه تسلیم شد .

7.d4!?

حرکت رایج در اینجا 7.Te1 می باشد مثلا " مستیل - بیلایوسکی (۱۹۷۸) چنین ادامه دادند :

7.Te1 Fc5 8.c3 0-0

کوزلف بر علیه کوسوف (۱۹۷۸) با موفقیت حرکت 8...d6 را بکار برد. آنان چنین ادامه دادند :

(8...d6 9.d4 Fb6 10.Fg5 h6 11.FxC DxF 12.Fd5 Tb8
13.Cb-d2 0-0 14.Cb3 Ce7 15.FxF TxF 16.a4 De6 17.PxP PxP
18.Te2 Tb-b8 19.h3 Cg6 20.PxP Cf4 21.Td2 PxP 22.Rh2 f5
23.PxP TxP 24.Cc1 Tb-f8 25.Cg1 Cxg2 . (و سفید تسلیم شد .)

اما کاپنگوت در برابر مالانیوک (۱۹۷۸) پس از

7.Te1 Fc5 8.c3 d6 9.d4 Fb6

به جای حرکت 10.Fg5 که کوسوف علیه کوزلف بکار برده بود حرکت 10.Ch4! را انجام داد و پس از

10...Dd7 11.Fg5 0-0-0 12.d5 Ce7 13.FxC PxF 14.Df3 Th-g8
15.g3 Dh3 16.Rh1 Tg4 17.Cd2 Td-g8 18.Tg1 Rb8 19.Dxf6 !
برتری واضحی به کف آورد .

به ادامه بازی مستیل - بیلایوسکی باز می گردیم :

9.d4 Fb6 10.Fg5 d6 11.a4 h6 12.Fh4 g5 13.Fg3 Te8
14.h4 Ca5 15.PxP CxF 16.PxC CxT 17.Fh4 PxP 18.Dd2 Rh7
19.Cg5+ Rg8 20.Cf3 Rh7 21.Cg5+ Rg8 22.Ce6 TxC
23.Dxh6 Df8 24.Dg5+ Rh8 25.Dh5+ Rg8
و کیش دائم

7...Cxd4 8.CxC PxC 9.e5 Ce4 10.c3 PxP

فیلیپین کو - کوزلف (۱۹۷۸) چنین ادامه دادند :

10...Ce5! 11.PxP CxF 12.DxC d6 13.Ff4 Fe7 14.a4 0-0
15.Cc3 b4 16.DxP PxP 17.DxF PxF
با امکانات متقابل
11.Df3 d5 12.PxPep Df6 13.Te1 0-0-0 14.dxc RxP
15.DxD CxD 16.CxP Fc5 17.Fg5 Td7 18.Ta-e1 Rb6
19.a4 Te8 20.TxT CxT
با وضعیتی مناسب

II) 5...Fc5 6.Cxe5
 اگر 6...CxC 7.d4 (حال

سوار را پس می‌گیرد با موقعیت بهتر

چنانچه 7.De2 Cxe5 8.Dxe4 De7 9.c3

(برای سیاه نفع کمی و کیفی حاصل می‌آید 9.d4 Cc6

(نیز میسر است 10.d4) 10.Df3 9...Cc6

سیاه مجبور به پس دادن سوار است و در ضمن مرکز راهم از دست خواهد داد، چرا که سفید تهدیدات قدرتمند Te1d3 و d3 و همینطور d4 را در اختیار دارد.

* * * *

واریانت بسته لویز

III) 5...Fe7

آوردن فیل به e7 بهترین امکانات دفاعی را در اختیار سیاه قرار می‌دهد، روی لویز برای سیاه یعنی همین. سیاه با انتخاب این دفاع در درجه اول و دفاعی که پس از بررسی این واریانت، تحت عنوان واریانت باز خواهیم آورد در درجه بعدی، بهترین ساختمان دفاعی ممکن، را در برابر گشایش لویز می‌تواند بوجود آورد و دقیقاً "به همین واسطه اغلب بازیهای که با گشایش لویز آغاز می‌شوند این حرکت را به همراه دارند:

6.Te1 b5

سیاه با این حرکت و حرکت بعدی که d6 می‌باشد سعی در حفظ پیاده خود دارد ولی در اینجا d6... 6 نیز میسر است و با انجام این حرکت ممکن است بازی چنین ادامه یابد.
 (6...d6 7.c3 Fg4 8.h3 Fh5 9.d3 Dd7 10.Cb-d2 g5!?)

در پی ایجاد چنین وضعیتی ویتولنش - پطروسیان (۱۹۷۸) چنین ادامه دادند:

(11.Cf1 g4 12.FxP FxP 13.Ce3 Tg8 14.CxF DxC 15.g3 h5
 16.Ch2 Dh3 17.Te3 h4 18.g4 DxC+ 19.RxD CxP+ 20.DxC TxD
 21.Tf3 f6 (با وضعیتی برابر)

اما تشکوکوسکی - میخالچشین (۱۹۷۸) اینطور ادامه دادند:

(11.FxC?! DxF 12.d4 0-0-0 13.Db3 g4 14.hxg Cxg4

15.Cc4 Th-g8 16.Ca5 Db5

با وضعیتی بهتر

تالپوت - میخالچشین (۱۹۷۸) پس از 6...d6 اینگونه ادامه دادند :

11.FxC?! bxF 8.d4 exd, 9.Cxd4 Fd7 10.Cc3 0-0 11.Df3 Tb8
 12.Tb1 Tb6 13.h3 g6 14.Cb3 Ch5 15.Fe3 Tb8 16.e5 dxe
 17.Fh6 Te8 18.Txe5 Cg7 19.Td1 Ce6 20.Ce4 Tb5 21.Txe6 fxe
 22.Dc3 e5 23.Dc4 Rh8 24.Df7 Tg8 25.Cf6 Fxf6 26.Txd7 DxT
 27.DxD

و سیاه تسلیم شد .

7.Fb3 d6

در صورت 7...0-0 سفید دو ادامه 8.a4 و 8.d4 را در اختیار خواهد داشت مثلا "
 کوپریچیک - دورفمان (۱۹۷۸) چنین ادامه دادند :

8.a4 Fb7 9.d3 d6 10.Fg5 Cd7 11.Fe3 Ca5 12.Fa2 c5
 13.c3 Cb6 14.b4 Cc6 15.a5 Cd7 16.Fd5 Dc7 17.Db3 Cf6
 18.Cb-d2 Ta-c8

با وضعیتی برابر

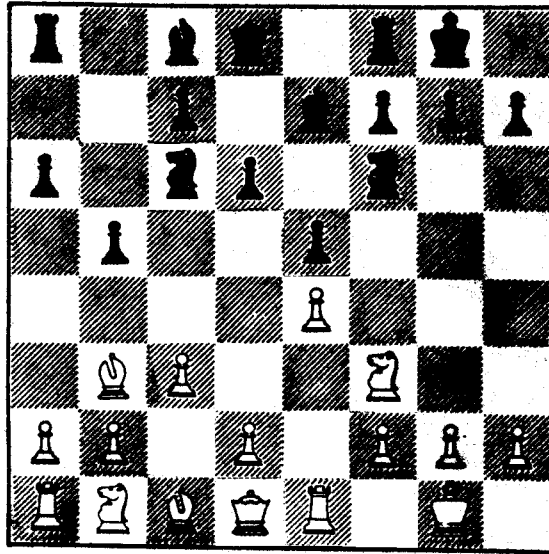
رومانشین-تسشکووسکی (۱۹۷۸) اینگونه ادامه دادند :

8.d4 CxP 9.CxC (9.FxP+ TxF 10.CxP Tf8 11.DxC
 (بهرتر است
 9...PxC 10.e5 Ce8 11.c3(11.DxP c5 12.De4 Tb8 13.Cd5 Cc7)
 11...PxP 12.CxP Fb7 13.Dd3 c5 14.Fd5 FxF 15.CxF Ce7
 16.Cb6 Ta7 17.Fe3 d5 18.PxPep Cc6

با وضعیتی بهتر

* * * *

8.c3 0-0



صفوت - کاسر (بلغارستان ۱۹۶۲) چنین ادامه دادند :

(8...Ca5 9.Fc2 c5 10.d4 Dc7 11.h3 0-0 12.Cb-d2 Cc6
13.d5 Cb8 14.a4 b4 15.c4 Ce8 16.g4!)

جلوگیری از f5 سیاه و بالنتیجه ممانعت از آزاد شدن سوارهای وی
در اینجا سفید می‌تواند یکی از دو حرکت 9.d4 و 9.h3 را برگزیند :
ادامه‌های پس از 9.d4 :

9.d4 Fg4 10.d5

در صورت 10.Fe3 ممکن است بازی چنین ادامه یابد :

10.Fe3 exd 11.Cxd Ca5 12.Fc2 Cc4

پی‌وی‌تینا - آخمیلووسکایا (۱۹۷۸) چنین ادامه دادند :

(12...c5 13.h3 Cxd 14.Fxd4 Fxf3

خازین - کلیوگر (۱۹۶۴) اینگونه ادامه دادند :

(14...Fh5 15.g4 Fg6 16.Ch4 Cc6 (16...Fxe4 17.Fxe4 18.Cf5)

17.Cxg6 hxg 18.Cc3 Cxd4 19.Dxd4 (با وضعیتی برابر)

15.Dxf3 Cc6 16.Dd1 Tc8 17.Cc3 b4 18.Ce2 Cd7 19.Fd3

با برتری سفید

13.Fc1 e5 14.b3 Cb6 15.Fb2

نال - پورتیش (۱۹۷۶) چنین ادامه دادند :

(15.Cb-d2 Cf-d7 16.h3 Fh5 17.g4 Fg6 18.Cf1 d5 19.e5 Tc8

20.Ff5 c4 21.Cg3 (با وضعیتی بهتر

15...Tc8

(15...Cxd 16.Cb-d2 Cf-d7 17.h3 Ff6(17...Fh5 18.g4 Fg6

19.Cxd4 Fg5 20.C2-f3 Ff6 21.Fa3 18.hxg d3) با برتری سفید

19.Fxf6 dxc 20.Fxd8 cxd=D 21.Taxd1 Tfxd8 (با وضعیتی برابر

16.Cb-d2 Cf-d7 17.h3 Fh5 18.dxc

کلوان - گلر (۱۹۷۸) به‌قرار زیر ادامه دادند و سیاه امکانات مناسبتری بدست آورد .

(18.Tc1 Cxd 19.Fxd4 (19.g4 Fg6 20.Cxd4 Fg5) 19...Ff6

20.g4 Fg6 21.Cf1 Cc5 22.Cg3 Ce6)

18...Cxc5 19.g4 Fg6 20.Cd4 Ff6 21.Cd-f3?(21.Cf1 بود درست)

21...Te8 با برتری سیاه

10...Ca5 11.Fc2 c6 12.h3! FxC 13.DxF PxP 14.PxP Cc4

15.Cd2 Cb6

رازوویف - واسوکف (۱۹۷۸) اینطور ادامه دادند :

15...Te8 16.Cf1 g6 17.Fh6

ئیتس - رویین اشتاین (هاستینگر ۱۹۲۲) اینطور دنبال کردند :

(17.Cg3 Ce8 18.Cf5? Fg5 19.Dg4 FxC1 20.TaxF Cg7

21.CxC RxC 22.Tb1 f5 (با امکاناتی مناسب)

17...Te8 18.a4!?! Cxb2 19.axb axb 20.Cg3(20.Tf-d1 e4)

20...b4!?! 21.c4 Cxc4(21...Txc4 22.Db3 Dc7 23.Te2)

22.Fa4 Ca3!?! 23.Fxe8 CxF 24.Te-c1 Tb8 25.Db3 Fg5

26.FxF DxF 27.Tc6 Dd8 مساوی

16.Cf1!! Ce8

رومانشین درمقابل گلر (۱۹۷۸) که به‌جای حرکت متن 16...Cbxp را انجام داده بود

چنین ادامه داد :

17.Cg3 Cc7 18.a4 PXP 19.Fxa4 Tb8 20.b4 با وضعیتی بهتر

استویج - ارنشتین (ایروان ۱۹۷۸) پس از 17.Cg3 16...CbXP چنین ادامه دادند:

17...g6?! 18.Fh6 Te8 19.Ta-d1 Cb6 20.Cf5 Ta7 21.CxF+

DxC 22.Fe3

با وضعیتی بهتر

17.a4(17.g4? g6 18.Cg3 Fg5)

اینک سه ادامه 17...g6، 17...Cxa4، 17...bxa برای سیاه وجود دارد. مثلاً"

نال - گلیگو (۱۹۷۸) چنین ادامه دادند:

17...g6 18.PXP PXP 19.Fh6 Cg7 20.Fd3 b4(20-Dd7 21.Ce3

22.De2 (و سپس 21.PXP TxF 22.TxF Fg5

23.FxC DxF 24.Ta7 Df4 25.Fe4

با برتری سفید

رومانشین - کارپف (۱۹۷۸) اینطور ادامه دادند:

17...Cxa4 18.FxC PxF 19.Ce3 g6 20.Cc4 f5 21.Txa4 Cc7

با برتری مختصر سفید

گوفلد و لیندل (۱۹۷۶) تا حرکت نوزدهم به مانند رومانشین - کارپف عمل کردند ولی

ار حرکت نوزدهم چنین ادامه دادند:

19.Te4 Fg5 20.FxF DxF 21.TexP Cc7 22.Tc4 De7

23.Tc6 f5 24.c4

با امکاناتی بهتر

ساکس - الین (بورتوروز ۱۹۷۶) چنین ادامه دادند:

17...bxa 18.Ce3 Fg5 19.Fxa4 CxF 20.TxC f5 21.Cc4 e4

22.FxF DxF 23.De3 Dg6 24.Cb6 Ta7

با امکاناتی مناسب

گوفلد - مارک (۱۹۷۶) تا حرکت هیجدهم بازی بالا به یکسان پیش آمدند ولی در حرکت

هیجدهم گوفلد به جای 18.Cc3 حرکت 18.Fxa4 را انجام داد و بازی چنین ادامه یافت:

18...CxF 19.TxC f5 20.c4 Dc8 21.Fd2 Cf6 22.Cg3 g6

23.Te-a1 Cd7 24.De2 Cb6 25.Tb4 Fd8 26.b3

با وضعیتی بهتر

ادامه‌های پس از 9.h3

9.h3

امکانات سیاه برای مقابله با این حرکت عبارتند از:

I) 9...Fe6

II) 9...Fb7

III) 9...h6

IV) 9...Ca5

V) 9...Cb8 واریانت بره‌بر

(ویتولینش - اسپیدینوف (۱۹۷۸))

I) 9...Fe6 10.d4 Fxb3 11.axb

تسی تلین - خولموف (۱۹۷۸) نیز پس از

(11.DxF d5 12.exd Ca5 13.Dd1 exd 14.Cxd4 Te8 15.a4 b4

16.Cxb Fxb4 17.Txe8 DxT 18.Cc3 Fxc3 19.bxc De5

به وضعیتی برابر رسیدند.

11...Db8 12.Cb-d2 Te8 13.Cf1 Db7 14.dxe dxe 15.Fg5 Ta-d8

16.Dc2 Cd7 17.Fxe7 CxF 18.Ce3 Cg6 19.b4 c5 20.Cd5 cxb

21.cxb Tc8 22.Db3 Cb6 23.Cg5 Tc4 24.Ta-d1 h6 25.Cf3

و طرفین به تساوی رضایت دادند.

II) 9...Fb7 10.d4

به نفع سفید 10...exd4 10.Cxd4 d5 12.e5 Ce4 13.Cc3 (حال اگر سیاه

فیشر - اشتین (ساوس ۱۹۶۷) اینگونه ادامه دادند:

10...Ca5 11.Fc2 Cc4 12.b3 Cb6 13.Cb-d2 (13.dxe5 dxe5

14.Dxd8 Taxd8 12.Cxe5 Cxe4 16.Fxe4 FxF سیاه پیاده را پس گرفت

13...Cb-d7

(برای سیاه بهتر بود 13...Cf-d7 11.Cf1 c5 15.Cg3 b4

14.b4 سیاه به لحاظ زمان عقب مانده

و اما کارپف - کاسپاروف (۱۹۸۴) اینگونه ادامه دادند که حرکت سیاه به مراتب بهتر از

دو حالت قبلی است.

(10...Te8 11.Cb-d2 Ff8 12.a4 h6 13.Fc2 exd4 14.Cxd4 Cb4

15.Fb1 c5 16.d5 Cd7 17.Ta3 c4)

III) 9...h6 10.d4 Te8 11.Fe3 Ff8 12.Cb-d2 Fb7 13.Db1

اسپاسکی - مدینا (پالما ۱۹۶۹) در پی ایجاد چنین وضعیتی اینگونه ادامه دادند:

13...d5 14.Cxe5 CxC 15.dxe5

که چنین ادامه‌ای را بدنبال دارد:

15...Cxe4 16.CxC dxe4 با امکاناتی برابر
اما فیشر - ایوکف (پالما ۱۹۷۰) چنین ادامه دادند:

13...Db8? 14.a3!

اسپاسکی بر علیه گلیگوریچ 14.a4 را بکار برد و بازی چنین ادامه یافت
(با برتری سفید 14.a4 Cd8 15.Dd3 Fc6 16.c5 Fd7 17.c4 سفید)
14...Cd8 15.Fc2 c6 16.b4

با برتری سفید

N) 9...Ca5

این حرکت ایده تعویض فیل با اسب را دنبال می کند تا از این طریق قدرت حمله سفید
را کاهش داده و زمینه را برای یورش پیاده های جناح وزیر آماده سازد.

10.Fc2 c5 11.d4 Dc7 دفاع از پیاده e5 و فشار در ستون c
12.Cb-d2

12.a4 b4 13.cxb cxb 14.b3 Fe6 15.d5 Tf-c8

سیاه به راحتی دفاع خواهد کرد

12.dxe dxe 13.Cb-d2 c4 (و یا

15...Cc5, 14...Cb7 با امکان

12...Cc6

رینالدو با مهره سیاه در مقابل فیشر (کلیند ۱۹۵۷) چنین ادامه داد:

(12...Fd7 13.Cf1 Tf-e8 14.Ce3 g6 15.Fd2 Ff8 16.Tc1 Fg7

17.b4! با برتری سفید

البته اگر سیاه به جای 16...Fg7 حرکت 16...Cc6 را انجام می داد وضع بهتری پیدا
می کرد اگر چه که سفید پس از

16...Cc6 17.Cd5 CxC 18.PxC Ca5 19.dxe5 dxe5 20.b3 Fg7

21.c4 Cb7 باز برتری خود را حفظ می کرد.

زاتولووسکایا - بوریسنکو (۱۹۷۸) چنین ادامه دادند:

(12...Cxd 13.Cxd Cc6 14.Cb3(14.b3 (نیر میسر است

14...a5 15.Fe3 a4 16.Cb-d2 Cb4 17.Fb1 Fd7 18.a3 Cc6

19.Fd3 Db7 20.De2 Tf-b8 21.Te-b1 exd 22.Cxd4 Ce5

23.Fc2 Da6 24.f4 Cc4 25.Ff2 Cxd2 26.Dxd2 Fd8 27.Tf1 Ce8

28.Fd3 Da5 29.De2 b4 30.e5 dxe 31.fxe Fc7 32.Ta-e1 bxa
 33.bxa Tb6 34.Fc4 Tg6 35.Df3 Fe6 36.Cxe6 fxe 37.Fd4 Cf6
 38.exf Tg3 39.Fxe6

و سیاه تسلیم شد .

حرکت متن، بهترین حرکت سیاه تلقی می‌شود، حال اگر سفید 13.Cf1 کند، سیاه به وسیله 13...cxd4 یک پیاده می‌گیرد چرا که در صورت 14.c3xd4 سیاه اقدام به 14...e5xd4 خواهد کزد و سفید نمی‌تواند پیاده را پس بگیرد چرا که در آن صورت یک سوار ضرر خواهد کرد: (15.CxP CxC 16.DxC DxF) پس سفید مجبور است که dxe و یا 13.d5 را انجام دهد و اگر چنانچه سفید 13.d5 را به قصد مسدود ساختن مرکز و حمله به جناح شاه انجام دهد سیاه می‌تواند پس از ادامه

13.d5 Ca5 14.b3 Fd7 15.Cf1 Cb7 16.c4 bxc 17.bxc Tf-b8

تعادل را برقرار سازد .

13.d4xe5 d6xe5 14.Cd-f1

حال فشار در مرکز کم شده و سفید در اندیشه تحقق بخشیدن به ایده حمله در جناح شاه است . اما اسمیلوف در برابر ایوه (مسکو ۱۹۴۸) با ادامه زیرموفق به برقراری تعادل شد .
 14...Fe6 15.Ce3 Ta-d8 16.De2 g6

حرکت 14...Tf-d8 نیز مناسب است .

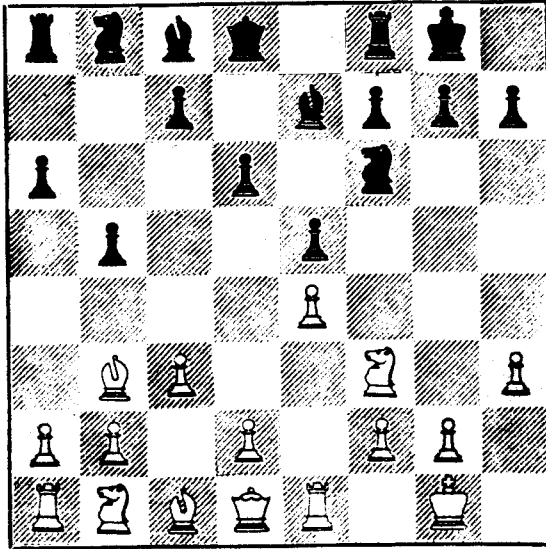
14...Tf-d8 15.De2 Ch5 16.Cg5 (16.Ce3 Cf4)

16...Cf4 17.FxC PxP 18.Dh5 FxC 19.DxF De5

با امکاناتی برابر

* * * *

۷) 9...Cb8



سیاه در این واریانت امکان گسترش فیل را از طریق b7 فراهم آورده و با کشاندن اسب به d7 و کنترل خانه‌های مرکزی e5 و c5 هجوم پیاده‌های جناح وزیر خود را تدارک می‌بیند:

10.d4

پس از 10.a4 سیاه طی ادامه

10...Fb7! 11.d4 Cb-d7! 12.axb axb 13.TxT FxT 14.d5 c6

ابتکار عمل را بدست خواهد گرفت.

زور اخف بر علیه گروگیوس (۱۹۵۵) در مقابل 9...Cb8 حرکت 10.d3 را بکار گرفت و بازی چنین ادامه یافت.

10...Cb-d7 11.Cb-d2 a5

ادامه

11...Fb7 12.Fc2 Te8 13.Cf1 Ff8 14.Cg3 g6

نیز برای سیاه خوب است پس از

11...Fb7 12.Cf1 Cc5! 13.Fc2 Te8 14.Cg3 g6 15.d4 Cc-d7
16.b4 Ff8 17.a4 Fg7!

نیز سیاه وضعیت بسیار خوبی پیدا خواهد کرد.

12.Cf1 a4 13.Fc2 Te8 14.Cg3 Cc5 15.Cf5 Ff8 16.Ch2 Ce6
17.d4 c5!

با امکانات متقابل

10...Cb-d7

و حال این سفید است که می‌بایست با انتخاب یکی از راههای زیر بازی را کانالیزه کند:

a) 11.Ch4

b) 11.Cb-d2

c) 11.c4

اشمیت در مقابل تسامریوک (۱۹۷۸) به راه دیگری رفت و از قضا موقعیت خوبی بدست آورد،

او چنین ادامه داد:

11.Fg5 Fb7 12.Cb-d2 Te8 13.a4 Ff8 14.De2 c6 15.Fc2 Dc7

16.axb axb 17.Df1 h6 18.Fe3 b4 19.dxe dxe 20.Dc4 bxc

21.bxc Txa1 22.Txa1 Fd6 23.Ch4 Ta8 24.Txa8 Fxa8

25.Cf5 Ce8 26.Fb3 Cf8 27.Da4 Db7 28.Da2 Ce6 29.Fxh6 Dc8

30.Fxe6 Fxe 31.Fxg7 Rf7 32.Cc4

و سیاه تسلیم شد.

a) 11.Ch4

فیشر - بارکرای (ساوس ۱۹۶۷) چنین ادامه دادند:

11...exd4 12.Cxd4 Cb6 13.Cf3!

با برتری سفید

11...Te8 12.Cf5 Ff8 (در صورت

سیاه امکان برتری دو فیل را به سفید نخواهد داد و لیکن ابتکار عمل همچنان در دست

سفید باقی خواهد ماند.

فیشر - بنکو (آمریکا ۱۹۶۵) به نحو دیگری ادامه دادند، آنان اینطوری گرفتند.

11...Cb6 12.Cd2 c5 13.dxc5 dxc5 14.Cf5 Fxf5 15.exf5

سفید برتری دو فیل را به دست می‌آورد ولی به قیمت پیشروی پیادگان جناح وزیر و دبله

شدن پیاده سفید.

b) 11.Cb-d2

فیشر - اسپاسکی (ریک یاویک ۳ اوت ۱۹۷۲) چنین ادامه دادند:

11...Fb7 12.Fc2 Te8 13.b4 جناح وزیر مسدود شد
 13...Ff8 14.a4 Cb6 15.a5 Cb-d7 16.Fb2(16.d5 c6 17.c4 bxc
 18.dxc6 Fxc6 19.Cxc4 Dc7 (با امکان یک بازی خوب برای سیاه
 16...Db8 17.Tb1!

سفید قصد دارد با c4 فشار را بر ستون b وارد آورده و پیاده b را نیز حمایت کند اما سیاه
 نیز بخته‌های برای دفاع متقابل از طریق c5 و حمله در ستون وزیر را در اختیار دارد.
 c) 11.c4

پس از 11.c4 بوریسکو در مقابل بولسلاوسکی (۱۹۵۵) به جای 11...c6 حرکت
 11...b4 را انجام داد و بازی چنین ادامه یافت:

11...b4 12.c5! (12.Cb-d2 Te8 13.Cf1 Ff8 14.Fc2

(با برتری مختصر سفید

12...Fb7 13.Dc2!)

13...exd? 14.cxd?

14.c6! d3 15.Dc4 Cb6 16.Cxb

ادامه درست

بود که به برتری قطعی سفید منجر می‌گشت.

16...Cxd 15.Cxd4 Cxe4!

با برتری سیاه

پس از 11...Fb7 نیز سفید طی ادامه 13.Fxc4 b3 12.Cc3 وضعیت فعالتر و برتر
 خواهد داشت.

گلیگوریچ در مقابل پطروسیان (۱۹۶۳) پس از انجام این حرکت و ادامه

11...c6 12.c5 Dc7 13.c5xp FxP 14.Fg5 PxP 15.FxC PxC

16.CxP

بازی نسبتاً "خوبی بدست آورد.

* * * *

واریانت باز

همانطوری که حتماً به خاطر دارید، سفید در حرکت پنجم به قلعه رفت و ما در مقابل
 برای سیاه چهار حرکت (5...b5)، (5...Fe5)، (5...Fe7) و (5...CxP) را
 پیشنهاد نمودیم، که عواقب سه حرکت را پیش از این برشمرده و مورد بحث و بررسی
 قرار دادیم و حال وقت آن رسیده که به بررسی آخرین حرکت بپردازیم و آن حرکت

(5...CxP) می باشد. در جریان بررسی حرکت $7Fe \dots 5$ و ادامه های مربوط به آن حتما "دریافتید که بازی در حالتی بسته قرار گرفته و به شکلی کند و بطئی پیش می رفت و حرکات طرفین بسیار محدود بوده و اغلب مانورها در پشت پیاده های خودی صورت می گرفت و عرصه، عرصه شلوغی بود. اما همانطور که در ادامه این بخش خواهید دید، سیاه با حرکت $5 \dots CxP$ بازی را می گشاید و عرصه ای بازتروباژی حادتر را پدید می آورد.

$5 \dots CxP \ 6.d4(6.Te1 \ Cc5 \ 7.Cxe5 \ Fe7) \ 6 \dots b5$

$6 \dots PxP$ منجر به واریانتهی می گردد که "ریگا" می نامندش پس از این حرکت ممکن است بازی چنین ادامه یابد:

$(7.Te1 \ d5 \ 8.Cxd4 \ Fd6 \ 9.CxC \ Fxh2+ \ 10.Rh1!$

اگر چنانچه سفید $10.RxF$ کند آنگاه سیاه با حرکت $10.Dh5+$ و همینطور $11 \dots Dxf2+$ می تواند کیش دائم داده بازی را مساوی کند.

$10 \dots Dh4! \ 11.TxC+! \ PxT \ 12.Dd8+! \ DxD \ 13.CxD+ \ RxC$

به لحاظ کمی نیروها متعادلند و لیکن از آنجائی که سوارهای کوچک سفید راحتتر به میدان می آیند، سفید از لحاظ کیفی وضعیت نسبتاً "بهتری" دارد.

(و سیاه می تواند دفاع کند $7.Fb3(7.d5 \ PxP \ 8.PxC \ d6 \ 9.Te1 \ Cf6$

$7 \dots d5 \ (7 \dots exd \ 8.Te1 \ d5 \ 9.Cc3 \ Fe6 \ 10.Fxd5 \ FxF \ 11.Cxe4$

با برتری سفید

$8.PxP \ Fe6$

اینک سفید برای ادامه بازی ۲ امکان در اختیار دارد.

واریانته کرس $9.De2$ و یا $9.c3$ یا

در صورت $9.c3$:

$9.c3$

در اینجا سیاه می تواند با انتخاب یکی از دو حرکت $9 \dots Fe7, 9 \dots Fe5$ بازی را ادامه دهد.

در صورت $9 \dots Fe5$ ممکن است بازی چنین ادامه یابد:

کاریف - کورچنوی (باگیو ۱۹۷۸)

$9 \dots Fe5 \ 10.Cb-d2 \ 0-0 \ 11.Fc2 \ Ff5$

در صورت:

$11 \dots CxC \ 12.DxC \ f6 \ 13.exf \ Dxf6 \ 14.Dd3 \ g6 \ 15.Fh6 \ Te8$

$16.Ta-e1$

سفید برتری خواهد یافت

و اگر چنانچه سیاه به جای CxC 11... حرکت f5 11... را انجام دهد ممکن است بازی چنین ادامه یابد :

12.Cb3 Fb6 13.Cb-d4 Cxd4 14.Cxd4 FxC 15.Cxd f4 16.f3 Cg3
که امکانات متعددی برای طرفین بوجود می آید ولیکن به تجربه ثابت شده که سفید نفع بیشتری خواهد برد .

12.Cb3 Fg4 13.Cxc5 CxC 14.Te1 d4 15.h3 Fh5 16.Cxd Fxf3
17.Dxf3 Cxd4 18.Dc3 Dd5 19.Fe3 Cxc2 20.DxC Cd3
21.Te-d1 Tf-d8 22.Dxc7 Dxe5 23.Dxe5 Cxe5 24.b3 f6
25.Fb6 Txd1 26.Txd1 Tc8 27.Td2 h5 28.Fe3 Rf7 29.f4

و طرفین به تساوی رضایت دادند .

استوفکا در برابر کوپریچیک (۱۹۷۸) به جای Ff5 11... حرکت ! Cxf2? 11... را انجام داد ولی راه به جای نبرد این بازی چنین ادامه یافت :

11... Cxf2? ! 12.TxC f6 13.exf FxT+ 14.RxT Dxf6 15.Cf1 Ce5
16.Fe3 Dh4+ 17.Rg1 Cxf3+ 18.gxf Tf6 19.Fd4 Dg5+
20.Rh1 Fh3 21.Ce3 Tf7 22.Dg1 Df4 23.Dg3 DxD 24.hxg Txf3
25.Fb3 Fe6 26.Rg2 Tf7 27.Cxd5 Td8 28.Cf4 Fxb3 29.axb c5
30.Ce6 Te8 31.Cxc5 Te2+ 32.Rh3 h5 33.Txa6 Tf1 34.Rh4 Tf5
35.g4 hxg 36.Ta7 Tf7 37.Tb7 Txb2 38.Txb5 Th2+ 39.Rg3 Th3+
40.Rxg4 Th-f3 41.Ce6

و سیاه تسلیم شد

ادامه های پس از 9... Fe7 :

9... Fe7

در اینجا گاهی سفید به امید اینکه سیاه دم به تله دهد ، دامی برای او می گسترده که از اینقرار است :

10.Fe3 0-0 11.Cb-d2 f4 ? 12.PxPep CxP 13.Cg5 Fg4?
14.Cc4 CxC 15.DxP+ Rh8 16.Dg8+

ولی به امید چنین دامی بازی کردن اشتباه است .

گونسبرگ در مقابل تاراش از همین حرکت (9... Fe7) استفاده کرد ولی با یک اشتباه فاحش بازی را از دست داد .

9... Fe7 10.Te1 0-0 11.Cd4 Dd2?

حال اگر سیاه به جای همین حرکت اشتباه گونسبرگ یعنی 11...Dd2؟ حرکت 11...Cxe5 را انجام می داد می توانست از این طریق اقدام به حمله ای نماید که آنرا حمله "براسلاو" می خوانند:

11...Cxe5 12.f3 Fd6 13.PxC Fg4 14.PxC Fg4 14.Dd2 Dh4
15.g3 Dh5 16.Dg5 16.dg5 17.FxP Cf3+ 18.CxC FxC
19.Dd2 Fc5+

و می برد .

10.Cb-d2 0-0 (10...CxC 11.FxC Ca5 12.Cd4) 11.De2

در صورت 11.Fc2 سیاه می تواند با Cxd2 اوضاع را متعادل سازد ولی پس از 11...Cc5 طی ادامه 12.Cd4 Cxe5 13.Dh5

11...Cc5 (11...Ff5 12.Td1) 12.Cd4 Cxh3 (12...Dd7 13.Fc2)

13.Cdxb3 (13.Cxc6 Cxc1) 13...Dd7 14.Cxc6 DxC 15.Fc1 e3

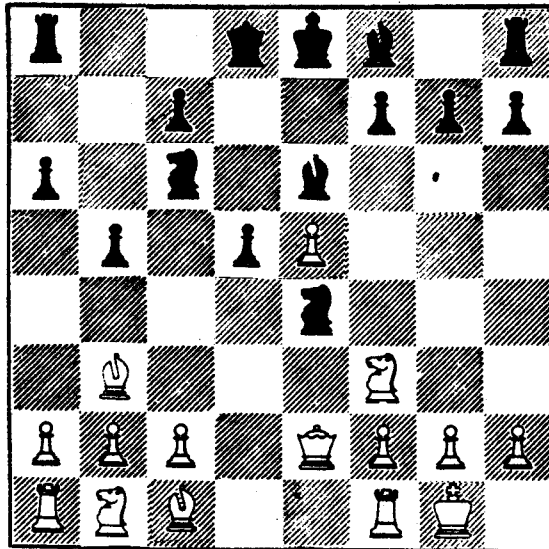
با وضعیتی تقریباً " برابر

* * * *

واریانت کرس

شاگالویچ - راوینسکی (۱۹۵۵)

9.De2



9...Fe7

اسمیلیوف - ایوه (۱۹۴۸) اینطور ادامه دادند:

9...Cc5 10.Tf-d1 Cxb3 11.axb3 Dc8

(11...Fc5 12.Fe3 d4 13.Fg5 Dd7 14.Dxb5)

(11...Fc5 12.Fe3 Fxe3 13.Dxe3 De7 14.Dc3 Cd8 15.b4

(با برتری سفید

اما ادامه 0-0 11...Fe7 12.c4
سیاه قرار می داد.

12.c4! d5xc4 (12...bxc 13.bxc cb4 بهتر است)

13.b3xc4 Fxc4 14.De4! Ce7

(14...Cd8 15.Txd8+! Rxd8 16.Fg5+ Fe7 17.Ca3)

(با امکان Fh6 و جلوگیری از قلعه رفتن سیاه 16.Dg4
اما ادامه:

(14...Cb4 15.Fg5 c6 16.Td8+ DdT 17.FxD TxF خوب است)

15.Ca3 c6 16.Cxc4 b5xc4 17.Dxc4 Db7

در صورت 17...De6 سفید به طریق زیر می برد:

(18.Txa6 Dxc4 19.Txa8+ Cc8 20.Txc8+ Re7 21.Tc7+ Re6

22.Cd4+ 23.Cxc6+ (با امکان)

18.c6! f6 19.Td7 Db5 20.Dxb5 c6xb5 c6xb5 21.Cd4 Ta-c8

22.Fe3 Cg6 23.Txa6 Ce5 24.Td-b7 Fe5 25.Cf5! 0-0 26.h3!

و سیاه تسلیم شد

(26...g6 27.Fxc5 TxF 28.Tg7+ Rh8 29.Ta7)

10.Td1 Cc5 11.Fxd5 FxF 12.Cc3 Fc4 13.Txd8+ TxT 14.De3 b4!

15.b3! Fe6 (15...bxc? 16.Fa3 Cxb3 17.Fxe7! Cxa1

18.Fxd8! (و سفید می برد)

16.Ce4 Td1+ 17.Ce1 Cd4 18.Fb2 Cxc2 19.De2 Txa1 20.FxT CxF

21.Cxc5 Fxc5 22.Cd3 Fb6 23.Cxb4 0-0 24.Cc6 f6 25.Fe7+ Rh8

26.Dh5 Ff7 27.Df5 fxe 28.h4 Fc5! 29.Dg5 Cc2

با برتری سیاه

ادامه‌های پس از 5.De2:

V)5.De2

در خصوص پاسخ به این حرکت به‌ادامه‌های زیر توجه کنید:
استینر در مقابل بیسگوئر (نیویورک ۱۹۴۹) حرکت ضعیف $5...Fc4$ را انتخاب کرد و بازی اینگونه ادامه یافت:

6.FxC dxf 7.CxP Dd4(7...0-0 8.d3) 8.Cd3 Fa7 9.f3 0-0
10.Cc3 Te8 11.b3!! c5 12.Fb2 c4 13.Cf4 b5 14.0-0-0

با برتری سفید

اما بوگولیویوف در مقابل برنیکمان (۱۹۳۳) ادامه قابل تامل‌تر $5...Fe7$ را برگزید ولی باز در مجموع سفید برتری خود را حفظ نمود:

6.c3 d6 7.0-0 0-0 8.d4 Fd7 9.Fc2(9.Fb3
(نیز خوب است
9...PxP 10.PxP Cb4 11.Cc3 CxF 12.DxC Fg4 13.Ce1! c8
14.h3 Fd7 15.Fe3 سفید (با برتری سفید)

5...b5

این حرکت در پاسخ به حرکت پنجم سفید از همه بهتر و معمولتر است.

6.Fb3

فیل سفید به $b3$ عقب نشسته، حال سیاه چه کند؟

6...Fc5 7.c3 0-0 8.d3 d6 9.0-0 Fe6 10.Fg5 De7 11.Cb-d2 h6
12.Fe3 Fa7 13.d4 PxP 14.PxP d5 15.e5

پوزسیونی بسته با امکاناتی تقریباً "برابر"

6...Ca5 7.CxP CxF 8.axc De7 9.d4 d6 10.Cc6 DXP
11.DxD CxD 12.0-0 Ff5 13.c4

(پوزسیونی باز) در این وضعیت سفید از لحاظ گسترش سوارهای جناح وزیر عقب مانده ولی از طرف دیگر سریعتر به قلعه رفته و رخ خود را بر ستون e به‌نظارت خواهد گماشت و از سوی دیگر اگرچه سیاه برتری دو فیل دارد ولی برای گسترش یک فیل خود می‌بایست یا از طریق $g7$ اقدام کند و یا اسب سفید را از $Cc3$ براند، چرا که در صورت حرکت $Fe7$ ، سفید می‌تواند فیل را گرفته و سیاه را از قلعه رفتن محروم سازد.

6...Fe7 7.0-0

اینک سیاه در پاسخ به حرکت متن ۲ امکان در اختیار دارد که هر یک بازی را به مسیری

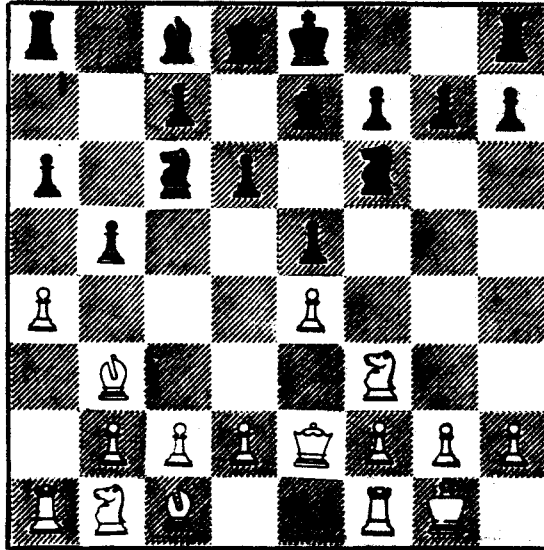
خاص خواهد کشاند این امکانات عبارتند از:

I) 7...d6

II) 7...0-0

* * * *

I) 7...d6 8.a4



سفید ایده شکاف در جناح وزیر را دنبال می‌کند و از اینطریق برای رخ و فیل و وزیر خود فضا بدست می‌آورد، این واریانت شباهت خیلی زیادی به یکی از واریانتهای دارد که در آن سفید در حرکت پنجم به قلعه رفته بود، به‌هرحال سیاه در پاسخ به این حرکت پنج ادامه در اختیار دارد.

I) 8...Tb8 9.PxP PxP 10.c3 Fe6 11.FxF PxP 12.d4 PxP
13.PxP Dd7 14.Fg4

با برتری سفید در مرکز و همینطور نظارت رخ بر ستون a، در مجموع سفید به‌لحاظ زمان پیش‌افتاده هرچند که از این ادامه یک پیاده ایزوله و عقب‌ماندگی در گسترش اسب عایدش گشته حال اگر سیاه در حرکت هشتم خود از میل‌دله پیاده و یا دفاع از آن سرپیچید و 8...b4 را انجام دهد بد بازی کرده چرا که با ادامه

II) 8...b4 9.Fxf7+(Dc4 و یا) RxF 10.Dc4+

روبرو خواهد شد امکان بعدی سیاه 8...Fb7 می باشد که البته زیاد بد نیست ولی باز سفید برتری اندکی بدست خواهد آورد ببینید :

III) 8...Fb7 9.c3 0-0 10.d4 Ca5 11.Fc2

اگر قسمت مربوط به واریانتهای (5-0-0) را که پیش از این آوردیم خوب مطالعه کرده باشید، متوجه شباهتهای پوزیسیونی واریانتهای حاضر با آن واریانتهای خواهید شد. البته با رجوع به آن پوزیسیونها درخواهید یافت که دقیقا "پوزیسیونها منطبق برهم نیستند ولی شباهتهای بسیاری را با هم دارند و اما امکان دیگر سیاه :

IV) 8...Fe6 9.FxF PxF 10.PxP PxP 11.TxT DxT

گرفتن پیاده سیاه توسط وزیر سفید خوب نیست، چرا که ضمن عقب ماندن در گسترش، سیاه پیاده خود را توسط اسب پس گرفته و مرکزی قوی پیدا خواهد کرد، سفید می تواند با c3 و d4 ضمن حفظ مرکز فیل را گسترش دهد. و اما پنجمین راه که معمولترین ادامه برای سیاه می باشد.

V) 8...Fg4! 9.c3 (9.PxP PxP 10.TxT DxT 11.DxP 0-0

12.De2 Ca5 13.d3 CxF (برای سفید خوب نیست

9...0-0 10.h3

حال اگر سیاه

(10...FxC 11.DxF Ca5 12.Fc2 c5 13.Te1 Db6 14.d3 Ta-e8

15.PxP PxP 16.Cd2 (با برتری سفید

و یا اگر

(10...Fd7 11.d4 b4 12.Fc4 PxP 13.PxP سفید

و یا اگر چنانچه

(10...Ca5?! 11.Fxf7+! TxF 12.PxF CxP(12...Cb6 13.Ta3 CxF

14.TxC CxP 15.PxP)13.PxP PxP 14.DxP Fh4)

کولما - تامسون (۱۹۶۷) در پی ایجاد چنین وضعیتی اینطور ادامه دادند :

15.Dd5! c6 16.De6 FxP+ 17.TxF CxT 18.RxC Db6+

19.Cg3! Ta-f8 20.b4

علیرغم عقب ماندگی اش در گسترش جناح وزیر، به واسطه تهدیداتی که ایجاد کرده امکانات بالنسبه مساعدی در اختیار دارد و در ضمن می تواند سریعاً "به گسترش نیروهای

عقب مانده پرداخته و با توجه به جلو بودن یک پیاده وضعیت به مراتب بهتری بدست آورد .
و اما اگر

10...Fh5 11.g4 Fg6 12.d3 Ca5 (12...a5 13.Ch4)13.Fc2 b4

زمیش در مقابل آلهین (۱۹۳۷) به جای حرکت متن چنین ادامه ای را برگزید :

13...Cd7 14.b4 Cb7 15.Ca3 c6 16.Fb3 Cb6 17.a5 Cd7

18.Fe3 Rh8 (18...d5! 19.PxP b4 20.d6!) 19.b4!

با برتری سفید

با بررسی راههای مختلف و متنوعی که بعد از حرکت هفتم (7...d6) سیاه پدید آمد ، مجموعاً "درمی یابیم که این واریانت وضعیت بسته ای را برای طرفین بوجود می آورد که در آن سفید بطور کلی از امکانات بیشتری برخوردار است ، اگر چه که خود با مشکل گسترش جناح وزیر دست به گریبان است ولی این مشکل کلی لویز است . اما همانطور که پیش از این اشاره شد سیاه در حرکت هفتم خود دارای دو امکان است ، امکان اول همان 7...d6 بود که کم و بیش به حالات گوناگونش پرداختیم و اگر به یاد داشته باشید امکان دوم را تحت عنوان 7...0-0 معرفی نمودیم . و اینک قصد آن داریم تا به ادامه های مختلف ناشی از این حرکت بپردازیم .

II) 7...0-0

با انجام این حرکت از سوی سیاه ، مسئولیت انتخاب باقی و ادامه راه بردوش سفید خواهد افتاد و او از میان دو راه زیر می باید یک راه را برگزیند :

a) 8.c3

b) 8.a4

البته امکان 8.d4 نیز وجود دارد ولی در آن صورت سیاه با ادامه زیر بازی راحتی بدست خواهد آورد .

(8...Cxd! CxC PxP 10.e5 Ce8 11.c2 c5)

کرس - گلر (بوداپست ۱۹۵۲)

a) 8.c3 d5 9.d3!

اگر سفید اقدام به انجام حرکت خطرناک 9.PxP کند ، آنگاه سیاه به یکی از طرق زیر برتری می جوید :

کاشدان - بیسگوئر (نیویورک ۱۹۴۹)

I) 9...CxP 10.CxP CxC! (10...Cf5?! 11.De4 CxC 12.d4)

11.DxC Fb7 12.d4 a5 با برتری سیاه

وورتنکف - هاوسکی (لنینگراد ۱۹۶۴)

II) 9...Fg4 10.PxC e4 11.d4 PxC 12.PxP Fh5! با امکان حمله

9...Te8

دونر درمقابل با اسپاسکی (سانتامونیکا ۱۹۶۶) ادامه زیر را برگزید و سفید برتری یافت:

(9...d4? 10.Td1 Fe6 11.Cb-d2 Te8 12.FxF PxF 13.Cb3 PxP

14.PxP Fd6 15.d4 Cd7 16.Fg5 Db8 17.b4!

اما گلر در برابر هونر (پالما ۱۹۷۰) ادامه جالب توجه زیر را برگزیند:

(9...Fb7! 10.Td1! Te8 11.Cb-d2 Ff8 12.Cf1 Ca5

13.Fc2 b5

سیاه با توجه به پیچیدگیهای که پدید آورده امکانات متقابلی را نیز بهکف آورده است.

10.Te1

کرس پیشنهاد 10.Td1 را می دهد.

10...Fd7 11.Cb-d2 Dd7

استرن با مهره سیاه درمقابل فلاتو (۱۹۶۵) به جای حرکت متن ادامه زیر را برگزید و نتیجه

نسبتاً "خوبی گرفت":

(11...Ff8 12.Cf1 Ca5 13.Fc2 c5 14.Cg3 d5 15.Cf5

(15.b4! 16.Cc6! 16.bxc PxP) 15...PxP 16.PxP c4 17.Fg5 Db3

18.a4 PxP 19.FxP Cb3

12.Cf1 Ta-d8 13.Fg5

عقیده کرس بر 13.Cg3 استوار است.

13...Ca5 14.Fc2 PxP 15.PxP Cc4 16.Ce3 (16.b3 Ca3

17.CxP De6) 16...Cxb2?

سیاه با ادامه زیر بختهای بیشتری برای تعادل بدست می آورد.

16...CxC 17.DxC 18.Cg4

17.CxP De6 18.CxP!

یک ترکیب زیبا برای یک آخر بازی با پیاده اضافی

18...DxC 19.Fb3 Cc4 20.CxC PxC 21.FxP Cd5 22.FxF DxP

23.PxC DxD 24.TxD TxT 25.FxT FxP 26.a4!

(26.Td1? Te8) و یا (26.FxP Ta8 27.c4 TxF 28.PxF Ta5
29.d4 Rf8)

و یا اگر (27...Fxf2! 28.RxF TxF)

26...Td6 27.Td1 Rf7(27...Fb7 28.TxT PxT 29.a5)

28.a5! (28.TxF TxT 29.Fc4 Re6 30.Rf1 Rd6 31.FxT RxF
32.Re2 Rc4 33.Rd2 Rb3)

28...Te6 29.Ff1 Fb3 30.Td7+ 31.TxP Te5 32.Tc6 TxP

33.Tb6 Fc2 34.TxP Tc5 35.Ta3 Td4 36.f3 Td1

37.Rf2 Tc1 38.h4 Fg6 39.Fc4 Re7 40.g4 h6 41.Fd5

و سیاه تسلیم شد.

اکنون بار دیگر به حرکت هشتم سفید بازگشته و امکان بعدی را مورد بررسی قرار می دهیم:
II) 8.a4

جواب این حرکت را آخرین در بازی خود برابر تریبال (۱۹۲۲) اینگونه داد:

8...Tb8 9.PxP PxP 10.Cc3 d6! 11.h3 Fd7 12.d3 De8

و نتیجه نسبتاً "خوبی گرفت و لیکن سفید برای سرپیچی از چنین ادامه‌ای می تواند به جای
10.c3, 10.Cc3 را انجام داده و 10...d6 سیاه را بی اثر سازد و سپس با d3 تعادل
را برقرار سازد. اما نژمیتدینوف در مقابل گلدبرگ (شوروی ۱۹۵۷) چنین ادامه‌ای را
برگزید:

9...b5!?

این حرکت اگرچه مصیبت بار نیست و لیکن مشکوک است، چراکه خانه مرکزی c4 را بی پشت
و پناه خواهد گذاشت و امکان استفاده سفید از این خانه مهم بسیار است.

(جالب ولی خطرناک (9.d3 d6) (9.d4 d5!) (9.a5!

9...d6

اگر چنانچه سیاه حرکت مشکوک 9...d5 را به جای حرکت متن انجام دهد، آنگاه با
جواب 10.PxP روبرو شده و برای حرکت دهم خود می بایست یکی از این سهرای را برگزیند.

با برتری سفید 10...CxP?? 11.Dc4 (یا

با برتری سفید 10...e4! 11.Cg5! (و یا

(حرکتی است غیر ضروری 12.d3 10...Fg4 11.PxC e4) و یا اینکه

12.d4 PxC 13.Cd3 PxP 14.Te1

بهتر است.

10.h3 Fe6 11.FxF PxF 12.c3 d4 13.d3

با وضعیت تقریباً " برابر

* * * *

گشایشهایی که در آنها سفید 3. Fc4 را انجام میدهد

پس از 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 سفید می تواند 3.Fc4 را انجام داده و پیاده f7 را هدف قرار دهد که بنا به دفاع سیاه به این حرکت سه گشایش زیر ممکن می گردد .

3...Fc5 گشایش ایتالیائی

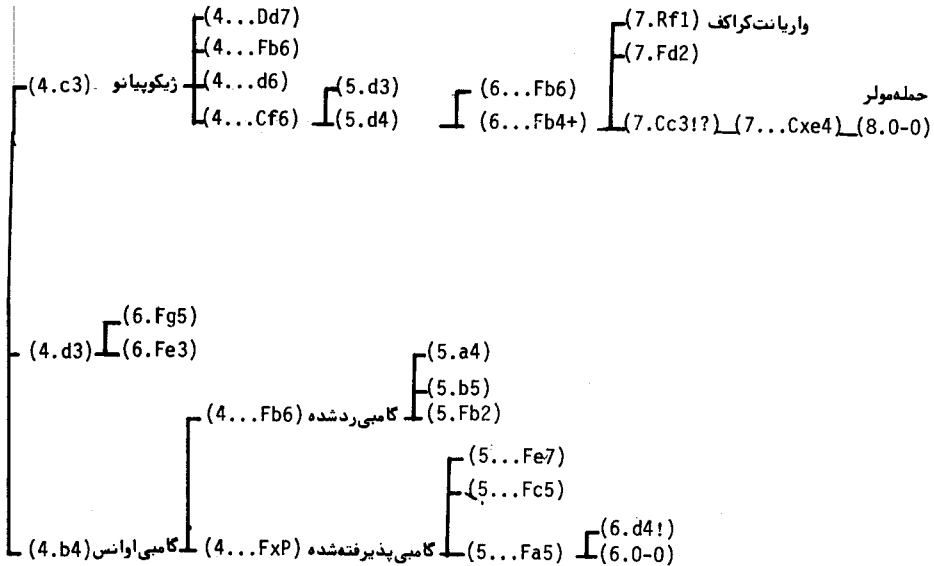
3...Cf6 دفاع دو اسب

3...Fe7 دفاع مجار

* * * *

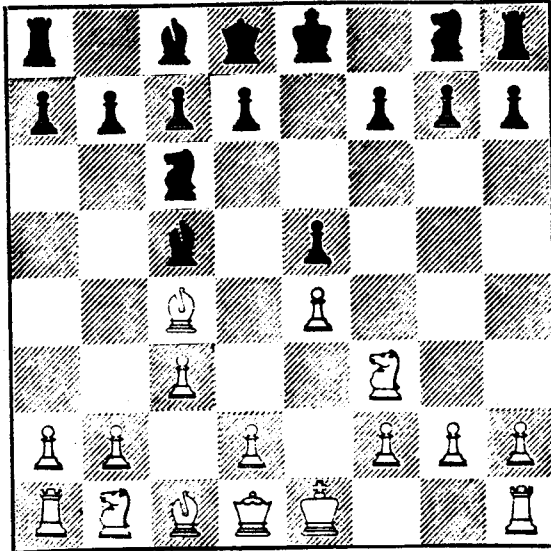
گشایش ایتالیائی (The Italian Openings)

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Fc5)



ژیکوپیانو (Giucoco Piano)

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Fc5 4.c3)



سفید با حرکت چهارم خود، تهدید (5.d4) را بوجود آورده و از این طریق قصد دارد که یک مرکز پیاده‌های قوی برای خود مهیا سازد و حرکت سیاه درمقابلله با تهدید فوق، می‌تواند یکی از حرکات زیر باشد :

- a) ...Cf6
- b) 4...d6
- c) 4...Fb6
- d) ...Dd7

اکنون بررسیهای خود را با مورد (a) آغاز کرده و در ادامه یک به یک به سایر جوابهای (b و c و d) خواهیم پرداخت :

4...Cf6

(متداولترین پاسخ سیاه)

این حرکت ضمن گسترش اسب و حمله به پیاده e4، زمینه را برای قلعه رفتن شاه مهیا می‌سازد.
5.d4 ♘

این حرکت، بهترین جواب سفید است و اصولاً "حرکت c3" او هم به همین منظور بوده، البته در مقام این حرکت گاهی "4.d3" هم انجام می‌دهند که زیاد بد نیست، ببینید:
5.d3, d5 6.Pxd Cxd5 7.Db3 سفید

و اگر چنانچه سیاه در پاسخ حرکت 5.d3 سفید، 5...d6 کند، آنگاه:

6.b4 ♜b6 7.Db3 باز ابتکار در دست سفید است

5...PxP

با برتری سفید 5...♜b6 6.PxP ♞e4 7.Dd5

6.PxP

متداولترین حرکت سفید در مقابل حرکت پنجم سیاه همین حرکت می‌باشد، اما سفید با به قلعه رفتن هم امکانات جالب توجه‌ای بدست می‌آورد که ذیلاً "سه نمونه از آن را آورده‌ایم.

(6.0-0 ♞xP? 7.PxP ♜e7 8.d5 ♞b8 9.♞e1 ♞d6 10.♜b3 0-0

11.♞c3 ♞e8 12.d6

(6.0-0 0-0? 7.PxP ♜b6 8.d5 ♞e7 9.d5 ♞e8 10.d6-PxP

11.PxP ♞g6 12.♜g5 ♞f6 13.♞c3 h6)

14.Dd3 ♜h7 15.♜xf7 ♞xf 16.♞e5 ♞xf 17.Dxc+ ♜g8 18.DxT+

و کار سیاه تمام است

و یا اینکه

(6.0-0 ♞xP? 7.e5 d5 8.Pxc ♞xf 9.DxD+ ♞xD 10.Pxg7 ♞g8

11.♞xP ♞xP 12.♜f4 ♞e6 13.♞f-e1 ♞c6 14.♞e4 ♜e7 15.♞a-d1

و سیاه چاره‌ای جز تسلیم ندارد.

ولیکن سیاه برای پرهیز از اینگونه ادامه‌ها که فوقاً "آمد"، می‌تواند با 6...d5 بازی را به شکل پیچیده‌ای درآورده و وضعیت را نسبتاً "متعادل" سازد.

و لیکن، در حال حاضر سفید با انجام حرکت متن (6.PxP) سیاه را بر سر یک دوراهی گذارده. این دوراه سیاه عبارتند از:

1) 6...♜b6

2) 6...♜b4+

در همین جا می‌بایست خاطرنشان سازیم که حرکت (6...♜b6) بنا به دلیل زیر، حرکت

خوبی نیست و سیاه می باید +Fb4...6 کند، جال چرا؟

چون اگر

(توام با تهدید 8.b5 7...Ca5 8.Fd3 7.d5 Ce7 (6...Fb6

[(با یک حمله وحشتناک) 8...Cg4 9.d6! 8.e5 Ce4

تلاشهای سیاه برای رهایی وزیر 11.Fg5 Ff2+ 10.De2 CxT 9.d6! Cxf2

12.Rd1(12.Rf1 Cf5!)

حال اگر سفید وزیر را بگیرد سیاه با اسب خانه e3 را تهدید خواهد کرد و یا اگر سفید

De4 نماید، سیاه در حرکت سیزدهم خود در g3 کیش داده و وزیر را می گیرد، بنابه این

دلایل حرکت 12.Rd1، درست است.

12...e5 13.FxC Db3 14.Cg5 Tf8 15.Dh5 g6 16.Dxh7

و سفید می برد.

6...Fb4+

سیاه با اعلان کیش، ضمن فراری دادن فیل خود، از حمله پیاده به اسب موقتاً

جلوگیری می نماید. حال مسئله سفید دفع کیش است، حائل ساختن f3 به وضوح اشتباه

است ولی سفید به غیر از این، سه راه دیگر در اختیار دارد، امکانات 7.Fd2, 7.Rf1

7.Cc3 که ادامه 7.Fd2 منجر به یک بازی آرام شده و نهایتاً "سیاه موفق به برقراری

تعادل خواهد شد، اما ادامه 7.Cc3 فوق العاده مهیج و پیچیده است و امکانات ترکیبی

زیادی را در اختیار سفید قرار می دهد، سفید با این حرکت پیاده e4 خود را فدا می کند

ولی در عوض امکانات گسترشی مناسبی بدست می آورد. اما سفید با حرکت 7.Rf1 می تواند

درصدد تعبیه دامی برآید که به واریانت کراکف مشهور است، البته این دام هم به مانند

سایر دامها در صورتی نتیجه بخش خواهد بود که طرف مقابل براساس یک حرکت اشتباه

که مطلوب طرف دیگر است به دام افتد، از این جهت انتخاب این حرکت (7.Rf1) توصیه

نمی گردد، چرا که سیاه با انتخاب حرکت درست، تمام رشته های سفید را پنبه می کند.

اینک پس از این مقدمه چینی، ابتدا به واریانت کراکف و سپس به دو امکان معقولانه تر سفید

در رابطه با دفع کیش می پردازیم:

7.Rf1

این حرکت شاخص واریانت کراکف است

همانطور که اشاره شد، سفید در اینجا دامی گسترده و پیاده e4 را طعمه ساخته و مایل است

که سیاه ادامه 7...Cxe4 را برگزیند، چرا که در این صورت:

7...Cxe4 8.d5 Ce7(8...Ca5 9.a3)9.Dd4 Cf6 10.Fg5

امکان حمله بسیار خوبی بدست می‌آورد.

و لیکن سیاه با حرکت 7...d5 توانائی رهیدن از این دام را داشته و با ادامه درست زیر وضعیت مستحکمی برای خود پدید می‌آورد:

[7...d5 8.exd Cxd5 9.Cc3 Fe6(9...Cxc3 10.bxc Fxc3

11.Fxf7+ Rf7 12.Db3+ 10.De2 0-0]

حال نه‌تنها سیاه از دام جسته بلکه وضعیت مستحکم و خوبی نیز پیدا نموده.

حال به‌امکان دوم سفید در ارتباط با دفع کیش می‌پردازیم، ادامه (7.Fd2) روسولیمو و اونزیکر (هایدلبرگ ۱۹۴۹) چنین ادامه دادند:

7.Fd2 Fxd2+

تنها جواب مساعد

8.CbxF

گرفتن فیل، حمایت از پیاده e4 و گسترش

8...d5 9.PxP CxP 10.Db3 C3-e2 11.0-0 0-0 12.Tf-e1 c3

13.a4

ادامه زیر برای سفید بهتر است.

(13.Ce4 Cb6 14.Cc5 Cxc4 15.Dxc4 b6 16.Cd3 Dd6

(با امکانات برابر

13...Db6!)

اقدام به فشار بر پیاده ایزوله d5

14.a5 DxD 15.CxD Td8 16.Cc5 Tb8 17.Ce5 Rf8

سیاه وضعیت مستحکمی داشته و سفید از آرایش پیاده‌هایش رنج می‌برد.

و اینک به ادامه معمول و در ضمن پرحادثه! 7.Cc3 می‌پردازیم:

7. 7.Cc3!?

سفید با فدا کردن پیاده e4، ضمن گسترش اسب در اندیشه سازمان دادن حمله‌ای در ستون شاه می‌باشد.

باردیلن با مهره سیاه در برابر اشتاینیتز (هاستینگز ۱۸۹۵) از گرفتن قربانی سفید سرباز

زد و از آنجائی که می‌خواست مانع پیشروی پیاده e4 شده و از طرفی تهدید گسترش فیل

را در خانه g4 بوجود آورد، حرکت ضعیف 7...d5 را نمود و بازی چنین ادامه یافت:

(8.e4xd5 Cf6xd5 9.0-0 Fc8-e6 10.Fg5 Fe7 11.FxC FxF

12.CxF DxC 13.FxF CxF 14.Tf-e1 f6)

سیاه به خاطر آچمز بودن اسب نمی‌تواند به قلعه رود و سعی دارد با این حرکت به قلعه مصنوعی رفته و هرچه زودتر رخها را بر ستونهای باز مرکزی ناظر ساخته و بین آنها ارتباط برقرار کند .

15.De2 Dd7 16.Ta-c1

سفید می‌توانست ادامه زیر را برگزیده و موقعیتی عالی بدست آورد :

16.d5 !Rf7 17.Ta-d1!

حال سیاه چه با ادامه 17...Cxd5 و چه با حرکت 17...Th-e8 وضعیت بدی پیدا می‌کند ، ببینید :

17...Cxd5 18.Cg5+ fxg 19.Df3+ (20.Txd5 (با تهدید

یا 17...Th-e8 18.De6+! Dxe6 19.dxe+ Rf8 20.Td7 Ta-c8

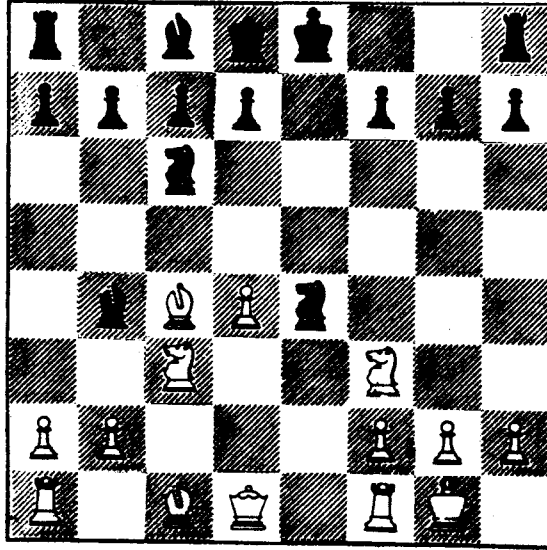
21.Cd4 a6 22.b4

Tc1 با تهدید

با برتری سفید 16...c6 17.d5!)) حال ادامه بازی

بار دیگر به حرکت متن بازگشته و درصدد پاسخگویی به حرکت 7.Cc3! برمی‌آیم :
 ادامه بهتر برای سیاه این است که قربانی را پذیرفته و بادقت هرچه تمامتر بازی را ادامه دهد ، چرا که کوچکترین لغزشی باعث ازدست رفتن بازی می‌شود ، که ما ذیلاً " به اشکال متنوع و پیچیده ناشی از این حرکت خواهیم پرداخت :

7...Cxe4 8.0-0



سفید پای در راهی نهاده که به هر قیمت می باید آنرا طی کند و لوانیکه پیاده دیگری را فدا سازد . او عزم خود را برای یک حمله در ستونهای مرکزی جزم کرده ، حمله ای که مولر نامیده می شود . حال سیاه چه کند ؟ 8...Fxc یا 8...CxC

(اگر سیاه این راه را برگزیند 8...CxC 9.PxC

اگر سیاه در قبال این حرکت اقدام به گرفتن پیاده با فیل کند بد بازی کرده :

9...Fxp 10.Db3 (به دلیل

سیاه در مقابل با این حرکت دو ادامه در اختیار دارد ، یا رخ را بگیرد و یا اینکه با d5 در صدد دفاع برآید ، در هر دو حالت ، برتری با سفید است ، که البته حرکت 10...d5 نسبت به گرفتن رخ بهتر است . حال ببینید :

a) 10...FXT? 11.Fxf7+ Rf8 12.Fg5 Ce7 13.Ce5 Fxp

14.Fg6! d5

15.Df3+ Ff5 16.FxF FxC 17.Fe6+

b) 10...d5 11.Fxp 0-0 12.Fxf7+ Rh8 (12...TxF Cg5)

13.DxF TxF 14.Db3

برای این حرکت دیگر دیر شده

و کار سیاه تمام است

بنابراین به واسطه دلایل فوق سیاه نمی‌توانست در حرکت نهم خود پیاده e3 را با فیل خود بگیرد. و اگر چنانچه سیاه به جای این کار فیل را به e7 انتقال داده و ستون باز (e) را ببندد بار دیگر اشتباه بازی کرده چرا که:

9...Fe7 10.d5 Ca5 11.d6

حال اگر

(11...PxP 12.FxP+ RxF 13.Dd5+ Rf8 14.Cg5 FxC 15.FxF Dc7

16.Tf-e1 Db6 17.Te3)

و سیاه چاره جز تسلیم ندارد

و اگر چنانچه

11...CxF 12.PxF RxP 13.De2+

سفید یک سوار نفع می‌کند

و یا اگر چنانچه چنین کند

11...FxP 12.Te1+ Fe7 13.Dd5

باز سفید یک سوار نفع کرده و مضاف بر این با ادامه Fg5 هم می‌تواند حمله‌ای را تدارک ببیند.

برای اینکه سیاه از ادامه‌های فوق احتراز جوید، می‌بایست از گرفتن پیاده چشم‌پوشی کرده و از باز بودن ستون e هم نهراسد و با حرکت زیر با تهدیدات مقابله نماید.

9...b5!

10.PxF PxF 11.Te1+ Ce7 12.De2 Fe6 13.Fg5 Dd5(13...0-0?

14.FxC DxF 15.d5)14.FxC RxF 15.Dc2(16.Te5 برای 15...f6

حال سیاه دارای امکانات دفاعی مناسبی است.

اکنون پس از بررسی حرکت 8...CxC و پیچیدگی‌های مربوط به آن به امکان دیگر سیاه که 8...FxC می‌باشد می‌پردازیم:

8...FxC 9.d5!(9.PxF d5!) 9...Ff6

اگر چنانچه سیاه به جای حرکت متن مثلا "Ca5 9... می‌نمود، آنگاه:

(10.PxF CxF 11.Dd4)

و حال اگر سیاه

(11...0-0 12.Dxe4 Cd6 13.Dd3 Ce8 (با برتری سفید

و اگر (11...f5 12.Dxc4 d6)

برای سیاه از راه‌های دیگر بهتر است ولی باز برتری با سفید است

و اگر چنانچه (11...Cc-d6 12.DxP Df6 13.DxD CxD 14.Te1+

باز هم اگر سیاه

(14...Rf8 15.Fh6+ Rg8 16.Te5 Cf-e4 17.Te1 f5 18.Te7

و مات

(14...Rd8 15.Fg5 Ce8 16.TxC+ RxT 17.Te1+)

و یا اگر چنانچه

(14...Cf-e4 15.Cd2 f5 16.f3 و سفید یک سوار می‌گیرد

بنابراین بهترین حرکت برای سیاه همان 9...Ff6 می‌باشد.

10.Tf-e1 Ce7 11.Txc d6

(11...0-0 12.d6 (و از گسترش سیاه ممانعت به عمل می‌آورد) 12.Fg5 FxF

12...Ff5? 13.Fb5+ Rf8 14.Tf4 با وضعیتی بهتر

13.CxF,0-0

کشتی جنگی سفید به گل نشسته و سیاه پس از یک دفاع مدبرانه، خواهان تعرضاتی است.
در بازی بین بارکزای و پوریتش در سال ۱۹۶۹ (بوداپست)، پوریتش 13...h6 نمود
و بازی فعالانه‌تری بدست آورد:

(13...h6 ! 14.Fb5+ Fd7! 15.De2 FxF 16.DxF+ Dd2)

14.Cxh7!

جلوگیری از ضد حمله سیاه و ایجاد امکان تساوی به عنوان حداقل پاداش برای یک حمله نفس‌گیر

14...RxC 15.Dh5+ Rg8 16.Th4 f5 17.Dh7+

دکتر ایوه به جای حرکت متن 17.Te1 را پیشنهاد کرده و چنین دلیل می‌آورد:

(اگر) 17...Te8 18.Te6! Rf8 19.Fe2

و با حرکت Tf6+ بازی را می‌برد

(اگر) 17...Fd7 18.Te6! Fe8 19.Dh7+ Rf7 20.Th6

سفید می‌برد

(اگر) 17...Cg6 18.Th3 Cf4(f4 19.Te6) 19.Dh7+ Rf7 20.Te3!

17...Rf7 18.Th6! Tg8(18...Te8 و یا حتی 18...Fd7 19.Fe2)

19...Tel فشاری جدید

19...Df8 20.Fb5 Th8

20...a6 21.Te-e6 PxP 22.Th-f6+ Re8 23.Txf8+ Txf8 24.Te1

21.DxT PxT 22.Dh7+ Rf6 23.TxC DxT 24.DxPh+

و سفید می تواند کیش دائم دهد .

سیاه موفق شد که با حمله دهشتناک مولر مقابلہ نماید ولی همانطور که دیدید با کوچکترین لغزش و تعجیل امکان باختش فراهم می شد . واریانتهی را که تحت عنوان 4...Cf6 شروع کرده بودیم ، اینک به پایان می بریم ، با تذکر این نکته که واریانت مذکور شق اصلی ژیکویپانو می باشد و حال بار دیگر به حرکت چهارم سیاه بازگشته و به ترتیب سه ادامه ممکن دیگر را مورد بررسی قرار می دهیم .

واریانتهای که در ادامه این چند سطر می آید به مانند واریانتهی که بررسی نمودیم ، پرفراز و نشیب نیستند و در مجموع از بیچیدگیهای کمتری برخوردارند و عاری از آن حدت و تنوع می باشند .

(4...d6) ، امکان دوم سیاه در حرکت چهارم خود :

4...d6

این حرکت در مقابل حرکت سوم سفید که 3.c3 بود ، حرکت خوبی محسوب نمی شود ، چرا که

5.d4 PxP 6.PxP

حال بار دیگر سیاه به مانند واریانت قبلی که مطالعه شد در حرکت ششم خود می باید به تهدید پیاده d4 پاسخ گوید . اگر به خاطر داشته باشید ، در آن واریانت حرکت مناسب برای سیاه دادن کیش در b4 بود ، ولی در اینجا این حرکت خوب نیست ، چرا که سفید با اسب و یا فیل به مقابلہ نمی رود بلکه شاه را به f1 می راند با تهدید d5 و Da4 ، که در اینصورت یک سوار نفع خواهد کرد . با حرکت Rf1 هم در آن واریانت آشنا شدید و مادر بررسی واریانتهی ، تحت عنوان کراکف به آن پرداختیم . در آنجا گفتیم که این حرکت برای سفید خوب نیست ، ولی در اینجا دقیقاً " برعکس است و تنها حرکت درست سفید Rf1 می باشد . در آنجا سفید برای سیاه با این حرکت در حال دام گسترتری بود ولی در اینجا سیاه به امید دام گستردن از این حرکت سفید سود می جوید (البته به خیال خود) ببینید :

(6...Fb4+ 7.Rf1 !!

حال سیاه می تواند به امید گستردن دامی حرکت Fg4 را انجام دهد . به امید اینکه سفید همان ایده راندن پیاده به d5 را دنبال کند و اگر سفید چنین اشتباهی کند . در دام خواهد افتاد . ببینید :

(7...Fg4 8.d5?

باتوجه به حرکت هفتم سیاه این حرکت اشتباه است

8...FxC! 9.PxF Ce5 10.Da4+ Dd7 11.DxF? Dh3+ 12.Re1 Dxf3
13.Tf1 Dxe4+

و اما سفید برای درامان بودن از این دام می‌بایست در جواب 5.Fg5... 7. چنین پاسخ
گوید:

(8.Da4!a6 9.Fd5 Dd7 10.Fe3 Cg-e7 11.h3 FxC 12.PxF b5
13.Db3))

و پیاده f7 سیاه محکوم به فناست.

بررسی فوق نشان می‌دهد که سیاه برای درامان نگهداشتن قیل خود می‌باید آنرا به عقب
براند:

6...Fb6 7.Cc3 Cf6

(7...Fg4 Fxf3 9.PxF Dh4 10.0-0 0-0-0 11.FxC PxF 12.a4 a5
13.Tb1)) با امکان یک حمله قوی

8.Fe3 Fg4 9.Fb3 0-0 10.Dd3

سفید در حرکت بعدی به قلعه بزرگ رفته و با برتری تمام گسترش خود را به پایان می‌برد.
دو امکان بعدی سیاه برای انجام حرکت چهارم

(4...De7) و (4...Fb6)

4...Fb6

سیاه با حرکت فوق، بی‌علاقگی خود را نسبت به معاوضه پیاده‌ها در مرکز نشان داده
و از عواقب آن که به بازیهای حاد و تندی منجر می‌شود پرهیز کرده و بازی نسبتاً " بسته‌تری
را بوجود می‌آورد. و این قضیه در مورد حرکت 4...De7 نیز صادق است. و دقیقاً " ما
هم به همین خاطر این دو حرکت را با هم معرفی نموده‌ایم. چرا که در اکثر قریب به اتفاق
مواقع انجام هر یک از این حرکات به عنوان چهارمین حرکت، منتج به اشکالی مشابه می‌شود
و فقط ترتیب این دو حرکت با هم اختلاف دارند. برخی در حرکت چهارم Fb6 نموده
و در حرکت پنجم De7 می‌نمایند و عده‌ای دیگر ترجیح می‌دهند در چهارمین حرکت خود
De7 نموده و در حرکت بعدی Fb6 نمایند. اصولاً " ایده هر دو حرکت یکی است و آن
محافظت از خانه e5 و ممانعت از تعویض پیاده‌ها در مرکز می‌باشد. این روش محتاطانه
برای سیاه بد نیست، چرا که سفید حداکثر می‌تواند برتری پوزیسیونی جزئی کسب کند.

تارتاکوور - ایوه (۱۹۴۸) اینچنین ادامه دادند:

5.d4 De7 6.0-0

ادامه زیر هم برای سفید خوب است :

(6.a4 a6 7.0-0 d6 8.h3 Cf6 9.Tel)

سفید می‌تواند در اینجا ادامه 9.b4 و بعد از آن Fa3 10 را نیز دنبال کند . به‌رحال سفید دارای وضعیت آزادتری است . و البته سیاه هم امکانات دفاعی کافی در اختیار دارد .

6...d6 7.h3 Cf6 8.Tel 0-0

سفید می‌تواند دست به تعویض پیاده و یا راندن پیاده d4 به d5 بزند ، ولی در این‌صورت قدرت فیل b6 سیاه را افزایش داده و یکی از موثرترین اقطار این فیل را می‌گشاید . و در آن‌صورت مجبور می‌شود که با فیل وزیر خود این قطر را پوشش دهد و سیاه هم در صورت تعویض پیاده خود با پیاده d4 سفید ، کمک به وضعیت سفید خواهد کرد . لذا از این‌جهت ، هیچ‌کدام تمایلی به تعویض پیاده‌ها ندارند .

9.Ca3

سفید قصد دارد که اسب خود را بر مرکز ناظر سازد ولی بهترین خانه گسترشی او توسط پیاده c3 اشغال شده ، لذا او با این حرکت در اندیشه مانور c2 و بعد e3 می‌باشد . که در صورت موفقیت ، ضمن نزدیکتر کردن اسب به قلعه خودی و همین‌طور جناح شاه سیاه ، بر دو خانه اساسی و مرکزی f5 و d5 اشراف خواهد داشت ، ضمن اینکه این مانور مانع گسترش سایر سوارها نمی‌گردد .

9...Cd8 10.Ff1

سفید برای مانور اسب خود ، می‌خواهد از خانه c4 استفاده کند و اگر چنانچه سیاه در حرکت نهم خود Rh8 می‌نمود دیگر سفید قادر به این حرکت نبود چرا که در آن‌صورت :

(9...Rh8 10.Ff1 exd4 11.Cxd4 Cxe4)

و در مجموع به‌نفع سیاه می‌شد .

10...Ce8?

سیاه می‌بایست Cd7 می‌کرد .

11.Cc4 f6 12.a4

حال برتری حرکت 10...Cd7 سیاه روشن می‌شود . زیرا در این قبیل وضعیت‌ها که فیل سیاه در خانه b6 مستقر شده ، معمولاً " سفید با راندن پیاده a به آن حمله می‌کند و سیاه ناچاراً " می‌بایست خانه را برای فرار فیل آماده سازد ، در نتیجه چنانچه خواهیم دید . در چنین وضعیت‌های خاص اغلب سیاه یک پیاده از دست می‌دهد .

12...c6 13.Cxb6 axb6 14.Db3+ Cc6 15.Dxb6 g5!

سیاه پیاده را از دست داد ولی بنا به اصلی کلی، اهمیتی به آن نداده است و دست به حمله در جناح شاه سفید می‌زند، بخصوص که جناح شاه سفید با انجام حرکت h3 تا حدودی ضعیف شده.

16.Fc4 h6 17.h4 Rh7 18.hxg5?

در اینجا سفید به عکس آنکه از باز شدن ستون h جلوگیری کند آنرا می‌گشاید. سیاه در حال حاضر وضعیت بهتری داشته و با درایت این وضعیت را تا انتها حفظ نموده و می‌برد. ادامه این بازی از اینقرار بود:

18...hxg5 19.dxe5 20.Fe2 Th8 21.g3? Rg6 22.Rg2 Cf4+!

23.gxf4 Fh3+ 24.Rg3 (24.Rg1 gxf4 Dg7 و سپس 24...exf4+

25.Fxf4 Dd7 26.Ch2 gxf4+ 27.Rxf4 Th4+ 28.Re3

در ادامه زیر نیز به پیروزی سیاه می‌انجامد:

(28.Rf3 Fg2+! 20.Rxg2 Dh3+ 30.Rg1 Dxc4+ 31.Rf1 Dh1+

32.Re2 Dxe4+ 33.Rd2 Dxc4)

(28.Rg3 Tg4+ 20.Rf3 (20.Rxh3 Tg5+ 30.Rh4 Dh7+ مات)

20...Fg2+ 30.Re3 Txe4+ مات)

28.Fg2 29.Cf3 Txe4+! 30.Rxe4 Cd6+ 31.Rd3 (31.Rf4 Df5+)

(31.Re3 Cxc4+) (31.Rd4 Cc8+) 31...Df5+ 32.Rd4 Df4+

33.Rd3 Dxc4+ 34.Rc2 Fxf3 35.b3(35.Tg1+ Rf7 36.Dc7+ Re6

37.Ta-e1+ Fe4+ 38.Rc1 Txa4 (و سیاه می‌برد 35...Fe4+

36.Rb2 Dd3 37.Tg1+ Rf7 38.Ta-c1?(38.De3 Dc2+ 39.Ra3 Cb5

40.Rb4 (بهبتر بود)

ولی ادامه‌های:

(38.Dc7+ Re6 39.Ta-c1 Dd2+ 40.Ra3 Cb5+(40.Ra1 Cc4!)

(38.Ta-d1 Dc2+ 39.Ra1 (39.Ra3 Cc4+ 40.bxc4 Txa4)

39...Txa4+ 40.bxa4 Dxa4+ 41.Rb2 Cc4+ 42.Rc1 Dc2 مات)

باخت سفید را سریعتر می‌کرد

38.Dd2+ 39.Ra3 Cc4+! 40.bxc4 Txa4+! 41.Rxa4 Da2+

42.Rb4 Db2+

و سفید تسلیم شد چرا که

مات (43.Ra5 Da3+) اگر

43.Re5 Dxf2+ 44.Rb4 Dxb6+ 45.Ra3 Fc2!

که به برد سیاه منجر می شود

* * * *

(Italian Game With Move (4.d3)

بازی ایتالیایی با حرکت (4.d3)

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Fc5 4.d3)

در این نوع از بازی ایتالیایی، سفید پس از حرکات مقدماتی 1.e4 ، 2.Cf3 ، 3.Fc4 در حرکت چهارم 4.d3 را برمیگزیند و یا می تواند به جای این حرکت 4.Cc3 نموده و بعد حرکت 5.d3 را انجام دهد. که در هر صورت وضعیتهای بوجود آمده به یک شکل خواهد بود.

4.d3

این حرکت ضمن دفاع از e4 راه خروج فیل وزیر را گشوده و امکان استفاده اسب از بهترین خانه گسترشی اش (c3) را نیز محفوظ می دارد در صورتی که در ژیکوپیانو این خانه توسط پیاده فیل اشغال می شود.

4...Cf6

سیاه به جای این حرکت می تواند 4...d6 نموده و در حرکت بعد 5...Cf6 کند که در مجموع پوزیسیونهای ایجاد شده یکسان می باشند و لیکن اغلب ترجیح می دهند ابتدا 4...d6 نمایند، تا هرچه زودتر قطر فیل را باز نموده و توانایی Fg4 را داشته باشند. ولی همانطور که گفته شد، تقدم و تاخیر این دو حرکت نسبت بهم تاثیری در ادامه بازی ندارد. مگر در موارد استثنائی که سفید، شیوه دیگری غیر از اصول و چهارچوب بازی ایتالیایی را برگزیند.

5.Cc3

سفید در این حرکت بعضاً "به قلعه هم می رود که البته نیازی بدان نمی باشد و توصیه نمی گردد. چرا که اسب سفید به طرز نامطلوبی آچمز فیل سیاه گشته و آزادی عملش را از دست می دهد و از طرفی تا حرکت خوب و گسترشی 5.Cc3 وجود دارد. احتیاجی به قلعه رفتن نیست، چرا که اساساً در این بازی که پیاده های مرکزی طرفین فعلاً در حالت

برخورد مستقیم نیستند و امکان باز شدن ستونی تا مدتی موجود نیست. ناظر ساختن رخ بر ستون e چنان تاثیری بر وضعیت سفید ندارد. در صورتی که حرکت Cc3 که مستقیماً "اسب را وارد میدان می‌کند و نظارت‌اش را بر مرکز برقرار می‌سازد، بسیار بهتر و به موقع تر است. فعلاً" این بحث را همین جا و می‌گذاریم و به ادامه بازی می‌پردازیم، در آینده باز به این مطلب بر خواهیم خورد.

5...d6

حال اگر سیاه به قلعه رود 0-0...5 سفید می‌تواند چنین دامی را بگسترده:

(6.Fg5 h6 7.Fh4 Fb4 8.0-0 FxC 9.PxF g5 10.CxP PxC

11.FxP Rg7 12.f4) و سفید خواهد برد

این پیرانتز را برای این گشودیم که به نکته‌ای در این قبیل پوزیسیونها اشاره کنیم و آن خطر زود قلعه رفتن هر دو طرف است. که نه تنها سودی ندارد بلکه خطر ساز نیز هست و حتی اگر سیاه امکان رهیدن از این دام را نیز در اختیار داشت، حداقل از لحاظ پوزیسیونی ریان می‌کرد.

a) 6.Fg5

b) 6.Fe3

حرکاتی که فوقاً "تحت عنوان a و b آورده‌ایم، امکانات گسترش فیل برای سفید می‌باشند که اینک سفید می‌باید یکی از آنها را برای انجام ششمین حرکت خود برگزیند و ما در ابتدا به مورد یعنی 6.Fg5 می‌پردازیم که انگیزه آن آچمز گرفتن اسب است. حال اگر سفید در حرکت پنجم خود به قلعه رفته بود دیگر قادر به انجام این حرکت نبود و این خود دلیل دیگری است که حرکت 5.Cc3 سفید را موجه‌تر از 5.0-0 می‌سازد، چرا که در آن صورت سفید وضعیت نامطلوبی پیدا می‌کرد، حال فرض می‌کنیم که سفید در حرکت پنجم خود به قلعه رفته

5.0-0 d6 6.Fg5? h6

با حرکت h6 سیاه مشخص می‌شود که آچمزگیری اسب کاملاً "بی‌مورد و مضر است. چرا که حال او یا می‌بایست دست به تعویض بزند و یا به h4 عقب بنشیند که در صورت تعویض، سیاه چه با پیاده و یا چه با وزیر فیل را گرفته و وضعیتی بهتر پیدا می‌کند، بخصوص اگر با پیاده بگیرد، ستون g را نیمه‌باز کرده و با قلعه بزرگ رفتن، امکانات خوبی برای حمله در جناح شاه سفید پیدا می‌کند و در این میان از همین ستون g بیشترین بهره را می‌گیرد و مضاف بر این احوال که ترسیم‌کننده آینده‌ای دورتر می‌باشند سیاه برتری دو

فیل پیدا می‌کند. حال اگر سفید به h4 عقب بنشیند:

7.Fh4 g5

سیاه با این حرکت کسب فضا نموده و قلعه سفید را توسط پیاده‌های خود تهدید می‌کند.

8.Fg3 h5

سیاه قدم به قدم تهدیدات پیاده‌ای خود را علیه سفید شدت می‌بخشد.

9.CxP

سفید با این اقدام می‌خواهد از پیش آمدن پیاده h4 جلوگیری کند، چرا که تهدید CxP و حمله دوجانبه به وزیر و رخ را تهیه دیده و لیکن این حرکت او هم اشتباه است، چرا که سیاه به راندن پیاده خود ادامه داده و از این تهدیدات باکی ندارد.

9...h4! 10.CxP PxF!

سیاه حمله سختی را تدارک دیده و در این حمله کارساز احتیاجی به وزیر ندارد.

11.CxD Fg4 12.Dd2 Cd4

با تهدید این حرکات:

(13...Ce2+ 14.Rh1 TxP)

که به مات سفید منجر خواهد شد.

13.Cc3

این حرکت، حرکتی است که سفید می‌بایست به جای قلعه رفتن در پنجمین حرکت خود انجام می‌داد.

و حالا خیلی دیر شده و لیکن چاره‌ای هم جزء این حرکت ندارد چرا که پس از:

(13.h3 Ce2+ 14.Rh1 TxP+! 15.PxT Ff3 مات می‌شود

13...Cf3+! 14.PxC FxP

و کار سفید تمام است

بسیار خوب، پس از این اشاره، به مطلب اصلی باز می‌گردیم، گفتیم که سفید برای گسترش فیل خود، ۲ امکان در اختیار دارد اول آچمز گرفتن اسب f6 و دیگری حرکت Fe3 و پوشاندن خط آتش فیل سیاه

6.Fg5 h6

حال سفید اگر باز به h4 عقب بنشیند آنگاه:

(7.Fh4 g5 8.Fg3

اگر سفید به خیال حمله کردن، 8.CxP کند، به واسطه قلعه نرفتن سیاه موفق نخواهد بود و ضرر خواهد کرد ببینید:

(8.CxP PxC 9.FxP Tg8 10.h4 Fe6)

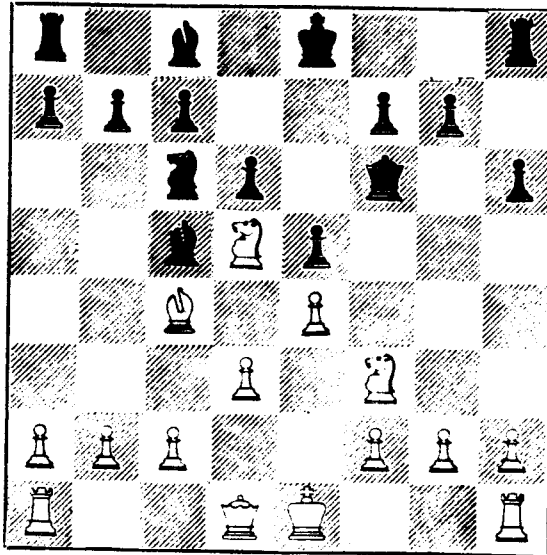
8...Fg4 و سیاه وضع بهتری دارد

پس با توجه به ادامه فوق سفید می‌بایست در هفتمین حرکت خود دست به مبادله بزند:

7.FxC DxP

ادامه PxF حالا برای سیاه خوب نیست چرا که دیگر سفید می‌تواند در این واریانت به قلعه بزرگ رفته و از نیمه باز بودن ستون g نیز هراسی نخواهد داشت، در صورتی که سیاه با این حرکت آرایش پیاده‌های خود را برهم زده و یک جفت پیاده دوبله و یک پیاده ایزوله روی دستش خواهد ماند.

8.Cd5



وزیر سیاه مورد تهاجم قرار گرفته و از طرفی خانه c7 هم تهدید می‌شود، حال سیاه اگر بخواهد هم وزیر را محفوظ نگهداشته و هم از c7 دفاع کند، مجبور است که به d8 عقب بنشیند، ولی گاهی سیاه ادامه Dg6 را برمی‌گزیند، که در آن صورت اگر سفید بخواهد

با گرفتن پیاده c7 کیش داده و رخ را بگیرد بد بازی کرده، چرا که سیاه با ادامه زیر، سفید را با یک حمله قوی روبرو خواهد ساخت.

(8...Dg6 9.CxP+ Rd8 10.CxT Dxc2 11.Tf1 Fg4)

با یک حمله قوی

اما اگر سیاه در حرکت هشتم خود Dg6 کند سفید می‌تواند با ادامه زیر از این حمله قوی سیاه مصون بماند و حتی برتری یابد.

(9.De2 Fg4 10.c3 Fb6 11.a4

حالا سیاه نمی‌تواند به هیچکدام از قلعه‌ها برود چرا که مثلا " اگر به قلعه کوچک برود آنگاه:

12.a5!

اگر سیاه با اسب پیاده را بگیرد با کیش اسب سفید در e7 مواجهه خواهد شد و وزیرش از کف می‌رود. و اگر چنانچه با فیل پیاده را معدوم سازد. رخ سفید بی‌مها با فیل را می‌گیرد، چرا که سیاه باز به همان دلیل قبلی و خوف از کیش اسب سفید در e7 قادر به گرفتن رخ نیست و اگر چنانچه سیاه به قلعه بزرگ برود باز با همین حرکت! 12.a5 سفید و تهدید قوی کیش اسب در e7 و گرفتن وزیر روبرو خواهد شد. در هر صورت برای سیاه راه مطمئن‌تر این است که در حرکت هشتم خود وزیر را به d8 عقب براند.

8...Dd8 9.c3 Ce7

حال وضعیت متعادل گشته و امکانات برابر است.

در صورت 9...Fe6 ممکن است با ادامه زیر روبرو شود.

(10.d4 PxP 11.PxP Fb4+ 12.CxF FxF 13.CxC PxC 14.Dc2

و سفید نفع می‌کند

بار دیگر به حرکت ششم سفید بازگشته و امکان دوم او را برای گسترش فیل مورد بررسی قرار می‌دهیم، امکان 6.Fe3

6.Fe3

این حرکت سفید گذشته از گسترش، مدافعانه نیز هست (در صورتی که حرکت پیشین گسترشی و مهاجمانه بود)، سفید با این حرکت پیاده f2 را محافظت نموده و از خطر نظارت فیل سیاه بر این قطر می‌کاهد. و از تعویض احتمالی هم هراسی ندارد چرا که در این صورت با باز کردن ستون F و همینطور تقویت مرکز با انتقال پیاده f به e و مهیا ساختن حرکت d4

نفع پوزیسیونی می برد .

6...Fb6

این حرکت سیاه غیر ضروری به نظر می رسد، چرا که سفید، اگر اقدام به تعویض فیلهای در c5 کند سیاه نفع می کند، چون خانه d4 تحت نظارت وی در می آید. بنا به این نظر ادامه زیر هم برای سیاه جایز است:

(6...De7 7.Dd2 Cd8

با انگیزه حرکت 8...c6 و کنترل خانه مرکزی d5 که در مجموع با این ادامه هر دو طرف امکانات برابری را در اختیار خواهند داشت.
به ادامه حرکت متن بازگردیم:

7.Dd2 Fe6 8.Fb3 Dd7 9.0-0 0-0 10.Ta-d1

گرفتن فیل e6 سیاه توسط فیل b3 سفید هم به همان دلیلی که معاوضه فیلهای را برای سیاه در حرکت ششم منع نموده بودیم خوب نیست، چرا که ضمن باز شدن ستون f، سیاه با ادامه زیر برتری می یابد.

(11...d5 12.e4xd5 e6xd5)

10...Ta-d8 11.Tf1-e1 Tf-e8

گسترش پایان یافته و بختها برابر است.

*** **

گامبی اوانس (Evans Gambit)

(1.e4-e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Fc5 4.b4)

سفید با حرکت چهارم خود، پیاده ای را قربانی می دهد تا در پی آن از طریق 5.c3 و سپس 6.d4 پیاده ها را در مرکز مستقر ساخته و امکانات گسترشی مناسبی برای خود فراهم آورد.

حال سیاه یا می بایست قربانی سفید را پذیرا گردد و یا اینکه از پذیرفتن آن سرباززند. در صورت هریک از اقدامات فوق بازی در مسیر و روالی خاص شکل خواهد گرفت و بنابراین اصل، گشایش گامبی اوانس که خود شاخه ای از بازی ایتالیایی می باشد، به تناسب انتخاب

سیاه به دو شق کلی، گامبی اوانس پذیرفته شده و گامبی اوانس رده شده قابل تقسیم است که ما در پی این مقدمه کوتاه به هر یک از واریانتهای فوق پرداخته و در همان مباحث به سود و زیان پذیرفتن و یا عدم پذیرش گامبی اشاره خواهیم داشت.

a) 4... FxP

گامبی اوانس (پذیرفته شده)

b) 4... Fb6

گامبی اوانس (رد شده)

* * * * *

گامبی اوانس پذیرفته شده (Evans Gambit Accepted)

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Fc5 4.b4 FxP)

4... FxP

سیاه گامبی را پذیرفته

5.c3

اقدام اولیه برای اعزام پیاده وزیر به d4، اساساً "انگیزه اصلی گشایش حاضر نیز همین حرکت d4.6 می باشد. حال سیاه برای عقب نشینی، یا فیل را به c5 باز می گرداند و یا اینکه به a5 عقب می نشیند. که حرکت Fa5 برای سیاه مناسبتر و بهتر است، اما سیاه می تواند فیل را به e7 هم براند و دفاع محتاطانه تری را پیشه سازد. در این صورت ادامه زیر برای آن متصور است.

(6... Fe7 6.d4 PxP 7.PxP

با وضعیتی بهتر برای سفید ادامه زیر بهتر به نظر می رسد:

6... Ca5

با این حرکت سیاه پیاده را پس داده ولی برتری دو فیل را تامین می کند

7.CxP CxF 8.CxC d4

سیاه از عهده دفاع کردن برمی آید، بخصوص که با این حرکت زنجیره پیاده های سفید از هم می گسلد و مسائلی را برای وی بوجود می آورد.

اما در این شروع بازی، معمولاً "سیاه فیل را به c5 و یا a5 عقب می‌راند تا عجلالتا" توانایی برای قربانی که گرفته نپردازد و در صورت امکان، این برتری کمی فعلی را حفظ کرده و به واسطه کسب موقعیت بهتری مجبور به پس دادن قربانی گردد که لااقل به این نحو سود جوید.

5...Fc5 6.d4 PxP

اکنون سفید دو امکان، به قلعه رفتن و گرفتن پیاده را در اختیار دارد که در هر دو صورت سیاه را با مشکلاتی روبرو خواهد کرد و برای سفید هر دو ادامه ممکن و خوب است.

7.PxP Fb4+ 8.Rf1

با تهدید d5 که سابق براین با آن در مبحث قبلی آشنا شده‌اید.

7.0-0 d6

این بهترین بازی سیاه است، چرا که اگر

(7...PxP 8.FxP+ RxF 9.Dd5+

سیاه ضمن اینکه پیاده‌ها و سوار گرفته را پس می‌دهد از قلعه رفتن محروم گشته و وضعیت بدی پیدا می‌کند.

و یا اگر

(7...d3 8.Cg5 Ch6 9.CxP CxC 10.FxC+ RxF 11.Dh5+ g6

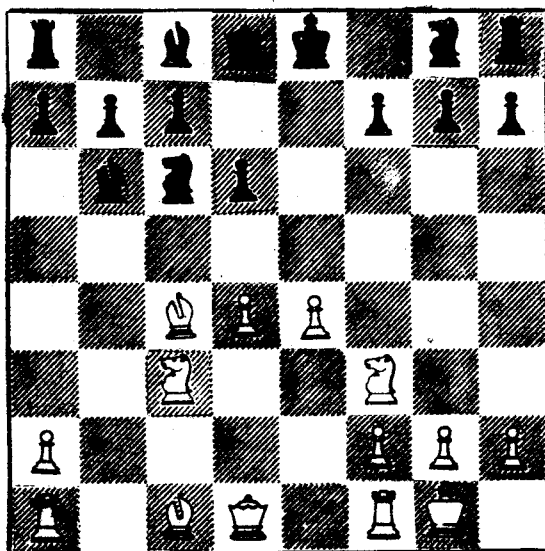
12.DxF

با برتری سفید همراه است.

8.PxP Fb6

حرکت 8...Fb4 به‌خاطر جواب 9.Db3 برای سیاه خوب نیست، چرا که در این صورت سیاه یا پیاده f7 را واداده و از قلعه رفتن محروم می‌شود و یا اگر بخواهد از پیاده حمایت کند. سفید با حرکت 10.d5 یک سوار نفع می‌کند.

9.Cc3



حرکت 9. d5 برای سفید عاقبت خوشی به همراه ندارد. چرا که سیاه اسب را به a5 رانده و فیل را تهدید خواهد کرد و اگر سفید به خیال در دست داشتن حرکت Da4+ فیل خود را محافظت شده دانسته و با فیل c1 در صدد تهدید g7 برآید و فیل را به b2 برآند، آنگاه با جواب دندان شکن 10... Ce7 روبرو خواهد شد که چنین ادامه‌ای را به همراه دارد.

11. Fxg7 Tg8 12. Ff6 CxF 13. Da4+ Dd7 14. DxC TxP+! 15. Rh1
اگر شاه رخ را بگیرد با حمله خوف‌انگیز وزیر به خانه g4 روبرو و ظرف سه حرکت آتی مات خواهد شد.

15... Dh3 16. Cb-d2 Fg4 17. Db3 0-0-0

با یک تهاجم گسترده و موثر

بنابراین، حتماً "دریافته‌اید که در واقع فیل سفید مستقر در خانه c4 بی‌دفاع است، چرا که وزیر با گرفتن اسب در حرکت چهاردهم با این حمله غیرقابل دفاع روبرو گشت و اگر چنانچه در صدد پرهیز از این حمله برآمده و وزیر به وزیر می‌نمود، همان فیل (به خیال دفاع شده) را مفت از چنگ می‌داد و چاره‌ای هم جز این نداشت. و اگر حتی با فیل b2 خود در حرکت یازدهم پیاده‌ه را نمی‌گرفت و برای احتراز از ادامه فوق حرکت

دیگری می نمود، سیاه می توانست با حرکات $11...Cg6$ و $12...f6$ وضعیت مستحکم و خوبی را برای خود بوجود آورد.

بنابر استدلال فوق دریاقتید که حرکت $d5$ به عنوان نهمین حرکت سفید عجولانه نامناسب می باشد و حرکت متن بهترین حرکت سفید است.

$9...Ca5$ ($9...Fg4$ $10.Fb5$ FxC $11.PxF$)

با تهدید $12.d5$ که سیاه مجبور می شود $Rf8$ نموده و از قلعه محروم گردد.

$10.Fg5$ $f6$

گونسبرگ در مقابل چیگورین حرکت $10...Ce7$ را نمود و بازی اینگونه ادامه یافت: (۱۸۹۰)

$(11.FxP+ RxF$ $12.Cd5$ $Ca-c6$ $13.FxC$ CxF $14.Cg5+$ $Rg6$

$15.Cf4+!$ $Rf6$ $16.e5+$ PxP $17.PxP$ RxC $18.Dh5+$ RxC

$19.g3+$ $Re4$ $20.Tf-e1+$ $Rd4$ $21.Ta-cl$

و سیاه مجبور به تسلیم است.

$11.Ff4$ CxF

برای کم کردن شانس حمله سفید

$12.Da4+$ $Dd7$ $13.DxC.$

سفید ضمن برخورداری از فضا وضعیت بهتری را داراست. این نتیجه حرکت $Fc5$ به عنوان پنجمین حرکت سیاه است و همینطور که مشاهده کردید برای سیاه نتیجه خوبی نیست، از اینرو بهتر است که سیاه در حرکت پنجم فیل را به $a5$ عقب بنشیند، و اینک به این حرکت توجه کنید.

$5...Fa5$ $6.d4!$

این حرکت معقولانه است، چرا که در غیر این صورت با جواب $6...d6$ سیاه روبرو شده و اساساً ایده و انگیزه اصلی گامی اوانس زیرسئوال می رود، ولی برای انجام ششمین حرکت سفید عده ای پیشنهاد به قلعه رفتن را می دهند که در مجموع به نفع سفید نیست، که پس از بررسی واریانت حاضر به عواقب ناشی از $6.0-0$ خواهیم پرداخت.

$6...d6$

ذیلاً "ادامه های ممکن پس از $6...PxP$ را مورد بررسی قرار می دهیم:

$6...PxP$ $7.0-0$ (اگر

در بازی بین آندرسن و دیفرسون (برلن ۱۸۵۲)، دیفرسون حرکت $7...d3$ را برگزید و

بازی چنین ادامه یافت:

(7...d3 8.Db3 Df6 9.e5 Dg6 10.Te1 Ce7 11.Fa3 b5
 12.Dxb5 Ta-b8 13.Da4 Fb6 14.Cb-d2 Fb7 15.Ce4 Df5
 16.FxP Dh5 17.Cf6+ PxC 18.PxP 19.Ta-d1(Fe4!)
 19...DxF3?(19...Tg4!) 20.Txe7+ Cxe7 21.Dxd7+!! RxD
 22.Ff5+ Re8 23.Fd7+

و در حرکت مات

حال به ادامه قابل تامل زیر توجه کنید :

(7...Cg-e7!!

این حرکت سیاه، سفید را بر سر این دو راه می گذارد.

(راه اول) 8.Cg5 d5 9.e4xd5 Ce5 10.DxP f6

سیاه به خوبی قادر به دفاع است.

(راه دوم) 8.PxP d5 9.PxP Ce7xP 10.Fa3 Fe6 11.Fb5 Fb4

با وضعیتی برابر

ولی اگر سفید در همین راه دوم به جای حرکت دهم چنین کند، آنگاه:

10.Db3 Fe6! 11.DxP Ce5-g4 12.Fb5 Fd5! 13.Fa3 0-0!

با تهدید Tb8

اگر

7...PxP 8.Db3 Df6(8...De7 9.CxP FxC 10.DxF Cf6
 11.Fa3 d6 12.e5!.....)

9.e5 Dg6 10.CxP Cg-e7 11.Fa3

با برتری سفید

حال اگر سیاه در جواب این حرکت به قلعه رودباز سفید با ادامه زیر برتری را حفظ و حمله را تشدید خواهد کرد.

11...0-0 12.Ta-d1 Te8 13.Fd3 Dh5 14.Ce4 Cxe5

15.Cxe5 Dxe5 16.Fb2

با کم و کیف حرکت 6...PxP به جای حرکت متن که 6...d6 بود فوقاً آشنا شدید.

حال بررسی که در پی می آید ثابت می کند که حرکت متن به مراتب برتر از حرکت 6...PxP می باشد و اینک ادامه حرکت متن:

7.Db3 Dd7 7...De7? 8.d5 Cd8 و یا Cb8 9.Db5+

و یک سوار نفع می کند حرکت Df3 هم به همین دلیل اشتباه است.

8.PxP

حرکت 8.d5 قطر حمله را بسته و دفاع سیاه را آسانتر می‌کند و لیکن حرکت متن ستون d را برای اشغال موثر رخ بعد از عمل قلعه رفتن می‌گشاید و امکانات تهاجمی سفید را افزایش می‌دهد.

8...PxP 9.0-0 Fb6

فیل به سراغ قطر موثر خود می‌رود

10.Td1 De7 11.Fa3 Df6 12.Cd2

سفید یک پیاده عقب است ولی دارای ابتکار عمل است. حال آخرین بخش گامبی اوانس پذیرفته شده را اختصاص می‌دهیم به حرکت 6.0-0 که قبلاً "اشاره‌ای به آن داشته‌ایم و خاطرنشان ساختیم که این حرکت برای سفید نتیجه خوبی به همراه ندارد و اینک دلیل:

6.0-0 d6 7.d4 Fb6

این حرکت سیاه نشانگر تمایل او به پس دادن پیاده است. ولی به شرط کسب برتری، برخورد معقول و منطقی که می‌باید در رابطه با غالب گامبی‌ها از خود نشان داد. به این معنا که گامبی را پذیرفت ولی به جای خود و برای حفظ و یا احتمالاً "کسب برتری آن را پس داد و سیاه در اینجا دقیقاً "بر مبنای این اصل کلی حرکت متن را انجام داده، چرا که اگر سفید بخواهد، از طریق ادامه زیر قربانی را پس بگیرد، تعادل کمی را برقرار ساخته و لیکن از لحاظ وضعیت ضرر خواهد کرد ببینید:

(8.PxP PxP 9.DxD+ CxD 10.CxP Fe6)

سفید پیاده را پس گرفت اما اکنون پیاده‌های جناح وزیر او وضعیت بد و ناهنجاری دارند.

8.PxP PxP 9.Db3

سفید قصد دارد به ازای یک پیاده خود حتماً "حمله‌ای را سامان دهد. ولیکن تلاشهایش منتهی به نتیجه‌ای مطلوب نخواهد شد.

9...Df6

حرکت Dd7 به واسطه تهدیدات بعدی سفید که شامل قلعه رفتن و استقرار رخ در d1 می‌باشد، مناسب نیست و از طرفی خانه e7 هم برای استقرار اسب g در صورت آچمز شدن اسب c لازم می‌آید و نمی‌بایست توسط وزیر اشغال شود. خانه f6 تنها خانه‌ای است که ضمن دفاع از نقطه f7 مزاحم و مانع سایر حرکات احتمالی نمی‌شود.

10.Fg5

گسترش و فشار

10...Dg6 11.Fd5

به خاطر وحود وزیر در عرض ۶ این حرکت موثرتر است از Fb5 چرا که فعلا " او را قادر می‌سازد که در هر دو جناح تهدیداتی را بوجود آورد . به‌ویژه به خاطر بلاذفاع نمودن پیاده e5

11...Cg-e7 12.FxC RxF 13.FxC DxC 14.Cxe5 De6

سفید پیاده خود را پس گرفته و لیکن جای خالی پیاده b را که در ابتدای بازی قربانی شد کاملا "حس کرده و از آن رنج می‌برد . چرا که او حالا به واسطه وضعیت بد پیاده‌هایش، دارای جناح وزیر ضعیفی است .

* * * *

گامبی اوانس ردشده (Evans Gambit Declined)

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Fc5 4.b4 Fb6)

همانطور که مشاهده می‌کنید سیاه از گرفتن قربانی سر باز زده و به b6 عقب نشسته است .

5.b5

باتوجه به تهدید Cxe5، معمولترین جواب سفید به این سربچی سیاه، حرکت فوق می‌باشد . در صورت: 5.Fb2 سیاه با حرکت 6...Cf6 پاسخ داده و تهدید به گرفتن پیاده e4 و سپس حمله به f2 می‌کند . ادامه 5.a4 هم پیچیدگیهای به شکل زیر بوجود می‌آورد .
(با تهدید b5 6.Cc3 a6 5.a4)

حمله به e4 برای مقابله با حرکت اخیر سفید 6...Cf6

7.Cd5!!

سفید با این حرکت بطور غیرمستقیم مجددا " بر e5 فشار وارد می‌آورد و قصد راندن اسب c6 را دارد .

7...CxC 8.PxC e4 9.PxC 0-0!

سیاه اگر چنانچه اسب را با پیاده می‌گرفت وضع وخیمی پیدا می‌کرد :

9...PxC 10.DxP!!

با تهدید مات در f7 و یا گرفتن پیاده b7 و حمله جناغی به رخ و فیل و اگر چنانچه سیاه

10...De7+ 11.Rd1

10...0-0 11.Pxb7 (و یا اگر

و اینک سیاه با هر ادامه‌ای قادر به جبران ۲ پیاده و یک سوار عقب افتاده نخواهد بود. انگیزه حرکت درست و خوب 0-0...9 سیاه با علم به این است که سفید اگر بخواهد از حمله‌ای سخت در امان باشد می‌بایست در حرکت بعدی اسب را پس دهد.

10.Fb2

اگر چنانچه سفید در جهت حفظ اسب خود برآید حداقل یک پیاده ضرر می‌کند چرا که سیاه اسب را ظرف یکی دو حرکت آتی خواهد گرفت و اگر چنانچه سفید برای اسب خود خانه g1 را در نظر بگیرد که از پیچیدگیهای آتی فرار اسب به خانه‌های مرکزی احتراز جوید. آنگاه:

با حرکت Df6 و حمله دو جانبه وزیر به Talof2 روبرو خواهد شد و ضمن این می‌باید متحمل حمله سخت و همه‌جانبه سیاه گردد. بنابراین معقولانه است که سفید درصدد حفظ اسب خود برنیامده و درعوض درصدد کسب زمان و موقعیت برآید و حرکت متن سفید هم دقیقاً "پیرو چنین ایده‌ایست."

10...PxC 11.DxP d7xp

حرکت b7xP به سبب ایزوله شدن پیاده a و بهم ریختن آرایش پیاده‌های خوب نیست. حرکت متن باعث ازدست دادن تمیو نمی‌شود. لذا از اینجهت بهتر است.

12.Dc3 (12.Dg3 g6) 12...Te8+ 13.Rd1

سفید اگر حرکت Fe2 را انجام می‌داد. آنگاه حمله به‌روی قلعه سیاه را ازدست داده و مضاف بر آن فیل به‌شکل نامطلوبی آچمز گشته و در حرکات بعد برای دفاع از فیل، سفید مجبور به ازدست دادن زمان شده و سیاه هم از نقطه ضعف بوجود آمده به‌خوبی استفاده کرده و ابتکار بازی را بدست می‌گرفت اصولاً "در این پوزیسیون احتیاجی به قلعه رفتن نیست بخصوص قلعه کوچک، چون اسبها از میدان خارج گشته‌اند و قلاع پشتیبانانی ندارند. ضمن اینکه نیروهای هر دو طرف به‌خوبی بر قلعه یکدیگر اشراف دارند. مشکل ارتباط رخها هم برای سفید از طریق a3 قابل حل می‌باشد. بنابراین قلعه رفتن با اوصاف فوق به‌صرفه نیست. هرچند که قلعه رفتن بنا به یک اصل کلی خوب و مفید است.

13...Dg5

حال سفید می‌تواند Df3 نموده و یا g3 درصورت g3 سیاه نمی‌بایست پیاده f2

را با فیل بگیرد چرا که در آن صورت با Tf1 روبرو خواهد شد. و سفید با امکان حرکت بعدی (h4) می تواند در اندیشه حمله ای باشد.

اینک بار دیگر به ابتدای بازی بازگشته و به بررسی حرکت معمول و متداول 5.b5 می پردازیم :

5.b5 Ca5 6.CxP(6.Fe2 d5 !)

6...Ch6(6...Cxf7 CxC d5 8.CxP)

با برتری سفید

7.d4

با تهدید FxC و بلا دفاع ساختن پیاده f7

7...d6 8.FxC PxC

با ادامه زیرهم سیاه می تواند از مات شدن رهیده و سواری بدست آورد و لیکن وضعیت خطرناکی پیدا می کند :

(8...PxP 9.FxP+ Re7 10.Cc3 PxC 11.Df3 Fg4 ! 12.DxF RxF)

اگر (8...CxF 9.CxC PxP 10.CxF)

با برتری سفید

9.Fxg7 Tg8 10.FxP+ RxF 11.FxP Fg4(11...TxP? 12.Df3+)

12.Dd3

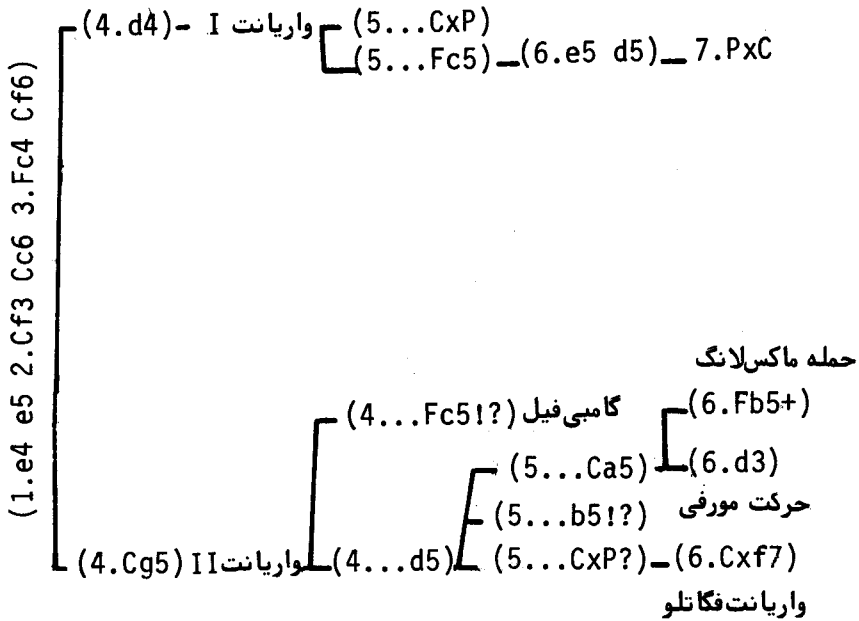
برای کنترل c4 و تسلط بر عرض باز ۳

12...c5

سفید در مقابل یک فیل ۴ پیاده گرفته و اینک دارای امکانات تهاجمی خوبی است و پیاده های مرکزی وی برای سیاه بسیار خطرناک می باشند.

با بررسی این قسمت به پایان بحث گامبی اوانس و در کل بازی ایتالیائی رسیده ایم ، لازم است که پیش از گذاردن آخرین نقطه بر این بخش، تذکری در مورد گامبی اوانس داده شود ، و تذکر این است که گامبی اوانس رد شده معمولا " برای سیاه امکانات خوبی بوجود نیاورده و متقابلا " امکانات تهاجمی سفید را افزایش می دهد. لذا از اینجهت خوب است که در اینگونه شروع بازی به مصداق اصل کلی گامبیا ، قربانی را پذیرفته و آن را به بهای رهایی از وضعیتی خطرناک و یا احیانا " ایجاد آن باز پس دهیم. البته این اصل در این نوع گامبی کاملا " صادق است ولی به مانند بسیاری از اصول و قواعد دارای استثنائاتی نیز می باشد که در این مورد با بررسی شروع بازیهای دیگری که با گامبی همراهند بازگفتارهای خواهیم داشت.

دفاع دو اسب
(Two Knights' Defence)



(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Cf6)

سفید درمقابل حرکت اخیر سیاه می‌تواند دو ادامه را برگزیند که براساس همین انتخاب، گشایش فوق به دو شاخه عمده تقسیم می‌شود:

- 1) 4.d4
- 2) 4.Cg5

واریانت I

ذیلاً "ادامه مربوطه 4.d4 را مورد بررسی قرار داده و پس از آن به ادامه پرحادثه 4.Cg5 خواهیم پرداخت.

سفید درمقابل 3...Cf6 که پیاده e4 را هدف قرار داده می‌تواند با 4.De2 و 4.d3 و Cc3 از پیاده مزبور دفاع کند. حرکت De2، دفاعی غیرفعال بوده و خوب نیست. چرا که سفید می‌تواند با انتخاب دفاعی دیگر حرکتی گسترشی نموده، که لازمه ابتدای بازی است (بخصوص برای سفید که از آغاز یک حرکت پیش بوده و به هیچ روی نباید این امتیاز را از دست بدهد) در صورتی که سفید با آوردن وزیر به e2 با حرکت فعال Fe5 سیاه روبرو شده و در گسترش نسبت به سیاه عقب می‌ماند، حرکت 4.d3 هم پاسخ Fe5 را به همراه دارد که به بازی ایتالیائی منجر خواهد شد که شرح این گشایش را پیش از این آورده‌ایم. سفید با حرکت 4.Cc3 هم می‌تواند از پیاده خود دفاع کرده و ضمناً در گسترش عقب نماند و لیکن در این صورت ممکن است که بازی چنین ادامه پیدا کند:

4...CxP 5.CxC d5 6.Fd3 PxC 7.FxP Fd6

که برای سفید به نسبت حرکت متن هیچ خوب نیست. برای ما همیشه ملاک، حرکت بهتر است، اصولاً "یکی از دلایلی که باعث می‌شود، حرکتی را خوب ندانیم این است که حتماً حرکتی بهتر از آن سراغ داریم. مثلاً همان حرکت 4.De2 و یا 4.Cc3 را ما می‌بایست به نسبت حرکت 4.d4 بسنجیم. گذشته از اینکه حرکات De2 و Cc3 هر دو خود بخود اشکالاتی را به همراه دارند. احیاناً ممکن است در پوزیسیونی فلان حرکت، حرکتی خوب باشد ولی این تا زمانی است که ما حرکتی بهتر سراغ نداشته باشیم، اما اگر حرکتی یافتیم که بهتر بود، حرکت اول دیگر خوب نیست. در بازی حرکتی به نسبت حرکات دیگر خوب است که بتواند برتری را به ارمغان آورده و یا تلاشی در این جهت باشد، حتی ممکن است، حرکتی زیان‌آور نباشد ولی این دلیل کافی، برای انجام آن نیست. حرکت انتخابی نه تنها می‌باید زیان‌آور نباشد، بلکه برای برتری جستن سودمند هم باشد.

این نکته را نباید فراموش کرد که ما با مهره سفید برای بردن بازی می‌کنیم نه تساوی:

4...PxP

(و بعد از آن 7.DxC 6.CxP+ RxF 5.FxP+ 4...Cxd4?)

یا اگر (4...Cxe4? 5.d4xe5 Dd5 با تهدید

پس از حرکت متن از سوی سیاه سفید امکانات زیر را در اختیار دارد:

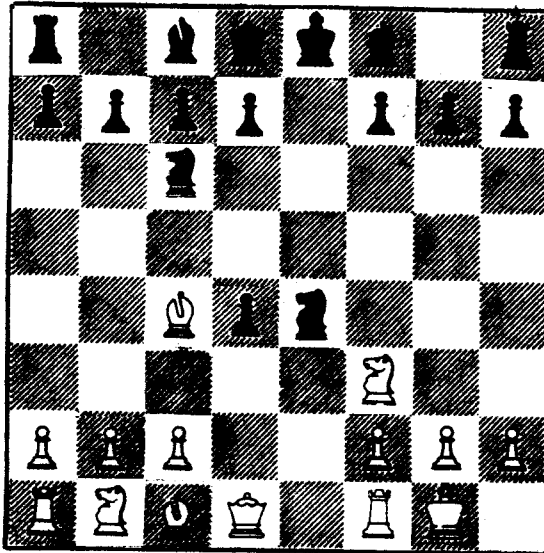
I) 5.0-0

II) 5.e5

III) 5.Cg5

* * * *

I) 5.0-0 CxP!



اگر سیاه به جای حرکت متن Fc5 می‌نمود آنگاه در مقابل حمله خطرناکی قرار می‌گرفت که

ماکس لانگ خوانده می‌شود. ذیلاً " این واریانت را بررسی می‌کنیم:

5...Fc5 6.e5 d5 7.PxC PxF 8.Te1+ Fe6 9.Cg5 Dd5

اگر سیاه (9...Dd2?? 10.CxF PxC 11.Dh5+)

و یا اگر (9...0-0? 10.TxF PxT 11.f7+ Rh8 12.Dh5 h6 13.Dg6)
 (و بعد 12.DxF 10.CxF PxC 11.Dh5+ 9...DxP) و یا اگر چنانچه
 10.Cc3 Df5 11.Cc-e4 0-0-0

اگر سیاه

(11...Fb6 12.PxP Tg8 13.g4 Dg6 14.CxF PxC 15.Fg5 TxP
 16.Df3 e5 17.Cf6+ Rf7 18.h4)

و یا اگر چنانچه .

(11...Ff8 12.CxP RxC 13.Cg5+ Rg6(13...Rg8 14.g4!)14.f7!
 با تهدید TxF+

12.CxF,...

کافرتی در مقابل سامبور در سال ۱۹۶۵ به جای این حرکت چنین ادامه‌ای را برگزید.
 12.g4 De5 13.CxFe6 PxC 14.Fg5!? h6?(14...g6! 15.f7 Fe2)
 15.CxF! DxC (15...DxF 16.PxP!) 16.PxP PxF 17.PxT=D TxD
 18.TxP

با برتری مطلق سفید

12...PxC 13.g4 De5 14.PxP Tg8 15.Fh6 d3 16.c3

سفید با توجه به موقعیت پیاده پیش رفته و احتمال فرزین آن و همچنین نظارت رخ بر ستون
 مرکزی c و ضعیف بودن پیاده e6 سیاه وضعیت عالی و برنده‌ای را داراست.
 حال اگر سیاه برای پرهیز از حمله ماکس لانگ که فوقاً آمد در جواب حرکت پنجم سفید
 که e5 بود 5...Cg5 را انتخاب کند، باز سفید موفق به کسب برتری می‌شود.

5...Cg4(5...Ce4? 7.De2) 6.Ff4 d6 7.PxP FxP 8.Te1+ Rf8
 بنا بر بررسی‌های فوق درمی‌یابیم که بهترین حرکت سیاه همان حرکت 5...Cf6xe4
 می‌باشد:

6.Te1 d5 7.FxP! DxF 8.Cc3 Da5

9.CxC! (9.TxC+ Fe6 10.CxP 0-0-0!)

9...Fe6

10.Cg5 (10.Cxd4? Cxd4!)

ماریچ در برابر دوراسویچ (یوگسلاوی ۱۹۵۶) چنین ادامه‌ای را برگزید:

10.Fd2 Dd5! 11.Fg5 Fd6! 12.Ff6 0-0!

اکنون سفید می‌تواند پیاده خود را پس بگیرد ولی سیاه برتری دو فیل داشته و ضمناً قادر به دفاع می‌باشد و می‌توان گفت که در مجموع و با توجه به نظارت سفید در ستونهای مرکزی وضعیت متعادل است .

10...0-0-0 (10...Dd5? 11.Cg5xf7 !!) 11.CxF PxC

12.TxP Df5 (12...Fe7 13.Cc5 Dd5 14.Dg4) (با برتری سفید)

می‌تواند بازی را متعادل سازد 12...Dd5 13.De2 h6 اگر

12...Fd6 13.Fg5 Td-e8 14.De2 Rd7 15.Te1 DxT+! ؛ به‌نفع سیاه

13.De2 h6 ! 14.a3 (14.Fd2 Dxc2 15.Ta-c1 Dxb2) 14...g5

وضعیت سیاه اندکی بهتر است .

II)5.e5 d5 6.Fb5 (6.PxC PxP) 6...Ce4 7.CxP Fd7

8.Fxc6 PxP 9.0-0

پس از ایجاد چنین وضعیتی اخوتنیک - افری نیوک (کی یف ۱۹۶۷) چنین ادامه دادند :

(9...Fe7 10.f3 Cc5 11.f4 Ce4 12.f5 0-0 13.Cc3 CxC

14.bxc c5 15.Cb3 c4 16.Cd4 c5 17.Ce2 Fc6 18.f6! ؛

لیوولینسکی - لی پنی تشکی چنین ادامه دادند :

(18.Cf4 d4 19.f6 gxf 20.exf Fxf6 21.Ch5 Fe5 22.Tf5)

با امکاناتی مساعد برای حمله ، ولی حرکت متن به مراتب قویتر و موثرتر است .

18...gxf 19.Fh6 fxe 20.Cd4! Fd7 21.Cc6 De8 22.Cxe5 Fc6

23.Df3! Rh8 24.Dg3 Tg8 25.Cxf7!! ؛ و سیاه تسلیم شد .

اخوتنیک - زاید (ادسا ۱۹۷۷) در پی ایجاد وضعیت بالا اینطور ادامه دادند :

9...Fc5 10.f3 Cg5 11.f4 Fg4 12.DxF Fxd4 13.Rh1 Ce4

14.Dxg7 Dh4 15.Cc3! 0-0-0 (15...Cf2 16.TxC DxT 17.Fe3)

16.Cxe4 dxe 17.Dxf7 Dg4 18.f5! Th-g8 19.De6 Td7?

(19...Rb8 20.Db3 Rc8! 21.Dh3 DxD) درست بود

20.g3 e3 21.Dxc6 Rb8 22.Cxe3! CxC 23.Ta-e1 Fd2 24.Te4 Dg7

(24...Dh3 25.Tf3) 25.c3

و سیاه تسلیم شد .

III)5.Cg5 d5! 6.PxP De7+! 7.Rf1 (7.De2 Cb4! می‌کند)

7...Ce5 8.DxP CxF 9.DxCc5 h6! 10.Cf3 Dc4 11.DxD FxD

12.c4 Fd2!

سیاه ضمن برتری دو فیل از پوزیسیون فوق العاده فعال و خوبی برخوردار است .

واریانت II

4.Cg5

با این حرکت ، سفید حمله به پیاده f7 را مضاعف نموده و قصد گرفتن آنرا دارد . ولیکن این حرکت سفید ، عجولانه و بی موقع بوده و در صورت مقابله ای درست از طرف سیاه ، برای سفید جز ضعف پوزیسیونی حاصلی دیگر ندارد .

4...d5

حرکت 4...Fc5 (گامبی فیل) هم که ادامه تند و حادی را در بردار قابل تامل است و لیکن هنوز آخر و عاقبت این حرکت به درستی روشن نشده .
مثلا : "اشتین - کریستیانسن (۱۹۷۸) چنین ادامه دادند :

4.Fc5 5.Fxf7+ Re7 6.Fd5 Tf8 7.Cf3 De8 8.c3 Dh5 9.0-0 d6
10.d4 Fg4 11.Fxc6 bxc 12.dxc Cxe4 13.cxd cxd 14.Dd3 Fxf3
15.Cd2 Cxd2 16.Dxd2 Tf4 17.gxf Dxf3 18.Te1 Tg4 19.Rf1 Tf8
20.De3 Dg2 21.Re2 Te4 22.Tg1 Dxf2

و سفید تسلیم شد

اما حرکت متن ، حرکتی تجربه شده و محکم است و با اجرای آن سیاه وضعیتی مساعد حاصل خواهد کرد .

5.PxP

حال سیاه می باید از میان حرکات زیر یک حرکت را برای مقابله با حرکت پنجم سفید برگزیند .

a) 5...CxP?

b) 5...b5!?

c) 5...Cd4

d) 5...Ca5

a) 5...CxP?

در مقابل این حرکت اشتباه سیاه ، سفید قربانی زیبایی را در f7 داده و حمله ای قوی را آغاز می کند که به واریانت فگاتلو مشهور است .

(6.CxP RxC 7.Df3+ Re6 8.Cc3 Ce7 9.d4 c6 10.Fg5 Rd7

11.PxP

12.0-0-0)) (با تهدید

سفید در مقابل 5...CxP? ادامه زیر را هم در اختیار دارد .

6.d4

حال اگر سیاه

(6...Fe7 7.CxP! RxC 8.Df3+ Re6 9.Cc3 Cb4 10.De4 c6

11.a3 Ca6 12.DxP+ Rf7 13.CxC PxC 14.FxP+ Rf8 15.0-0)

به لحاظ کمی سفید سه پیاده در برابر اسب خود گرفته و از لحاظ کیفی برتری غیرقابل
انکاری را داراست.

(بررسی در این مورد ذیلاً "آمده 7.Fe7) 6...PxP 7.0-0 Fe6

8.Te1 Dd7(8...Fe7 9.TxF f7xe6 10.Cg5xe6 Dd7 11.FxC

و نفع می کند

9.Cg5xf7! RxC 10.Df3+ Rg6 (10...Rg8 11.TxF (نفع می کند

(نفع می کند 10...Re8 11.FxC) و اگر چنانچه

11.TxF+ DxT 12.Fd3+ و در حرکت بعد مات

حال به ادامه 7...Fe7 توجه کنید.

(7...Fe7 8.CxP RxC 9.Df3+ Re6 10.Cc3 PxC 11.Te1+ Ce5

12.Ff4 Ff6 13.Fxe5 Fxe5 14.Txe5+

و سیاه در شرف مات شدن است.

بهترین مقابله با 6.d4 شاید ادامه زیر باشد، اگرچه باز سفید برتری می یابد.

(6...Fe6 7.Cxe6 PxC 8.PxP CxP 9.Dh5+ Cg6 10.0-0 Dd7

11.Fg5 Fe7 12.FxF DxF 13.Te1 0-0-0 14.Cc3,...)

b)5...b5!?

این حرکت آنطور که باید تجربه نشده و هنوز بررسیها در رابطه با این حرکت در جریان
است.

حال اگر سفید قربانی را پذیرفته و با فیل آنرا بگیرد با حرکت 6...DxP مواجهه
شده و وضعیت بدی پیدا می کند، چرا که اگر اسب را بگیرد، سیاه با وزیر فیل را گرفته و
خانه g2 را تهدید می کند و بالنتیجه سفید از لحاظ زمان عقب مانده و مرکز به تصرف
سیاه درمی آید. و اگر چنانچه برای دفاع از پیاده g2 با فیل اسب را نگیرد و به f1عقب
بنشیند باز این سیاه است که برتری دارد.

بهترین حرکت سفید در رابطه با 5...b5، رد کردن قربانی و بازگشت به f1 است.

در این صورت دو ادامه در اختیار سیاه است.

6...Cxd5 7.Fxb5 Fb7 8.d4 Pxp 9.0-0! Fe7 10.Cf3 0-0
11.Fxc Fxf 12.Cxd4 Fb7 13.c3 در وضعیتی تقریباً برابر

! 6...Cd5 7.c3 Cxp 8.Ce4 (ادامه دوم)

(8.Pxc Fb5+ و پوزیسیون سفید درهم می‌ریخت)

8...Ce6 (8...Dh4!? 9.Cg3 Fg4 10.f3 e4!)

c)5...Cd4

ادامه این حرکت به نفع سفید تمام می‌شود:

6.c3! b5 7.Ff1 Cxd5 8.Ce4

d)5...Ca5

این حرکت متداولترین و بهترین دفاع سیاه است. سیاه به جای آنکه ابتدا پیاده را بگیرد، فیل را تهدید نموده و قصد گرفتن پیاده را بعد از این حرکت دارد تا دچار ادامه‌های که فوقاً آمد نشود و حال فیل سفید یا می‌باید به وسیله کیش کسب زمان کرده و پیاده را عجالاً حفظ کند و یا فکر پیاده نبوده و با حرکت d3 از فیل خود حمایت کند، که این حرکت به نام شطرنج‌باز شهیر، مورفی خطاب می‌شود. و اینک قبل از پرداختن به حرکت 6.Fb5+ به حرکت مورفی می‌پردازیم.

6.d3 حرکت مورفی

6...h6(6...Cxp? 7.Df3 با برتری سفید

سیاه دیگر قادر به جبران پیاده عقب‌افتاده نخواهد بود (6...Cxf 7.Pxc

7.Cf3 e4 8.De2 Cxf 9.Pxc Fc5 10.Cf3-d2 0-0!

سیاه یک پیاده عقب است ولی از لحاظ گسترشی پیش است.

یا اگر سفید در حرکت دهم چنین کند:

(10.h3 0-0 11.Ch2 c6! (e6 Ch7) 12.Pxp e6! 13.Fxp Fxf

14.Pxf Ce4 15.Cf1!

حرکت اخیر سفید خوب بود ولی تا بدینجا هر چند که از لحاظ کمی سه پیاده جلوس است، ولی وضعیت درهم پیچیده و مبهمی دارد و سیاه در آینده به راحتی یکی دو پیاده خود را پس خواهد گرفت.

و اما گرب - کرس (۱۹۳۶) از حرکت نهم واریانت فوق چنین ادامه دادند:

9...Fc5 10.c3 b5 11.b4 Fe7 12.Cf-d2 Fg4 13.f3 exf

14.gxf Fh5 15.cxb 0-0 16.0-0 Te8

با برتری سیاه

اینک پس از بررسی حرکت مورفی به 6.Fb5+ می پردازیم :

6.Fb5+

6...c6 7.PxP PxP 8.Fe2

اگر سفید به جای حرکت متن 8.Df3 کند آنگاه سیاه دو ادامه زیر را در اختیار خواهد داشت :

(8...PxP 9.DxT Fc5 10.b4 Fxb4 11.DxP 0-0 12.0-0 Cc6
13.De3 Cd4

ولیکن سیاه از لحاظ کمی عقب است و تعیین حمله‌ای قوی در اختیار دارد .

9...CxF (مطلوب سیاه 9.Fd3 h6) (9.Fd3 h6 9.FxP+?! 8...Tb8) و یا
10.DxC+ Cd7 11.d3 Fe7

سیاه ضمن برتری در گسترش، می تواند به وسیله Tb6 و همینطور f5 حمله قوی را تدارک ببیند .

8...h6 9.Cf3 e5 10.Ce5 Fd6 (10...Fe5! 11.c3 De7

12.f4 Cb7 13.b4! سفید آزادی عمل بیشتری دارد .

11.d4(11.f4 PxPep 12.Cxf3 0-0!)

11...Dc7 12.Fd2!(12.f4 PxPep 13.Cxf3 Cg4)

و اگر (13.FxP 0-0)

12...Cb7 (12.FxC FxC و نفع می کند

13.Fc3(13.f4? PxPep 14.Cxf3 Cg4)

و پیاده h2 را از دست می دهد، چرا که در صورت 15.g3 با FxP+ روبرو شده و ضرر می کند .

13...Cd5

سیاه یک پیاده عقب است ولی وضعیتی نسبتاً " بهتر دارد . و سفید می بایست پیاده را پس دهد تا امکاناتی برابر بدست آورد .

دفاع مجار (The Hungry Defence)

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Fe7)

این دفاع از جمله دفاعهای غیرفعال محسوب شده و ندرتا "بکار می‌رود". سیاه با انتخاب این دفاع، آزادی عمل را از خود سلب نموده و در مقابل، عرصه بازتری را در اختیار سفید قرار می‌دهد. مشکل بزرگ در این دفاع چگونگی گسترش فیلهاست، و نیمی از این مشکل را سیاه خود برای خویش فراهم می‌آورد و نیمی دیگر را سفید به او تحمیل می‌کند، همانطور که قبلا "آوردیم، توان مهره‌ها نسبی است و ارتباطی نزدیک با خانه‌ای که در آن مسکن می‌کنند دارد. در ابتدای بازی که هنوز مهره‌ها در جای قراردادی خود مستقرند، ما بین سوارهای سیاه و سفید هیچگونه اختلافی از نظر قدرت تاثیر وجود ندارد ولی همین که اولین حرکات انجام شد و چرخ بازی به گردش افتاد، اندک، اندک. اختلافات آشکار می‌شود. آنگاه به جرات و اطمینان می‌توان از فیل خوب و فیل بد از اسب توانا و اسب ناتوان صحبت کرد و ما در ضمن بررسی این دفاع خواهیم دید که چگونه عرصه بر فیلهای سیاه تنگ شده و این مهره دوربرد و در محدوده‌ای بسته گرفتار می‌آید.

3...Fe7 4.d4

سفید از عدم حضور فیل در c4، بلافاصله سود جسته و با قدم مضاعف پیاده خود قصد گشودن خطوط و ایجاد فضا را دارد. با این حرکت در دفاع دو اسب آشنا شده‌اید، اصولاً "سفید در بسیاری از گشایشهای پیاده شاه پس از گسترش اسب ج این خانه را هدف قرار می‌دهد، منتهی در گشایشهای چون لوپز و ایتالیائی به سبب وجود فیل سیاه در c5

و یا مزاحمت‌های دیگری که از طرف وی ایجاد می‌شود. سفید فرصت نیافته و انجام این حرکت به تعویق می‌افتد و وی برای انجام این حرکت می‌بایست قبلاً "c3" را انجام دهد. گاپرین داشویلی در برابر چیور دانیدزه (۱۹۷۸) به‌جای 4.d4 حرکت 4.d3 را انجام داد و سیاه طی ادامه

4...Cf6 5.Fb3 d5 6.Cb-d2 0-0 7.0-0 PXP 8.PXP Fc5

9.c3 De7 10.Fc2 a5 بازی نسبتاً "راحتی پیدا کرد

4...PXP

ادامه دیگر در اینجا 4.d6 می‌باشد که کوزلف در برابر برونشتین آنرا بکار گرفت، آنان چنین ادامه دادند:

4.d6 5.PXP PXP 6.DxD+ FxD 7.Cc3 f6 8.a3 Cg-e7 9.Fe3 Fg4
10.0-0-0 Cc8 11.Td3 Cd6 12.Fa2 Fe7 13.Cd2 0-0-0 14.f3 Fd7
15.Cd5! Th-e8 16.CxF TxC 17.Fd5 b6 18.Td1 Cb8 19.Cb1 Cb7
20.b4 c6 21.Fc4 و سیاه هیچ بازی خوبی ندارد.

5.CXP d6

حرکت 5...Cf6 با 6.e5 روبرو می‌شود، حرکت متن ضمن جلوگیری از پیشروی پیاده سفید امکان گسترش فیل و اسب را فراهم می‌آورد.

6.0-0 (6.d5 Ca5 c6 سپس) 6...Cf6 7.Cc3 0-0 8.h3

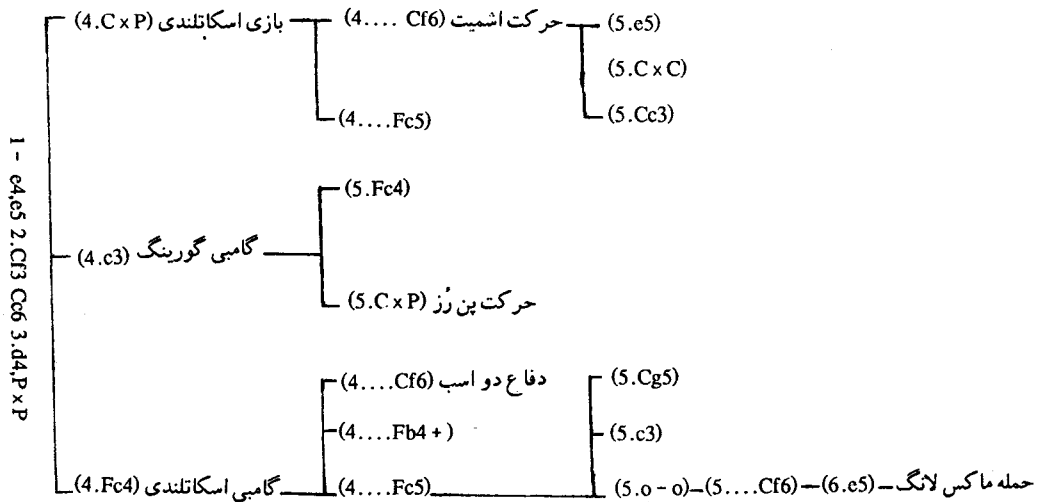
با این حرکت عرصه بر فیل c8 تنگ شده و او می‌بایست به d7 قناعت کند.

8...Fd7 9.Ff4

اینک گسترش سوارها به‌پایان رسیده و سفید وضعیت فعال و آزادتری را داراست و درعین حال سیاه برای مانور سوارهایش با کمبود فضا روبروست.

* * * *

گشایش اسکاتلندی (The Scotch Opening)



(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.d4 PxP)

پس از حرکات فوق که به گشایش اسکاتلندی معروف است، سفید در حرکت چهارم، می تواند از میان سه ادامه زیر، یکی را برگزیند و بر اساس همین گزینش، گشایش فوق به سه شاخه، بازی اسکاتلندی، گامبی اسکاتلندی و گامبی گورینگ تقسیم می شود.

- a) 4.CxP بازی اسکاتلندی
 b) 4.Fc4 گامبی اسکاتلندی
 c) 4.c3 گامبی گورینگ

* * * *

(The Scotch Game)

بازی اسکاتلندی (4.CxP)

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.d4 PxP 4.CxP)

سفید انتخاب خود را کرد و اینک نوبت به سیاه رسیده که از میان دوراهی که ذیلا " می آید یک راه را برگزیند.

1) 4...Fc5

2) 4...Cf6 (حرکت اشمیت)

البته ناگفته نماند که تعویض اسبها در d4، مرکز را یکسره به سفید واگذارده و به نفع سیاه نیست و در میان دو حرکت فوق حرکت 4...Cf6 امتداد اولتر و در ضمن بهتر است.
 (۱) حال اگر سیاه 4...Fc5 را برگزیند:

4...Fc5

این حرکت عاقبت خوشی برای سیاه ندارد.

5.Cb3 Fb6 6.a4 a6 7.Cc3 Cg-e7

سیاه از خوف پیشروی پیاده سفید و Fg5 ترجیح می دهد که به جای رفتن به 7...f6 به e7 آمده، از این طریق ضمن گسترش اسب، آمادگی به قلعه رفتن را پیدا کند، حرکت 7...d6 برای سیاه مناسبتر از حرکت متن است، چرا که این حرکت ضمن تهیه مقدمات گسترش فیل می تواند از پیشروی پیاده سفید جلوگیری نماید و سیاه قادر خواهد بود که

بهراحتی 8...Cf6 کند و لیکن باز در مجموع سفید آزادی عمل بیشتری خواهد داشت و اساساً "ضعف دفاعی سیاه از همین حرکت هفتم آشکار می شود، چرا که او با هر ادامهای نمی تواند بازی را متعادل کند. ادامه زیر هم برای سیاه اصلاً خوب نیست:

(7...Df3 8.De2 Cg-e7 9.Cd5 CxC 10.PxC+ Ce7 11.a5 Fa7
12.h4 h6 13.Ta4 با برتری سفید

حال بار دیگر به ادامه حرکت متن بازمی گردیم:

8.Fg5

اینک ابتکار عمل کاملاً "در دست سفید است و این نتیجه همان حرکت (4...Fc5) سیاه است، حال سیاه مجبور است که 8...f6 کند، ولی در بازی بین بوتریل و توماس (انگلستان ۱۹۷۴) سیاه به جای 8...f6 که اجبار به انجام آن دارد حرکت ضعیف 8...0-0 را انجام داد و پس از ادامه ۱۰ حرکت مجبور به تسلیم شد:

(8...0-0 9.Cd5 Fa7 10.Cf6+!! PxC 11.FxP De8 12.Dh5 Cd8
13.Dh6 Ce6 14.0-0-0 FxP 15.Td3 Cg6 16.Th3 Fh5
17.TxF CxT 18.DxC

چرا که با تهدیدات بلا دفاع (19.e5) (20.Fd3) و (21.DxP+) روبرو است. دیدیم که حرکت (4...Fc5) پی آمدهای مناسبی برای سیاه نداشته و از حرکت هفتم به بعد سیاه با مشکلاتی روبرو می شود و اینک به جواب مناسب و خوب (4...Cf6) می پردازیم که به نام واضح آن اشمیت خوانده می شود.

4...Cf6

سیاه با این حرکت ضمن گسترش اسب به پیاده e4 حمله می کند و دفاع از این پیاده برای سفید مشکلاتی ایجاد خواهد کرد. حال اگر سفید چنین ادامهای را برگزیند:

(5.e5 CxP! 6.De2 De7 7.Cf5 Db4+ 8.Cc3(8.Fd2 De4)
8...d6

به دلیل عدم توانایی برای جبران پیاده از دست رفته ضرر خواهد کرد.

حرکت 5.f3 هم به وضوح اشتباه است چرا که گذشته از برهم زدن آرایش پیادهای ممکن است با حرکات (Fc5)، (CxP) و (Dh5) سیاه روبرو شود. بنابراین برای سفید دو امکان زیر باقی می ماند.

یا 5.CxC

یا 5.Cc3

حال اگر سفید با انجام حرکت 5.Cxc6 بخواهد فشار سیاه را در مرکزگاهش داده و فرصت دفاع از پیاده را پیدا کند ادامه زیر ممکن می‌گردد.

5...b7xc6 (5...d7xc6 6.Dxd6+ Rxd6

و سیاه از قلعه رفتن محروم می‌شود.

6.Fd3

ادامه زیر برای سفید مناسبتر به نظر می‌رسد، اگرچه که باز با مشکلاتی روبرو خواهد شد:

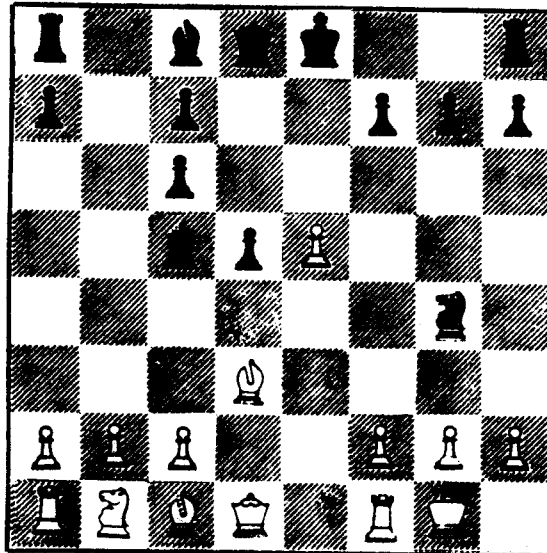
(6.e5 De7 7.De2 Cd5 8.Cd2

با امکان c4 و سپس b3 و گسترش فیل از خانه b2

6...d5 7.e5 Cg4 8.0-0 Fc5

با تهدید Dh4 و برتری سیاه

* * * *



9.h3? (حال اگر چنانچه

سفید با این حرکت ضمن خنثی ساختن عمل وزیر در خانه h4 قصد راندن اسب را دارد و نیازی به دفاع پیاده e4 خود حس نمی‌کند چرا که در اندیشه، آچمز گرفتن اسب آوست

ولی اشتباه او دقیقا " در همین جاست ، سیاه به راحتی پیاده را با اسب خود گرفته و از آچمز شدن اسب هراسی ندارد ، چرا که ادامه زیر را پیش بینی نمود :

9...CxP! 10.Te1 Df6 11.De2 0-0! 12.DxC DXP 13.Rh1 FxP!
14.PxF Df3+ 15.Rh2 Fd6

سفید به خیال آچمز گرفتن اسب از دفاع پیاده خود سرباز زد (اگرچه امکانات دفاعی مناسبی هم در دست نداشت) و h3.9 نمود . و حال جالب است که پس از هفت حرکت وزیرش توسط سیاه آچمز شده .

اینک بار دیگر به حرکت پنجم سفید بازگشته و به اززیابی امکان بعدی او می پردازیم :

5.Cc3 Fb4

سیاه ضمن گسترش فیل بار دیگر بر e4 فشار وارد می کند .

6.CxC

اگر چنانچه سفید به جای حرکت متن به انگیزه گسترش فیل و آچمز گرفتن اسب f6 و بالنتیجه کم کردن فشار بر روی e4 حرکت 6.Fg5 را انجام دهد با حرکت h6 سیاه روبرو شده و یک پیاده از دست خواهد داد . چرا ؟

برای اینکه سفید در مقابل h6 یا می بایست به h4 عقب بنشیند و یا اینکه دست به تعویض بزند . حال اگر به h4 عقب بنشیند به ترتیب زیر یک پیاده از دست می دهد .

(7.Fh4 g5 8.CxC b7xc 9.Fg3 CxP 10.Dd4 FxC+ 11.PxF 0-0

و سیاه یک پیاده نفع می کند

و اگر چنانچه دست به تعویض بزند :

(7.FxC DxC d4 با تهدید اسب 8.CxC FxC+ 9.PxF DXP+)

و ضمن برهم زدن پوزیسیون سفید و جبران اسب خود یک پیاده نفع می کند . اگر چنانچه سفید در حرکت هشتم 8.CxC نکند باز یک پیاده را از دست می دهد .

6...b7xc 7.Fd3 d5!

8.PxP(8.e5 Cg4 9.0-0 0-0 10.Ff4 f6 با برتری سیاه

8...PxP 9.0-0 0-0 10.Fg5 Fe6

11.Df3 (11.FxC DxF 12.Dh5 g6 13.CxP Dd8 برای سفید خوب نیست

11...Fe7 12.Ta-e1 Ta-b8 13.Cd1 c5

سیاه نسبتا " فعالتر و آزادتر است .

گامبی اسکاتلندی (The Scotch Gambits)

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.d4 PxP 4.Fc4)

سفید با حرکت اخیر خود به جای گرفتن پیاده، ضمن گسترش فیل، نقطه f7 را هدف قرار داده. حال سیاه دو ادامه پیشرو دارد. یا اینکه با (4...Fc5) درصدد دفاع مستقیم از پیاده خود برآید و یا اینکه (4...Cf6) کرده و متقابلاً "به پیاده e4 سفید حمله کند که در این صورت بازی به دفاع دو اسب منجر می شود که پیش از این مورد بررسی قرار گرفته. و یا از موقعیت پیاده پیش رفته خود سودجسته و به وسیله فیل در b4 کیش دهد:

a) 4...Fb4+ , b) 4...Fc5 , d) 4...Cf6

(که بازی را به یکی از واریانتهای دفاع دو اسب می کشاند).

حال اگر سیاه ادامه (a) را برگزیند:

4...Fb4+ 5.c3 PxP 6.0-0 PxP 7.FxP Cf6 8.e5

سفید حمله بسیار قوی در اختیار خواهد داشت.

بنابراین ادامه (4...Fb4+) به نفع سیاه نیست و توصیه نمی گردد. و اینک به حرکت متداولتر (4...Fc5) می پردازیم، اما حرکت 4...Cf6 بهتر است که البته چون در گشایش دفاع دو اسب قبلاً مورد بررسی قرار گرفته، در اینجا به آن نمی پردازیم.

b) 4...Fc5

حال سفید سه حرکت (5.c3) (5.0-0) و (5.Cg5) را در اختیار دارد.

در صورت 5.c3 سیاه با 5...d3 جواب گفته و بازی متعادل می گردد.

سفید با (5.0-0) ممکن است بازی را به حمله ماکس لانگ بکشد (این حمله در گشایش دفاع دو اسب مورد بررسی قرار گرفته) ولی امکان حمله ماکس لانگ زمانی تشدید می شود که سیاه در مقابل به قلعه رفتن سفید 5...Cf6 را انجام دهد. ولی اگر چنانچه سفید 5.Cg5 را برگزیند، آنگاه ادامه زیر ممکن می گردد که البته عواقب ناشی از آن به نفع سفید نیست و بهتر است که سفید در حرکت پنجم به امید حمله ماکس لانگ به قلعه رود.

5.Cg5 Ch6 6.CxP De7 یا 6...0-0 بیفایده است

6...Cx7 7.Fx+ RxF 8.Dh5+ g6 9.DxF d5!

(9...Te8 نیز برای سیاه خوب است)

10.PxP (10.Dxd+ DxD 11.PxD Te8+ 12.Rd1 Cb4 با برتری سیاه
10...Te8+ 11.Rd1

ادامه زیر هم به نفع سیاه تمام می شود :

(11.Rf1 b6! 12.Da3(12.DxC? Fa6+ DXP (نفع می کند

11...Te5 12.c4 Dh4

حرکت متن از 12...PxPep بهتر است

13.Da3 Fg4+ 14.f3 Df2

با تهدید مات

15.Fd2 Dxc2

با برتری سیاه

* * * *

گامبی گورینگ (Goring Gambit)

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.d4 PxP 4.c3)

این گشایش شباهتهای زیادی به گامبی دانمارکی دارد که بعد از این شرحش خواهد

آمد .

سعید با حرکت اخیر خود که به گامبی گورینگ مشهور است . ضمن کسب فضا قصد دارد سیاه را در گسترش سوارهایش دچار عقب ماندگی کرده و خود سریعاً " نیروهایش را وارد میدان کند . این گشایش در اواخر دهه پنجاه توسط پنرز احیا گشته و به وسیله خود او در بازیهای بین المللی مورد استفاده قرار می گرفت .

4...PxP

دو ادامه ممکن سعید در پاسخ به حرکت چهارم سیاه از این قرارند .

1) 5.Fc4

5...PxP 6.FxP d6! 7.0-0(7.Db3 Fe6! 8.DxP Cg-e7! (با برتری سیاه

7...Fe6 8.FxF PxP 9.Db3 Dd7 10.Cg5 Cd5 11.f4 Cf6

سعید وضعیت فعالیت دارد ولی جبران دو پیاده ازدست رفته نیز برای او مشکل است ، اما این بدین معنا نیست که قادر به بازپس گرفتن پیاده های خود نیست . ولی این جبران خسارت به قیمت ازدست رفتن حمله اش تمام شده و امکان تعادل کیفی برای سیاه فراهم می آید .

5.CxP حرکت پینرز

پینرز - اسمیسلفوف (مونیک ۱۹۵۸)

5...Fb4 6.Fc4 d6 7.0-0 (7.Db3 FxC+! 8.PxP Dd7!)

7...FxC 8.PxF Cf6 9.e5! (9.Fa3 Fg5!)

سفید حمله‌ای قوی در اختیار دارد.

در بازی دیگری مابین پینرز و اونزیکر (لایبزیگ ۱۹۶۰)، اونزیکر با مهره سیاه در مقابل حرکت نهم سفید چنین ادامه‌ای را برگزید:

9...CxP 10.CxC PxC 11.Db3 De7 12.Fa3 c5 13.Dh5+?! Cd7

با توجه به حرکت سیزدهم سفید بازی سیاه تا حدودی راحت‌تر شده. ولی ادامه زیر می‌تواند وضعیت بهتری در اختیار سفید قرار دهد.

مدراویچ - منیچ (یوگسلاوی ۱۹۵۹)

13.Fb4+ Rf8 14.f4 e4 15.f5 h4

* * * *

گشایش سه اسب (Three Knight's Opening)

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Cc3)

گشایش سه اسب

}	(3...Fc5)
	(3...Fb4)
	(3...Cf6) گشایش چهار اسب
	(3...g6)

سفید هر دو اسب خود را به میدان آورده و حال اگر سیاه هم در مقابل اسب خود را در f6 مستقر سازد. آنگاه گشایشی پدید خواهد آمد که به چهار اسب معروف است و از قضا این حرکت برای سیاه مناسبتر و بهتر است که ما پس از این گشایش به آن خواهیم پرداخت. در واقع این گشایش مقدمه ایست برای شروع بازی بعدی:

حال اگر چنانچه سیاه از آوردن اسب به f6 خودداری کند، بهترین حرکات ممکن برای او (3...Fc5) و یا (3...Fb4) می باشد (البته هیچکدام از این حرکات برای سیاه نتیجه خوبی به همراه ندارد).

با برتری سفید در مرکز (4...Cxc 5.d4 4.CxP FxP+) 3...Fc5) حال اگر

5.RxF CxC 6.d4 Df6+ 7.Rg1 Cg4 8.Dd2 (8.DxC DxP++)

حال سیاه در گسترش عقب افتاده و در مرکز سهم چندانی ندارد.

3...Fb4 4.Cd5 Cf6(4...Fe7 5.d4)5.CxF CxC 6.c3 Cc6

7.d4 PxP(7...CxP 8.d5)8.e5 Ce4 9.PxP d5 10.Fe2 0-0
 11.0-0 f6 12.PxP DxP 13.Fe3

پوزیسیون سفید اندکی بهتر از سیاه است (با برتری دو فیل)

3...g6 4.d4 ! e5xd4 5.Cd5 ! Fg7 6.Fg5 ! Cg-e7

7.Cf3xd4!! (برای تهدید c6 و سپس e7)

7...FxC(7...Cxd4 8.Fxe7) 8.Dxd4!! 0-0

(8...Cxd4 9.Cf6+ Rf8 10.Fh6 مات)

می برد (8...Tg8 9.Cf6+ Rf8 10.Fh6+ Tg7 11.Cxh7+ 12.Dxg7)

9.Cd-f6+ Rg7 (9...Rg7 10.Ce8+ h5+ Rg8 11.Dg7 مات)

10.Cg4+! Ccxd4 (10...f6 11.Fxf6+ (و مات در دو حرکت)

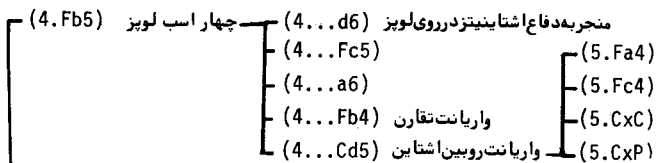
11.Ff6+ Rg8 12.Ch6+

و مات

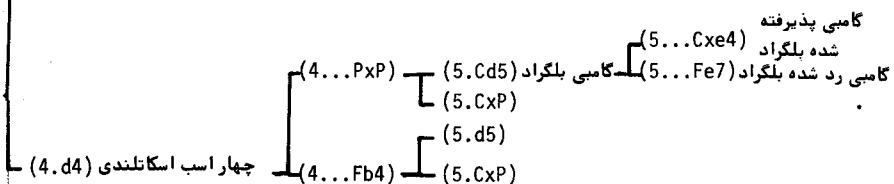
* * * *

گشایش چهار اسب (Four Knight's Opening)

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Cc3 Cf6)



(4.Fc4) این حرکت بازی را به یکی از واریانتهای بازی ایتالیایی و یا دفاع دو اسب می‌گشاند



هر چهار اسب به میدان آمده و در بهترین خانه‌های گسترشی خود استقرار یافته‌اند، حال سفید برای حرکت چهارم خود می‌تواند یکی از راه‌های زیر را برگزیند:

- که ممکن است منجر به بازی ایتالیائی یا دفاع دو اسب شود.
- a) 4.Fc4
 چهار اسب لوپز
 b) 4.Fb5
 چهار اسب اسکاتلندی
 c) 4.d4

a) 4.Fc4

این حرکت ممکن است بازی را به یکی از واریانتهای دفاع دو اسب و یا بازی ایتالیائی بکشاند. سیاه در مقابل این حرکت می‌تواند چنین پاسخی دهد.

4...CxP! 5.CxC d5 با برتری سیاه

و اگر چنانچه سفید اقدام به گرفتن اسب سیاه هم نکند باز سیاه قادر به برقراری تعادل و حتی پوزیسیونی بهتر می‌گردد. اما در بازی که ذیلاً "می‌آید"، دیوید برونشتین در مقابل ویکتور کورچنوی (شوروی ۱۹۵۲) به جای حرکت 4...CxP چنین ادامهای را برگزید و وضعیتی شبیه بازی ایتالیائی را بوجود آورد.

4...Fc5 5.d3 d6 6.Fg5 Ca5! 7.Cd5 CxF 8.PxC c6! 9.CxC+ PxC
 10.Fe3(10.Fh4 Dd2!) 10...Db6

سیاه به‌رغم نداشتن دفاعی محکم، موقعیتی فعالتر و بهتر داشته و می‌تواند از ستون باز g برای فشار علیه سفید بهره‌برداری کند و همینطور از خانه 4g یا 6e می‌تواند برای گسترش فیل سفید خود سود جسته و وضعیتی فعالتر و بهتر از این بدست آورد.
 (در مورد سایر اشکال 4.Fc4 می‌توانید به قسمت گشایش ایتالیائی و دفاع دو اسب رجوع کنید)

* * * *

(b) چهار اسب اسکاتلندی (4.d4)

در این واریانت از گشایش چهار اسب، سفید پس از به میدان آوردن اسبها حرکت 4.d4 را انجام داده و سیاه در مقابل می‌تواند یکی از این دو راه را برگزیند:

4...PxP یا 4...Fb4

حال اگر چنانچه سیاه راه 4...Fb4 را انتخاب کند، سفید می‌تواند به یکی از این دو

a) 5.d5 و b) 5.CxP

ادامه متوسل شود:

هورت - تریفونویچ (۱۹۶۴)

a) 5.d5 Ce7 6.CxP d6 7.Fb5+ Rf8! 8.Cd3 FxC+ 9.PxF CxF
10.Df3 Cf3

سفید ضمن برتری دو فیل، سیاه را از قلعه رفتن محروم نموده و وضعیتی آزادتر و بهتر دارد.

استرائوس - لیتل وود (۱۹۷۱)

b) 5.CxP Cxe4! 6.Dg4 CxCc6 7.Dxg7 Tf8 8.a3 CxP!?
9.PxF CxP+ 10.Rd2 CxT 11.RxC a5 12.PxP?

اما پولوودین در مقابل روتمان (۱۹۷۸) به جای حرکت اشتباه 12.PxP? که استرائوس انجام داده بود حرکت 12.Fc4 را انجام داد و بازی چنین ادامه یافت:

12...axb 13.Rd2 d5 14.Fb5 c6 15.Te1 Fe6 16.Cxc6 bxc
17.Txe6 Rd7 18.Txc6 De7 19.Rd1 Ta-b8 20.Ff4

و سیاه تسلیم شد.

12...c5 13.Cc4 De7 14.Ce3 De4! 15.Fc4 d5!

با بهترین وضعیت برای سیاه

اینک به پی آمدهای حرکت معمول و متداول 4...PxP می پردازیم:
تکلیف سفید روشن است یا باید اسب را فراری دهد و یا پیاده مهاجم را با اسب دیگرش بگیرد:

یا 5.CxP

یا 5.Cd5 گامبی بلگراد

ابتدا به امکان 5.CxP پرداخته و سپس به بررسی حرکت 5.Cd5 که به گامبی بلگراد شهرت دارد می نشینیم.

5.CxP

این حرکت برای سفید خوب نیست.

5...Fb4 6.CxC b7xc 7.Fd3 d4 8.PxP PxP 9.0-0 0-0 10.Fg5 c6
11.Df3 Fd6!

سیاه خود را آماده حمله به جناح شاه می کند، حال سفید برای ادامه و اجرای حرکت ۱۲ خود سه راه پیشرو دارد.

یا 12.FxC DxP 13.DxD PxP

که سیاه آخر بازی بهتری بدست می‌آورد. اگرچه که وضعیت پیاده‌های او کمی بهم ریخته به نظر می‌رسد، معه‌ذا امتیاز برتری دو فیل و همچنین امکان نظارت رخها بر ستونهای باز این ضعف سیاه را پوشش داده و سیاه می‌تواند پیاده‌های مرکزی خود را چون نیروی خطرناک علیه سفید بکار گیرد.

12.Ta-e1 Tb8! 13.Cd1 Tb4!

با تهدید Fg5 و برتری سیاه

ولی الکساندر در برابر اونزیکر (آمستردام ۱۹۵۴) چنین ادامه‌ای را برگزید.

12.Ff4 Fxg5 13.Dxf

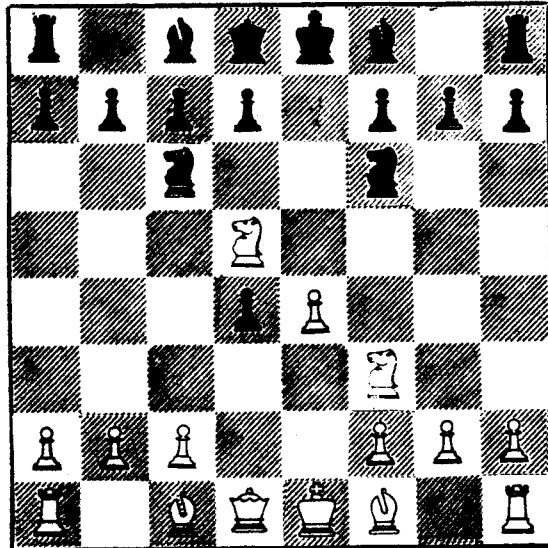
با وضعیتی بالنسبه برابر

اکنون بار دیگر به حرکت پنجم سفید بازگشته و حرکت 5.Cd5 را تحت عنوان گامبی بلگراد مورد بررسی قرار می‌دهیم.

* * * *

گامبی بلگراد

5.Cd5



سفید با این حرکت پیاده دیگری را هم بلا دفاع گذاشته، پیاده e4 را، اکنون ادامه بازی

بسته به این است که سیاه قربانی را بپذیرد و یا نه در هر دو صورت می تواند بازی را متعادل ساخته و حتی برتری جوید .

- a) 5...Cxe4 گامبی پذیرفته شده
b) 5...Fe7 گامبی رد شده

گامبی پذیرفته شده بلگراد

5...Cxe4 6.De2 f5 7.Cg5 d3 8.PxP Cd4

حال سفید با مشکل دفاع از وزیر و نقطه c2 و همینطور اسب g5 روبرو است و بهترین حرکت او می تواند این باشد :

9.CxC ! CxD 10.Fg5 Fe7 11.FxF DxF 12.CxD Cd4 13.Tc1

(13.CxF Cc2+) 13...RxC 14.Cg3 c6 با برتری سیاه
ادامه زیر :

(10...DxF 11.CxD Cd4 12.CxP+ Rd8 13.CxT Cc2+ 14.Rd2 CxT
15.Fe2)

به نسبت ادامه متن خوب نیست و ادامه زیر هم منجر به همان نتیجه ادامه متن می شود :

10...Cd4 11.Tc1

(حال سیاه یا اسب را می گیرد و یا در c2 کیش می دهد 11.FxD RxF)

11...Fe7 12.FxF DxF 13.CxF RxC 14.Cg3 c6] (با برتری سیاه

گامبی رد شده بلگراد 5...Fe7) (این ادامه

6.Ff4 a6 (هم ممکن است 6...d6)

7.FxC d7xf 8.CxC+ FxC 9.e5 Fe7 10.DxP DxD

برتری مختصری نصیب سیاه می کند

و این ادامه

6...d6 7.CxP

میلز - کلارک (بیرمنگام ۱۹۷۲) چنین ادامه دادند :

(7.Fb5 0-0 8.De2 a6 9.Fa4 Fd7 10.0-0-0 Te8 11.Th-e1 h6

12.Fb3 CxC 13.FxC Ff6

7...CxCd5 8.PxC CxC 9.DxC 0-0 10.0-0-0 Ff6 11.Dd2

گلاتاکر با مهره سیاه در مقابل فیرمنیش (۱۹۵۳) در مقابل حرکت یازدهم سفید چنین پاسخ داد :

11...c5 ! 12.PxPep Db6 13.c3 PxP 14.FxP Td8 15.Fc4 Ff5 !

موقعیت خوبی برای حمله بدست آورد .

* * * *

چهار اسب لویز (4.Fb5)

موضوع جالب در این نوع واریانت از گشایش چهار اسب این است که سیاه تا حرکت هفتم مجبور به انجام حرکات مشابه سفید است و ادامه‌های دیگری (بجز واریانت روبین اشتاین) که موجب برهم‌زدن این قرینگی شود معمولاً "به‌نفع سیاه نیست .

4.Fb5

(این واریانت نام خود را از همین حرکت سفید گرفته)

حال سیاه در پاسخ به این حرکت سفید، امکانات زیر را در اختیار دارد .

a) 4...d6 (که ممکن است منجر به دفاع اشتاینیتز در گشایش روی لویز شود)

b) 4...Fc5

c) 4...Cd5 (واریانت روبین اشتاین)

d) 4...a6

e) 4...Fb4 (واریانت تقارن)

a) اگر سیاه (4...d6) کند:

همانطور که اشاره شد این حرکت بازی را به دفاع اشتاینیتز که در گشایش روی لویز مورد بررسی قرار گرفت می‌کشد، بمانند بازی زیر:

نیمزیچ - کاپابلانکا (لنینگراد ۱۹۱۴)

4...d6 5.d4 Fd7 6.FxC FxF 7.Dd3 e5xd4 8.Cxd4 g6 9.CxF PxC
10.Da6 Dd7 11.Db7 Ta-c8 12.Dxa7 Fg7 13.0-0 0-0

در مورد نقاط ضعف و قوت این دفاع رجوع کنید به گشایش روی لویز، دفاع اشتاینیتز (b) چنانچه سیاه (4...Fc5) کند:

4...Fc5 5.CxP CxC 6.d4

با برتری سفید

و اگر سیاه به‌جای 5...CxC حرکت 5...Cd4 را انجام دهد آنگاه سفید می‌تواند با حرکت 6.Fe2 فیل را فراری داده و تهدیدات احتمالی (6...De7) و یا (6...d6) و (Cg4) را خنثی نماید و ضمن بستن ستون e یک پیاده گرفته‌شده را حفظ و به‌قلعه رود .
c) اگر سیاه 4...Cd5 را که به واریانت روبین اشتاین موسوم است برگزیند:

4...Cd5

این حرکت، وضعیتی بفرنجتر را بوجود می‌آورد و سفید درمقابل این حرکت چهار ادامه زیر را دراختیار دارد که با انتخاب هریک بازی روالی خاص را طی خواهد نمود. امکانات سفید عبارتند از:

1)5.Fa4

2)5.Fc4

3)5.CxC

4)5.CxP

در صورت انتخاب راه اول

5.Fa4 Fc5 6.CxP 0-0 7.Cd3

(7.d3 d5 8.Fg5 c6 9.Dd2 Te8 10.f4 b5 ! 11.Fb3 h6

12.Fh4 Cxe4 !

با برتری سیاه

در صورت 7.Cf3 هم سیاه با 7...d5 جواب گفته و برتری خواهد یافت

7...Fb6 8.Cf4

8.e5 Ce8 9.0-0 d6 10.PxP Cf3! 11.d7(11.PxP Dd6(با تهدید حمله

11...Fxp 12.FxF DxF 13.Ce1 Ta-e8

سفید به‌رغم برتری یک پیاده وضعیت مناسب و خوبی ندارد و سیاه امکانات تهاجمی خوبی را دراختیار دارد، بخصوص وقتی که موفق به دوپل کردن رخهایش در ستون e شود.

8...d5 9.d3 Fg4 10.f3 Ch5 11.CxC FxC 12.Cxd5 c6 ! 13.Cxb6

(13.Cf4 Cxf3+ 14.gxc Dh4+ و یا 13.Ce3 Dh4+ 14.Rf1 f5!

13...PxC 14.Fb3 Dh4+ 15.Rf1 Cb3 16.c2xb3 f5

سیاه به لحاظ کمی عقب است ولی از لحاظ کیفی وضعیتی بهتر دارد.

پی‌آمدهای راه دوم

5.Fc4 Fc5 6.CxP De7 7.Cf3(7.CxP CxP! 7...Tf8 ((و یا حتی

7...d4! 8.Cxd4 Dxp+ 9.Ce3 Fg5

سیاه در حال بسته‌بندی کردن سفید است.

10.Fe2 CxF 11.DxC 0-0-0 12.d3 De6

در ادامه فوق هم سیاه یک پیاده عقب است ولی از پوزیسیونی فعال و برتر برخوردار است. و اینک راه سوم

5.CxC

5...PxC 6.e5 PxC 7.PxC DXP 8.d2xP De5+ 9.De2 DxD+ 10.FxD

وضعیت سیاه به خاطر آرایش پیاده‌ای که دارد اندکی بهتر است .
و حال چهارمین راه :

5.CxP

5...De7 6.f4 CxF 7.CxC d6 8.Cf3 DXP+ 9.Rf2

(با تهدید 10.Te1)

9...Cg5+ 10.Rg1 (Rg3 به خاطر 10.Dg6 خطرناک است)

10...Dc6 11.De2+ Fe7 12.h3 Db6+

13.d4 Cf6 14.Rh2 برای آزاد ساختن رخ

14...Fd7 15.Te1 0-0

سیاه گسترش کاملی داشته و از برتری دو فیل برخوردار است و همینطور قدرت مقابله با سفید را در ستون باز c داراست و مضاف بر این اوصاف از آرایش پیاده‌ای بهتری نیز برخوردار است .

در میان این چهارراه ، به نظر می‌رسد که راه اول برای سفید مطمئن‌تر و بهتر باشد .

(d حال اگر چنانچه سیاه در حرکت چهارم خود (4...a6) کند :

4...a6

5.FxC d7xF 6.CxP CxP 7.CxC Dd4 8.0-0 DxCe5 9.Te1 Fe6

10.d4 Df5 (10...Dd5 11.Cg5 0-0-0 12.CxF PxC 13.Dg4 DXP

14.DXP+

حال اگر سیاه

(14...Rb8 15.Fg5 Tc8 16.DxT+! RxD 17.Te8+ Rd7 18.Td8+

(و سفید نفع می‌کند

و اگر سیاه چنین ادامه دهد

14...Dd7 15.DxD+ TxD 16.Te8+ Td8 17.TxT+ RxT 18.b3

به خاطر آرایش پیاده‌ای سفید برتری پوزیسیونی خواهد داشت .

11.Fg5 h6 12.Dd3 Rd7 ((13.Cd6+ (به واسطه تهدید 13.Fh4

با برتری سفید

(e) و اکنون به جواب (4...Fb4) و پی آمده‌ای آن می‌پردازیم : (واریانت تقارن)

4...Fb4 5.0-0

اگر سفید به منظور دفاع از پیاده e4 و گسترش فیل سیاه خود به جای حرکت متن 5.d3 را انجام دهد، سیاه با حرکت 5...Cd4 سفید را با مشکلاتی مواجه خواهد ساخت.

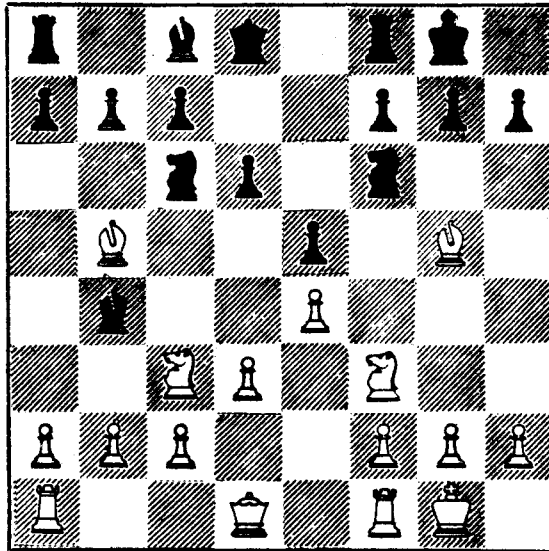
5...0-0

در اینجا هم اگر سیاه به همان انگیزه اقدام به 5...d6 کند، این بار سفید با 6.Cd5 سیاه را به دردسر خواهد انداخت.

6.d3

ادامه Fxc برای سفید ممکن است.

6...d6 7.Fg5



سفید با این حرکت تهدید 8.Cd5 را بوجود آورده و از این حرکت به بعد ادامه تقارن برای سیاه ممکن نیست و اگر چنانچه او در پی حفظ این تقارن باشد و 7...Fg5 کند، آنگاه:

8.Cd5 Cd4 9.CxF CxF 10.Cd5 Cd4 11.Dd2!

حال سیاه خود مجبور شده که دست از این قرینه سازی بردارد و اگر بخواهد به همان شیوه ادامه داده و در حرکت یازدهم به مانند سفید وزیر خود را به d7 براند، آنگاه:

(ومات در دو حرکت 11...Dd7? 12.FxC FxC 13.Ce7+ Rh8 14.FxP+

11...c6 12.CxC+ PxC 13.Fh4 FxC 14.Dh6 ! Ce2+
15.Rh1 FxP+ 16.RxF Cf4+ 17.Rh1 Cg6 18.f4 !

به همراه یک حمله غیرقابل مقاومت

و اگر چنانچه

11...CxC+ 12.PxC FxP 13.h3! (13.FxC PxF 14.Dh6 Rh8)

و سیاه با حرکت Tg8+ نفع می کند.

13...c6 14.CxC+ PxC 15.Fh4 Rh8 16.Rh2-Tg8 17.Tg1 Tg6

18.De3 Fh5 19.f4

و سفید نفع می کند

(11...FxC 12.FxC) و یا اگر

حال سفید مایل گشته که این ماجرای تقارن را ادامه دهد چرا که در آن نفعی دیده

(و مات) 12...Dd7 13.Ce7+ Rh8 14.FxP+ RxF 15.Dg5+ Rh8 16.Df6+

و اگر سیاه در واریانت فوق به جای حرکت دوازدهم چنین کند :

(12...PxF 13.Dh6 Ce2+ 14.Rh1 FxP+ 15.RxF Cf4+ 16.CxC! PxC

17.Rh1 Rh8 18.Tg1 Tg8 19.TxT+ DxT 20.Tg1 و سفید می برد.

بنا به توضیحات فوق از حرکت هفتم به بعد سیاه نمی بایست درصدد و حفظ تقارن برآید،

او به جای حفظ تقارن می تواند ادامه زیر را برگزیند :

7...FxC 8.PxF De7

لاسکر با مهره سیاه در مقابل یانوفسکی (پاریس ۱۹۰۹) چنین ادامه ای را برگزید :

(8...Ce7 9.Fc4 Cg6 10.Ch4 Cf4 11.FxCf4 PxF 12.Cf3 Fg4

13.h3 Fh5

و برتری یافت

ادامه زیر هم می تواند منافع سیاه را تامین کند :

(8...h6 9.Fh4 Fd7 10.Te1 Cè7 11.FxF CxF

9.Te1 Cd8(9...a6 10.Fc4 Ca5 نیز برای سیاه بد نیست

10.d4

با این حرکت سفید قصد گشودن اقطار را برای فیل های خود دارد.

10...Ce6(10...Fg4 11.h3 Fh5 12.g4 Fg6 13.d5! c6

14.Fd3 PxP 15.PxP)) (با برتری سفید

11.Fc1(11...Fh4 Cf4)

11...c5

باتونیک - رشفسکی (۱۹۴۸)

(11...Td8 12.Ff1 Cf8 13.Ch4 Cg4

حال اگر چنانچه سیاه

(13...CxP 14.TxC f5 15.Fc4+ Rh8 16.Dh5 PxT 17.Fg5 Dd7

18.Ff7 ! PxP 19.Te1 d5 20.PxP

با تهدید 21.Te3 و حمله‌ای قوی بر علیه قلعه سیاه)

14.g3 Df6 15.f3 Ch6 16.Fe3

با برتری سفید

12.d5(12.PxP PxP 13.CxP? Cc7

(و سفید یک سوار از دست می‌دهد)

12...Cc7 13.Fd3

با امکاناتی بالنسبه برابر

* * * *

گشایش پونزیانی Ponziani Opening

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.c3)

سفید با حرکت اخیر خود قصد دارد هرچه سریعتر پیاده‌های خود را در مرکز مستقر سازد و لیکن این اقدام عجولانه به نفع او تمام نخواهد شد و دقیقاً " به همین خاطر این گشایش قدیمی امروزه چندان کاربردی ندارد . سیاه برای مقابله با این حرکت سفید سه امکان در اختیار دارد :

I) 3...f5

II) 3...d5

III) 3...Cf6

اسپاسکی با مهره سیاه در مقابل استرین چنین ادامه‌ای را برگزید و به راحتی سفید را وادار به تسلیم ساخت (شوروی ۱۹۵۱)

I) 3...f5

سیاه به جای این حرکت می‌تواند 3...d5 کند، چرا که آنگاه سفید قادر نخواهد بود که پیاده خود را به d4 براند و اگر چنانچه لجوجانه دست به انجام این حرکت بزند طی ادامه زیر یا یک پیاده ضرر خواهد کرد و یا اینکه از قلعه رفتن محروم می‌شود: در مورد حرکت 3...d5 ذیلاً "توضیحاتی داده شده است .

(4.d4 d5xe4 5.CxP CxC 6.PxC DxD+ 7.RxD)

و با این وصف در واقع این سیاه است که در استقرار پیاده‌های خود در مرکز پیشدستی

کرده و حرکت c3. سفید را زائد و بیهوده ساخته و حال همین پیاده c3 برای سفید مشکلات گسترشی فراوانی بهارمغان آورده .

4.d4 (4.PxP Df6 !)

4...f5xe4 5.Cxe5 Df6 (5...Cf6 6...De7 (هم برای سیاه خوب است

6.Cc4 d5 7.Ce3 Fd6

سیاه فوق العاده فعال است ، در صورتی که سفید در گسترش سوارهایش خیلی عقب مانده

8.Fb5 Fe6 9.0-0 Ch6 10.f3 Dh4 11.g3 FxP 12.PxF DXP+

13.Cg2 Fh3 14.De2 0-0 15.Df2 Dg6 16.Fe2 Tf6 17.f4 Cf5

18.Rh2 Dh6 19.Th1 FxC+

و سفید تسلیم شد ، چرا که ظرف چند حرکت آتی مات خواهد شد .

II) 3...d5 4.Da4 (4.PxP DXP 5.d4 Ff5 (با برتری سیاه

یا 4.Fb5 PxP 5.CxP Dd5 6.Da4 Ce7 7.f4 Fd7! 8.Cxd7 Rxd7

9.Fc4 Df5 10.0-0 Td8)

با برتری سیاه

4...Fd7(4...Cf6 5.Cxe5 Fd6 ! 6.Cxc6 b7xc 7.Dxc6+ Fd7

8.Da6 dxe

(7.d3 0-0 8.Fg5 h6 9.Fxf6 Dxf6 10.Fe2 Dg5)

نیز برای سیاه خوب است و سفید در گسترش عقب خواهد ماند .

5.e4xd5 Cd4 6.Dd1 Cxf3+ 7.DxC f5 8.d4 e4 9.Dd1 Cf6

و سیاه به ازای یک پیاده خود از آزادی عمل بیشتری برخوردار است .

III) 3...Cf6 4.d4 Cxe4 5.d5 Cb8 6.Fd3 Cc5 7.Cxe5 Cxd3

8.Cxd3 Fe7 9.0-0 0-0 10.Df3 d6 11.Cd2 Cd7 12.Te1 Cf6

13.h3

سفید آزادتر است ولی سیاه هم بدون نقطه ضعف است .

سوئیتین بر علیه ماکاراچیف (۱۹۷۸) پس از 4.d4 Cf6 3.c3 به جای 4...Cxe4 حرکت

? 4...d5! را انجام داد و بازی چنین ادامه یافت .

5.Fb5 exd 6.e5 Ce4 7.Cxd4 Fd7(7...Fc5! ? 8.0-0 0-0 9.Fxc6

bxc 10.Fe3 Fd7 11.Cd2 Cxd2 12.Dxd2 De7 13.Tf-e1

(با برتری سفید

8.Db3? ! a6 ! (8...Cxd4 9.Fxd7 Dxd7 10.cxd)9.Dxd5

(9.Fe2 Fe6!) 9...axb 10.Dxe4 Cxd4 11.Dxd4 (11.Cxd Fc6!)

11..Ta4!12.b4 c5! 13.De3 cxb 14.Cxb Fxb4+

با امکاناتی مناسب

* * * *

مجموعه دفاعهایی که سیاه در مقابل دومین حرکت سفید حرکتی غیر از 2...Cc6 را انجام میدهد.

تا به اینجا به گشایشهای پرداختیم که در آنها سیاه در مقابل حرکت دوم سفید (2.Cf3) حرکت نسبتاً " خوب " 2...Cc6 را انجام می داد و اکنون پس از بررسی این نوع از گشایشها به آغاز بازیهای می پردازیم که در آنها سیاه در دومین حرکت ، حرکتی غیر از (2...Cc6) را انجام می دهد . که این حرکات می توانند یکی از حرکات زیر باشند .
که ما پس از معرفی به بررسی هر یک از آنها خواهیم پرداخت :

- | | |
|----------|-----------------|
| 1)2...d6 | دفاع فیلدر |
| 2)2...f6 | گامی دامیانو |
| 3)2...d5 | گامی پیاده وزیر |
| 4)2...f5 | گامی لیتوانی |
| 5)...Cf6 | دفاع پطروف |

در میان پنج حالت فوق ، سه حرکت اول بی ارزش بوده و امروزه کاربردی ندارند ولی دو ادامه دیگر قابل تامل ترند . البته گامی لیتوانی نیز نهایتاً " در صورت بازی دقیق سفید به برتری وی می انجامد اما دفاع پطروف که به بازی روسی هم شهرت دارد ، دفاعی قابل اطمینان و موثر است .

دفاع فیلدر (The Philider Defence)

(1.e4 e5 2.Cf3 d6)

همانطور که مشخص است سیاه با راندن پیاده به d6 مانع خروج فیل گشته و همین نقص اساسی این دفاع است :

3.d4!

گرب – تارتاکوور (۱۹۳۷) چنین ادامه دادند :

(3.Fc4 Fe6(3...Fe7 4.FxF PxP 5.d4 PxP 6.CxP) درست است

با برتری سفید

ولیکن حرکت متن از 3.Fc4 به مراتب بهتر است، چرا که با مضاعف نمودن حمله به پیاده e5 سیاه را با مشکلات جدیدتری روبرو خواهد ساخت. در اینجا سیاه با مشکل چگونگی دفاع از پیاده e5 خود روبرو است و حال یا می‌بایست دست به تعویض زند و یا به‌طریق مختلف که ذیلاً "خواهد آمد از آن دفاع کند، در صورت 3...PxP ممکن است بازی چنین ادامه یابد :

3...PxP 4.CxP

4.DxP Cc6 (4...Fd7 5.Ff4 Cc6 6.Dd2 5.Fb5 Fd7 بهتر

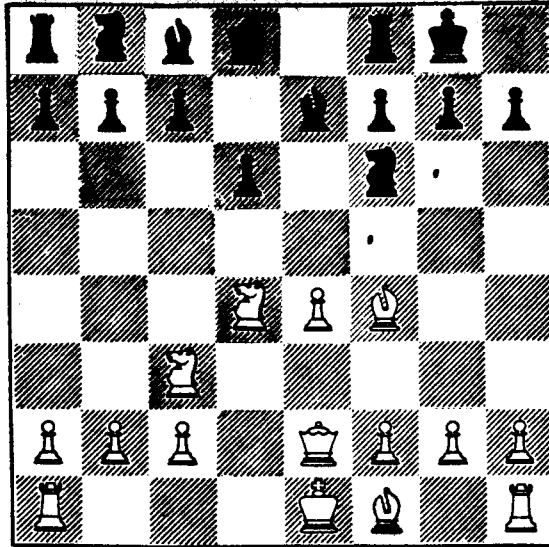
6.FxC FxF 7.Fg5 Cf6 8.Cc3 Fe7 9.0-0-0

نیز برای سفید خوب است.

4...Cf6 5.Cc3 Fe7 6.Ff4 (6.Fe2 0-0 7.0-0 Cc6 8.f4

نیز برای سفید بد نیست.

6...0-0 7.Dd2



در پی ایجاد چنین وضعیتی ماریانوویچ - کالشیان (۱۹۷۸) چنین ادامه دادند :

7...a6 8.0-0-0 d5 9.exd Cxd5 10.Cf5 Cxf4 11.Cxe7 Dxe7
12.Dxf4 Fe6 13.Fd3 Cd7 14.Th-e1 Cf6 15.g4 c6 16.g5 Cd5
17.Dh4 h6 18.Cxd5 Cxd 19.f4 f5 20.Te5 Ta-c8 21.Td-e1 Tc6
22.T1-e2 Df7 23.gxh g6 24.Dg5 Df6 25.h4 Dxd5 26.fxd5 Ff7
27.Te7 b5 28.Rd2 Td8 29.Ta7 Te8 30.h7

و سیاه تسلیم شد

اما گاوریکف - آنتوشین (۱۹۷۸) اینطور ادامه دادند :

7...d5? 8.Cd-b5 Fb4 9.0-0-0

در بازی بین ترینتفیف - اوچی ننگوف (۱۹۷۱) پس از

9.exd Cxd5 10.Fc4 c6 11.0-0-0

نیز سفید از وضعیت بهتری برخوردار شد .

9...c6 10.Cc7 Cxe4 11.Dd4

11.De3 ممکن است با چنین ادامه‌ای روبرو گردد :

(11.De3 FxC! 12.PxF De7 13.Rb2 g5! یا 13.Db4 Df6 14.Fe3
 (14.Fg3 a5) 14...Cxc3 15.Dd4 Cxd1 16.Dxf6 gxf
 17.Rxd1 Ff5 18.Cxa8 Cd7 19.Cc7 Tc8 20.Ff4 Ce5

و اگر چنانچه سفید در حرکت دوازدهم به جای 12.PxF حرکت 12.Dxe4 را انجام
 دهد این ادامه ممکن می‌گردد:

12.Dxe4 Df6 13.Df3 Fxb2 14.Rb1 Ff5
 11...Cxc3 12.PxC Fa3+ 13.Rb1 Ca6 14.FxC PxF 15.CxT Da5
 16.Ra1 Fc5 17.Dd3 Fe6 18.Cc7 Ff5 19.Dd2

از آنجائی که سفید توانائی مقابله با حمله سیاه را دارا می‌باشد و به واسطه برتری کمی از
 وضعیتی بهتر بهره‌مند است. حال اگر سیاه در حرکت سوم از تعویض سرباز زده و بخواهد
 به طرق مختلف از پیاده خود دفاع کند باز وضعیت خوبی نخواهد داشت. مثلا "برانشویک
 با مهره سیاه در مقابل مورفی (پاریس ۱۸۵۸) خواست مشکل دفاع از پیاده را اینگونه
 حل کند ولی:

3...Fg4 4.PxP FxC (4...PxP? 5.DxD+ RxC 6.CxP (با وضعیتی بهتر
 5.DxF PxP 6.Fc4 Cf6? (6...Df6 (درست بود 7.Db3! De7
 (7...Dd7 8.Dxb7 Dc6 9.Fb5!) 8.Cc3 (8.FxP+! (بهتر بود
 8...c6 9.Fg5 b5? (سیاه می‌باید 9...Dc7 می‌کرد)
 11.Fxb5+ Cd7 12.0-0-0 Td8 13.Txd7! TxT 14.Tb-d1 De6
 15.Fxd7+ CxF 16.Db8+ CxD 17.Td8+

اینگونه مات شد

ادامه‌های:

I) 3...Cf6 4.PxP CxP 5.Cb-d2! CxC 6.FxC PxP 7.Fc4
 (با تهدید 8.Cg5

7...Fe7 8.Cxe5 0-0 9.Dh5

و اگر چنانچه سیاه در جواب حرکت پنجم سفید در واریانت فوق به جای 5...CxC چنین
 جواب دهد باز سفید برتری می‌یابد.

5...Ce5 6.Cc4 d5 7.Fg5

II) 3...Cc6 4.PxP PxP 5.DxD+

حال سیاه یا باید قید پیاده خود را بزند و یا اینکه از قلعه رفتن محروم شود.

III) 3...f5? 4.Fc4! f5xe4 5.CxP!! PxC 6.Dh5+ Rd7! 7.Df5+ Rc6! 8.Dxe5

با یک حمله غیرقابل مقاومت همگی به برتری سفید منجر می‌گردد. اما ادامه 3...Cd7 از پیچیدگیهای بیشتری برخوردار است و لیکن باز در نهایت، سفید برتری خواهد یافت در صورت 3...Cd7 ممکن است بازی چنین ادامه یابد:

4.Fc4 c6

(با برتری سفید 4...Cg-f6 5.PxP Cxe5 6.CxC PxC 7.FxP+

4...Fe7 5.PxP CxP (5...PxP? 6.Dd5) 6.CxC PxC 7.Dh5

با برتری سفید

5.0-0 - 0

در اینجا سفید می‌تواند به امید گرفتن وزیر سیاه چنین دامی را بگسترده:

(و وزیر را می‌گیرد! 5.Cg5 Ch6 6.a4 Fe7 7.FxP+! CxF 8.Ce6!

5...Fe7 (5...h6 6.PxP PxP 7.FxP+ RxF 8.CxP+ Re6 9.Cg6

) با یک حمله قدرتمند

6.PxP PxP 7.Cg5! FxC 8.Dh5 g6 9.DxF DxD 10.Fg5

سفید ضمن برتری دو فیل از وضعیت فعال و خوبی برخوردار است.

* * * *

گامبی دامیانو (Damiano Gambit)

(1.e4 e5 2.Cf3 f6?)

اینگونه دفاع کردن از پیاده e5 اشتباه محض است. چرا که، اولاً "بهترین خانه خروج اسب را اشغال می نماید، ثانیاً" نقطه f7 را که خود بخود دچار ضعف است، ضعیفتر می کند و از همه مهمتر اینکه سفید از این حرکت نابخردانه به راحتی استفاده کرده و با گرفتن پیاده e5 به وسیله اسب، برتری می یابد.

3.CxP!

حال سیاه یا می بایست گامبی را رد کند و یا آنرا بپذیرد.

اگر چنانچه گامبی را رد کند؛ (که بهتر است همین کار را کند)

3...De7 4.Cf3(4.Dh5+ g6 5.Cxg6 DxP+ (و سفید ضرر می کند

4...DxP+ 5.Fe2

سیاه از لحاظ گسترش خیلی عقب مانده در صورتی که سفید حرکات خوب Cc3 و 0-0 را در اختیار داشته و در آینده نزدیک می تواند بر همان نقطه f7 فشار وارد نموده و سیاه را مستاصل گرداند. اگر چنانچه سیاه به طریقی دیگر گامبی را رد کند باز توانائی ایجاد تعادل را نخواهد داشت و هر ادامه ای منجر به برتری سفید خواهد گردید.

اگر سیاه گامبی را بپذیرد: (وضعیت به مراتب بدتری پیدا خواهد کرد)

3...PxC 4.Dh5+ Re7(4...g6 5.Dxe5+ DxT بعد حرکت

5.DxP+ Rf7 6.Fc4+ d5(6...Rg6 7.Df5+ Rh6 8.d4+ a5 9.h4!

نفع می‌کند

7.Fxd5+(7.Df5+ Rh8 8.d4+ g5 9.h4! (نیز میسر است)

7...Rg6 8.h4 Fd6 (8...h5 9.Fxb7 FxF 10.Df5+ Rh6

11.d4+ g5 12.Fxg5+

(و وزیر سیاه از بین می‌رود)

9.h5+ Rh6 10.d4+ g5 11.PxPep+ RxP 12.Dh5+ Rf6 13.Df7+

ومات

* * * *

گامبی پیاده وزیر (Queen's Pawn's Gambit)

(1.e4 e5 2.Cf3 d5)

این حرکت نیز منافع سیاه را تامین نمی‌کند :
پرئوز - ویلز (۱۹۶۶) چنین ادامه دادند :

3.PxP! e4

در صورت 3...DxP هم با 4.Cc3 روبرو گشته و از گسترش عقب می‌ماند .

4.De2 Cf3

در صورت 4...Fe7 هم سیاه ضمن ازدست دادن پیاده خود چیزی بدست نخواهد آورد .

5.d3 Fe7 6.PxP 0-0 7.Fg5

با برتری سفید

(با برتری سفید 9.Cc3 8.FxF DxP 7...Cxe4) حال اگر سیاه

(با برتری سفید 9.Cc3 یا Cb-d2 7...Cxd5 8.FxF CxF) و یا اگر

* * * *

گامبی لیتوانی (Latuian Gambit)

(1.e4 e5 2.Cf3 f5)

حرکت اخیر، امکانات مساعدتری را نسبت به سه حرکت پیشین در اختیار سیاه قرار می‌دهد، مع الوصف سفید در صورت ارائه یک بازی دقیق، توانائی کسب برتری را خواهد داشت:

3.CxP

ادامه زیر هم برای سفید خوب است:

[3.PxP e4 4.Ce5 Cf6 5.Fe2 d6 6.Fh5+ Re7 7.Cf6 De8

8.CxT DxT (8...CxF 9.g4 Cf6 10.Cc3) 9.DxD CxD 10.g4 Cf6

11.Tg1]

3...Df6 4.Cc4

بازی زیر که بین برونشتین و میکناس (روستف ۱۹۴۱) انجام شد نشان می‌دهد که حرکت 4.d4 هم برای سفید ممکن است ولی حرکت متن بهتر است.

(4.d4 d6 5.Cc4 PxP 6.Fe2!)

ادامه 6.Cc3 هم به امکاناتی برابر می‌انجامد.

(6.Cc3 Dg6 7.f3 PxP 8.DxP Cc6 9.Fd3 Dg4 10.De3+ Fe7

11.0-0 Cf6 12.d5 Cb4 13.Tf4 Dd7 14.Cb6 a7xC 15.TxC)

4...PxP 5.Cc3 Dg6 6.d3!

اسمسیلوف - کامیشوف (مسکو ۱۹۴۴) چنین ادامه دادند:

6.Fb4 (6...PxP 7.FxP DXP 8.De2+ Fe7 9.Fe4 (با امکان حمله

7.Fd2 FxC 8.FxF d5 9.Ce5 Df5 10.PxP DXP+ 11.Fe2 Cf6

12.0-0 c6 13.Fh5+ Rf8 14.Te1 Dh4 15.Fg6 Ca6 16.De2

سفید وضعیتی فعال با امکان حمله در اختیار دارد.

* * * *

دفاع پتروف (Petroff's Defence)

(1.e4 e5 2.Cf3 Cf6)

در این سیستم دفاعی که به بازی روسی هم مشهور است، سیاه به جای دفاع از پیاده e5 خود متقابلاً "به پیاده سفید حمله می‌کند و اما در مقابل پاسخ سفید چه می‌تواند باشد؟

۱- اگر سفید 3.Fc4 کند:

3.Fc4 CxP 4.CxP d5 5.De2 Fe6

سیاه به راحتی وضعیت را متعادل می‌سازد.

۲- و اگر چنانچه 3.d4 کند، آنگاه سیاه دو ادامه زیر را در اختیار خواهد داشت:

I) 3...PxP

II) 3...CxP

که حرکت 3...PxP در صورت ادامه:

4.e5 Ce4 (4...Cd5 5.c4) 5.DxP d5 6.PxPep CxP 7.Fg5 Cc6

8.De3+

(مبادله وزیرها برای سفید خوب نیست چراکه سیاه برتری دو فیل بدست آورده و در ضمن

به راحتی از خود دفاع می‌کند)

8...Fe7 9.FxF DxP 10.DxD CxD 11.Cc3 Fg4 12.Fe2 0-0-0

13.0-0-0 Th-e8

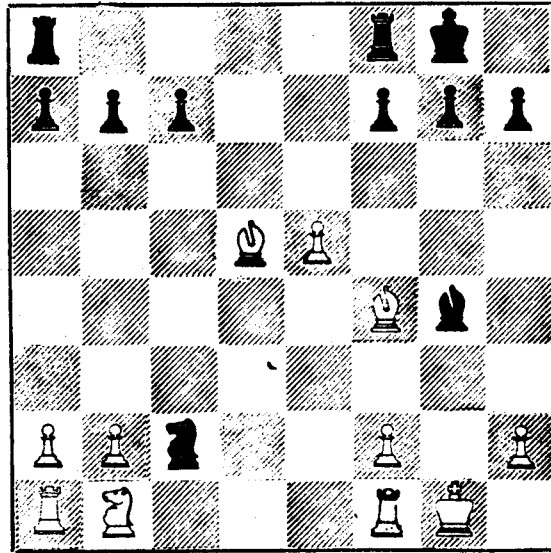
به‌وضعیتی برابر می‌انجامد. و اما پس از 3...CxP ممکن است بازی چنین ادامه یابد:

رومانشین - کوچیف (۱۹۷۸)

3...CxP 4.Fd3 d5 5.Cxe5 Fd6 6.0-0 0-0 7.c4. Fxe5
8.PxF Cc6 9.Cxd Dxd5 10.Dc2 Cb4 11.Fxe4 Cxc2
12.Fxd5 Ff5 13.g4 Fxg4
(13...Fg6 14.f4 c6 (14...Fd3 15.Td1 Fa6
16.e6 fxe 17.Fxe6+ Rh8 18.Ca3 CxT 19.Fe3) 15.Fc4 b5
16.f5 CxT 17.Ca3 bxc 18.Fd2 Tf-d8 19.Fc3 Cb3 20.axb cxb

نیز برای سیاه خوب است

14.Ff4!?



بوتنوریوس - ماکاراجیف (۱۹۷۵) چنین ادامه دادند:

14.Fe4 CxT 15.Cc3 Fh3! 16.Te1 f5 17.PxPep Ta-e8
18.Fe3 Txe4 19.Cxe4 Cc2 20.Tc1 Cxe3 21.fxe Tc8 22.f7 Rf8
23.Cg5 Ff5 24.Tf1 h6 25.Txf5 hxg

مساوی

بازی رازاویف - ماکاراجیف (روستف ۱۹۷۶) تا حرکت هجدهم بازی بالا یکسان پیشرفت ولی از این حرکت به بعد چنین ادامه پیدا کرد:

(8.Fd2 Txe4 19.Cxe4 Cc2 20.Tc1 Cd4 21.Txc7 Tf7

22.Txf7 Cf3 23.Rh1 Rxf7

مساوی

بازی بین آلبورت - دوورتسکی (کی یف ۱۹۷۶) تا حرکت ۲۰ بازی رازاویف ماکاراجیف به یکسان پیشرفت ولی پس از آن چنین ادامه یافت.

20.Td1 Cd4 21.fxcg Td8 22.Rh1 Ff5 23.Cf6+ Rxcg7 24.Fe3 c5

با بختی بلندتر

14...CxT 15.Fe4 f5 ! 16.Fxb7 Cc2 !

(16...Tb8 17.Fd5 Rh8 18.f3 Fh5 (18...Fh3 19.Tc1 Txb2

20.e6) 19.Ca3 Tf-d8 20.Fc4 Td4 21.Fe3 Txc4 22.Cxc4 Cc2

23.Fxa7)

با برتری سفید

17.Fd5+ Rh8 18.Fxa8 TxF 19.f3 Fh5 20.Td1 c5 ! 21.Rf2 Cd4

با وضعیتی بهتر

۳- و اما اگر 3.CxP کند:

3.CxP d6

اگر چنانچه سیاه به جای حرکت متن متقابلاً " پیاده سفید را بگیرد آنگاه:

3...CxP 4.De2 De7(4...Cf6?? 5.Cc6+ (و وزیر سیاه از بین می رود

5.DxC d6 6.d4 ! f6 7.Cc3 ! d6xc 8.Cd5 Dd6 9.PxP PxP

10.Ff4 Cd7 11.0-0-0 Fe7 12.Fc4 !

با بهترین وضعیت برای سفید و اگر چنانچه سیاه به اشتباه 12...PxP کند با جواب قاطع 13.Th-e1 روبرو خواهد شد.

و اگر چنانچه در واریانت فوق سیاه در حرکت چهارم خود به جای 4...De7 پیاده وزیر خود را برای حمایت اسب به d5 براند آنگاه:

(و سفید یک پیاده نفع می کند 7.PxP 6.PxC DxC 5.d3 De7 4...d5

4.Cf3 CxP

سیاه پیاده خود را پس گرفته و حال نوبت به سفید رسیده که پاسخ گوید، سفید برای اجرای حرکت پنجم خود، سه راه پیش روی دارد که هر کدام ویژگیهای خاص خود را دارا می باشند این سه راه عبارتند از:

I) 5.Cc3

II) 5.d4

III) 5.De2

I) اگر سفید 5.Cc3 کند:

آتکینز - شرارد (۱۹۰۵)

5.Cc3 CxC (5...d5? 6.De2)

یا اگر 5...Cf6 6.d4 Fe7 7.Fg5 Fg4 8.Dd2 0-0 9.0-0-0

و اگر چنانچه سیاه دست به تعویض در f3 بزند وضع را برای خود سخت خواهد کرد چرا که گذشته از دست یابی سفید به برتری دو فیل ستون g باز شده و قلعه سیاه سخت به مخاطره خواهد افتاد. با وضع حاضر هم سفید با به قلعه بزرگ رفتن خود را برای درهم کوفتن قلعه سیاه آماده ساخته و با حرکات Cd5 Te1 و یا h3 سیاه را تهدید می کند.

6.d2xc! Fe7 7.Fe3

فولتس در برابر زاپیل (۱۹۵۰) چنین ادامه ای را برگزید:

(7.Ff4 Cc6 8.Dd2 Fg4 9.Fe2 Dd7 10.h3 Fh5 11.0-0-0 0-0-0

12.Th-e1 a6 13.Dd5 Fg6 14.Cd4 CxC 15.DxC Rb8 16.Fg4

حال همان پیاده دوبله سفید برای قلعه سیاه خطرناک است

7...Cc6 8.h3 a6 9.Dd2 Fe6 10.0-0-0 b5

تدارک حمله به قلعه سفید

(10...FxP 11.b3) 11.Rb1 Tb8 12.g4

در جستجوی راهی برای حمله متقابل در جناح شاه

12...a5 13.Cg5

سیاه در جناح وزیر و برعلیه قلعه سفید دست به کار شده و سفید هم در نظ دارد به وسیله تامین برتری دو فیل و ضعیف نمودن قدرت سیاه در مرکز، اقدامات اخیر وی را متوقف و متقابلاً در جناح شاه دست به حمله زند.

13...Dd7 14.CxF

سفید به اولین مقصود خود نائل آمد

14...PxC 15.f4

و اینک در تدارک هدف دوم است

15...0-0

سیاه چاره‌ای جز این نداشت

16.Fg2 b5

سیاه فشار بر جناح وزیر را از سر گرفته

17.b4

و حال ما ناظر یک کورس خواهیم بود

17...a4 18.f5! Cd8

سیاه مجبور است که عجالتا "از حمله در جناح وزیر چشم پوشیده و از نقطه e6 دفاع کند، چرا که تهدید Fd5 سفید شوخی بردار نیست و اگر چنانچه سیاه به جای حرکت متن، اقدام به گرفتن پیاده کند با جواب Dd5+ روبرو خواهد شد. بهر حال سیاه در این کورس فعلا " بازنده است.

19.Fe4 PxP

سیاه مجبور به انجام چنین حرکت دفاعی است، چرا که اگر بخواهد لجوجانه به حمله در جناح وزیر ادامه دهد، پس از ادامه زیر:

(19...b6 20.C2xP PxP 21.a3)

مکان شاه سفید تا مدتی که حمله سوارهایش علیه شاه سیاه ادامه دارد، امن و راحت خواهد بود.

20.FxP De8 21.Td-e1 g6 22.Fe4 c6 23.h4 Ce6 24.h5 g5

25.Ff5 Cf4 26.FxC PxP 27.Dd3

سفید بخش عظیمی از دیواره دفاعی سیاه را خراب کرده و حال وقت آن رسیده که کار را تمام کند:

27...h6 28.Te6 Tf6 29.Th-e1

سفید بر فشار خود می‌افزاید

29...TxT (29...Tb7? 30.TxT) 30.TxT Df8 31.Tg6+

و سیاه راهی جز تسلیم ندارد.

(II) چنانچه سفید 5.d5 را برگزیند:

5.d4

سیاه برای مقابله دو امکان (5...Cf3) و (5...d5) را در اختیار دارد که در این میان راه اول محتاطانه‌تر است و دومین راه حادث‌تر، که به مقابله‌ای شدید در مرکز می‌انجامد، ابتدا به 5...Cf3 برداخته و سپس واریانت (5...d5) را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

a) 5... Cf3

فیشر - پطروسیان (بوئنوس آیرس ۱۴ اکتبر ۱۹۷۱) اینگونه ادامه دادند:

6. Fd3 Fe7

سفید پس از ادامه زیر:

(6... Fg4 7. h3 Fb5 8. 0-0 Fe7 9. Te1 0-0 10. Cb-d2)

یا (7. h3 FxC 8. Dx F)

برتری مختصری بدست می‌آورد

7. h3 0-0 8. 0-0 c6

گئورگیو با مهره سیاه در مقابل فیشر (بوئنوس آیرس ۱۹۷۰) چنین ادامه‌ای را برگزید:

(8... Te8 9. c4 Cc6 10. Cc3 h6 11. Te1 Ff8 12. TxT

12... DxT 13. Ff4 Fd7 14. Dd2 Dc8 15. d5 Cb4 16. Ce4)

با برتری سفید

9. Te1 Cb-d7 10. Ff4

سفید ضمن گسترش فیل بر پیاده کم‌بنیه d6 فشار وارد می‌کند

10... Te8 11. c4 Cf8

سیاه در نظر دارد تا با حرکت بعدی اسب به e6، فیل سفید را از میدان دور نموده و از فشار آن بکاهد.

12. Cc3 a6

این اقدام سیاه به منظور دفاع از خانه b5 صورت گرفته. چرا که ممکن است طی درگیری پیاده‌های مرکزی این خانه بلا دفاع گشته و اسب سفید محل نفودی بیابد و از طرف دیگر حرکت متن، مقدمه‌ای است برای حرکت خوب b5، که می‌تواند به میزان قابل توجهی از فشار سفید بکاهد.

به‌ر حال گسترش به پایان رسیده و سفید امکانات بهتری در اختیار دارد ولیکن وضع

سیاه نیز چندان بد نبوده و وضعیتی بالنسبه خوب و قابل دفاع دارد.

حال بار دیگر به پنجمین حرکت سیاه بازگشته و راه پرحادثه‌تر d5... 5 را بی می‌گیریم:

b) 5... d5 6. Fd3 Fe7

راه مهیج تر سیاه واریانت زیر است که به سرعت وضعیت را ساده کرده و بازی را به آخر می‌کشد:

کارپف - کاسپاروف (۱۹۸۴)

(6... Cc6 7. 0-0 Fg4 8. c4 Cf6 9. Cc3 FxC 10. DxC CxP)

11.De3+ Ce6 با امکاناتی بالنسبه برابر

7.0-0 Cc6 8.Te1

(8.c4 Cf6 9.Cc3 0-0 10.Fe3 Pxp 11.Fxp Fg4 12.Fe2 Dd7)

و اگر چنانچه سفید در حرکت نهم چنین کند :

(9.c5 0-0 10.Fb5 Cb8 11.Ce5 c6 12.Fd3 b6)

باز سیاه قادر به دفاع است .

8...Fg4 9.c3

ادامه زیر برای سفید نهنتها فایده‌ای ندارد بلکه زیان‌آور نیز هست .

(9.FxC PxF 10.Txp FxC 11.PxF (11.DxF CxP) 11...f5

12.Tf4? 0-0)

9...f5 !

حال وضعیت سیاه کاملاً " قابل دفاع گشته و مضاف بر آن امکاناتی هم در اختیار خواهد داشت .

و ادامه‌های زیر هم تزلزلی در وضعیت او ایجاد نخواهد کرد :

10.c4 Fh4! 11.Fe3

(11.FxC d5xf 12.d5 Ce5 13.Da4+ b5! 14.Dxp+ c6 15.Pxp CxC+

16.PxC Fxp+ 17.RxF Dh4 18.Rf1 0-0 19.PxF Dh3+)

و پیاده‌های مرکزی سیاه فوق‌العاده خطرناک شده‌اند

11...0-0 12.Pxp Cb4

و وضعیت سیاه همچنان خوب است

با ادامه زیر سیاه به‌رغم عقب بودن یک پیاده به‌لحاظ کیفی وضعیت خوبی پیدا می‌کند .

10.Db3 0-0 11.Dxb7

(11.Ff4 FxC 12.PxF Cg5 13.Rg2 Dd7 14.Dc2 Ce6 15.Fc1 Fd6)

با برتری سیاه

11...Tf6 12.Db3 Tb8 13.Dc2 Tg6 14.Fe2 Fd6

(III) اگر سفید به‌راه 5.De2 رود :

5.De2 De7 6.d3 Cf6 7.Fg5 DxD+

(7...Fe6 8.Cc3 Cc6 9.0-0-0 0-0-0 10.d4 d5 11.Ce5 De8)

با امکاناتی برابر

8.FxD Fe7 9.Cc3 c6 10.0-0-0 Ca6!

سیاه قابلیت‌های دفاعی خوبی را داراست.

* * * *

مجموعه گشایشهایی که سفید در آنها حرکتی غیر از 2. Cf3 را انجام میدهد.

اکنون در ادامه بررسی گشایشهای پیاده شاه به نقطه عطف دیگری رسیده‌ایم. تا به حال در تمامی گشایشهای که پیش از این مطرح شد، سفید در حرکت دوم خود پس از 1. e4 حرکت نسبتاً "خوب" 2. Cf3 را انجام می‌داد و اینک ما به معرفی و بررسی مجموعه گشایشهای خواهیم پرداخت که در آنها، سفید به جای حرکت 2. Cf3، حرکتی دیگر را انجام می‌دهد، که این حرکت ممکن است یکی از این حرکات باشد:

- a) 2. d4 گشایش مرکزی
- b) 2. f4 گامبی شاه
- c) 2. Cc3 گشایش وینی
- d) 2. Fc4 گشایش فیل

* * * *

گشایش مرکزی (Center opening)

(1.e4 e5 2.d4,...)

سفید به صرف حمایت وزیر دست به اقدامی عجولانه در مرکز زده است. و ماحصل این اقدام هرچه باشد، تامین کننده منافع سفید نیست:

2...PxP

سیاه پیاده را گرفت و اینک سفید می تواند با انتخاب یکی از واریانتهای زیربازی را دنبال کند:

a) 3.DxP بازی مرکز

b) 3.Fc4 گامبی مرکز

c) 3.c3 گامبی دانمارکی

d) 3.Cf3 که در صورت جواب 3...Cc6 به بازی اسکاتلندی منجر می شود.

* * * *

بازی مرکز (3.DxP)

3.DxP

سفید با این حرکت، به سیاه اجازه می دهد که به راحتی سوارهایش را وارد میدان کند:

3...Cc6 4.De3 Cf6 5.Cc3

در بازی زیر سفید به جای حرکت متن، حرکت (5.e5) را انجام داده:

لوین - بیلین (لوف ۱۹۴۹)

(5.e5 Cg4 6.De4 d5! 7.PxP+ Fe6 8.Fa6?!)

ادامه زیر هم منجر به برتری سیاه می شود، ببینید:

(8...PxP Dd1+! 9.RxD CxP+ 10.Re1 CxD 11.Ff4 Fc5)

و سیاه ضمن توانائی گرفتن پیاده e7 از وضعیتی فوق العاده خوب برخوردار است.

8...DxP! 9.FxP Db5+ 10.DxD CxD 11.FxT CxP+ 12.Rf1 CxT

با برتری سیاه

و یا اگر سفید در حرکت یازدهم چنین کند:

(11.Ca3 Tb8 12.Fe4 Cxa2 سیاه (و باز با برتری سیاه

5...Fb4 6.Fd2 0-0 7.0-0-0 Te8

سیاه با d5... 8 می تواند در جستجوی راهی برای حمله در ستون e باشد ضمن اینکه خود

از وضعیت دفاعی بسیاری خوبی برخوردار است.

* * * *

(Center Gambit)

گامبی مرکز (3.Fc4)

در این واریانت از گشایش مرکزی سفید ترجیح می دهد به جای گرفتن پیاده به گسترش

بپردازد:

3.Fc4 Fb4+

ادامه 3...Cc6 4.Cf3

خواهد شد که پیش از این مورد بررسی قرار گرفته اند و البته انتخاب این مسیر برای سیاه

بد نیست.

4.c3 PxP 5.PxP

در همین پنج حرکت ابتدای بازی پیاده های جناح وزیر سفید به بدترین شکل ممکن

درآمده اند و البته این یکی از نقاط ضعف اصلی گشایش مرکزی می باشد، در گامبی دانمارکی

هم ما شاهد این وضعیت خواهیم بود. منتهی سفید به امید حمله ای برق آسا و یا احیانا "

دام گسترش و یا کسب فضا می تواند از این وضعیت سود جوید ولی این موارد منوط به

شرایطی است که سیاه دفاعی نسنجیده و نابخردانه را پیشه سازد. ادامه زیر هم برای

سفید نفعی ندارد :

(5.FxP+ RxF 6.Db3+ d5 7.DxF PxP 8.FxP Cf6 9.e5 Te8)

5...Df6 6.Ce2

شوموف درمقابل اوروسف (۱۸۵۸) چنین ادامه‌ای را برگزید ولی :

(6.PxF DxT 7.Db3 d5! 8.FxP Fe6 9.FxF PxP 10.DxP+ Ce7

11.Db3 Cb-c6 12.Ce2 0-0-0 13.0-0 Cd4 14.CxC DxC

باز این سیاه بود که برتری یافت

6...Fc5 7.0-0 d6 8.Cf4 Ce7

سفید قادر به جبران گامبی ابتدائی بازی نمی‌باشد .

* * * *

(Danish Gambit)

گامبی دانمارکی (3.c3)

(1.e4 e5 2.d4 PxP 3.c3,...)

3.c3

در این واریانت از گشایش مرکزی سفید به امید کسب برخی از امکانات ترکیبی و ایجاد فضا برای نیروهای خود (بخصوص فیلها) پیاده‌ای دیگر را پیشکش می‌کند و حال اگر سیاه پیاده را بگیرد :

3...PxP 4.Fc4 PxP

ادامه زیر برای سیاه بهتر است :

(4...Cf6 5.CxP Ce6 6.Cf3)

5.FxP

حال سفید به ازای دو پیاده ازدست رفته، برای فیلهای خود فضا بدست آورده است .

5...d5

در صورت 5...Cf6 ، سفید می‌تواند اینچنین دامی را بگسترده :

(5.Cf6 6.Cc3 Fb5 7.Ce2 CxP 8.0-0 CxC 9.CxC FxC 10.FxF

(10...0-0 11.Dg4 g6 12.Dd4) حال اگر

و ظرف چند حرکت آتی سیاه مات می شود

یا اگر (10...Dg5 11.Te1+ Rd8(11...Rf8 12.Fb4+ d6 DxP+

(و در ۲ حرکت مات می کند

12.f4 DxP(12...Dc5+ 13.Fd4 DxP 14.Fxg7

و نفع می کند

13.Fxg7 Te1 14.Dg4 DxD (14...Dd6 5.Ff6+ DxP 16.TxT+ RxT

17.Te1+ (و در حرکت بعد مات می کند

15.Ff6+

و ظرف چند حرکت دیگر سیاه مات می شود

6.FxP Cf6

در صورت 6...Fb4+:

(6...Fb4+ 7.Cc3 FxC 8.FxF Cf6

وضع سفید اندکی بهتر خواهد بود

ولی اگر سفید به اشتباه 7.Rf1 کند آنگاه:

(6...Fb4+ 7.Rf1 Cf6 8.Da4+ Cc6 9.FxC+ PxP 10.DxF Dd1+

11.De1 Fa6+ 12.Ce2 FxC+

و در حرکت بعد مات می کند

7.FxP+ RxP 8.DxD Fb4+ 9.Dd2 FxD+ 10.CxF Te8

وضع سفید اندکی بهتر است ولی سیاه هم قابلیت‌های دفاعی خوبی دارد.

اگر چنانچه سیاه در حرکت سوم پیاده c3 را نگیرد، در صورت چنین ادامه‌ای برتری خواهد

داشت:

3...d5 4.e4xd5 Cf6 5.DxP DxP 6.Cf3 Cf6

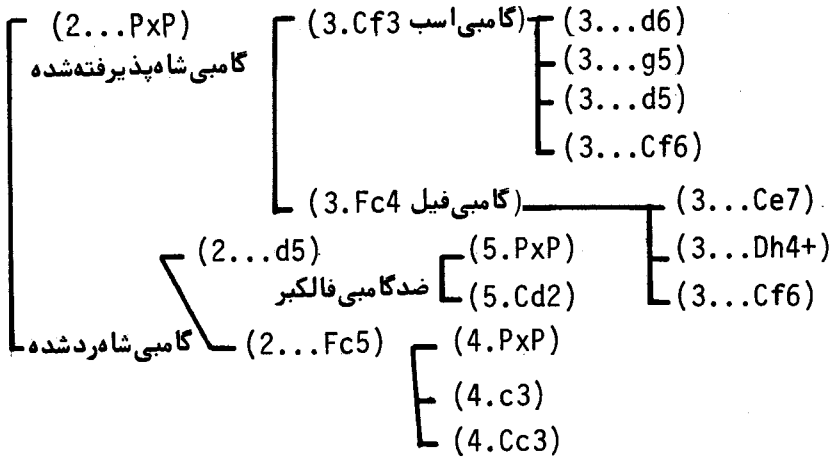
و اگر سفید در حرکت پنجم خود پیاده را با پیاده بگیرد، موجب منفرد شدن پیاده d4

شده و حاصلی برای او ندارد.

* * * *

گامبی شاه (King's Gambit)

(1.e4 e5 2.f4,...)



2. f4

سفید با این حرکت، در جستجوی روزنی برای حمله در ستون f است، او بر این نظر است که هرچه زودتر می‌باید از نقطه ضعیف f7 بهره‌برداری کرد و به این منظور خواهان نظارت رخ بر این ستون است. و از طرفی دیگر در نظر دارد که با منحرف نمودن پیاده e5 سیاه حرکت d4 را انجام داده و ضمن شکافتن مرکز مالک پیاده‌های قوی در آن شود. و اما سیاه، بنا به برخورد معمول با تمام گامیها دوراه پیش روی دارد، پذیرش و یا عدم پذیرش گامی:

* * * *

گامی شاه پذیرفته شده (King's Gambit Accepted)

2...PxP

حال سفید در جهت عملی نمودن، ایده خود، می‌تواند از دو امکان زیر استفاده کند.

- a) 3.Cf3 واریانت اسب
b) 3.Fc4 واریانت فیل

(a) - گامی اسب: 3.Cf3

3.Cf3

در مقابل با این حرکت، سیاه امکانات زیر را در اختیار دارد که پس از معرفی، به بررسی هر یک از آنها خواهیم پرداخت:

1) 3...d6 , 2) 3...g5 , 3) 3...d5 , 4) 3...Cf6

مورد اول (3...d6)

3...d6

این حرکت ضمن ممانعت از پیشروی پیاده سفید، راه فیل وزیر را گشوده و از همه مهمتر از آمدن اسب به e5 جلوگیری می‌کند، حال سفید دو امکان 4.Fc4 و 4.d4 را در اختیار دارد. به عنوان مثال رشفسکی در مقابل نیومن چنین ادامه‌ای را برگزید و به برتری دست یافت:

4.Fc4 Fe6 5.FxF PxF 6.d4 g5 7.0-0 h6 8.De2 a6 9.Ce1 De7

10.g3 e5 11.Cc3 Cf6 12.PxP PxP 13.Cd3 Cc6

14.Cd5! (بهتر بود 13...Cb-d7)

و سفید امکان حمله خوبی را بدست آورده
اما ادامه بهتر برای سیاه در مقابل 4.Fc4 می‌تواند حرکتی باشد که پوریتش در مقابل
اسپاسکی (۱۹۶۷) بکار برد.

4.Fc4 h6

این حرکت پوریتش مقدمات دفاع از پیاده f4 را فراهم می‌آورد.

5.d4 g5 6.g3!?

معمولا" در اینجا 6.h4 را انجام می‌دهند

6...Cc6 7.PxP g5 8.Cg1 Dh4+ 9.Rf1 Cf6 10.Cc3 g3

محل شاه سفید به هیچ روی امن نیست و سیاه قادر به اعمال فشارهای شدیدی در جناح
شاه می‌باشد.

و اگر چنانچه سفید ادامه 4.d4 را برگزیند:

4.d4 g5 5.h4 g5 6.Cc3?! f6 7.Ch3 PxC 8.Dh5+ Rd7 9.FxP De8
9.FxP De8 10.Df3 Rd8

سفید به امید حمله‌ای شدید در جناح شاه یک قربانی داد ولی اکنون امیدی نمی‌رود که
توانائی حمله‌ای مثرتر را داشته باشد. البته او امکان رفتن به قلعه بزرگ را داشته و
ممکن است از این رهگذر درآیند فشارهای شدیدی در جناح شاه وارد آورد و ناگفته نماند
که پیاده‌های مرکزی او نیز قوی هستند و شاید سیاه مجبور به بازپس دادن قربانی گشته
تا از این طریق پوزیسیونی مطمئنتر بدست آورد چرا که وضعیت سوارهای او در حال حاضر
هیچ خوب نیست و او فعلا" فقط از حمله ماتی رهیده است.

اگر سیاه 3...g5 را برگزیند:

3...g5

سیاه با این دفاع بسیار قدیمی درصدد حفظ بی‌چون و چرای پیاده f4 برآمده و ضمن این
حمایت مانع باز شدن ستون f می‌گردد. برای آشنائی با این حرکت و عواقب ناشی از آن
ذیلا" بازی کاملی با تفسیر فیشر آمده که در آن خود او مبادرت به انجام این حرکت کرده
است.

اسپاسکی - فیشر (ماردل پلاتا ۱۹۶۰)

3...g5 4.h4 g4 5.Ce5 Cf6

در ادامه زیر:

5...h5 6.Fc4 Th7 7.d4 d6 8.Cd3 f3 9.gxf3 Fe7

10.Fe3 Fxh4+ 11.Rd2 Fg5 12.f4 Fh6 13.Cc3

سفید پیاده از دست داده را به اندازه کافی از نظر کیفی جبران نموده است.

6.d4

پس از 7.exd5 6.Fc4 حرکت 7...Fg7 ایده جدیدی می باشد و حرکت قدیمی 7...Fd6 نیز مناسب است پس از:

6.Cxg4 Cxe4 7.d3 Cg3 8.Fxf4 Cxh1 9.De2+(9.Fg5 Fe7
10.De2 h5 11.De5 f6 12.Cxf6+ Rf7) 9...De7 10.Cf6+ Rd8
11.Fxc7+ Rxc7 12.Cd5+ Rd8 13.Cxd7 Fxd7

سیاه به پیروزی می رسد (مورفی- اندرسن ۱۸۵۸)

6...d6 7.Cd3 Cxe4 8.Fxf4 Fg7 9.Cc3?

پس از این حرکت سفید در ازای پیاده های که از دست داده چیزی دستگیرش نشده ادامه بهتر:

9.c3 De7 10.De2 Ff5 می باشد

9...Cxc3 10.bxc3 c5

در هم ریختن فوری مرکز سفید، کرس در اینجا حرکت 0-0...10 را پیشنهاد می کند

11.Fe2

پس از Fe6 و 11.De2+ حرکت 12.d5? که پاسخ 12...Fxc3+ را به دنبال دارد موجب شکست سفید می شود.

11...Cxd4 12.0-0 Cc6

حرکت آزمندانه 12...h5 به خاطر 14.Fc1 و f6 و 13.Fg5 که حرکت Cf4 را به دنبال دارد جناح شاه سیاه را کاملاً "درهم می ریزد"

13.Fxg5 0-0 14.Fxc8 Txc8 15.Dg4 f5

سیاه که در پی گرفتن دومین پیاده است، موجبات تضعیف جناح شاه را فراهم می کند. حرکت ساده 15...Rh8 قوی تر بود.

16.Dg3 dxc3 17.Ta-e1

پس از:

17.Fxd6 Tf6 18.Ff4 Tg6

سیاه ابتکار عمل را در جناح شاه بدست می گیرد.

17...Rh8

19.Cc5 در اینجا ادامه: 18.Fxe6 Tf-e8 17...Dd7 نیز خوب می باشد و در صورت
می توان حرکت 15...Df7 را انجام داد .

18.Rh1?

ادامه صحیح:

18.Fxd6 Tf6 (18...Tg8 19.Ce5!) 19.Fe5 Cxe5 20.Cxe5

می باشد .

18...Tg8

بعد از 18...d5 که با پاسخ 19.Cc5 روبرو می شود مسائل زیادی پیش می آید .

19.Fxd6 Ff8!

این حرکت کلید بازی به شمار می رود . در ادامه:

19...Fd4 20.Dh2 Tg4 21.Fe5+ ! Rg8(21...Fxe5 22.Cxe5 Txxh4?

23.Cf7+) 22.Fg3

سفید دفاعی استوار پیدا می کند .

20.Fe5+ Cxe5 21.Dxe5+ Tg7!

و اکنون پیاده h سفید در معرض نابودی است .

22.Txf5

22.Dxf5 Dxh4+ 23.Rg1 Dg4 سفید چه کار دیگری می کرد؟ پس از:

تعویض اجباری وزیرها به حال سیاه سودمند است و اگر 24.Df2 Fd6 سیاه حمله موثری

پیدا می کند ، همچنین ادامه: 22.Tf4? Fd6 یا 22.Df4? Tg4 به زیان سفید منتهی

می شود .

22...Dxh4+ 23.Rg1 Dg4?

درک نکردن خطر ، من فکر می کردم که سیاه می تواند از حمله خود در ستون g نتیجه بگیرد .

ادامه صحیح اینطور است .

23...Dg3! 24.Dxg3 (24.De2 Fd6) 24...Txg3

(با تهدید Txd3 و راندن پیاده c3) و همانطور که اسپاسکی در تجزیه تحلیل پس از

بازی یادآور می شود . سفید علاوه بر اینکه یک پیاده عقب است ، آخر بازی مشکلی نیز

در پیش دارد .

24.Tf2 Fe7 25.Te4 Dg5

در اینجا یک نوع احساس ناراحتی به من دست داد . زیرا تصور کردم بازی سیاه در چهار

حرکت کوتاه درهم می‌ریزد من لازم بود با تکرار حرکت به مساوی کردن بازی مبادرت می‌کردم یعنی:

25...Dd1+ 26.Te1 Dg4 27.Te4 Dd1+

و حالا اگر:

28.Rh2 Tc6 29.Db8+ Tg8 30.De5+ Tg7

که در نتیجه بازی به تساوی می‌رسد

26.Dd4!

تمرکز نیرومندی که سیاه را کاملاً " فلج می‌کند

26...Tf8?

نادیده گرفتن تهدید واقعی سفید. من نگران حرکت $Ce5$ بودم و توجه نداشتم که تهدید مزبور با $Fc5$ به خوبی دفع می‌شود. دفاع صحیح زیر:

26...Ff8! 27.Dxa7(27.Ce5 Fc5 28.Cf7+ Rg8 29.Cxg5 Fxd4

30.Txd4 Txg5) 27...Fd6

به وضعیت مساوی می‌رسید.

27.Te5!

من در حالیکه می‌کوشیدم دریابم در سراسیاسکی چه می‌گذرد ادامه:

27.Ce5? Txf2 28.Dxf2 Fc5 29.Dxc5 Dxc2+

مات

را محاسبه نموده بودم. من اشتباه بزرگی کردم و بازی را باختم، اکنون سیاه یک سوار از دست می‌دهد.

27...Td8

کوششی برای خود آمدن! وزیر پناهاگی ندارد در صورت:

27...Dh4 28.Txf8+

یا 27...Dg6 28.Txe7

یا 27...Ff6 28.Dd6!

سفید به آسانی می‌برد.

28.De4 Dh4

من می‌دانستم که یک سوار از دست می‌دهم، در حالیکه نمی‌توانستم آن را باور کنم. به همین خاطر یک حرکت دیگر کردم تا ببینم آیا واقعا " چنین است.

29.Tf4

و سیاه تسلیم شد

و اینک ادامه پس از 3...d5

3...d5 4.PxP Cf6 5.Fb5+

سفید از ادامه زیر هم چندان نفعی نمی برد .

(5.c4 c6 6.d4 PxP 7.FxP Fb4+ 8.Cc3 0-0

پوزیسیون سیاه محکم و قابل دفاع است .

5...c6 6.PxP CxP!?

(که مانع حرکت 8...Fd6 سیاه می گردد 8.Cc3! 7.Fc4 Cd5 6...PxP

7.d4 Fd6 8.0-0!

(و وزیر سفید از بین می رود 9.DxC?? Fb5+ 8.d5? CxP

هارتستون در مقابل اسپاسکی (هاستینگز ۱۹۶۵) به جای حرکت متن چنین ادامه ای را برگزید :

8.De2+ Fe6 9.Ce5(9.Cg5 0-0) 9...0-0 10.FxC PxF

11.FxP Cd5 12.Fg3 f6

با برتری سیاه

8...0-0 9.Cb-d2! Fg4 10.Cc4 Fc7 11.c3 Cd5 12.Dd3

با تهدید ادامه 13.FxC PxF 14.Cf3 e5 که کار سیاه را برای ایجاد تعادل بسیار مشکل می کند .

چنانچه سیاه ادامه 3...Cf6 را برگزیند :

4.e5

در صورت 4.Cc3 سیاه می تواند با 4...d5 جواب دهد .

4...Ch5 5.d4

سفید با ادامه زیر هم به جای نخواهد رسید :

(5.Fe2 g5 6.0-0 Tg8 7.d4 d5 8.Dd3 Tg6 9.Ch4 Th6)

5...d5 6.c4

گرفتن پیاده در عبور بازی سیاه را راحت کرده و اسب سیاه آزادی عمل بدست می آورد . در صورتی که حرکت متن فشار دیگری را بر مرکز وارد می سازد .

6...Cc6

بدیهی است که گرفتن پیاده سفید اشتباه بزرگی است ، چراکه در آن صورت سفید به رجحان خطرناکی در مرکز نائل می آید .

7.PxP DXP 8.Cc3 Fb4

سفید به نسبت یک پیاده عقب افتاده، وضعیت فعالیت دارد ولی یوزیسیون سیاه هم به اندازه کافی مستحکم و قابل دفاع است.

(b) گامبی فیل :

در این شاخه از گامبی شاه پذیرفته شده سفید در حرکت سوم خود به جای گسترش اسب فیل خود را به c4 آورده و خانه f7 سیاه را هدف قرار می دهد.

3.Fc4

سه ادامه معمول برای سیاه عبارتند از :

1) 3...Ce7?!

2) 3...Dh4+

3) 3...Cf6

عاقبت ادامه! 3...Ce7? :

3...Ce7?!

سیاه در نظر دارد تا به این حرکت خانه d5 را تقویت نموده تا در صورت امکان با حرکات c6 و d5 قطر فیل سفید را مسدود و در مرکز سهم شود. بازی زیر نشان می دهد که سیاه در این راه چندان موفق نیست :

4.Cc3 c6 5.Cf3 d5 6.Fb3! PxP

قطر فیل سفید بار دیگر باز شده.

7.CxP Cd5

سیاه مجبور شده که بار دیگر راه فیل را سد کند ، چرا که در صورت ادامه :

7...Cg6

به واسطه حمایت از پیاده f4 و باز نمودن راه فیل برای گسترش و سپس به قلعه رفتن

8.Ce-g5! De7+ 9.Rf2

سفید با گرفتن پیاده f7 برتری می یابد

8.c4 L4

ادامه :

8.De2 Fe7 9.c4 Cc7 10.d4 Fg4! 11.c5 0-0 12.FxP Ce6

13.Fxe6 PxP! 14.Fd6

به تساوی وضعیت منجر می شود منتهی در بازی بین فیشر و می نیچ (یوگسلاوی ۱۹۶۸) سیاه در حرکت دهم به جای Fg4... 10... حرکت ضعیف 0-0... را انجام داد و طی ادامه

زیر بخت برابری را ازدست داد :

(11.FxP Ce6 12.Fe3 Fb4+? 13.Rf2)

8...Cf6 9.CxC DxC 10.0-0 Fe7 11.d4 Cd7 12.De2 g5

13.Cxg5 DxC 14.FxP

با برتری سفید

و اگر چنانچه سیاه 3...Dh4+ کند :

3...Dh4+

پی آمدهای این حرکت که تهاجمی زودگذر و بدون پشتوانه است برای سیاه زیانبار است .
به بازی جالب زیر توجه کنید :

آندرسن - کیزرتزکی (لندن ۱۸۵۱)

4.Rf1 b5 5.FxP Cf6 6.Cf3 Fh6 7.d3 Ch5 8.Ch4 Dg5 9.Cf5 c6

10.g4 Cf6 11.Tg1 PxP 12.b4 Dg6 13.h5 Dg5 14.Df3 Cg8

15.FxP Df6 16.Cc3 Fe5 17.Cd5 Dxb2 18.Fd6 FxT1

19.e5!! DxT+ 20.Re2 Ca6 21.Cxg7+ Rd8 22.Df6+ Cxf6 23.Fe7+

و مات

حتی اگر چنانچه سیاه 4...g5 و یا 4...d5 نماید باز امکان حمله‌ای بدست نخواهد
آورد . چرا که با آمدن اسب به f3 وزیر سیاه مجبور به عقب نشینی است و در صورت
4...d6 هم سفید می تواند با همان حرکت 5.Cf3 حمله زود هنگام سیاه را عقیم گذارده
و کسب زمان کند . ولی در بازی بین فیشر و اوانس (آمریکا ۱۹۶۴) فیشر در مقابل 4...d6
به اشتباه 5.Cc3? نمود و سیاه توانست طی ادامه زیر پوزیسیونی نسبتاً " مطمئن بدست
آورد :

(5...Fe6! 6.De2 c6 7.Cf3 De7 8.d4 FxF 9.DxF g5)

و اما اگر سیاه 3...Cf6 را برگزیند :

3...Cf6

سیاه با این حرکت ضمن ، گسترش اسب و حمله به پیاده e4 خانه مرکزی d4 را هم
تحت کنترل داشته و می تواند در صورت لزوم قطر g8-a2 را مسدود کند . درست به مانند
ایده‌ای که پیش از این در مورد حرکت 3...Ce7 گفته شد . ولی با این اختلاف که در اینجا
سیاه ضمن حمله به پیاده e4 از پیش روی آن هراسی نداشته و در نظر دارد که در صورت
4.e5 با حرکت تندتر 4...d5 جواب گوید . ولی در واریانت یاد شده (3...Ce7)
سیاه محافظه کارانه عمل کرده و گذشته از مشکل گسترش راحت فیل در دفاع از خانه d5

نیز همانطور که مشاهده کردید موفق نبود .

4.Cc3 c6 ! 5.Df3 d5 6.PxP Fd6 7.d3 Fg4 8.Df2 0-0

بمانند بسیاری دیگر از گشایشهای که با گامبی تواءمند سیاه منطقیترین راه را برگزیده او قربانی گرفته شده را پس داده و لیکن وضعیت نسبتاً " خوب و فعالی را بدست آورده .

دیدیم که در بسیاری از واریانتهای گامبی شاه پذیرفته شده، سیاه بهسختی درصدد حفظ پیاده گرفته شده برآمده و بههیچروی حاضر به بازپس دادن آن نبود و به همین دلیل در گسترش سوارهای خود عقب مانده و یا دچار مشکل می گشت، اما بهتر است که سیاه چه در گامبی اسب و چه در گامبی فیل از ایده بازپس دادن قربانی و ازدست ندادن زمان برای گسترش پیروی کرده و درواقع پیاده گرفته شده را وجه المصلحه قرار دهد و بهبهای بازپس دادن آن برتری پوزیسیونی بدست آورد. بسان همان ادامه ای که در واریانت اخیر دیدیم .

* * * *

گامبی شاه رد شده (King's Gambit Declined)

این شاخه از گامبی شاه بنا به انتخاب سیاه به دو واریانت زیر تقسیم می شود :

2...Fc5 2...d5 ضد گامبی فالکبر

که در ابتدا به پی آمدهای حرمت 2...Fc5 پرداخته و سپس ضد گامبی فالکبر را مورد بررسی قرار می دهیم :

رد کردن گامبی به وسیله 2...Fc5

2...Fc5

وید با مهره سیاه در مقابل فیشر (یوگسلاوی ۱۹۶۸) اینگونه گامبی را رد کرد :

(2...Cf6 3.PxP CxP 4.Cf3 Cg5 5.d4 CxC+ 6.DxC Dh4+

7.Df2 DXP+ 8.RxD)

و نتیجه آنچنان خوبی نگرفت، چرا که فعلاً " سفید علیرغم محروم شدن از قلعه که اتفاقاً " در این نوع گشایش به واسطه حرکت کردن پیاده f و امکان قلعه مصنوعی زیاد هم بکار نمی آید . وضعیت آزادتری دارد و البته این برتری بسیاری جزئی است و سیاه هنوز وقت کافی برای به میدان آوردن سوارهایش و مبارزه برای تصرف مرکز را دارد . به هر حال حرکت متن حرکتی تجربه شده و مطمئن است، که تعادل کمی و کیفی را برای سیاه تامین می کند .

3.Cf3 d6

زاک با مهره سیاه در مقابل کورچنوی به جای حرکت متن 3...Cc6 را انجام داد و طی
ادامه زیر سفید برتری یافت: (4.Cc3! d6 5.Ca4)

سفید با این حرکت ضمن کسب برتری دو فیل، فشاری را که از سوی فیل سیاه بر جناح شاه
وارد می‌آید و مانع قلعه رفتن وی می‌گردد را از بین می‌برد.

5...Fg5 6.CxF PxC 7.Fb5!)

حال ببینیم سفید در پاسخ به حرکت 3...d6 سیاه چه امکاناتی را در اختیار دارد؟ ما
به ترتیب و از بی هم به چهار امکان معمول سفید برای اجرای چهارمین حرکت می‌پردازیم:
اگر سفید 4.PxP کند چنین ادامه‌ای محتمل است:

تارتاکور - آموسیون (۱۹۱۱)

4.PxP PXP 5.c3 Cc6 6.b4? (حرکت 6.Fc4 درست است)

6...Fb6 7.Fb5 Cf6 8.CxP

سفید با این حرکات فرصت را برای گسترش و تعادل وضعیت از دست می‌دهد.

8...0-0 9.CxC

(9.FxC PxF 10.d4 CxP 11.0-0 CxP!)

این ادامه نشانگر نادرستی حرکت 6.b4 سفید است

9...PxC 10.FxP CxP!! 11.d4

(و طی دو حرکت مات می‌کند 11.FxT Ff2+ 12.Rf1 Fa6+ اگر سفید

و مات می‌کند 11.FxC Dh4+ 12.Re2 Dx+ 13.Rf1 Fa6+ و یا اگر

11...Df6 12.FxC Dh4+ 13.Rd2 Dx+ 14.Df3 Dh4! 15.g3

و سیاه می‌برد 15.DxT Df2+ 16.Re3 Ff5+ چرا که اگر

15...Dg5+

سفید با حمله غیرقابل مقاومتی روبرو شده که منجر به باختش می‌شود، درحالی‌که هنوز

سوارهای جناح وزیر وی فرصت گسترش پیدا نکرده‌اند، این بازی آموزنده و جالب را تا

انتها دنبال می‌کنیم تا شاهد چگونگی باخت سفید باشیم:

16.De3 اگر (16.Rc2 Ff5+) و یا اگر (16.Rd1? Fg4+)

که در هر دو صورت سیاه می‌برد

16...Dd5 17.Te1 Fg4 18.Rc2 شاه در جستجوی پناهگاهی است

18...a5!

گشودن راهی جدید برای حمله

19.PxP TxP 20.Fa3 c5 21.PxP Tx+ 22.CxT

و سیاه می برد 22.PxF Txa2+ 23.TxT DdT+ 24.Rc1 Ff5
 22...FxP 23.De5 Ff5+! 24.Rb2 Db7+ 25.Rc1 FxC+ 26.Rd2 Td8+
 27.Re3 Td3+ 28.Rf2 Df3+ 29.Rg1 Td2 30.De8+ Ff8

و سفید تسلیم شد.

اگر سفید 4.c3 را برگزیند:

4.c3 Cf6 5.PxP

ادامه 5.d4 بنا به دلیل زیر برای سفید خوب نیست

(5.d4 e5xd4 6.PxP Fb4+!)

5...PxP 6.CxP

ادامه زیر هم به نفع سفید نیست:

(6.d4 PxP 7.PxP Fb4+ 8.Fd2 De7! 9.e5.Cd5)

6...De7 7.d4 Fd6

با امکاناتی برابر

به عنوان مثال چاروزیک - ژانوسکی (برلین ۱۸۹۷) چنین ادامه دادند:

(8.Cf3 CxP 9.Fe2 0-0 10.0-0 c5 11.Cb-d2 CxC 12.FxC

و یا کورچنوی و زاک در بازی دیگری اینطور ادامه دادند:

(8.Cc4 CxP 9.CxF PxC!)

اگر سفید 4.Cc3 و یا 4.Fc4 را انتخاب کند:

وضعیت حاصل از ادامه این دو حرکت پنجم سیاه بر هم منطبق خواهد شد و تا حرکت پنجم سیاه فقط ترتیب حرکات با هم اختلاف دارند و از این حرکت به بعد ادامه‌های یکسان خواهند یافت و ما این دو را به شکل موازی در کنار هم می آوریم:

4.Cc3 Cf6

4.Fc4 Cc6

5.Fc4 Cc6

5.Cc3 Cf6

از این حرکت به بعد ادامه‌های یکسان در انتظار هردوست:

6.d3 a6!

همانطور که قبلاً هم مشاهده کردید سفید هر لحظه مترصد فرصت است که فیل سیاه را با اسب خود تعویض کند، چرا که این فیل مزاحمت‌های زیادی را برای سفید ایجاد می‌کند. به عنوان مثال در همین وضع حاضر مانع به قلعه رفتن سفید گشته و اگر چنانچه سفید بتواند به طریقی از شر این فیل خلاصی یابد بازی راحتی را در پیش خواهد داشت و درست به همین دلیل سیاه می‌بایست در حفظ این فیل بکوشد و حرکت اخیر سیاه هم

ناشی از چنین کوششی است، چرا که سفید با حرکت $Ca5$ سیاه را تهدید به مبادله اسب با فیل می‌کند و در صورت چنین تعویضی سیاه ضمن اعطای برتری دو فیل به سفید یکی از بهترین نیروهای خود را از دست می‌دهد. این مورد از جمله مواردی است که به خوبی ارزش نسبی مهره‌ها را نشان می‌دهد.

7.PxP

تولوش در برابر فورمان (لنینگراد ۱۹۴۶) چنین ادامه‌ای را برگزید:

7.f5 h6 8.De2 Fd7 9.Fe3 Cd5 10.FxC PxF

سفید فعلاً "موفق به مسدود کردن راه فیل سیاه شده.

11.Cd1 0-0 12.0-0 d4

با امکاناتی تقریباً برابر

7...PxP 8.Fg5 Dd6 9.FxC DxF 10.Cd5 Dd6

پوزیسیون سیاه کاملاً "قابل دفاع و مطمئن است.

* * * *

ضد گامبی فالكبر

2...d5 3.e4xd5

پس از ادامه زیر

(3.Cf3 d5xe4 4.Cxe5 Fd6 5.De2 Cf6 6.d4 PxPep 7.Cxd3+ De7

8.Cc3 Fg4 9.DxD+ RxD)

سیاه بازی راحت و خوبی در اختیار خواهد داشت

حرکت $f4xe5$ هم به خاطر کیش وزیر در خانه $h4$ به وضوح اشتباه است.

3...e4

این حرکت ضمن ایجاد مزاحمت برای خروج اسب سفید مانع باز شدن ستون f می‌گردد و حال اگر سیاه برای معدوم نمودن پیاده $d5$ سفید به جای حرکت متن $c6$ را که به حرکت نیمزویج معروف است انجام دهد، طی ادامه زیر سفید برتری می‌یابد.

3...c6 4.Cc3(4.PxP CxP 5.d3 Fe5

(با برتری پوزیسیونی برای سیاه

4...c6xd5 5.f4xe5 d4 6.Ce4 Dd5 7.Fd3 Cc6 8.De2 Ch6

9.Fc4 Da5 10.Cf3 Fg4 11.Cd6+

درحالی که سوارهای سیاه دچار وضعیتی ازهم گسیخته هستند ، سوارهای سفید متمرکز و تهاجمی اند .

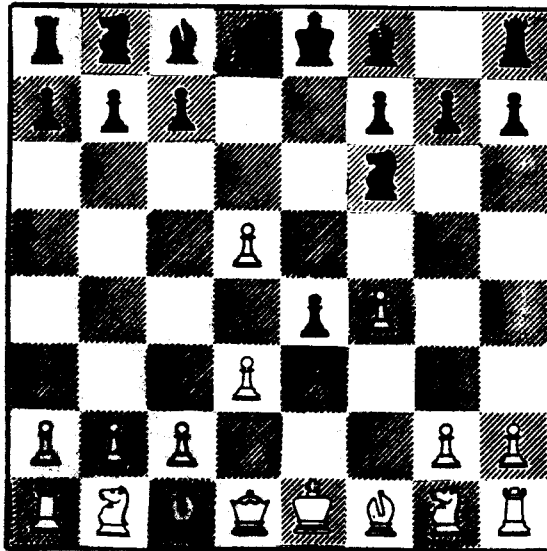
4.d3

سفید درصدد است که با نابود کردن پیاده سیاه از فشار او بکاهد . ادامه :

(4.Cc3 Cf6 5.De2 Fe7)

به نفع سفید نیست چرا که سیاه از فرصت استفاده کرده و ضمن حفظ پیاده به گسترش پرداخته و با قلعه رفتن امتیاز اشغال ستون e را بدست می آورد .

4...Cf6



حال در پاسخ این حرکت سفید دو راه پیشرو دارد یا اینکه بدون معطلی پیاده مزاحم سیاه را بگیرد و یا با حرکت اسب به خانه c3 و یا d2 بر پیاده فشار جدیدی وارد سازد : ابتدا به ادامه 5.PxP می پردازیم :

5.PxP CxP 6.Cf3(6.De2 Dxp 7.Cd2 f5 8.g4 Cc6 ! 9.PxP Cd4 !

10.DxC+ DxD+ 11.CxD Cxc2+ 12.Rd1 CxT 13.Cg3 Fd7

14.Fg2 0-0-0 15.Fd2 Fb4 !

(حال اگر سفید 16.FxF کند با 16...Fa4+ روبرو می شود)

6...Fc5 7.De2 Ff5 8.Cc3

ادامه 8.g4 می‌تواند سیاه را از یک سوار محروم کند ولی طی ادامه زیر:

(8.g4 0-0!

چرا که در صورت عقب‌نشینی به g6 نیز با f5 سفید روبرو می‌شود ولی سیاه با حرکت متن
بمازای یک سوار ازدست داده مقدمات یک حمله سخت را تدارک می‌بیند.

9.PxF Te8

حال وزیر سفید سخت تهدید می‌شود. و اگر چنانچه سفید درصدد نجات وزیر برآید،
شاه مورد تهاجم سوارهای سیاه قرار خواهد گرفت، (چه با حرکت دادن خود وزیر و چه
با پوشاندن ستون e توسط اسب!)

8...De7 9.Fe3 FxF

(9...CxC 10.FxF CxD 11.FxD CxP 12.Fa3!)

10.DxF CxC 11.DxD+ RxD 12.PxC Fe4 13.Cg5! Fxd5 14.0-0-0

وضعیت سفید فعالتر و بهتر است و اگر چنانچه سیاه 14...Fxa2 کند. با 15.c4 روبرو
شده و فیل محبوس می‌شود.

اینک بار دیگر به حرکت پنجم سفید بازگشته و امکان بعدی را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

پیش از این گفتیم که سفید در این جا می‌تواند جدا از مبادله پیاده‌ها با راندن اسب

خود به c3 و d2 بر پیاده سیاه فشار جدیدی وارد سازد. که در این میان حرکت 5.Cc3

به‌خاطر 5...Fb4 برای سفید چندان خوب نیست و حرکت 5.Cd2 بهتر است. چرا که
امکان استفاده از خانه f3 و c4 را برای وی بوجود می‌آورد.

5.Cd2 PxP

اگر چنانچه سیاه با حرکت 5...Ff5 درصدد حفظ پیاده برآید، آنگاه سفید طی ادامه
زیر بازی بهتری پیدا می‌کند:

(6.PxP CxP 7.De2 De7 8.Cf3 Cd7 9.Cb3 0-0-0 10.Fe3 Db4+

11.c3 Da4 12.Db5)

6.FxP CxP

ادامه زیر برای سیاه چندان خوب نیست:

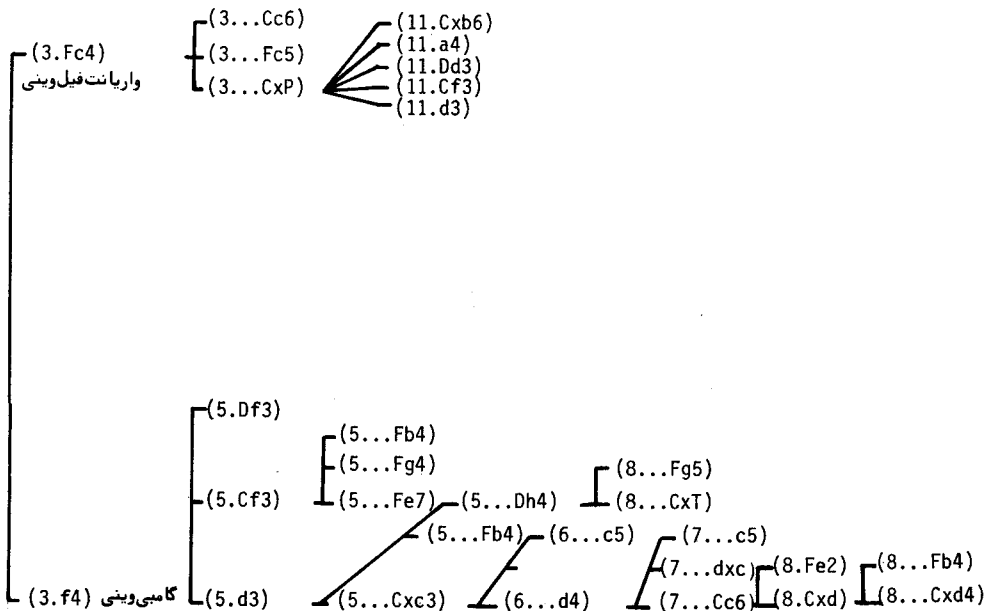
(6...DxP 7.Cg-f3 Fc5 8.De2+ De6 9.Ce5 0-0 10.Ce4 CxC

11.DxC g6 12.b4) 7.Cc4 Fe7 8.Cf3 c6 9.0-0 Fg4 10.De1

سفید وضعیت بهتر و فعالتری دارد.

گشایش وینی (Vienna Opening)

(1.e4 e5 2.Cc3)



2.Cc3

سفید به دنبال این حرکت به ظاهر آرام و غیرتهاجمی در نظر دارد تا با 3.f4 و یا 3.Fe4 به مرکز حمله کند.

2...Cf6

حرکت متن از 2...Fe5 که طی ادامه 4.d4 3.Cf3 d6 برتری مختصری را نصیب سفید می‌کند بهتر است. ادامه 2...Cc6 نیز که منجر به بازی تنیدی خواهد شد برای سیاه میسر است:

3.Fc4 Cf6 4.d3(4.f4 CxP 5.Cf3 Cd6!) 4...Fb4 5.Fg5 h6

6.FxC FxC+ 7.PxF DxF 8.Ce2 d6 9.0-0 g5 10.d4 h5

در ارتباط با حرکت متن و برای پاسخ بدان سفید می‌تواند یکی از دوره زیر را برگزیند و بر همین اساس این گشایش به دو شق واریانت فیل و گامبی وینی تقسیم می‌شود.

I) 3.Fc4 واریانت فیل

II) 3.f4 گامبی وینی

حرکت 3.g3 امکانات بهتری را در اختیار سیاه قرار می‌دهد مثلاً:

کولوبف - بیخوفسکی (مسکو ۱۹۶۴) اینگونه ادامه دادند:

3.g3 Fe5 4.Fg2 Cc6 5.Cf3 d6 6.d3 0-0 (6...Fg4 7.Ca4 Cd7

نیز برای سیاه خوب است.

7.h3 a6 8.0-0 Fe6 9.Rh2 h6 10.Fe3 FxF 11.PxF d5)

* * * *

واریانت فیل وینی

3.Fc4

سیاه در پاسخ به این حرکت سه امکان زیر را در اختیار دارد:

I) 3...Cc6

II) 3...Fc5

III) 3...CxP

بررسی اولین راه

3...Cc6 4.d3

پرنیز - اشتولتز (استکهلم ۱۹۵۲) چنین ادامه دادند:

4.f4!? CxP 5.Cf3 (5.CxC d5) 5...Cd6! 6.Fb3
 (6.Fd5!? PxP) 6...e4 7.De2 (7.Cg5 h6 8.CxP CxC
 9.De2 De7) 7...De7 8.Cg5 Cd4 9.De3 CxF! 11.Dh3 d5
 12.Cxd5 Dd1

سیاه ضمن دارا بودن برتری دو فیل از گسترش خوب و فعالی برخوردار است.

4...Fb4

ادامه زیر منجر به برتری سفید در مرکز می شود:

(4...Ca5 5.Cg-e2 CxF 6.PxC Fc4 7.0-0 d6 8.Dd3

9.Fg5 با تهدید

5.Cf3

طی ادامه

(5.Ce2 d5 6.PxP CxP 7.0-0 Fe6 8.FxC FxF 9.f4 0-0
 10.f5 f6 11.De1)

سفید شانسهای برای حمله در جناح شاه بدست می آورد ولی سیاه نیز ضمن دارا بودن برتری دو فیل از پوزیسیونی محکم و قابل دفاع برخوردار خواهد بود. آدامز در مقابل توماس (هاستینگز ۱۹۰۵) به جای حرکت متن، حرکت 5.Fg5 را انجام داد و نتیجه خوبی گرفت، ببینید:

(5.Fg5 h6 6.FxC FxC+ 7.PxF DxF 8.Ce2 Ce7 9.0-0 g5
 10.Cf3 h5!)

5...d6 (5...d5 6.PxP CxP 7.0-0! CxC? 8.PxC FxP? 9.Cg5!)
 8...Fc5 d4! و یا 8...Fe7 9.De1 Dd6 10.a4 0-0 11.Fa3 و یا

(با برتری سفید

6.0-0 FxC 7.PxF Ca5 8.Fb3 CxF 9.a2xc 0-0 10.c4

وضعیت سفید بهتر است. مثلا "لارسن - لنگیل (آمستردام ۱۹۶۸) چنین دنبال نمودند:

(10...De7 11.Cd2 Cd7 12.Dh5 Cc5 13.f4 PxP 14.TxP De5
 15.DxD PxP 16.Tf2 Ce6 17.Cf3 f6 18.Fe3 a6 19.Ch4 Fd7)

سفید بر دو ستون باز f و a نظارت داشته و با ساختمان خوب پیاده‌ای که در اختیار دارد می تواند با حرکات d4 و یا b4 وضعیتی بهتر در مرکز بدست آورد.

پیآمدهای دومین راه

3...Fc5 4.d3

حرکت 4.f4 به دلیل 5.d5 6.CxC CxP! 5.TxF CxP! 4...FxC! که منجر به برتری سیاه می‌گردد غلط است.

4...d6

جواب 4...Cc6 می‌تواند 5.Fg5, 5.Fe3 و یا 5.f4 باشد.

5.Df3 ?

در صورت 5.Ca4 پیشنهاد کرس این است :

(5...Fb4+! 6.c3 d5! 7.PxP Fd6)

وضعیت پیاده سیاه خوب و امیدبخش است و در صورت 5.Fg5 نیمزویج این ادامه را توصیه می‌کند :

(5.Fg5 h6 6.Fh4 g5 7.Fb3 Cc6)

که به وضعیتی تقریباً " برابر می‌انجامد .

5...Cc6 6.Cg-e2 h6 7.Fe3 FxF

سفید طی ادامه زیر نیز بختهای خوبی برای حمله بدست می‌آورد .

(7...Fg5 8Dg3 FxF 9.PxF Ca5 10.Fb3 CxF 11.a2xc 0-0

12.0-0 FxC 13.CxF Ch7 14.Cc3 Dd7 15.b4 a6 16.Cd5)

8.PxF Ca5 9.Fb3 CxF

لارسن در برابر پترسن (دانمارک ۱۹۶۴) چنین دنبال نمود :

(10.a2xc c6 11.0-0 0-0 12.Cg3 d5 13.PxP PxP 14.d4)

و وضعیتی فوالترو بهتری بدست آورد .

سومین راه سیاه برای انجام سومین حرکت :

3...CxP 4.Dh5

ادامه 4.CxC به دلیل جواب 4...d5 برای سفید خوب نیست و به برتری سیاه در مرکز می‌انجامد حرکت 4.FxP+ هم چنین ادامه‌ای را به دنبال دارد :

4.FxP+ RxF 5.CxC d5 6.Df3 Rg8 7.d4 Fe7(7...PxC 8.Dh3+

(و مات)

8.Dg3 Cc6

4...Cd6 5.Fb3 Cc6

ایوه با مهره سیاه درمقابل آلخین (۱۹۳۵) به جای حرکت متن چنین ادامه‌ای را برگزید و سفید برتری یافت.

5...Fe7 6.Cf6 (6.Dxe5 نیز ممکن است)
 6...Cc6 (6...0-0? 7.h4! Cc6 8.Cg5 h6 9.Dg6) 7.CxP CxC
 (7...0-0 8.Cd5 Cd4 9.0-0 CxF 10.a2xc Ce8 11.De2 Ff6
 12.Cb4 یا 11.Cf6 Cc6!) 8.DxC 0-0 9.Cd5! Te8 10.0-0 Ff8
 11.Df4

درعین حالی که سوارهای سیاه غیرفعال و در تنگنا قرار دارند سفید وضعیتی خوب و فعال در اختیار دارد.

6.Cb5 g6 7.Df3 f5 8.Dd5 De7 9.CxP+ Rd8 10.CxT b6
 سیاه با دادن این قربانی تفاوت سعی دارد تا بختهای را برای حمله بر علیه شاه و وزیر سفید بدست آورد. اوریف - بیلچیف (بلغارستان ۱۹۷۱) چنین ادامه دادند:
 (10...Fh6 11.d3 FxF 12.TxF Te8 13.Fa4 e4 14.d4 b5
 15.Fxb5 Cxd4 16.Fa6 Dg5 17.Ce2 CxC 18.Da5 Re7
 19.RxC Dg4+ 20.Rf1 Df4 21.Te1 سفید (با برتری سفید)
 درمقابل حرکت متن، سفید این امکانات را در اختیار دارد:

I) 11.d3

II) 11.Cxb6

III) 11.a4

IV) 11.Dd3

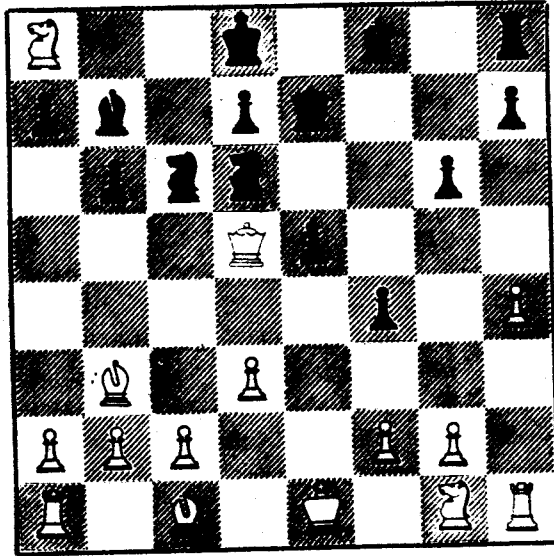
V) 11.Cf3

در صورت I) 11.d3:

11.d3 Fb7 12.h4

در پی ایجاد چنین وضعیتی هانسن و نانن (۱۹۷۴) اینگونه ادامه دادند:

12...f4



گیرشبرگ با مهره سیاه در مقابل ویل لینر (۱۹۷۳) موفق شد طی ادامه:

12...h6 13.Df3 Cd4 14.Dg3 f4! 15.Dxg6 Th7 16.Th2
 (16.c3 Tg7 17.Dh5 c4 f5) 16...Tg7 17.Dh5 Fxg2 18.Cxb6
 (18.c3 Fxa8 19.Rf1 Txg1 20.Rxg1 Cf3) 18...Fc6 19.Cd5
 Txg1+ 20.Rd2 Cxb3+ 21.axb Fxd5 22.Ta5 Ce4! 23.dxe Db4+
 برتریهای بدست آورد.

13.Df3 Fh6 14.Dg4?

منظور سیاه کاملاً "روشن و واضح" است. او می‌خواهد ستون e را باز نموده و شاه به قلعه نرفته را دچار مخاطراتی سازد و سفید بدون توجه به چنین خطری حرکت متن را انجام داده و به همین دلیل غلط است. ادامه بهتر می‌توانست این باشد:

14.Ce2 Cd5 15.Dh3 CxC (15...e5 16.CxC PxP+ 17.Ce6+!)
 16.RxC f3+ 17.PxP FxF
 14...e5! 15.FxP PxP+ 16.Rf1 FxF 17.DxF Tf8

سیاه تمایلی به تعویض وزیرها ندارد چرا که در اینصورت حمله‌اش ناتمام می‌ماند از اینرو او با راندن رخ به f8 با حرکت 18.Dg5 سفید که منجر به آچمز شدن وزیر و در ادامه مبادله آنها می‌شود مقابله می‌کند. سیاه این ادامه را در نظر گرفته که اگر:

(18.Dg5 TxP!+ 10.RxT Ce4+)

این نمونه‌ای از دفاع فعال است. سیاه با حرکت اخیر خود ضمن دفاع، دست به حمله نیز زده است.

18.Dg3 Ce5 19.Dc7+ Re8 20.Ch3

(20.Cf3 Cd2+ 21.Cg1 TxC! 22.PxT CxP+ 23.Rg2 De4

24...Ce4 با امکان

در صورت 20.f3 نیز سیاه با 20...Dc5 جواب خواهد گفت:

20...CxP! 21.CxC De2+ 22.Rg1 DxC+ 23.Rh2 Dxh4+

24.Rg1 Dd4+ 25.Rh2 Ce5 26.Th-f1 Cg4+ 27.Rg3

(27.Rg1 FxP+ 28.RxF Ce3+ و ظرف چند حرکت آتی مات می‌کند

27...De3+ 28.RxC h5+ 29.Rh4 g5+ 30.Rxh5 Th8+ 31.Rg6 Fe4+

32.Tf5

سفید رخی را که در حرکت دهم گرفته بود، اینک پس از ۲۲ حرکت تقریباً "اجباری بازپس می‌دهد تا شاید مغری بیابد ولی:

32...FxT+ 33.RxF Tf8+ 34.Rg6 De4+ 35.Rg7 De7+ 36.Rg6 Df6+

37.Rh5 Dh8+ 38.Rg4 Dh5+ و مات

در صورت II)11.Cxb6

II)11.Cxb6 PxC 12.Df3 Fb7 13.d3

چستیافک - دژانویف (۱۹۶۵) چنین ادامه دادند:

(13.Dd1 Cd4 14.Rf1 Dg5 15.f3 f4 16.c3 C4-f5 17.d3)

چستیافک - استرین (لنینگراد ۱۹۵۷) چنین ادامه داده بودند:

(17.Ch3 Dh5 18.De2 Ch4 19.Cf2 Cxf3)

17...Fg7 18.Ch3 Dh5 19.Cf2 Tf8 20.De2 Ch4 21.Ce4 Cd-f5

با امکاناتی مناسب برای حمله

13...Cd4 14.Dh3

اینک سیاه دو ادامه 14...f4 a) و 14...e4 b) را در اختیار دارد. در صورت

ممکن است بازی چنین ادامه یابد:

14...f4 15.c3 C4-f5

گورا - توت (۱۹۶۵) چنین ادامه دادند:

15...e4 16.Fxf4 exd+ 17.Fe3 d2+ 18.Rxd2 Ce4 19.Re1 Cf5
 20.Ce2 Fg7 21.Fxb6+ Rc8 22.Dd3 Te8 23.Td1 Cf-d6
 24.f3 Dh4+ 25.Rf1 Tf8 26.Rg1

سفید قدرت مقابله با حمله را دارد .

روخلی چک - دیمترین (۱۹۵۶) اینطور ادامه دادند :

15...f3 16.gxf C4-f5 17.Fe3

با برتری سفید

16.Fd2 h5 17.0-0-0 g5 18.f3 Fg7 19.Ce2 g4 20.Fxg hxg
 21.Dxg4 Th4 22.Dg6

اینک سفید یا می‌بایست وزیر خود را با رخ معاوضه نماید و یا با تکرار حرکت بازی را به تساوی بکشاند، اما سفید می‌تواند در مقابل 14...f4 حرکت 15.Fd2 را برگزیند که در آن صورت ممکن است طی ادامه زیر ضمن بازپس دادن مهره‌های گرفته شده از پوزیسیونی بهتر برخوردار گردد :

15.Fd2 g5 16.0-0-0 h5 17.f3 Fg7 18.g4 hxg 19.Dxg4 Th4
 20.Dg2 g4 21.Df2 Rc7 22.Te1 Fxf3 23.Cxf3 Cxf3 24.Fxf4

اما پس از 14...e4 می‌تواند اینگونه باشد :

14...e4 15.Fe3 (15.Rd1 Fg7 16.Fe3 Te8 17.Rd2 Fe5
 18.f4 exf 19.Cxf3 Cxf3 20.gxf Cxc3)
 15...exd 16.0-0-0 Cxc2 17.Fxb6+ (17.Txd3 Cxe3
 18.Txe3 Ce4)

17...Re8 18.Dxd3 Fh6+ 19.Rb1 Fe4 20.Fxc2 Fxd3 21.Fxd3 Fg7
 22.Fc5 De5 23.Fa3 Ce4 24.Cf3 Df6 25.Fb5 ! Db6 26.Txd7 Cc3+
 (26...Dxb5 27.Txg7 28.Tc1 (و سپس 27.Ra1 Cxb5 28.Txg7
 Cxa3 29.Tc1! Rf8 30.Td7 Re8 31.Ce5 Db8 32.Te7+!

در صورت III)11.a4

III)11.a4

برنیس - پی تیج (۱۹۵۲) چنین ادامه دادند :

11...Fb7 12.a5 Cd4 (12...Cxa5 13.Txa5 Fxd5 14.Txd5)
 13.Dxb7 Cxb7 14.axb a5 (14...axb 15.Cxb6

(با امکان Ta8+ و سپس Cd5+)

15.Ce2 Cxb3 16.Cxb f4 17.0-0 f3 18.gxf Df6 با امکاناتی بهتر
در صورت IV)11.Dd3

IV)11.Dd3

فیلیپ - کی لیر (۱۹۷۴)

11...Fb7 12.Ce2 Fxa8 13.Cc3 f4 14.Ce4 Cd4 15.Cxd6 Dxd6
16.f3 Fg7 17.0-0 Te8 18.Te1 Fc6 19.Rh1 Df6! 20.Df1 Dh4
21.Te4 Fxe4 22.fxe f3! 23.d3 Ce2!

و سفید به خاطر ادامه

(24.Dd1 fxg+ 25.Rxg2 Dg4+ 26.Rf2 Tf8+ 27.Re1 Dg1+)

تسلیم شد.

در صورت V)11.Cf3

V)11.Cf3 Fb7 (11.e4 12.Cd4 Cb4 13.Ce6! Dxe6 14.Dd4 Dxb3
15.Df6) 12.d4 Cxd4 13.Fg5 Cxf3 14.Dxf3 Dvg5 15.Fd5 e4
16.Db3

چرنی شوف - کوزین (مسکو ۱۹۵۷) چنین ادامه دادند:

(16.Dc3 Fxd5! 17.Dxh8 De7 (با برتری سیاه)

16...Fxd5

ادامه:

(16...Fa6 17.Dc4 Fh6 18.Dd4 Te8 19.g3 Dg4 20.c4 e3
21.f4 Cc4 22.Df6)

به وضعیتی برابر می انجامد اما در صورت

16...Fh6?! 17.0-0 f4 18.Fxb7 f3 19.g3 Dg4 20.Dc3 Tf8
21.Dc7 Re8 22.Dxd6 Dh3 23.Cc7 Rf7 24.Fd5 Rg7 25.De5 Tf6
26.De7

سفید وضع بهتری خواهد داشت.

17.Dxd5 Dvg2 18.0-0-0 Fh6+ 19.Rb1 Ff4 20.Dd4 Te8 21.Da4!
(21.Dc3 e3 22.fxe Fe5)

با امکاناتی تقریباً برابر

گامبی وینی (Vienna Gambit)

3. f4

کم و بیش با منظور و ایده این حرکت در گامبی شاه آشنا شده‌اید، در این واریانت نیز سفید با همان ایده انحراف پیاده‌های مرکزی سیاه و باز و اشغال نمودن ستون f ضمن ایجاد تهدیداتی در جناح شاه قصد تسخیر مرکز را دارد.

3...d5!

حرکات 3...PxP و 3...d6 به دلیل ادامه‌های زیر خوب نیستند:

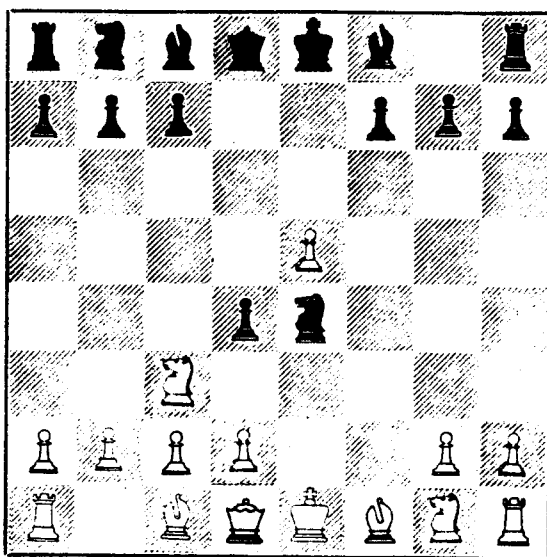
3...PxP? 4.e5 De7 5.De2 Cg8

گوی که سیاه به جای پنج حرکت سه حرکت انجام داده:

3...d6? 4.Cf3 Cc6 5.Fc4

* * * *

4. f4xe5 CxP



اینک سفید به سه طریق می‌تواند بازی را ادامه دهد: این راهها عبارتند از:

I) 5.Df3

II) 5.Cf3

III) 5.d3

در صورت I) 5.Df3

I) 5.Df3 Cc6 6.Fb5

بوروش در مقابل لیلیانتال به جای حرکت متن، اشتباه 6.CxC را مرتکب شد و بازی چنین ادامه یافت:

6...Cd4 7.Df4

ادامه 7.Dd3 نیز به نفع سفید نیست چرا که با 8.DxP Ff5 7...PxC روبرو می شود.
(6...PxC 8.Fc4 Ff5 9.c3 g5 10.FxP+ RxF 11.Df2 e3! 12.Df1
سفید نمی تواند پیاده را بگیرد چرا که با کیش اسب در c2 روبرو شده و بازی را از دست می دهد اما بوروش پیاده را گرفت و چنین نتیجه ای عایدش گردید.

(12...PxP+ 13.Rd1 PxF=D+ 14.RxD g4

سفید تسلیم شد.

6...CxC 7.b2xc Dh4+ 8.g3 De4+ 9.DxD PxD 10.FxC+

(با برتری سیاه! 10.d4 PxPep 11.c2xd3 Fd7 12.d4 Cxe5)

10...PxP 11.Ce2 Fe7

با برتری سیاه

و اگر چنانچه سفید به جای 11.Ce2 حرکت 11.d4 را برگزیند باز سیاه طی ادامه زیر برتری خواهد یافت:

(11.d4 PxPep 12.c2xd3 Ff5 13.Re2

(و یک سوار نفع می کند! 13.d4? Fe4)

در صورت II) Cf3

II) 5.Cf3

در مقابل این حرکت سیاه سه پاسخ 5...Fe7 (a) 5...Fg4, b) 5...Fb4, c) را در اختیار دارد که در صورت 5...Fe7 ممکن است بازی چنین ادامه یابد:

a) 5...Fe7 6.d3 (6.d4 Fb4 7.Dd3 c5 8.PxP CxP 9.De3 Cc6....

10.Fb5 Ce6 11.a3 Fa5 12.b4 Fb6

باتوجه به پراکندگی سوارها و پیادگان سفید، سیاه وضعیتی بهتر دارد.

6...CxC 7.PxC 0-0 8.d4 (8.Fe2 (نیز میسر است

8...f6 9.Fd3 PxP 10.CxP Ff5

سیاه وضعیتی خوب و فعال دارد

b) 5...Fg4

اشیلیمان - فلیامبرگ (۱۹۱۴)

6.De2 Cc5 7.d4 Fxf3

(امکانات بهتری را در اختیار سیاه می‌گذارد !! Ce6...7)

8.DxF Dh4? 9.g3 Dxd4 10.Fe3! Dxe5?

(ادامه 10...Dd4 11.0-0-0 Ce6 12.Cxd5 Da5 درست بود)

11.0-0-0 c6 12.Cxd5 Cxd 13.Txd5 De6

در صورت 13...Dc7 ممکن بود بازی چنین ادامه یابد:

(13...Dc7 14.Ff4! Dc6 15.Fxb8 Txb8 16.Df4 Te8(16...Td8

17.Fb5!Dxb5 18.Te1 Fe7 19.Txe7!Rxe7 20.De5) 17.Fb5 Dxb5

18.Te1 Fe7 19.Txe7!! Rxe7 20.Dd6 Re8 21.Te5)

در صورت 14...Dc8 نیز چنین ادامه‌ای برتری سفید را تضمین می‌کرد.

14...Dc8 15.Fxb8 Txb8 16.Fb5 Re7 17.Te1 Ce6 18.Da3 Rf6

19.Tf1 Rg6 20.Dd3 Rh6 21.De3 g5 22.Txg5! Cxg5 23.Tf6

14.Fc4 De4 15.Fxc5!

(در صورت 15...DxD 16.Te1+ سیاه در چند حرکت دیگر مات می‌شود)

با برتری سفید

c) 5...Fb4

اشیلیمان - ویدمار (۱۹۲۶)

6.De2 Fxc3 7.bxc 0-0 8.De3! Cc6 (8...Fg4 9.Fe2 Cd7

10.0-0 Te8 11.c4! c6 12.Tb1)9.Fd3! f5 10.0-0 f4

11.De2 Cg5 12.Fa3! Cxf3 13.Dxf3 Tf7 14.Ta-e1 g5(14...Fe6

15.Dh5 g5 18.Fxh7 17.Dg6 Dxe6 (و سپس 15.e6 Tg7

16.Dh5 Ce7 17.Fc5 Cc6 18.e7 Cxe7 19.Fxe7 (19...Txe7

20.Dxg5)

و سیاه تسلیم شد

در صورت 5...d3(III):

III) 5.d3

c) 5...Cxc3, b) 5...Fb4, a) 5...Dh4 واریانتهای پس از 5.d3 عبارتند از

که در صورت 5...Dh4 a) ممکن است بازی چنین ادامه یابد:

a) 5...Dh4 6.g3 Cxg3 7.Cf3 Dh5 8.Cxd5
 (8.Tg1 Cxf1 9.Tg5 Dh3 10.Cxd5 Cxh2 11.Cxb2 Dh4!+
 12.Rf1 Dxb2 13.Cxc7+ Rd8 14.Cxa8 Fh3 15.Re1 h6

(با وضعیتی بهتر

پس از انجام حرکت متن از سوی سفید سیاه دو امکان 8...CXT و 8...Fg4 را در اختیار دارد، مثلاً "دوبوش گانف (۱۹۷۱) چنین ادامه دادند:

8...Cxh1 9.Cxc7+ Rd8 10.Cxa8 Fe7 11.Fg2 Fh4 12.Rf1 Cc6
 13.Fe3!

بارتیک در مقابل نیکولیس (هاستینگز ۱۹۶۴) به جای این حرکت 13.d4 را انجام داد که حرکت بدی نیست و می تواند حداقل برتری کمی را برای سفید تامین کند اما ادامه

13.Fxh1 Fh3 14.Fg2 Cxg2 15.Rxg2 Dg4 16.Rh1 Cd4
 17.Fg5 Fxg5 18.Cxd4 Dxd4 19.Df3 Dd7

به وضعیتی برابر می انجامد.

13...Fg4 14.d4 Rc8 15.c3 Rb8 16.De2 Cg3 17.hxg Fxg3
 18.a4 f6 19.Ff2 Ff4? 20.e6 Te8 21.De4 Df5 22.Dxf5 Fxf5
 23.d5

با برتری سفید

و اما اگر سیاه به جای 8...CXT حرکت 8...Fg4 را انجام دهد امکان چنین ادامه های پدید می آید:

8...Fg4 9.Fg2 (9.Cf4 Fxf3 10.Cxh5 Fxd1 11.hxg Ff3
 12.Th2 Cc6 (با امکاناتی مناسب

9...Cxh1 10.Cxc7+ Rd7

(10...Rd8 11.Cxa8 Cc6 12.d4! Fxf3 13.Dxf3 Dxf3
 14.Fxf3 Cxd4 15.Fg5!)

گرومادکا بر علیه روتلیو (۱۹۱۱) به جای این حرکت 15.Fxh1? را انجام داد و طی ادامه زیر برتری خود را از دست داد:

(15...Cxc2+ 16.Rd1 Cxa1 17.Ff4 Rc8 18.e6 fxe 19.Cc7 Rd7
 20.Cb5 a6 21.Cc3 Fd6 22.Fe3 Fxh2)
 15...Fe7 16.Td1 Fxg5 17.Txd4 Rc8 18.Tc4

با برتری سفید

11.Cxa8 Cc6

برای انجام حرکت دوازدهم، سفید دو ادامه 12.Fe3 و 12.d4 را در اختیار دارد که در هر دو صورت برتری با وی خواهد بود. مثلاً "میلز - باری (۱۹۳۸) چنین ادامه دادند:

12.Fe3 f6 (12...Fe7 13.Fxh1 Txa8 14.De2 Fh4 15.Rd2 Te8

17.Tf1) 13.a4 fxe 14.d5! با حمله‌ای قوی علیه شاه سیاه

12.d4 Fxf3 13.Dxf3 Dxf3 14.Fxf3 Cxd4 15.Fe4 Fc5 16.Fe3

حال اگر سیاه

(16...Txa8 17.Fxd4 Fxd4 18.Td1 Re6 19.Txd4 Rxe5 20.c3)

با برتری سفید

(18...Re7 16...Cxc2 17.Fxc2 Fxe3 18.Td1 Rc8) و یا اگر

19.Cc7 Fc5 20.b4 Fxb4 21.Re2 Tc8 22.Cd5 (با برتری سفید

19.Ff5 Rb8 20.Td7 Cf2 21.Re2 Fc5 22.b4 با برتری سفید

b) 5...Fb4 6.PxC Dh4+ 7.Re2 Fg4+ 8.Cf3 FxC 9.PxF PxP

10.Dd4! Fh5!(10...PxC+? 11.PxP می‌کند (و سفید نفع می‌کند

11.Re3! FxC 12.Fb5+ (12.PxF De1+ 13.Rf4 Dh4+ (و کیش دائم

12...c6 13.PxF

در اینجا مارکو پیشنهاد می‌کند که سیاه به دنبال این ادامه رود:

13...PxF 14.Dxe4 DxD+ 15.RxD Cd7

اما سفید از لحاظ کمی پیش و با وجود شاهش در مرکز پایان بازی خوبی خواهد داشت.

بنا به نظر و کوویچ ادامه زیر برای سیاه به مراتب بهتر است.

13...Dh6+! 14.Re2 Dh3 15.Td1 PxP+ 16.Rf2 DXP+

17.Re3 Dh6+

سفید نمی‌تواند خود را از کیشهای متوالی سیاه رها سازد و اگر بخواهد با گرفتن پیاده

اقداماتی در جهت فرار شاه به عمل آورد، در نهایت یا می‌باید به d2 فرار کند (البته

طی ادامه‌های فیل دیگر در d2 نخواهد بود بلکه به e3 نقل مکان می‌کند تا کیش را دفع

سازد) و یا به c4 که در هر دو صورت سیاه با قلعه رفتن و یا با گرفتن رخ و یا با گرفتن

فیل و کیش دادن نفع می‌کند و امکانات مساعدی برای دفاع و حتی امیدهای برای حمله

و برد بدست می‌آورد.

c) 5...Cxc3 6.bxc

در اینجا برای سیاه دو ادامه 6...c5 و 6...d4 وجود دارد که در صورت 6...c5 چنین ادامه‌ای ممکن می‌گردد.

6...c5 7.Cf3 Fe7 8.Fe2 Cc6

باوریاکوفسکی - میولر (۱۹۷۶) چنین ادامه دادند:

(8...0-0 9.0-0 f5 10.De1 f4 11.Rh1 Cc6 12.g3! fxg

13.Dxg3 Ff5 14.Tg1 Fg6 15.Cg5! Cxh7 (با تهدید

9.0-0 0-0

گاردنر - پرستیز ۱۹۵۵ چنین ادامه دادند:

9...Fe6 10.d4 c4 11.Tb1

10.De1

10...Tb1 در صورت ادامه

10.Tb1 Da5 (10...f6 11.d4 Dc7 12.exf Fxf6 13.dxc

(با برتری سفید

11.De1 f6 12.exf Fxf6 13.Fd2 Dxa2 14.Df2

برای سفید خوب است

10...f6! 11.Dg3 fxe 12.Cxe5

ادامه‌های

(12.Fg5!? Fxg5 13.Cxg5)

(12.Fg5!? Ff6 13.Fxf6 Dxf6 14.Cg5 Dg6 15.Txf8 Rxf8

16.Tf1 Rg8 17.Df2 Fe6 18.Fh5! Dxg5 19.Ff7 Rf8 20.Fxe6

به برتری سفید می‌انجامد ولی در پاسخ 12.Fg5!? سیاه پاسخ خوب! 12...Ff5 را خواهد داد.

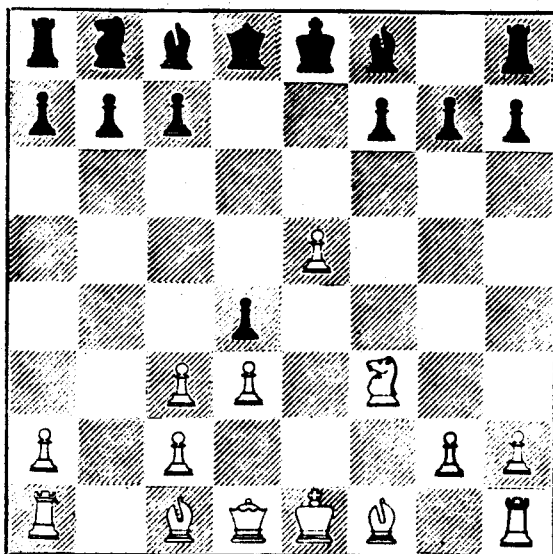
12...Txf1+ 13.Fxf1 Cxe5 14.Dxe5 Ff6 15.De1 Fd7

16.Tb1 Dc7 17.Fd2 Te8

با وضعیتی بهتر

و اما در صورت 6...d4 ممکن است بازی چنین ادامه یابد:

6...d4 7.Cf3



برای ادامه بازی سیاه سه ادامه $7...c5$ ، $7...dxc$ و $7...Cc6$ را در اختیار دارد.
در صورت $7...c5$:

$7...c5$ 8.Fe2 Cc6

پس از $8...Fe7$ ممکن است بازی چنین ادامه یابد:

$8...Fe7$ 9.0-0 0-0 10.De1 f6

کیوکالتی در مقابل ساکس (۱۹۷۴) چنین ادامه‌ای را برگزید.

($10...Cc6$ 11.Dg3 Rh8 12.Cc5)

و با حمله سختی از سوی سفید روبرو شد.

11.Dg3

به نظر می‌رسد که سفید با گرفتن پیاده f6 می‌تواند خطراتی را متوجه قلعه سازد و لیکن سیاه طی ادامه زیر می‌تواند حمله را دفع کند:

($11.e5xf6$ FxP 12.Dg3 Cc6 13.Fg5 Ce7!)

11...Rh8

حرکت $11...Cc6$ نیز برای سیاه ممکن است ولیکن ادامه $11...f6xe5$ برای سیاه نتایج زیانبارتری را به دنبال خواهد داشت مثلاً "بکرز - دنکینز (۱۹۵۹) چنین ادامه دادند:

($11...fxe$ 12.Fh6 13.Cg5! ($13.Cxe5$ Fxe5 14.Dxe5 Tf6)

15.Fxg7 (نیز ممکن است)

13...De7 14.Ff3!Rh8 15.CxP!PxP(15...RxC 16.Fe4+

(و به دنبال آن 17.Dg6))

16.CxT DxC 17.Fd5 Cd7 18.Dg6 Dg7 19.De8+ Cf8 20.TxF

و سیاه تسلیم شد اگر چنانچه سیاه در حرکت چهاردهم به جای راندن شاه به h8 با پیاده
فیل را می‌گرفت باز حمله سفید غیرقابل مقاومت می‌شد:

(14...PxP 15.Ce6+ Rh8 16.CxT DxC 17.Fd5 Cd7 18.Tf3 Dg7 •
19.Ta-f1)

12.exf Fxf6 13.Fg5 Cc6 14.Fxf6 Txf6 15.Cg5! Fe6

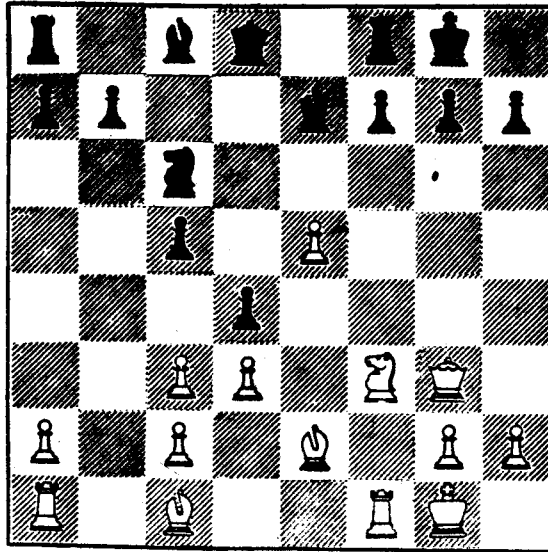
16.Txf6 Dxf6 17.Tf1 De7 18.Fb5 g6 19.Te1 gxh 20.Txe6 Dg7

21.Th6 Tg8! 22.h4 De7 23.Df4 Tf8 24.Txh7 Rg8 25.Txe7 Txf4

26.Txb7

با برتری سفید

9.0-0 Fe7 10.De1 0-0 11.Dg3



ساکس - چوکلیتا (۱۹۷۴) پس از ایجاد وضعیت فوق چنین ادامه دادند:

11...Rh8 12.Cg5 Fxg5 13.Fxg5 De8 14.fh5 dxc 15.Ta-e1 Cd4

16.Ff6 Tg8?(16...Ce6!) 17.e6! Fxe6 18.Fxd4 cxd

19.Fxf7 Dxf7 20.Txf7 Fxf7 21.Df4 Fxa2 22.Dxd4

و سیاه تسلیم شد.

اما نوسکوف - استولیار (لنینگراد ۱۹۶۶) چنین ادامه دادند:

11...f6 12.Fh6 Tf7 13.exf Fxf6 14.Cg5 Tf8 15.Ce4 Fe5
16.Ff4 Txf4 17.Txf4 Ff5 (17...dxc 18.Ta-f1 Ff5 19.Cxc5!g5
20.h4! 18.Cxc5 g5 19.Ta-f1 Rh8 20.Txf5 Fxg3
21.hxg dxc 22.Ce6 Db6+ 23.d4 Tg8

اینک سفید می‌تواند! 24.Tb5 را انجام داده و طی ادامه
وضعیت برنده‌ای بدست آورد.

در صورت 7...dxc:

7...dxc 8.Fe2 Cc6 9.0-0 (9.d4?! Fg4 10.Fe3 Fe7
11.0-0 Cb4)

9...Cd4 10.Cg5(10.Cxd4 Fc5)10...Fc5(10...Cxe2? Fc5
12.Rh1 0-0 13.Dh5)11.Rh1(11.Cxf7 Cf5 12.Rh1 Rxf7)
11...0-0 12.Fh5 Fe6(12...g6 13.Ce4 14.Fh6 Te8 15.Fg4)

با وضعیتی تقریباً برابر

در صورت 7...Cc6:

7...Cc6

در اینجا سفید دو ادامه 8.Fe2 و 8.cxd را در اختیار دارد که در صورت 8.Fe2 ممکن
است بازی چنین ادامه یابد:

پاولوف - فوگت (تفلیس ۱۹۷۴)

8.Fe2 Fc5 9.0-0 dxc+ 10.Rh1 0-0 11.De1 Cd4 12.Fd1

ادامه:

(12.Cxd4 Fxd4 13.Dg3 De7 14.Ff4 a5 15.Ff3 Ta6 16.Fe4 b5
17.Ta-e1 h6 18.Df3 c5 چندان نفعی برای سفید ندارد)

12...f6 13.Dxc3 Fb6(13...b6 14.Fa3! Fxa3 15.Cxd4 fxe
16.Ff3) 14.Fa3 با وضعیت بهتر

8.cxd

پس از این حرکت سیاه دو ادامه 8...Fb4 و 8...Cxd4 را در اختیار خواهد داشت

مثلاً " زووریک - واگین کنومت (۱۹۷۶) چنین ادامه دادند :

8...Cxd4 9.c3 Cxf3 10.Dxf3 Fe6 11.d4 Fd5 12.Dg3 Dd7
13.Fd3 g6 14.0-0 c5 15.Rh1 cxd 16.cxd Tc8? 17.e6! fxe
18.Fxg6 hxg 19.Dxg6 Rd8 20.Df6 Rc7 21.Dxh8 Fd6 22.Dh6

و سیاه تسلیم شد

8...Fb4+ 9.Fd2 FxF+ 10.DxF Cxd4 11.c3

فاس درمقابل کافاروف (لنینگراد ۱۹۷۷) با انتخاب ادامه زیر پیاده‌های خطرناکی را در مرکز مستقر ساخت :

(11.Df2 c5 12.c3 Cxf3 13.gxf Dd5 14.d4 cxd 15.cxd Ff5
16.Fg2 Tc8 17.0-0 Tc2 18.f4 Dc4 19.De3)

11...Cxf3

فیلیپس درمقابل پریزنت (۱۹۷۳) با ادامه! 11...CxC+ 12.PxC Dd5 مشکلاتی را برای سفید فراهم آورد .

12.gxf Dh4 13.Df2 Df4 14.Dg3 De3 15.Fe2 Ff5

(15...g5 16.f4!) 16.f4 Db6 17.d4

با وضعیتی بهتر

* * * *

گشایش فیل (Bishop's Opening)

(1.e4 e5 2.Fc4)

2.Ff4 Cf6

جوابهای Cc6 و Fc5 هم برای سیاه خوب است، البته این پاسخها ممکن است بازی را به یکی از واریانتهای بازی ایتالیایی و یا دفاع دواسب بکشاند. حال اگر سفید 3.Cf3 کند باز احتمال کشانده شدن بازی به یکی از دو واریانت فوق می باشد و در صورت 3.Cc3 هم یکی از واریانتهای گشایش وینی بوجود می آید و چنانچه سفید تمایلی به ادامه های فوق نداشته باشد و هیچیک از این حرکات را برگزیند دو راه پیش رو خواهد داشت :

یا 3.d3

و یا اینکه 3.d4

ادامه 3.d3 ممکن است بدینصورت باشد :

3.d3 c6

هارتستون - کلارک (لندن ۱۹۷۳)

4.Cf3 Fe7 5.0-0 (5.CxP?? Da5+) 5...d6 6.Cb-d2 0-0

7.Te1 Cb-d7 8.c3 b5 9.Fb3 a5

با امکاناتی تقریباً " برابر

و اینک 3.d4

3...e4xd4 4.Cf3(4.e5 d5 5.Fb5+ Fd7) 4...Cxe4

حرکت Cc6 هم برای سیاه ممکن است. این حرکت بازی را به دفاع دواسب می کشاند.

5.Dxd4 Cf6 6.Fg5 Fe7 7.Cc3 Cc6 8.Dh4 d6 9.0-0-0 Fe6

وضعیت سیاه مطمئن و رضایت بخش است.

* * * *

مجموعه دفاعهایی که در آنها سیاه حرکتی غیر از e5...1 را انجام میدهد.

تمامی گشایشهای را که تا بدینجا مورد بحث و بررسی قرار داده‌ایم، حرکات (1.e4 e5) را به همراه داشتند و اینک پس از پیمودن راهی پرپیچ و خم و نسبتاً طولانی قصد معرفی مجموعه دفاعهای را داریم که در آنها سیاه در مقابل اولین حرکت سفید (1.e4) حرکتی غیر از (1...e5) انجام داده و از معضلات آنگونه گشایشها می‌رهد. اما این حرکات خود پیچیدگیهای دیگری را سبب می‌گردند که ما پس از این مقدمه کوتاه به بررسی آنها خواهیم پرداخت:

این دفاعها عبارتند از:

- | | |
|------------|--------------------|
| 1) 1...d5 | (دفاع اسکاندیناوی) |
| 2) 1...c5 | (دفاع سیسیلی) |
| 3) 1...c6 | (دفاع کاروکان) |
| 4) 1...e6 | (دفاع فرانسوی) |
| 5) 1...d6 | (دفاع پیرک) |
| 6) 1...g6 | (دفاع مدرن پیرک) |
| 7) 1...b6 | (دفاع فیل وزیر) |
| 8) 1...Cf6 | (دفاع آلخین) |
| 9) 1...Cc6 | (دفاع نیمروبیچ) |

همانطور که اشاره شد، سیاه با انتخاب هر یک از حرکات فوق به عنوان اولین حرکت از کلیه پیش برنامها و امکاناتی که با 1...e5 برای سفید بوجود می‌آید می‌رهد.

دفاع اسکاندیناوی (Scandinavia Defences)

(1.e4 d5)

1...d5

این حرکت که معرف دفاع قدیمی اسکاندیناوی است، مشکلاتی برای سیاه بوجود آورده و نهایتاً "به نفع او نیست".

2.PxP

اینک سیاه دو ادامه زیر را در اختیار دارد:

a) 2...DxP

b) 2...Cf6

(a) واریانت 2...DxP

2...DxP

سیاه با این حرکت از لحاظ زمان دچار عقب ماندگی گشته و امکانات گسترشی مناسبی را در اختیار سفید قرار می دهد.

3.Cc3 Da5

(3...Dd8 4.d4 g6

میسی در برابر یکی از رقبای خود (نورنبرگ ۱۸۹۵) که به جای حرکت 4...g6 حرکت 4...Cc6 را برگزیده بود چنین پاسخ داد:

(5.Cf3 Fg4 6.d5 Ce5? 7.CxC!! FxD 8.Fx5+ c6 9.PxP

(و سیاه تسلیم شد)

5.Ff4 Fg7 6.Dd2!))

4.d4 Cf6 5.Cf3 Fg4 6.h3

10.Fc4 e6 9.0-0-0 Cb-d7 8.Fd2 Cb-d7 7.DxF c6 6...FxC حال ادر

(با برتری دو فیل و موقعیتی عالی

و یا اگر

6...Fh5 7.g4 Fg6 8.Ce5 c6 9.h4 Cc4(9...Fe4 10.Cc4 Dd8

11.Cxe4 CxC 12.c3 e6 13.Fd3 Cd6 14.Ce5 (با برتری سفید

10...Fd2 Db6 (10...Cxd2 11.DxC f6 12.Cxg6 hxg 13.Fd3 g5

(با برتری سفید

11.CxF CxC 12.FxC h7xc 13.Dd2 e6 14.0-0-0 Dc7 15.Te1

سفید وضعیت فعالتر و بهتری خواهد داشت

(b) واریانت 2...Cf6

2...Cf6 3.d4 CxP

اینک سفید می تواند با دو ادامه 4.c4 و 4.Cf3 بازی را دنبال کند. در مقابل 4.c4

اسب مجبور به عقب نشینی است و حرکت درست او این است که به f6 عقب بنشیند که

در مقابل سفید می تواند با 5.Cf3 پاسخ گفته و وضعیتی عالی بدست آورد و اگر چنانچه

سیاه در حرکت چهارم اسب را به b4 براند سفید می بایست با 5.a3 پاسخ گوید نه با

5.Da4+ چه در آن صورت دچار مشکلاتی می گردد. در سال (۱۹۱۰) رهسود در مقابل

زیتروتیز به طمع گرفتن یک سوار در مقابل 4...Cb4 حرکت 5.Da4+ را انجام داد و بازی

چنین ادامه یافت:

6...b5 7.DxP (5...Cc6 6.d5 (6.a3 Ca6 7.d5 Cc5!))

7...Cc2+ 8.Rd2 Fd7 9.PxC Ff5+10.Dd5 Cb4!

11.DxD+ TxD+ 12.Rc3 Cc2 13.Ff4 e5 14.FxP Fb4+ 15.Rb3 Tb8

16.Fxc7 0-0! 17.FxT TxF 18.a3 FxP+ 19.Rc3 (19.Ra4 Tb4+

(و به دنبال آن Cd4

19...Fb4+ 20.Rb3 Fd2+ 21.Ra4(21.Ra2 Fc1!) 21...Tb4+

22.Ra5 Cd4! 23.CxF

23...Tb5+

و در حرکت بعد مات

در صورت 4.Cf3 سیاه دو ادامه در اختیار دارد، که هر دو منجر به برتری سفید خواهد شد.

ادامه اول

4...g6 5.h3! Fg7 6.c4 Cf6 7.Fe3 0-0 8.Cc3 Cc6 9.Dd2

ادامه دوم

4...Fg4 5.h3 Fb5 6.g4 Fg3 7.Ce5 Cd7 8.CxF h7xC 9.Fg2

با برتری سفید

* * * *

دفاع سیسیلی (Sicilian Defence)

(1. e5 c5)

1...c5

c5 و کشاکش پرماجرای دفاع سیسیلی ، از دومین حرکت سفید ، این دفاع به شاخه‌های متعدد تقسیم گشته و در ادامه مسیر نیز شما ، متوجه میزان پیچیدگی و تنوع این گشایش خواهید شد .

سفید برای اجرای دومین حرکت خود می‌تواند یک مورد از موارد زیر را انتخاب کند ولی پیشاپیش خاطرنشان می‌سازیم که در میان شش مورد زیر ، حرکت 2.Cf3 از همه متداولتر و بهتر می‌باشد و شعبات و شقوق آن نیز از همه بیشتر و متنوعتر است ، معهذا ، پیش از پرداختن به این شاخه اصلی ، به بررسی مختصر پنج مورد دیگر تحت عنوان گریز از سیسیلی پرداخته‌ایم که در واقع فتح بایی است بر حرکت 2.Cf3 :

1) 2.d4 (گامبی مورای)

2) 2.c3 (واریانت آلپین)

3) 2.b4 (گامبی سیسیلی)

4) 2.f4

5) 2.Cc3 (سیسیلی بسته)

6) 2.Cf3 (شاخه اصلی)

در آغاز ضروری است تا نکته‌ای را خاطرنشان سازیم و آن نکته این است که در شاخه‌ها

و شعب متنوع و گوناگون دفاع سیسلی قابلیت گذار از یک واریانت به واریانت دیگر وجود داشته و ممکن است. دو واریانت جدا از هم با انجام یک یا چند حرکت منجر به ایجاد پوزیسیونهای مشابه گردند و حتی بعضاً "مواردی اتفاق می افتد که اساساً" ما وارد محدوده گشایشهای دیگر می شویم و این مطلب باعث بروز پیچیدگیهای گشته و تفکیک برخی از واریانتها و مرزبندی میان آنان را غیرممکن می سازد، و در صورت ایجاد چنین مرزهای موضوع بغرنجتر می گردد، از اینرو مطالعه این فصل هم به لحاظ تنوع و هم به واسطه کثرت مطالب محتاج دقت و حوصله بیشتری است.

* * * *

گامبی مورای (The Morra Gambit)

2.d4 PxP

حال سفید سه امکان 3.c3 و 3.Cf3, 3.DxP را در اختیار دارد:
 در صورت 3.DxP سیاه با 3...Cc6 جواب گفته و کسب زمان می کند.
 در صورت 3.Cf6 نیز سیاه می تواند اینگونه پاسخ دهد:

3...Da5+(3...e5 4.c3!)

آندرسن در مقابل مورفی حرکت 3...Cc6 را انجام داد و بازی چنین ادامه پیدا کرد:

4.CxP e6 5.Cb5 d6 6.Ff4 e5 7.Fe3 f5 8.Cc3 f4
 9.Cd5! RxF 10.Cb-c7+ Rf7 11.Df3+ Cf6 12.Fc4 Cd4
 13.CxC+ d5 14.FxP+ Rg6 15.Dh5+ RxC
 16.PxP! Cxc2+ 17,Re2

و سیاه تسلیم شد چرا که:

17...g6 18.Th-f1+ Re7 19.Dxe5+ Rd7 20.CxT

و در حرکت بعد مات

و اگر چنانچه

20...De7 21.Df7+ Re8 22.DxF+ Dd8 23.Cc7+ Re7 24.De6+

و مات

4.Fd2 Db6 5.Ca3 Cc6(5...DxP? 6.Cc4!) 6.Cc4 Dc7

و اما در صورت 3.c3:

سیاه دوراه پیشرو دارد:

یا

3...PxP 4.CxP Cc6 5.Cf3 d6 6.Fb5

که حرکات 0-0 و De2 و Fc4 را به دنبال دارد، البته سیاه توانایی دفاع در مقابل این حمله را دارا می باشد و لیکن می باید شتاید و مرارتهای را نیز متحمل شود.

و یا اینکه

3...Cf6 4.e5 Cd5 5.PxP d6

که منجر به واریانت آلپین می‌شود (این واریانت ذیلاً "آورده شده").

* * * *

واریانت آلپین (The Alapin Variation)

2.c3

سیاه برای مقابله می‌تواند به یکی از دو ادامه زیر متوسل شود:

I) 2...d5 II) Cf6

حرکت 2...d6 به علت 3.d4 خوب نیست و حرکت 2...e6 ممکن است طی ادامه

3.d4 (3.f3 یا) d4 4.e5

بازی را به یکی از واریانتهای دفاع فرانسوی بکشانند.

واریانت اول آلپین

2...d5

این حرکت برای سیاه کمی تولید زحمت می‌کند.

3.PxP DxP 4.d4 Cc6 (4...e5 5.d4xe5 Dxe5+ 6.Fe6 Cf6

7.Cf3 Dc7 8.Ca3!)

5.Cf3 PxP

زاک، کراسنف (شوروی ۱۹۷۳) اینگونه ادامه دادند:

5...e6 (5...Fg4 Fe2) 6.Fd3 Cf6 7.0-0 Fe7 8.c4 Dd8

9.PxP 0-0 10.Cc3 FxP 11.Fg5 Fe7 12.De2 Da5 13.Ce4 CxC

14.FxF CxF 15.FxC f6 16.Tf-d1

با برتری مختصری برای سفید

6.PxP Fg4

(6...e5 7.Cc3 Fb4 8.Fd2 FxC 9.FxF e4 10.Ce5 CxC

11.PxC Ce7 12.e6!?)

با امکان 13.FxP و تهدید +Da4 و به دنبال آن Td1

7.Cc3! FxC

اگر سیاه وزیر خود را به سوی دیگر براند ، سفید امکان 8.d5 را پیدا می کند .

8.PxF Dxd4 9.DxD CxD 10.Cb5 !

حال چهار ادامه ممکن سیاه را پس از این حرکت مورد بررسی قرار می دهیم .

(10...0-0-0 11.CxC TxC 12.Fe3 Tb4)

سفید به ازای برتری دو فیل از آرایش پیاده های خوبی برخوردار نیست اما از سوی دیگر به لحاظ گسترشی از سیاه پیشی گرفته است .

اگر 10...Ce6 11.f4 a6 12.f5(12.0-0 0-0!?) PxC 13.FxP+ Rd8

14.PxC PxP 15.Fe3

فیل محبوس گشته و برای نجات او سیاه دچار زحماتی خواهد شد و سفید می تواند از فرصت استفاده کرده و با توجه به برتری دو فیل به پیروزی برسد .

اگر 10...Cc2+ 11.Rd1 CxT 12.Cc7+ Rd8 13.CxT e5 14.Fe3 b6

15.Fa6!

و سفید می برد

10...e5!?) 11.Cc7+ Rd7 12.CxT Fb4+

سیاه با قربانی تفاوت قصد بدست گرفتن ابتکار عمل را دارد ولیکن سفید می تواند با 13.Rd1 پاسخ گفته و همچنان در موقعیتی برنده باقی بماند .

واریانت دوم آلاین

چیپور دانیدزه - آندریوا (۱۹۷۳)

2...Cf6 3.e5 Cd5

این همان واریانتی است که در گامبی مورای بدان اشاره شد .

4.d4 PxP

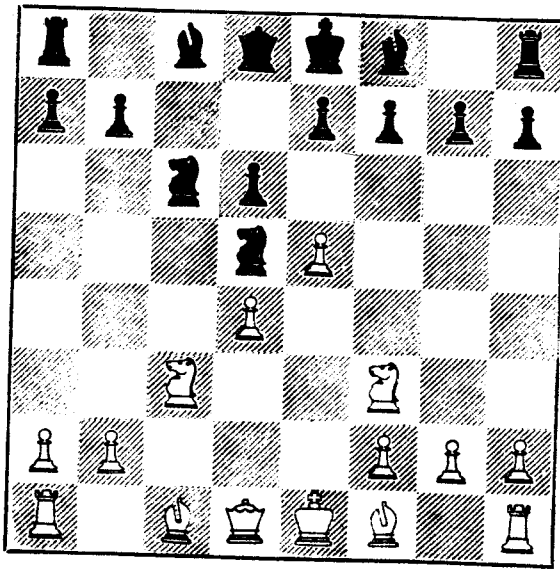
ادامه ! 4...e6 5.c4 Cc7 6.d5 d6

5.PxP (5.DxP e6 6.Cf3 (6.Fc4 Cc6 7.De4 d6!))....Cc6

7.De4 f5!?)

5...d6 6.Cf3 Cc6

7.Cc3



در صورت 7.Db3 دو ادامه زیر ممکن می‌گردد:

I) 7...PxP 8.CxP CxC 9.PxC e6 10.Cc3 Fb4 11.Fb5+ Fd7

12.0-0

با وضعیتی مبهم

II) 7...e6 8.Fb5 Fd7 (8...Fe7!?) 9.Cc3 CxC 10.PxC PxP

11.FxC FxF 12.CxP

با برتری سفید (و اگر چنانچه سیاه 12...FxF کند با 13.Db5+ روبرو خواهد

شد)

7...CxC?! 8.PxC PxP?

8...e6 می‌توانست بخت‌های را برای تساوی بوجود آورد.

9.d5! e4 10.Cg5! Ce5 11.Cxe4 Dc7

11...e6 نسبتاً "بهتر است".

12.Dd4 Fd7 13.Fa3 f6 14.d6! Dc6

15.PxP FxP 16.FxF RxF

17.Db5+ Rf7 18.f4 Th-e8 19.PxC

(19.Cd6? DxC! 20.DxD Ce4+)

19...TxP 20.0-0-0! TxC 21.TxF+ Re8 22.Te7+!
و سیاه تسلیم شد چرا که اگر TtT... 22 کند، سفید با 23.Fb5 وزیر را آچمز می‌گیرد.

* * * *

گامبی سیسیلی (The Sicilian Gambit)

2.b4 2...PxP

در اینجا نیز همچون بسیاری دیگر از گامبیا، سیاه می‌باید گامبی را پذیرفته ولی وقت خود را مصروف حفظ آن نسازد.

3.a3 d5!

گرفتن پیاده a3 به دلیل زیر درست نیست:

(3...PxP 4.CxP d6 5.Fb2 Cc6 6.d4)

4.e4xd5 DxP 5.Fb2

(با امکان گرفتن رخ a1 De5+ 5.PxP)

5...e5 6.PxP FxP 7.Cc3 FxC 8.FxF Cc6 9.Cf3 Cg-e7

10.Fe2 0-0 11.0-0 f6

سیاه ضمن برخورداری از پوزیسیونی محکم، یک پیاده نیز بیشتر دارد.

* * * *

سیسیلی بسته

2.Cc3 Cc6

تریفونوویچ با مهره سیاه در مقابل اسمیلوف (مسکو ۱۹۴۷) به جای حرکت متن چنین ادامه‌ای را برگزید:

(2...e6 3.g3 d5 4.PxP PxP 5.Fg2 Cf6(5...d4 6.De2+ Fe7

7.Cd5 (به نفع سفید)

6.d3 d4 7.Ce4 CxC 8.FxC Fd6 9.Dh5

و با مشکلاتی روبرو شد

3.g3 g6 4.Fg2 Fg7 5.d3

حال سیاه می‌تواند یکی از دو ادامه 5...e6 و 5...d6 را برگزیند :
در صورت 5...d6 6.f4

اسمیلوف در برابر اپوچنسکی (۱۹۴۶) چنین ادامه‌ای را برگزید :
(6.Cg-e2 e6 7.Fe3 Cd4 8.0-0 Ce7 9.f4 Tb8)
با وضعیتی برابر 6...f5! 7.Cf3 Cf6

سیاه فعلاً " مانع پیشروی پیاده سفید گشته و قصد دارد تا خود به‌حمله در جناح وزیر
دست زند ولی در مجموع امکانات برای هر دو طرف یکسان است .

در صورت 5...e6 6.Fe3 Cd4 7.Ce2 Ce7

7...CxC 8.CxC FxP 9.Tb1 Da5+(9...Fg7 10.FxP Da5+ 11.Fb4

با برتری سفید

10.Fd2 DxP 11.TxF DxT 12.Fc3 با برتری سفید

8.c3 CxC 9.CxC d6 10.0-0 0-0 11.Dd2 Te8

با امکاناتی برابر

واریانت 2.f4 :

این واریانت آنطور که باید مورد تجزیه تحلیل قرار نگرفته و کمتر مورد استفاده واقع

می‌شود و در اغلب مواقع با جابجا شدن حرکات به واریانتهای دیگر تبدیل می‌شود :

2.f4 Cc6 3.Cf3 d6 4.Fe2 g6 (4...Cf6 نیز میسر است 5.d3 Fg7
6.0-0

فیشر در مقابل لارسن (دنور ۱۹۷۱) چنین ادامه داد :

6...e6 7.Ca3 Cg-e7 8.c3 0-0 9.Fe3 a6 10.d4 PxP 11.CxP

(11.PxP f5) 11...b5 12.CxC CxC 13.Dd2

با امکاناتی برابر

* * * *

شاخه اصلی سیسیلی (Original Sicilian)

2.Cf6

یقیناً "گامبی مورای و حرکت 2.d4 را به‌خاطر دارید ، در آنجا این حرکت کمی
عجولانه بود ولی در این شاخه از دفاع سیسیلی که بسیار متنوع و گوناگون نیز می‌باشد ،
سفید با انجام حرکت دوم ضمن گسترش اسب و تقویت خانه d4 قصد دارد همان حرکت

d4 را انجام دهد و حال پاسخ سیاه می‌تواند یکی از حرکات زیر باشد :

I) 2...g6

واریانت دراگون

II) 2...d6

که به اشکال مختلف واریانتهای نایدروف، دراگون، شونینگن و ارتدکس منجر می‌شود

III) 2...e6

که بازی را به واریانتهای مختلفی چون شونینگن، ارتدکس، سوزین و غیره می‌کشد.

IV) 2...Cc6

واریانت ارتدکس

V) 2...Cf6

واریانت روبین اشتاین

* * * *

واریانت دراگون (Dragon Variation)

(1.e4 c5 2.Cf3 g6)

2...g6

در اغلب موارد این حرکت را پس از ادامه زیر :

(2...d6 3.d4 PxP 4.CxP Cf6 5.Cc3)

در پنجمین حرکت انجام می‌دهند (5...g6) که ما در بحث مربوط به واریانتهای 2...d6 مفصلاً "به آن خواهیم پرداخت. البته انجام این حرکت (g6) در مقام دومین حرکت نیز منجر به پوزیسیونی مشابه آنچه که فوقاً "آورده‌ایم می‌شود و فقط ترتیب ۲ حرکت d6 و g6 متفاوت است.

3.d4 PxP 4.CxP

حال اگر سیاه 4...Cf6 را انجام دهد سفید با 5.Cc3 جواب گفته و چنانچه سیاه در مقابل 5...d6 کند آنگاه پوزیسیونی مشابه وضعیتی که فوقاً آورده بودیم بوجود خواهد آمد، به همین واسطه ما این واریانت را دراگون و واریانتی را که در آن سیاه در حرکت پنجم اقدام به 5...g6 می‌کند را دراگون تعویقی می‌خوانیم، حال مروری خواهیم داشت بر حرکت 4...Cc6 (البته ما در اینجا اشاره‌ای گذرا و کوتاه‌ه‌ایم بر این واریانت داشته‌و بحث کامل و مفصلتری را در قسمت واریانت ارتدکس پیرامون این ادامه خواهیم داشت)

لارسن - فیشر (دنور ۱۹۷۱)

4...Cc6 5.c4 Cf6 6.Cc3 d6 7.Fe2 CxC 8.DxC Fg7 9.Fg5

Fg7 نیز میسر است (رجوع شود به بازی تال - آرونین)

باتونینیک در مقابل ماتولوویچ (بلگراد ۱۹۷۰) به جای این حرکت 9.Fe3 را برگزید و طی ادامه زیر نتیجه‌ای از آن نگرفت:

(9...0-0 10.Dd2 Fe6 11.f3 Da5 12.Cd5 DxD+ 13.RxD Cd7

14.Ta-b1 Ce5 15.Th-e1 Tf-c8 16.b3 Cc6 17.f4 f5)

9...h6 10.Fe3 0-0 11.Dd2 Rh7 12.0-0 Fe6 13.f4

سفید در صدد تدارک یک حمله است ولی او می‌بایست قبل از این حرکت 13.Ta-c1 را انجام می‌داد، اکنون امکانات طرفین تقریباً برابر بوده و سیاه با استقرار رخ در c8 وضعیت دفاعی خوب و مستحکمی بدست می‌آورد.

در صورت 5...Fg7:

تال - آرونین (ایروان ۱۹۶۳)

5...Fg7 6.Cc2 b6 7.Fe2 Fa6

این حرکت عجولانه است. سیاه می‌بایست به گسترش جناح شاه خود بپردازد.

8.0-0 Tc8 9.Cd2 Cf6

5...Ca5 (جواب 10.Ca3 را به دنبال داشته و بعد از آن سفید با 11.Tb1 تهدید 12.b4! را بوجود می‌آورد.

10.b3! Dc7

در صورت 10...CxP و 11...FxT سفید ضمن گرفتن فیل و اسب وضعیت بهتری بدست می‌آورد.

11.f4 0-0

وضعیت سفید اندکی بهتر است ولی پوزیسیون سیاه هم قابل دفاع است.

در آینده نزدیک و پس از به میان کشیدن بحث واریانت ارتدکس متوجه خواهید شد که دو بازی فوق شابهت‌های زیادی به یکی از واریانتهای دراگون پیش افتاده دارد. در دراگون پیش افتاده سیاه پس از:

(1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.d4 PxP 4.CxP)

حرکت 4...g6 را انجام می‌دهد.

(در مورد حرکت 4...Cf6 رجوع کنید به بحث بعدی که ذیلاً تحت عنوان 2...d6 می‌آید.)

واریانتهای پس از 2...d6 :

2...d6 3.d4

جدائی از حرکت معمول و متداول متن، سفید دو امکان دیگر را نیز در اختیار دارد که عبارتند از:

3.Fb5+ (لوپز سیسیلی) 3.b4 (گامبی معوقه سیسیلی)

* * * *

لوپز سیسیلی (Lopez Sicilian)

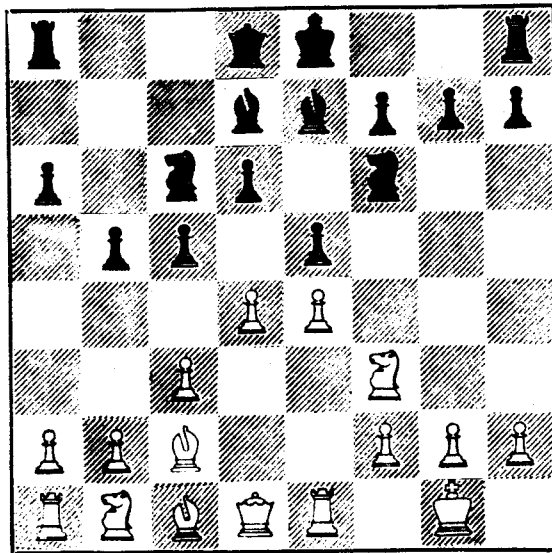
لاکونیس - میلیچ (وین ۱۹۵۱)

3.Fb5+ Cc6 (نیز میسر است Fb7) 4.O-O Fd7 5.Te1

یا (5.c3 Cf6 6.Te1 a6 7.Ff1 g6)

5...e5 6.c3 a6 7.Fa4 b5 8.Fc2 Fe7 9.d4 Cf6

با امکاناتی تقریباً برابر



همانطور که مشاهده می‌کنید این پوزیسیون شباهتهای زیادی به یکی از واریانتهای گشایش روی لوپز دارد و از همین رو به لوپز سیسیلی معروف است.

گامبی معوقه سیسیلی (Sicilian Gambit Deferred)

3.b4

سفید با این ادامه مشکلاتی را برای سیاه فراهم می‌آورد .

3.PxP 4.d4 Cf6 5.Fd3 d5 6.Cb-d2 PxP 7.CxP Cb-d7 8.Ce-g5

و سفید امکانات خوبی بدست آورده

حال بار دیگر به حرکت متن بازگشته و ادامه آن را پی می‌گیریم :

3...PxP

(در صورت ادامه 3...Cf6 نیز دیر یا زود بازی به مسیرهای اصلی کشانده می‌شود)

مثلا " کاریف - لیوبیوویچ (تورین ۱۹۸۲) اینطور ادامه دادند

3...Cf6 4.Cc3 PxP 5.CxP a6

و بازی به واریانت نایدروف منجر گشت ، در صورت 5...e6 و 5...Cc6 هم واریانتهای دیگری بوجود می‌آید که در ادامه این مطلب توضیحات کافی پیرامون آنها داده خواهد شد . و این پیرانتز صرفا " به واسطه آشنائی شما با احتمالات و امکانات جایجایی حرکات گشوده شده است) .

اکنون سفید در پاسخ به حرکت متن دوراه پیش رو دارد . یا می‌بایست پیاده را با وزیر بگیرد و یا با اسب ؛ البته 4.CxP حرکتی متداولتر می‌باشد ولی پیش از پرداختن به این حرکت معمول که به جرات می‌توان گفت در اکثر واریانتهای دفاع سیسیلی از آن استفاده می‌شود ، ذیلا " به حرکت 4.DxP می‌پردازیم :

4.DxP

این حرکت بسان بسیاری دیگر از حرکات که پیش از این تحت عنوان گامبی مورای - گامبی سیسیلی و غیره از آنها نام برده شده نشانگر پرهیز سفید است از ادامه‌های پریپیچوخم دفاع سیسیلی و تاوان این گریز از دست دادن یک تمپ با ارزش است چرا که سیاه اینگونه جواب می‌دهد :

4...Cc6 5.Fb5

سفید با این حرکت نشان می‌دهد که حاضر نیست چنین تاوانی را بپردازد .

5...Fd7 6.Fxc FxP

ولی سیاه برتری دو فیل را بدست می‌آورد، حال به دو ادامه ممکن سفید توجه کنید :

I) 7.c4

II) 7.Cc3

آندرسن در برابر بنکو (لاس پالماس ۱۹۷۲) حرکت 7.c4 را برگزید:

7.c4 Cf6 8.Cc3 g6! 9.0-0 Fg7 10.Dd3 0-0 11.Cd4

سفید قصد دارد تا ضمن بازپس گرفتن برتری دو فیل از طریق 12.f4 دست به یک حمله بزند.

11...Db6

سیاه وضعیتی مناسب و دفاعی مستحکم در اختیار دارد.

واسیوکف در مقابل تال (شوروی ۱۹۷۲) حرکت 7.Cc3 را برگزید ولی باز به جای نرسید:

7.Cc3 Cf6 8.Fg5 e6 9.0-0-0 Fe7 10.Th-e1 0-0

(10...Da5 11.Cd5!?) 11.e5! PXP 12.Dh4 Dc7 13.CxP Tf-d8

با وضعیتی برابر

اکنون پس از بررسی 4.DXP به حرکت معمول 4.CXP می پردازیم:

4.CXP Cf6

ایده اساسی دفاع سیسلی، در اختیار گرفتن ابتکار در جناح وزیر است، و سیاه قصد دارد که با اشغال ستون c به این مهم دست یابد و سفید هم بالطبع امیدوار است که این ستون را با حرکت c3 و یا c4 مسدود سازد. نمونه چنین تلاشی را در واریانتهای که پیش از این تحت عنوان دراگون آورده شد شاهد بودید. اینک دلیل منطقی حرکت اخیر سیاه بهتر روشن می گردد. وی با این حرکت ضمن حمله به پیاده e4 قصد دارد اسب سفید را به c3 کشانده و مانع حرکت پیاده گردد.

5.Cc3

انشقاق بازی به واریانتهای مختلف و متنوع از همین حرکت سیاه آغاز می شود، حال او می بایست از بین راههای زیر یک راه را انتخاب کند:

I) 5...g6 (تعویقی) واریانت دراگون

II) 5...a6 واریانت نایدروف

III) 5...e6 واریانت شونینگن

IV) 5...Cc6

(واریانت چهار اسب سیسلی) که به اشکال مختلف واریانت ارتدکس منجر شود.

دراگون تعویقی (Dragon Deferred)

(1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 PxP 4.CxP Cf6 5.Cc3 g6)

5...g6

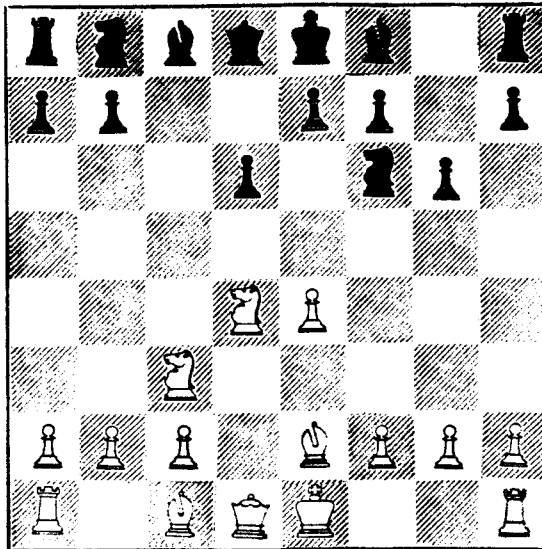
با این حرکت پیش از این آشنا شده‌اید، منتهی در مقام دومین حرکت سیاه، اینک سفید برای مقابله سه امکان زیر را در اختیار دارد که ما پس از معرفی، به بررسی هریک خواهیم پرداخت:

a) 6.Fe2 حمله استکهلم b) 6.Fe3 حمله یوگسلاو c) 6.f4 حمله لونیفیش

* * * *

حمله استکهلم (Stockholm Attack)

6.Fe2



سفید در صدد است که با گسترش جناح شاه و به قلعه رفتن، پیاده f را به پیش رانده و حمله‌ای را در این سازمان دهد که به حمله استکهلم مشهور است:

6...Fg7 7.0-0 0-0 8.Fe3 Cc6 9.Cb3

هنوز موقع 9.f4 فرا نرسیده سفید با حرکت متن از 9...Db6 و حمله در جناح وزیر ممانعت به عمل آورده و بعد از این تمهید می تواند 10.f4 را انجام دهد، اقدام به انجام بیموقع حرکت 9.f4 چنین ادامه ای را در پی خواهد داشت:

(9.f4 Db6! 10.Dd3 Cg4 11.Cd5(11.FxC FxC) 11...FxC!

12.CxD FxF+ 13.Rh1 FxC

حال سفید در مقابل گرفتن وزیر سه سوار از دست داده است. ادامه 10.e5 هم ره بجای نمی برد:

(10.e5 PxP 11.PxP CxP 12.Cf5 De6 13.CxF RxF)

اگرچه سفید برتری دو فیل را در ازای یک پیاده خود بدست آورده ولی سیاه نیز وضعیتی محکم با امکاناتی برای حمله متقابل در اختیار دارد.

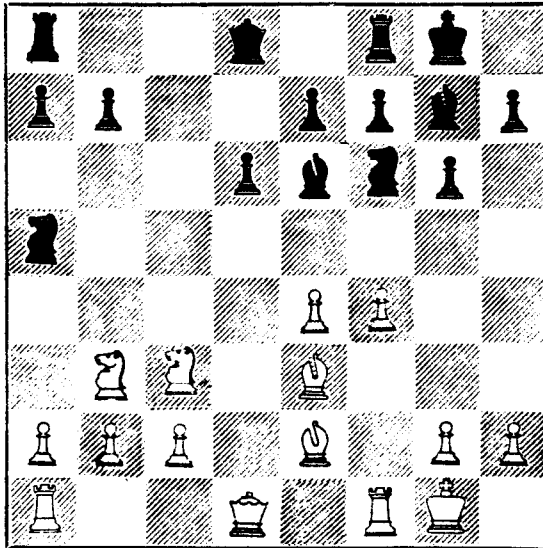
9...Fe6

این حرکت سیاه به منظور فراهم آوردن شرایط برای تعویض پیاده های مرکزی است تا از فشار احتمالی این پیاده ها به وقت حمله بکاهد.

10.f4

سفید حمله را آغاز کرده و سیاه نمی تواند در مقابل 10...d5 کند چرا که با 11.e5 روبرو خواهد شد.

10...Ca5



حرکت اخیر سیاه به منظور استقرار فیل در c4 بازی شده، اگر چنانچه سیاه بنا به پیشنهاد تارتاکوور حرکت 10...De8 را به منظور Fg4 انجام دهد این دو ادامه محتمل است:

یا 11.De1

یا 11.h3

پاخمن در مقابل گادالینسکی (۱۹۴۸) ادامه 11.De1 را انتخاب نمود و:

(11.De1 a5! 12.a4 Cb5 13.Cd4 Fg4 14.f5 Cd7)

سیاه در صورت 15.FxF می‌تواند با FxC و CxP مقابله نموده و موقعیت خوبی بدست آورد.

ماتونویچ در برابر گلر (بلغراد ۱۹۵۶) ادامه 11.h3 را برگزید و:

(11.h3 Td8 12.Ff3 Fc4 13.Tf2 e5)

با این حرکت سیاه قصد دارد خانه e5 را برای اسب خود بدست آورد. و حداقل استفاده او کسب برتری دو فیل است.

14.Td2 PXP 15.FXP Ce5 16.Rh2 Fa6 17.FxC PxF 18.TxT DxT

19.Cc5

سفید توانایی بازپس گرفتن برتری دو فیل را دارد و بالنتیجه امکانات طرفین برابر می‌گردد. و سیاه اگرچه در جناح شاه آرایش پیاده‌ای بهتری دارد ولی در جناح وزیر از وضعیت خوبی برخوردار نیست و سفید هم دقیقاً "به‌عکس در جناح شاه دچار ضعف در جناح دیگر قدرتمند است.

11.f5 (11.Cd4 Cc4 12.CxF CxF 13.CxD CxD)

ادامه 11.CxC نیز 11...DxC را دز پی داشته و بعد از آن سیاه با 12...Ta-c8 پوزیسیونی محکم برای خود ایجاد می‌کند.

11...Fc4 12.CxC

حرکت 12.g4! احتمالاً طی ادامه زیر به‌برابری وضعیت می‌انجامد:

12.g4!?! Tc8! 13.FxP! (13.e5 d6xe5!) 13...FxF 14.DxF Cc4

12...FxF 13.DxF

13.CxP FxD 14.CxD FxP برای سفید متضمن فایده‌ای نیست

13...DxC 14.Fd4!

کنوکس در برابر لیمون (انگلستان ۱۹۷۰) به امید حمله‌ای قوی در جناح شاه به‌جای حرکت متن 14.g4?! را انجام داد و بازی چنین ادامه یافت:

14...Ta-c8! (14...Cd7 15.Cd5 e6 16.f6 PxC 17.PxF Te8

18.Df2 Ce5 (نیز برای سیاه میسر است)

15.g5 TxC! 16.PxC

(سفید وضعیت بدی پیدا می کند 16.PxT CxP

16...TxF 17.DxT FxP 18.c3 Tc8

سیاه به وسیله قربانی تفاوت سفید را از حمله باز داشته و خود ابتکار عمل را بخصوص در جناح وزیر بدست گرفته است.

14...Ta-c8 15.Ta-d1 Cd7 16.FxF RxF 17.Rh1 Dc5 18.g4 h6

19.Td2

سفید حمله ای قوی در اختیار دارد و می تواند طی ادامه زیر سیاه را به تسلیم وادارد.

19...Cb6 20.Cd5 CxC 21.PxC Da5 22.PxP RxP 23.De4+ Rg7

24.Tg2 Db5 25.Tf-g1 Tc4 26.Dd3 Dc5 27.g5 h5 28.g6 f6

29.De2 e5 30.PxPep Dd5 31.e7 Te8 32.Td1

سیاه با e5...29 خود موفق شد تا حمله ماتی را به تعویق اندازد ولیکن اکنون سفید در جبهه های دیگر دست به حمله زده

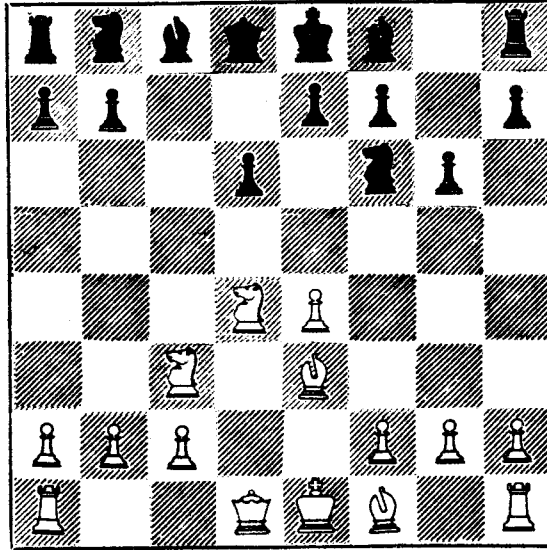
32...Td4 33.TxT DxT 34.Dxh5

و سیاه تسلیم می شود.

* * * *

حمله یوگسلاو (Yugoslav Attack)

6. Fe3



این شاخه به نسبت سایر شاخه‌های این واریانت، از همه پیچیده‌تر و در ضمن متداول‌تر می‌باشد. در این شاخه سفید قصد دارد پس از تمهیدات و مقدمه‌چینی‌های اولیه بلا درنگ به قلعه سیاه که به لحاظ اصول تئوریک توسط حرکت $g6$ مقداری ضعیف گشته حمله نماید و بار اصلی این حمله را پیاده‌های جناح شاه وی بردوش دارند، سفید به دلیل آنکه می‌خواهد از پیاده h و وجود رخ در همین ستون برای حمله استفاده کند، به قلعه بزرگ می‌رود و با توجه به نیمه‌باز بودن ستون c این خودریسک بزرگی است، چراکه سفید دقیقاً به همان سوی شاه را می‌راند که در دفاع سیسلی، سیاه بازی را برای تسخیر آن آغاز می‌کند و در آن داعیه سروری دارد.

6... Fg7 7. f3 0-0 8. Dd2

این حرکت سفید ضمن ایجاد امکان بهره‌برداری از رخنه $h6$ شرایط را برای به قلعه رفتن شاه فراهم می‌آورد.

8... Cc6

اینک سفید دو ادامه در اختیار دارد:

I) 9. 0-0-0

II) 9. Fc4

قبل از پرداختن به 9.Fc4 که موضوع اصلی ما می باشد ذیلا " مروری خواهیم داشت بر حرکت 9.0-0-0

9.0-0-0

این حرکت قدیمی ، امروزه به دلیل ادامه های زیر پیش از وقت تشخیص داده شده و مورد استفاده قرار نمی گیرد .

9...d4

اولین اقدام سیاه برای شکافتن مرکز و تهدید و تضعیف قلعه سفید

10.PxP

در صورت 11.Fh6 Da5 10.CxC PxC سیاه در حمله پیش دستی کرده و وضعیت خطرناکی برای سفید بوجود می آید .

10...CxP 11.Cxc6 PxC

حال سفید دو ادامه 12.CxC و 12.Fd4 را در اختیار دارد در صورت 12.CxC :

12...PxC 13.DxP Dc7!

اگر سفید 14.DxT کند :

(با برتری سیاه 16.Td2 h5 15.DxT+ RxD 14...Ff5)

و اگر چنانچه 14.Dc5 را برگزیند :

16.Db6 De5 15.b3! a5! 14...Db8 (هم ممکن است)

17.Fd4 Df4+ 18.Fe3 De5

با امکان تکرار حرکت

در صورت 12.Fd4 :

کرس - هارتستون (۱۹۶۲)

12...e5 13.Fc5 Fe6 14.Ce4

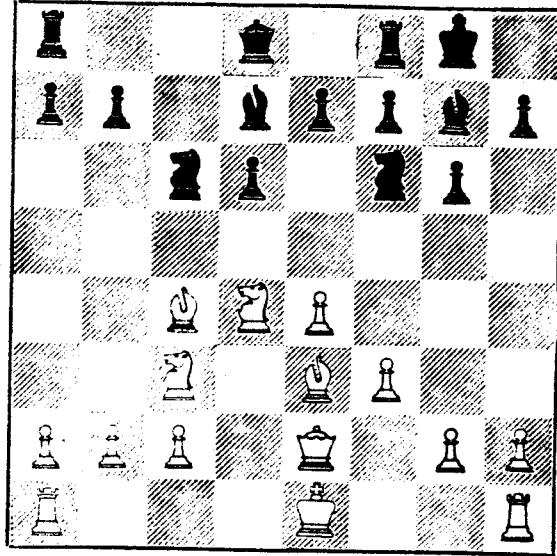
(شانسهای را برای تعادل بوجود می آورد 14.Fc4 CxC)

14...Te8 15.h4 f5! 16.Cg5 Fh6

با امکاناتی مساعد برای سیاه

9.Fc4 Fd7

(ادامه 9...Da5 نیز میسر است ولی طی برخی جابجائیها به ایجاد پوزیسیونهای مشابه می انجامد .)



نامدتها اساتید براین اعتقاد بودند که تعویض اسبها برای سیاه لازم و راهی مطمئن است ، ولی طی تجربه‌های بعدی دریافتند که این حرکت نه تنها مطمئن نیست بلکه به برتری قطعی سفید می‌انجامد ، چند بازی زیر نشانگر این نکته‌اند :

تال-پورتیش (اوبرهاوزن ۱۹۶۱)

(9...CxC 10.FxC Fe6 11.Fb3 Da5 12.0-0-0 a6 13.h4 b5
14.Rb1 Tf-e8 15.Th-e1 سفید)

لارسن در برابر فیشر (پورتروز ۱۹۵۸) در حرکت دوازدهم به جای "مستقیماً" حرکت 12...b5 را انجام داد و بازی چنین ادامه یافت :

13.Rb1 b4

در صورت 13...Tf-c8 سفید با آرایش بهتر پیاده‌ها در جناح وزیر، آخر بازی بهتری خواهد داشت .

(13...Tf-c8 14.Th-e1 ! FxF 15.C2xf b4 16.FxC ! PxC

17.FxP FxF 18.PxF TxP (18...DxP 19.DxD TxD 20.Tc1)

19.Te3 Ta-c8 20.TxT DxT 21.DxD TxD 22.Tc1 TxT+ 23.RxT)

14.Cd5 FxC 15.FxF?!

فیشر در این بازی با ادامه 15.FxF?! بخت برتری را از دست داده بود ولی لارسن نیز

به جای ادامه:

(15...CxF 16.FxF Cc3+! 17.FxC PxC 18.DxP DxD

19.PxD Tf-c8) یا (15...CxF 16.exc Dxd5)

حرکت اشتباه? 15...Ta-c8 را انجام داده و طی ادامه زیر سفید به برتری دست یافت:

16.Fb3 Tc7 17.h4 Db5 18.h5!

نال در مقابل لارسن (زوریخ ۱۹۵۹) اشتباهی را که فیشر مرتکب شده بود تکرار نکرد و طی ادامه زیر به برتری دست یافت:

15.exd5 Db5 16.Th-e1 a5 17.De2 Dxe2 18.TxD a4

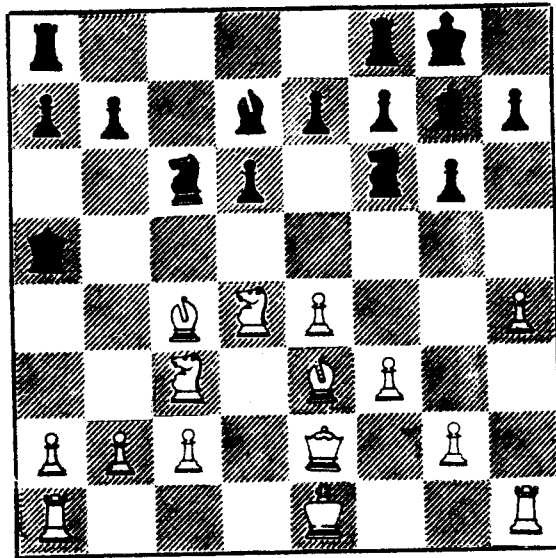
19.Fc4 Tf-c8 20.b3

اینک بار دیگر به حرکت متن بازگشته و بررسیهای خود را پیرامون حرکت 9...Fd7 می گیریم:

10.h4!

این حرکت به نسبت حرکات معمول 10.0-0-0 و 10.Fb3 تهاجمی تر و موثرتر است.

10...Da5!



این بهترین امکان سیاه برای مقابله با حرکت تند و تهاجمی سفید است، و اگر چنانچه 10...Te8 را برگزیند سفید طی ادامه های زیر برتری می جوید. حرکت 10...Db8

نیز پاسخ $11.Cd5!$ را در پی دارد .

$10...Tc8$ $11.Fb3$ $h5$ $12.0-0-0$ $Ce5$ $13.Fh6!$ ($13.g4$ $PxP!$)

$13...FxF$ $14.DxF$ TxC

این قربانی تفاوت هم کاری از پیش نخواهد برد . البته در بسیاری موارد این قربانی تعیین کننده بوده و می تواند برتریهای را نصیب سیاه گرداند و یا حداقل پوزیسیونی متعادل را بوجود آورد .

$15.PxT$ $Da5$ $16.Rb2$ $Tc8$ $17.De3$ $Dc7$ $18.De2!$

و اگر چنانچه سیاه در حرکت یازدهم به جای $11...h5$ ، ادامه $11...Ce5$ را برگزیند باز راه به جای نخواهد برد ، ببینید !

(نیز میسر است $12.0-0-0$) $11...Ce5$ $12.h5$.

$12...Cxb5$ $13.g4$ ($13.Cd5!?$ $e6!$) $13...Cf6$ $14.Cd5$ CxC

$15.PxC$

با حمله ای خطرناک و در صورت $13...Tc4!?$ نیز سفید با ادامه

$14.PxC$ $TxCd!?$ $15.De2!$

وضعیت خوبی بدست می آورد .

$11.0-0-0$ $Tf-c8$ $12.Fb3$ $Ce5$

در صورت $12...h5$ طی ادامه زیر ، سیاه در کورس حمله عقب مانده و سفید بازی برنده ای بدست خواهد آورد .

($12...h5$ $13.Rb1$ $Ce5$ $14.De2$ $a6$ ($14...b5$ $15.Cd5!$ CxC

$16.FxC$) $15.Td-g1$ $b5$ $16.g4$ $Cc4$ ($16...PxP$ $17.h5!$)

$17.PxP$ $Cxb2$ $18.PxP$ DxC $19.PxP+$ $Rf8$

$13.h5$

ادامه حمله و احتمال به ثمر رساندن آن فقط در گرو این حرکت است و انجام سایر حرکات برای سفید مفید نمیده باشد ، اگرچه که حرکت متن نیز در صورت دفاع دقیق و حساب شده سیاه ، سمیه پرزوری ندارد . محض نمونه حرکت $13.Fh6$ پاسخ $13...Cc4$ را به دنبال خواهد داشت و حرکات $13.g4$ و $13.Rb1$ هم به برتری سیاه و یا تساوی وضعیت می انجامند .

مثلا " در صورت

$13.g4$ $Cc4$ $14.FxC$ TxF $15.h5$ $Ta-c8$ $16.Ch3$ $Da6!$ $17.PxP$ $F7xP$

18.e5 Ce8 19.Dh2 h5 20.Fd4 TxF 21.CxT Fxe5!

سیاه ضمن برتری دو فیل خود را آماده ساخته تا در برابر f4 ایستادگی نموده و با 22...Fxf4 پاسخ گوید و یا 22...Txc را در مقابل 22.Dd2 بکار برد.
در صورت

13.Rb1 Cc4 14.FxC TxF 15.Cb3 Dd1 16.Fh6 FxF! 17.DxF Df8

18.De3 a5

13...Cxb5

به حرکت چهاردهم رسیده ایم و اینک در مقابل سفید سه مسیر قرار دارد:

14.Fh6 (راه اول)

14.g4 (راه دوم)

14.Rb1 (راه سوم)

نخستین راه:

14.Fh6 FxF!

ژوکسیچ با مهره سیاه در مقابل مک کینگ (۱۸۷۱) به جای حرکت متن 14...Cd3+ را برگزید و بازی چنین ادامه یافت، (البته این حرکت همانطور که در بازی زیر نیز مشهود است، خطرات جدی را علیه قلعه سفید در جناح وزیر ایجاد می کند ولی در مجموع سفید قادر به کنترل اوضاع و کسب برتری است:

15.Rb1! CxP! (15...FxC? 16.Cd5!) 16.RxC FxF 17.DxF TxC

(این حرکت از 17...Dxc+ بهتر است)

18.g4 Cf6 19.e5! PxP 20.Ce2 TxF+ 21.a2xT Fe6 22.Cc3!

با تهدید Ce4 و g5

22...e5? (ادامه 22...Td8 و یا Tc8 درست است)

23.CxP Tc8 24.Rb1 Tc6? 25.g5!

و سیاه تسلیم شد.

15.DxF TxC

سفید می تواند با این قربانی اینگونه رفتار کند:

16.TxC PxT 17.Dg5+ Rh8 18.Dxe7 Te8 19.Df6+

اما اسکات در مقابل الکساندر (۱۹۶۸) ادامه زیر را برگزید:

16.PxT Tc8! 17.Ce2! Cf6 18.Td5 Da3+ 19.Rd2 a5! 20.Cf4 Db2

21.TxC DxP+ 22.Re2 DxT 23.CxP Fb5+ 24.Rd1! Da1+

با کیش دائم

دومین راه:

14.g4 Cf6 15.Fh6 TxC! 16.PxT FxF 17.TxF! Tc8 18.Rb2 Db6

تال به جای این حرکت سیاه+Cc4... 18 را پیشنهاد می کند که ادامه ای تجربه نشده و مبهم است.

19.Rc1 Da5 20.Rb2 a6 21.Td-h1 e6!

سیاه ضمن برخورداری از پوزیسیونی تهاجمی، توانائی مقابله با حملات احتمالی سفید را هم دارا می باشد و بنا به تجزیه تحلیلهای لارسن امکان برد سیاه بیشتر است.
سومین و آخرین راه:

اسپاسکی - استین (اوکرائین ۱۹۶۷)

14.Rb1 TxC 15.DxT DxD 16.PxD Tc8 17.Rb2 a5 18.a3 Cf6

19.Ff4 Ce8 20.Fg5 a4 21.Fa2 Cc6! 22.Td2 Cf6 23.CxC FxC

24.Td4 h5 25.Rc1 Rf8 26.Rd2 Ta8 27.Tb4 Ta5 28.Fe3 e6

29.c4 Cd7 30.c3 Ff6 31.Fg1 Fg5+ 32.Fe3 FxF+ 33.RxF Re7

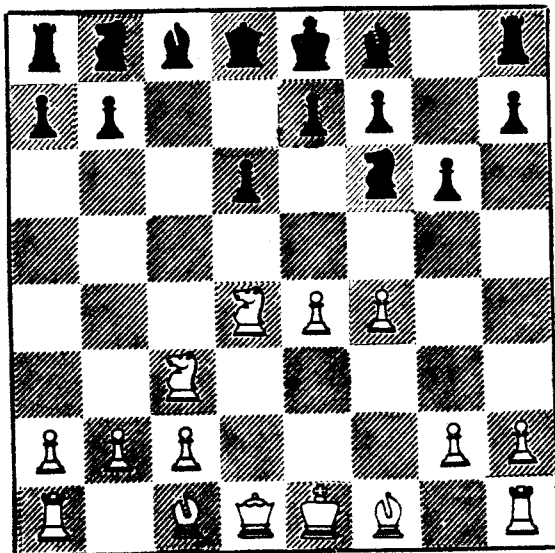
34.Rf2 Cc5 35.Tb-b1 Cd7 36.Tb4 Cc5 37.Tb-b1 Cd7

با تکرار وضعیت و بالنتیجه مساوی

* * * *

حمله لوفیش (Levenfish Attack)

6. f4



سعید با این حرکت مقدمات 7.e5 را فراهم آورده و حرکت 6...Fg7 سیاه را به تعویق می‌اندازد. و امکانات سیاه برای مقابله از این قرارند:

I) 6...Db6?!

II) 6...Cb-d7

III) 6...Fg7

IV) 6...Cc6

امکان I

در صورت 6...Db6?!:

6...Db6?! 7.Fe2 Cc6 8.Fe3! e4 9.PxP PxP 10.Cxc!

حال اگر سیاه 10...DxF کند با 11.Dd8 مات می‌شود.

امکان II

در صورت 6...Cb-d7:

6...Cb-d7 7.Fe2 Fg7 8.Fe3 0-0 9.Ff3 Cb3 10.De2 e5

11.Cb3 PxP 12.FxP Ch5

سیاه توانائی مقابلہ با حملہ را داراست

امکان III

در صورت 6...Fg7:

6...Fg7 7.e5!

7...PxP 8.PxP Cg4 9.Fb5+ Rf8 (حال اگر

9.Cc6 هم به نفع سفید خواهد بود)

10.Ce6+!

با حملہ ای کارساز و برنده

7...Ch5!? 8.Fb5+ Fd7 9.e6 PxP 10.CxP FxC+ 11.PxF Dc8!

سیاه می تواند با حملہ مقابلہ کند .

امکان IV

در صورت 6...Cc6:

اشمیت - گیلگ (دوسلدورف ۱۹۵۱)

6...Cc6 7.Fb5

ادامه 8.e5 7.CxC PxC برتری مختصری را برای سفید تامین می کند

7...Fd7 8.FxC PxF

در صورت 8...FxF سفید با 9.De2 بار دیگر تهدید e5 را بوجود می آورد .

9.e5 PxP 10.PxP Cg4

لیوتیسکی در مقابل نژمیتدینوف به جای حرکت متن چنین ادامه ای را برگزید :

10...Cd5 11.CxC PxC 12.Df3! e6 13.0-0 Fg7 14.Fd2 Db8

15.Fc3 0-0 16.Ta-e1

و با توجه به وضعیت پیاده ای جناح وزیر سفید و وضعیت غیرفعال سیاه می توان بی برد که

انتخاب خوبی را انجام نداده .

11.De2 Fg7 12.Fc4 Db8 13.0-0-0

یک حرکت جسورانه که ضمن دفاع از پیاده b2 مقدمات حملہ ای سخت تر را مهیا می سازد .

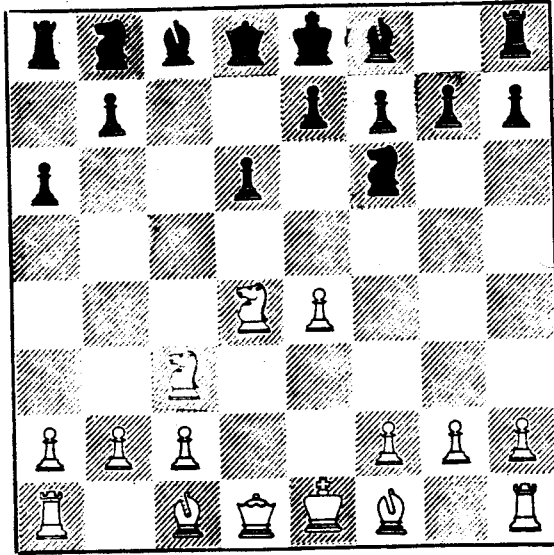
13...FxP 14.Fg5

سفید با اعطای یک قربانی پیاده شانسهای خوبی را برای حملہ بدست آورده .

واریانت نایدروف (The Naidorf Variation)

(1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 PxP 4.CxP Cf6 5.Cc3 a6)

4...a6



در این واریانت سیاه قصد دارد تا در موقع مناسب حرکت e5 را انجام داده و بر پیاده e4 سفید فشار وارد آورده و در جناح وزیر دست به پیشروی و حمله زند .
این واریانت بنا به انتخاب سفید در حرکت ششم به شش شاخه فرعی تقسیم می شود که این شاخه ها عبارتند از :

- | | |
|------------|------------|
| I) 6. Fe2 | شاخه نخست |
| II) 6. g3 | شاخه دوم |
| III) 6. f4 | سومین شاخه |
| IV) 6. Fc4 | شاخه چهارم |
| V) 6. Fg5 | حمله راورز |
| VI) 6. h3 | شاخه ششم |

شاخه نخست

6.Fe2 e5

کتنایر درمقابل اسمیلوف (گرونینگن ۱۹۴۶) سعی کرد تا با e6 بازی را به یکی از واریانتهای شونینگن بکشاند، بهرحال بازی جالب زیر پس از e6...6 پدید آمده است که می بینید:

(6...e6 7.0-0 b5 8.Ff3 Ta7 9.De2 Tc7 10.Td1 Cb-d7
11.a4 PxP 12.Cxa4 Fb7 13.e5 Cxe5 14.FxF TxF 15.Dxa6 Db8
16.Cc6 CxC 17.DxC+ Cd7 18.Cc5 PxC 19.Ff4 Fd6 20.Fxd6 Tb6
21.DxC+

و سیاه تسلیم شد.

قریب چهل سال بعد لیوبویچ درمقابل کاریف (تورین ۱۹۸۲) همین حرکت e6 را انجام داد، و بازی چنین ادامه یافت:

7.f4 Dc7 8.0-0 b5 9.Ff3 Fb7 10.e5 PxP 11.PxP Cf-d7
12.Ff4 b4 13.Ce4 Cxe5 14.Rh1 Fe7 15.Cg5 Fxe5
16.Fxb7 Dxb7 17.Cxe5 0-0 18.Dg4 De7 19.Dg3 Tc8 20.Fd6 Dd7
21.Ta-d1 f6 22.Cxb8 Taxb8 23.h4 Fxh4 24.Dxh4 Tc4
25.Dg3 Tb-c8 26.Cf5 Da7 27.Cd6 T4-c5 28.Dh3

و سیاه تسلیم شد.

7.Cb3 Fe7

درمورد 7...Fe6 رجوع شود به بازی فیشر اونزیکر (وارنا ۱۹۶۲)

درصورت ادامه زیر، سیاه بازی پیچیده ولی قابل دفاعی خواهد داشت:

(7...Fe6 8.0-0 Cb-d7 9.f4 Dc7 10.f5!? Fc4 11.a4 Tc8
12.Fe3 Fe7 13.a5 b4! 14.PxPep Cxb6)

8.0-0

سیاه برای اجرای هشتمین حرکت خوددوراه پیشرو دارد یا اینکه بهقلعه رود و یا Fe6 را انجام دهد:

درصورت 8...Fe6

کاریف - پولگایفسکی (۱۹۷۴)

8...Fe6 9.Fc4 Dc7 10.a4 Cb-d7 11.Rh8 0-0 12.Fe3 PxP

13.TxP Ce5 14.a5 Tf-e8 ! 15.Fb6 Dd7 16.Ta4! ? Ta-c8

17.Ta4 Dc6 !

17...TxC! ? 18.PxT Dc6 ! بهتر بود

18.Td2 !

با برتری سفید

در صورت 0-0...8

گلر - فیشر (کوراکائو ۱۹۶۲)

8...0-0 9.Fe3 Dc7

گلیگوریچ در مقابل اسمیلوف (هاوانا ۱۹۶۲) به جای 9...Dc7 حرکت 9.Fe6 را انجام داد و طی این ادامه طرفین امکانات برابری بدست آوردند :

(9...Fe6 10.a4 Dc7 11.a5 Cb-d7 12.Cd5 Cxd5 13.exd5 Ff5

14.c4 Fg6 15.Tel Ta-c8 16.Dd2 Dd8 17.Ta-c1 h6 18.f4 exf4

19.Fxf4 Fg5)

10.a4 Fe6

(10...b6 11.Dd2 Fb7 12.f3 Fc6 13.Tf-d1 Cb-d7 14.Del h6

15.Df1 Db7 16.Fc4

با برتری سفید

11.a5 Cb-d7 12.Cd5

ادامه زیر منجر به وضعی مبهم و احتمالاً "به نفع سیاه می‌گردد :

(12.f3 b5 ! 13.PxPep CxP 14.Fxa6 d5)

12...CxC?

اگر چنانچه سیاه به جای حرکت متن ادامه زیر را برمی‌گزید :

(12...FxC 13.PxF b5 14.PxPep CxP 15.c4 a5

(15...Cxc4 16.Dc2!) 16.Cxa5 Cbx5

وضعیتی بهتر با امکاناتی متقابل بدست می‌آورد .

13.PXC Ff5 14.c4 Fg6 15.Tc1

سفید برتریهای قابل توجهی را در جناح وزیر بدست آورده و سیاه لازم است که از طریق زبردست به اقدامات متقابلی در جناح شاه زند تا بلکه از این راه بختهای را برای تساوی به کف آورد :

(15...f5 16.c5 Pxc5 17.CxP CxC 18.b4 f4 19.FxC Fd6)

ولی فیشر با ادامه 15...Cc5؟ اشتباهی دیگر را مرتکب شد و بازی را از دست داد .
 15...Cc5? 16.CxC PxC 17.b4 !
 حال اگر سیاه پیاده را بگیرد ، سفید با حرکت 18.Fb6 پاسخ گفته و تهدید 19.c5 را
 بوجود می آورد که در اینصورت جناح وزیر کاملاً " توسط وی فتح می گردد .
 شاخه دوم

کنسنانتی نوپولسکی - گلر (شوروی ۱۹۵۲)

II)6.g3

6...e5 7.Cd-e2 b4

حرکت متن بهتر است از 7...Fe7 و یا 7...Fe6

8.Fg2 Fe7 9.0-0 0-0 10.h3 Fb7 11.Cd5 CxC 12.PxC Cd7

13.a4 Cb6

سیاه برتری مختصری در جناح وزیر بدست آورده

سومین شاخه

III)6.f4

6...Cb-d7 (6...e5 7.Cf3 Cb-d7 8.a4 b6 9.Fc4 Fe7

10.0-0 0-0 11.PxP FxP 12.Fg5 Fb7 13.De2

سفید وضعیتی فعالتر خواهد داشت

7.Fd3

7.a4(7.Cf3 e6 یا 7.Fc4 b5) 7...g6 8.Fd3 Fg7 9.Cf3 0-0

10.0-0 Cc5! 11.De1 Tb8 12.Dh4 b5 13.PxP PxP با وضعیتی برابر

7...b5 8.0-0 Fb7 9.a3 g6 10.De1 Fg7 11.Rh1 Cc5

سیاه بازی راحت و خوبی در اختیار دارد و سفید می باید بسیار دقیق و هشیارانه بازی را
 ادامه دهد ، زیرا کوچکترین لغزشی موجب باخت وی خواهد گشت . محض نمونه ، پنررز و
 لیوبیوویچ (۱۹۷۳) اینگونه ادامه دادند :

12.Cf3 0-0 13.Fd2 Tc8 14.Td1 Dc7 15.g4 CxF 16.PxC e5!

17.Tc1 De7 18.Dh4 Tc7 19.PxP PxP 20.Fe3 Tf-c8 21.Fe5 De8

22.Ce2 h6 23.Fe3? Tc2 24.TxT TxT 25.Cg3? g5 26.Cxg5 PxC

27.FxP Ch7! 28.Cf5 f6 29.Fh6 FxF 30.CxF+ Rh8 31.h3 Fc8

و سفید تسلیم شد .

شاخه چهارم

IV) 6.Fc4 e6

حال سفید سه حرکت، 7.a3، 7.0-0 و 7.Fb3 را در اختیار دارد که ما به ترتیب به پی‌آمدهای هر یک از این حرکات می‌پردازیم، البته در این میان، حرکت 7.Fb3 از همه معمولتر است.

در صورت 7.Fb3:

7.Fb3 (7...d5 به واسطه پرهیز از)

اینک سیاه می‌تواند یکی از این دو راه را برگزیند:

1) 7...b5 2) 7...Fe7

که حرکت 7...b5 مطمئن‌تر به نظر می‌رسد ولی 7...Fe7 نیز می‌تواند تا مین‌کننده منافع سیاه باشد. به عنوان مثال:

فیشر - تال (زاگرب ۱۹۵۹) چنین ادامه دادند:

7...Fe7 8.f4 0-0 9.Df3 Dc7 10.0-0 b5 11.f5 b4

و سیاه ابتکار عمل را بدست گرفته و سرانجام سفید را مغلوب می‌کند، ببینید:

12.Ca4 e5 13.Ce2 Fb7 14.Cg3 Cb-d7 15.Fe3 Fc6 16.Ff2 Db7

17.Tf-e1 d5 18.PxP CxP 19.Ce4 Cf4 20.c4 g6! 21.PxP f5

22.g7 (22.PxP+ Rh8!) 22...Rxc7 23.Dg3+ Rh8 24.Ce-c5 Cxg

25.FxC FxF+ (25...Fxc2 26.Dxf4!) 26.CxF Dc7 27.De3 Ta-e8

28.Te2 (28.g3 Ch3+ 29.Rf1 f4! (و سیاه می‌برد)

28...CXT 29.DxC Fxc2! 30.Cxa6 Da7+ 31.RxF Tg8+ 32.Rh3 Dg7

33.Fd1 Te6

و سفید تسلیم شد.

7...b5

حال سفید بر سر دوراهی 8.f4 و 8.0-0 قرار گرفته:

مستیل در برابر براون (هاستینگر ۱۹۷۲) همراه 8.0-0 رفت:

8.0-0 Fe7 9.f4 0-0 10.e5 PxP 11.PxP Cf-d7 12.Dh5 Cc5!

در صورت ادامه زیر سفید حمله برنده‌ای در اختیار خواهد داشت:

(12...g6 13.De2 Fc5 14.Fe3 Fb7 15.TxP!)

حال سیاه اگر رخ را بگیرد، با چنین ادامه‌ای روبرو می‌شود:

15...TxT 16.Cxe6 FxF+ 17.DxF Db6 18.DxD CxD 19.Cd8 Cc4
20.a4!

گرین در برابر والتر (سویس ۱۹۷۱) از گرفتن رخ طفره رفت و:

15...FxC 16.Fxe6 FxF+ 17.DxF TxT 18.Tf1 Db6 19.DxD CxD
20.TxT

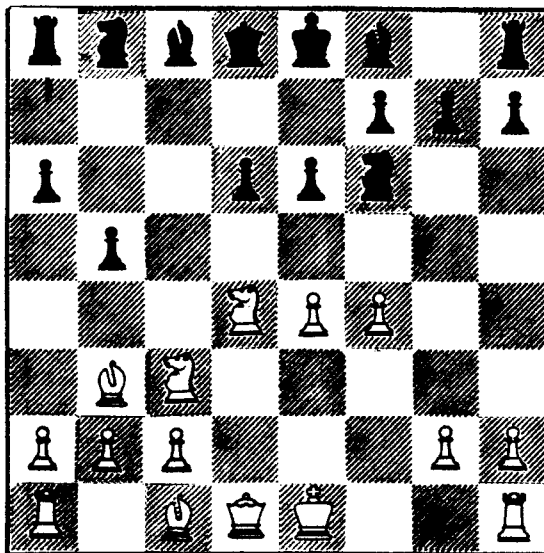
باز سفید پیشی گرفت

13.Fe3 CxF 14.a2xc Fb7

اکنون سیاه از خطر قربانی رخ در خانه f7 رهیده و می‌تواند با فشارهای سفید مقابله نماید.

* * * *

8. f4



سیاه برای مقابله دو امکان 8...Fb7, 8...b4!؟ را در اختیار دارد:

تال در برابر فیشر (بلغراد ۱۹۵۹) چنین ادامه داد:

8...b4!؟ 9.Ca4

(9.e5? PxP 10.PxP PxC 11.PxC DXP 12.PxP Db4+

(با وضعیتی خوب

9...CxP 10.0-0 g6!

اگر 10...Fb7 11.Fxe6! PxF 12.CxP De7 13.F5

با برتری سفید

اگر 10...Cf6 11.Df3 d5 12.f5! e5 13.Te1 e4 14.Dg3!

با برتری سفید

اگر 10...Fe7 11.f5 e5 12.Fd5

با برتری سفید

اگر 10...d5 11.f5 Ta7(11...Fd6 12.Fxe6 Fxe6 13.Dg4)

12.Fe3 Fd6 13.Dg4 Cf6 14.Dxg7 Tg8 15.Dh6 e5 16.Ce6 Fxe6

17.Fxa7 exf5 18.Cb6!

با برتری سفید

11.f5! gxf5 12.Cxf5! Tg8

زلز - زاکس (مجارستان ۱۹۷۲) چنین ادامه دادند و در این کشاکش سفید حمله‌ای قوی به‌کف آورد:

(12?...Fb7 13.Ch6 14.Dh5 De7 15.FxF Tg8 16.g3 Cd7 17.Ta-d1

حال سیاه قادر به انجام حرکت 12...exf5 نیست چرا که طی ادامه:

13.Dd5 Ta7 14.Dd4

هر دو رخ سیاه در معرض حمله قرار می‌گیرند.

13.Fd5 Ta7 (13...PxF 14.DxP Fxf5 (14...Ta7 15.Dxe4+)

15.Txf5 Ta7 16.Dxe4+ Te7 17.Dxb4 Te2 18.Fg5 Tgx5

19.Txg5 Dxg6 20.Dxb8+ Dd8 21.Dxd8+ Rxd8 22.c4)

یا یک آخر بازی خوب

14.FxC? (14.Fe3 صحیح است)

14...PxC 15.FxP Te7!!

اینک سفید، ضمن در اختیار داشتن امکانات دفاعی مناسب، مترصد فرصتی است تا در صورت لغزشی از سوی سفید حمله‌ای قوی را علیه او تدارک ببیند. و در این بازی فیشرفهزید و تال نیز با درایت تمام از این لغزشها سود جسته و به پیروزی رسید. ببینید:

16.FxF DxF 17.Ff4 Dc6 18.Df3 Dxa4

ادامه:

(18...Dxf3 19.Txf3 Te2 20.Tf2)

به نفع سیاه نیست، چرا که سفید در آخر بازی وضعیت خوبی پیدا خواهد کرد.

19.Fxd6 Dc6! 20.Fxb8 Db6+ 21.Rh1 Dxb8 22.Dc6+?

حرکت ! Ta-e1 در صورت ادامه زیر می توانست بازی را مساوی کند:

(22...Rd7 23.Td1+ Rc7 24.Df4+ Rb7 25.Td6! Dc7(25...De8?

26.Dxb4+ 27.Da5!) 26.Dxb4+ Rc8 27.Txa6 Db7)

و اگر چنانچه سیاه در مقابل ! Ta-e1 ادامه زیر را برمیگزید:

22...Tg6 23.Dxf7+ Rd7 24.Td1+ Td6+ Rxd6

26.Tf6+

سفید به پیروزی می رسد، ادامه Tg7...22 نیز پاسخ + Dc6 23 را به همراه دارد. اینک پس از حرکت اشتباه متن، سفید می باید تمامی هم خود را مصروف به کف آوردن تساوی کند که امید آن بسیار کم است.

بیرن - فیشر (ساوس ۱۹۶۷)

8...Fb7 9.f5 e5 10.Cd-e2 Cb-d7

(10...Cxe4? 11.Fd5!

اگر حال 11...Cxc3 12.Cxc3 Fxd5 13.Cxd5 Cd7 14.0-0 Fe7

(14...Cb6 15.f6!) 15.Dg4 Ff6 16.Fe3 0-0 17.Tf3

با حمله ای قوی

و اگر چنانچه 11...Cc5 12.b4 Dh4+ 13.g3 Dxb4 14.Fxb7 Cxb7

15.Dd5 Ta7 16.Fe3 Cc5 17.Tb1

و سفید می برد

11.Fg5 Fe7 12.Cg3 Tc8 13.0-0? h5!

با برتری سیاه

ولیکن اگر سفید حرکت 13.Ch5 را برمیگزید طی ادامه زیر می توانست بخت های را برای تساوی بدست آورد.

(13.Ch5 Cxh5 14.Dxh5 0-0 15.Fxe7 Dxe7 16.De2

اینک بار دیگر به حرکت هفتم سفید بازگشته و امکان 0-0 7 را مورد بررسی قرار می دهیم:

فیشر - ویت (کلیوند ۱۹۵۷)

7.0-0 Fd7?

درست این است که سیاه با حرکت b5...7 پاسخ گفته و فیل را از طریق b7 گسترش دهد. در این صورت بازی بهواریانتهی کشیده خواهد شد که پیش از این تحت عنوان 7.Fb3 مورد بررسی قرار دادیم.

8.Fb3 Fe7 9.Fe3 0-0 10.f4 Dc7 11.g4 Rh8

(11...Td8 12.g5 Ce8 13.f5 e5 14.Cd5

و سفید می برد

سفید تهاجم هولناکی را علیه قلعه حریف ندارد دیده و سیاه نیز هیچگونه امکان متقابلی را در اختیار ندارد، چرا که انجام حرکت اشتباه 7...Fd7 وی را از امکان فعالیت در جناح وزیر محروم ساخته و ثمره آن حرکت اشتباه این پوزیسیون غیر فعال و ضربه پذیر است:

12.g5 Cg8 13.f5 e5 14.Cd5 Dd8 15.Cf3 Fc6

ادامه زیر هم به برد سفید منتهی می شود:

(15...Cc6 16.Fb6 Dc8 17.cxe7

با تهدید 18.Dxd6

16.Fb6 Dc8 17.Cxe7 CxC 18.Dxd6 De8 19.Fc5 b6 20.f6 Cg6

ادامه 20...bxc5 21.Fxe7 Tg8 22.Cxe5

نیز به شکست سیاه منجر می شود.

21.Fxg7+ Rxc7 22.Df6+ Rg8 23.Fxf8 Dxf8 24.Ta-d1

و سیاه تسلیم شد

اکنون با بررسی پی آمدهای حرکت 7.a3 بحث خود را پیرامون شاخه چهارم واریانت نایدروف به پایان می بریم:

اولافسون - فیشر (بلد ۱۹۵۹)

7.a3

سفید با این حرکت یک تمپ ازدست می دهد ولی در عوض می تواند از تعویض فیل c4 با اسب جلوگیری کرده و با حرکت خطرناک b5 مقابله نماید.

7...Fe7 8.0-0 0-0 9.Fa2 b5 10.f4 Fb7 11.f5 e5

12.Cd-e2 Cb-d7

(12...Cxe4 13.CxC FxC 14.Cg3 Fb7 15.f6!)

ادامه:

برای سیاه خطرناک است.

13.Cg3 Tc8 14.Fg5

رباچ - فیشر (هاوانا ۱۹۶۹) چنین ادامه دادند :

(14.Fe3 Cb6 15.Fxb6 Dxb6+ 16.Rb1 De3! 17.Cd5 Fxd5
18.Fxd5 Fd8 19.a4 Fb6 20.axb5 axb5 21.Ta6 b4 22.Ch5 Cxd5
23.Dg4 g6 24.exd5 Txc2 25.Fxg6 Hxg6 26.Cf6+ Rg7
27.Ch5+ Rh6! 28.Cf6 Tf2 29.Ta-a1 Ta8 30.Dxb4 Rg7
31.Dxd6 De2 32.Ce8+ Txe8 33.Tf-e1 Dg4 و سفید تسلیم شد
14...Cb6 15.Cb5 TxC

در بسیاری از واریانتهای که تا به حال بررسی شده این قربانی تفاوت، برای سیاه امکانات خوبی را به همراه داشته ولی در اینجا کاری از پیش نخواهد برد .

16.PxT

و سفید ضمن حفظ برتری بازی را می برد و در صورت 16...Cxe4 نیز سفید با ! 17.f6 پاسخ داده و رشته های سیاه را پنبه می کند . حرکت 16...Fxe4 ادامه زیر را به دنبال داشته و نتیجه ای عاید سیاه نمی کند .

(17.Cxg7! Rxg7 18.Fxf6+ Rxf6 19.Dh5 Rg7 20.Dg4+)

با برتری سفید

* * * *

حمله راتورز پنجمین شاخه واریانت نایدروف

V)6.Fg5

این شاخه از واریانت نایدروف که به حمله راتورز مشهور است بیش از سایر شاخه ها مورد استفاده قرار گرفته و می گیرد .

6...e6

پطروسیان در مقابل اسپاسکی چنین ادامه داد :

6...Cb-d7 7.Fc4 Da5 8.Dd2 h6 FxC CxF

سیاه در جناح شاه دچار مشکلاتی شده به ویژه در نحوه گسترش فیل

10.0-0-0 e6 11.Th-e1

سفید با تمرکز نیرو در ستونهای مرکزی آماده حمله ای سخت می گردد .

11...Fe7 12.f4 0-0 13.Fb3 Te8 14.Rb1 Ff8 15.g4 ! Cxg4
 16.Dg2 Cf6 17.Tg1 Fd7 18.f5 Rh8 19.Td-f1 Dd8 20.PxP PxP
 21.e5! PxP 22.Ce4 ! Ch5 23.Dg6 e5xd4 24.Cg5 . و سیاه تسلیم شد .
 7.f4

سفید درنظر دارد تا بمانند حمله ییوگسلاو ولونفیش خود به قلعه بزرگ رفته و با راندن پیاده‌های جناح شاه یورش سهمناک خود را آغاز کند . و حال پاسخ سیاه می‌تواند یکی از این حرکات باشد :

- a)7...b5
- b)7...Dc7
- c)7...Cb-d7
- d)7...Db6
- e)7...Fe7

در صورت 7...b5 :

7...b5 8.e5 PxP 9.PxP Dc7 10.PxC De4+ 11.Fe2 DxF 12.0-0

سفید بخت‌های خوبی را برای حمله بدست می‌آورد .

در صورت 7...Dc7 :

این حرکت پیشنهاد می‌کناس است :

پارما - بالاشف اینگونه ادامه دادند :

7...Dc7 8.Df3 b5 9.FxC PxF 10.e5 Db7 11.Ce4 f6xe5
 12.PxP PxP 13.Fd3 f5 14.Cxe6! PxC 15.FxP Db6 16.CxF TxC
 17.Dh5+ Tf7

رفتن شاه به ستون d به سفید فرصت می‌دهد تا رخ خود را به میدان آورد .

18.Dxe5+ Fe6 19.0-0-0 Ta-a7 20.Td6 De3+ 21.Rb1 Ta-e7

22.TxF

و سیاه تسلیم شد .

در صورت 7...Cb-d7 :

بالاشف - دانف (شوروی ۱۹۶۵)

7...Cb-d7 8.Df3 Dc7 9.0-0-0 Fe7

لمباردی - کوئینتروز (مانیل ۱۹۷۳) چنین ادامه دادند :

9...h6 10.Fh4 Fe7 11.Fe2 Tb8(11...b5 12.e5!) 12.Dg3 Tg8

(12...b5!?) 13.Th-f1 b5 14.Cxe6!! PxC 15.Dg6+ Rd8
 16.e5 PXP 17.f5! PXP 18.FxC FxF 19.Cd5 Dc6 20.TXP Tf8
 21.Fg4! Tb6 22.TxF! PXT 23.Dg7

و سیاه تسلیم شد.

10.g4 b5 11.FxC CxF 12.g5 Cd7 13.a3 Tb8 14.Fh3!

بلین در برابر پورتیش (۱۹۷۱) به جای حرکت متن چنین ادامه‌ای را برگزید:

14.h4 b4 15.PXP TxP 16.Fh3 Dc5 17.Cb3 Db6 18.h5 Cc5
 19.CxC PxC! 20.g6 F7xg6 21.PXP h6!

حمله سفید راه به جای نبرده و در صورت 22.Cd5 سیاه بعد از گرفتن اسب به قلعه رفته و حمله مخوفی را علیه شاه سفید سامان می‌دهد.

ترینگوف - رشفسکی (آمستردام ۱۹۶۴)

(14...0-0? 15.g6! h7xg6 16.Cxe6!)

حرکت! 14...b4? از قلعه رفتن بهتر است ولی به نسبت حرکت متن خوب نیست:

هاردینگ - وان داپ (آمستردام ۱۹۷۳)

(14...b4? 15.PXP TxP 16.Fxe6!)

15.Th-g1 b4 16.PXP TxP 17.f5 Db6

حرکت 17...Db7 به دلیل ادامه زیر مطمئن نیست:

(18.f6 PXP 19.PXP Ff8 20.b3 a5 21.Cd5!! PxC 22.FxF!)

18.PXP PXP 19.CXP!

اینک سفید تهدیدهای e5 و Cd5 را بوجود آورده و از وضعیتی خوب برخوردار است.

در صورت 7...Db6:

7...Db6 8.Dd2

این قربانی پیاده بحثهای زیادی را موجب گشته، عده‌ای بر این اعتقادند که سیاه به جای پذیرفتن قربانی می‌باید از طریق 8...Cc6 به گسترش پرداخته و در پاسخ 9.0-0-0 حرکت 9...Fd7 را انجام دهد و از این رهگذر پوزیسیونی محکم و غیرقابل نفوذ برای خود پدید آورد ولی تعداد بیشتری بر این نظرند که سیاه پس از پذیرفتن قربانی قادر است تا حمله سفید را دفع نموده و با حفظ برتری کمی، پوزیسیونی بهتر بدست آورد:

9...DxP

حال سفید دو ادامه 9.Cb3 و 9.Tb1 را در اختیار دارد، در صورت 9.Tb1:

9.Tb1 Da3 10.f5

در سال ۱۹۶۵ ترینکوف در برابر فیشر ادامه 10.e5 را برگزید ولی

(10.e5 dxe5

فودور در برابر کرس (گوتبرگ ۱۹۵۵) حرکت 10...Cf-d7? را انجام داد و سفید با 11.f5 حمله کوبنده‌ای به دست آورد.

11.Fxe5 Cf-d7 12.Fc4?

حرکت 12.Ce4 برای سیاه بهتر است ولی 12.Fe2 نیز گره‌ای از کار سفید نمی‌گشاید مثلاً "واسیوکف در برابر شجریاکوف (مسکو ۱۹۵۵) طی ادامه:

12.Fe2 Dc5 13.Ce4 Dxe5 14.Ff3 Cf6 12.Ce2 Cb-d7

به‌جای نرسید

12...Fb4 (حرکت 12...Dc5 قویتر است) 13.Tb3 Da5 14.0-0

15.Cxe6 Fxe6 19.Df7 Dc5+ 20.Kn1 Cf6! (21...Fxe6

21.Fxc8 Cxe5 22.De6 Ce-g4!

و سفید به دلیل ادامه 23...Cf2+ 24.Rg1 Ch3+ 25.Rh1 Dg1+ تسلیم شد.

10...Cc6 11.PxP PxP 12.CxC PxC 13.e5!

اکنون سفید امکانات جالب توجه‌ای را بدست آورده و البته سیاه نیز می‌تواند از طریق

13...PxP 14.FxC PxP

درصدد ایجاد وضعیتی برابر برآید، منتهی به‌سختی و با تحمل شداید، حرکت فریبنده

13...Cd5? نیز سیاه را از این مهلکه نمی‌رهاند و درستی این نظر را بازی زیر به‌خوبی

نشان می‌دهد:

تال - بوگدانویچ (بودوا ۱۹۶۷)

13...Cd5? 14.CxC C6xC 15.Fe2 PxP 16.0-0 Fc5+

17.Rh1 Tf8 18.c4 TxT+ 19.TxT Fb7 20.Dc2

فیشر در مقابل گلر (موناکو ۱۹۶۷) به‌اشتباه 20.Fg4? را انجام داد و طی ادامه زیر

مجبور به تسلیم گردید:

(20...Fg4? dxc4 21.Fxe6 Dd3 22.De1 Fe4 23.Fg4 Tb8

24.Fd1 Rd7 25.Tf7+ Re6)

20...e4 21.Fg4 Fe7 22.Df2 0-0-0 23.Ff4! Fd6 24.FxP+ Rb8

25.Db6! FxF 26.DxT+ Ra7 27.Tb1 Dd6 28.FxP FxF

29.DxD FxD 30.PxF

و سفید می برد

اینک به پی آمدهای 9.Cb3 می پردازیم :

9.Cb3

این حرکت به نسبت 9.Tb1 کمتر مورد استفاده قرار می گیرد :

9...Da3

(به خاطر تهدید 10.a3 و Ta2) اکنون سفید حرکات 10.Fd3 و یا 10.FxC را در اختیار دارد که در صورت انجام هر یک به ازای پیاده‌ای که قربانی داده گسترش بهتری خواهد داشت، البته سیاه نیز می تواند با دقت و هشیاری درصدد ترمیم وضعیتش برآید. بخصوص وقتی که سفید 10.Fd3 را برگزیند، این امکان بهتر فراهم می آید. در صورت 10.FxC :

آنگانتی سون - اوگارد (دانمارک ۱۹۶۸)

10.FxC gxF 11.Fe2 (با تهدید 12.Fh5)

11...Cc6

فیشر در مقابل اسپاسکی (ریک یاویک ۶ اوت ۱۹۷۲) چنین ادامه داد.

11...h5 12.0-0 Cc6 13.Rh1 (حرکت 13.Cb1! درست است)

13...Fd7? (13...Ca5 درست بود 14.Cb1!!)

حرکت 14.Tf3 نیز ممکن است ولی این حرکت با تهدید وزیر سیاه مشکلات بیشتری را برای سیاه پدید می آورد.

14...Db4

ادامه 14...Db2? به دلیل پاسخ 15.a4 و تهدیدهای 15.b1 و Tf-b1 نادرست است و 14...Da4 نیز 15.c4 را به دنبال دارد.

15.De3

و بار دیگر راه فرار وزیر سیاه را سد می کند و اگر چنانچه سیاه درصدد پس دادن پیاده از طریق 15...d5? برآید سفید با ادامه 17.c4! 16.exd5 Ce7 ضعف کمی را جبران و بر فشار خود در مرکز می افزاید ادامه 15...Ce7 نیز 16.Cb-d2 را به دنبال داشته و همچنان سیاه در زیر فشار باقی می ماند.

12.0-0 Fd7

بولیووچیک در برابر می نیچ (یوگسلاوی ۱۹۶۶) به جای حرکت متن، 12...Fg7 را انجام

داد ولی باز سفید طی این ادامه به برتری رسید .

12...Fg7 13.Tf3 Fd7 14.f5 Tc8 15.Tg3!Tg8 16.Tf1

ادامه‌ای راهم که شافل برگر در مقابل بالاشف (۱۹۶۷) بکاربرد باز منجر به برتری سفید گشت :

12...Fg7 13.Tf3 0-0?! 14.f5 Ta-f1 Rh7 16.Th3

13.Te1 Fe7 14.Fh5 Tf8 15.De3 Ca5 16.f5 cxb3

17.Cxb3! 0-0-0 18.Cd5 exd5 19.exd5 Fb5 20.Te-c1+ Rb8

21.Dxe7

با برتری سفید

در صورت 10.Fd3 :

10.Fd3

سیاه با انجام این حرکت از سوی سفید فرصت می‌یابد تا به وضعیت خود سروسامانی دهد .

10...Fe7 11.0-0 h6

گی‌ترمن - ساخاروف (شوروی ۱۹۶۷) چنین ادامه دادند :

11...Cb-d7 12.Ta-e1 h6 13.Fh4 Db4 14.Ff2

با برتری سفید

استرکالوسکی در برابر شامکوویچ (۱۹۶۸) به جای 12.Ta-e1 حرکت 12.Fb5! را انجام داد و باز توانست پیوزیسیونی بهتر بدست آورد :

12.Fb5! 0-0 13.Fxd7 FxF 14.e5 dxe5 15.Fxe5 Cd5

16.Cxd5 exd5 17.Tf3 Fxg5 18.Dxg5 h6 19.Dd2 De7 20.Te1

12.Fh4

12...Cxe4 13.Cxe4 Fxh4 14.f5 exf5 15.Fb5+!

ادامه 15.Dc3 0-0 یا 15.Df4 Fe7 برای سفید فایده‌ای ندارد .

15...axb5!

15...Re7 پاسخ 16.Fc4 را به دنبال خواهد داشت

16.Cxd6+ Rf8 17.Cxc8 Cc6! 18.Cd6 Td8 19.Cxb5 De7!

20.Df4 g6 21.a4

حال سفید باید در جهت تساوی تلاش کند .

در صورت 7...Fe7 :

7...Fe7 8.Df3

اینک سیاه دو حرکت زیر را در اختیار دارد :

8...Dc7

8...h6 (که به واریانت گوتبرگ می انجامد)

پی آمد 8...Dc7:

8...Dc7 9.0-0-0 Cb-d7

در صورت 9...h5? سفید امکان حمله‌ای کوبنده را بدست می آورد :

(9...b5? 10.FxC FxF 11.FxP+! PxF 12.cdxp)

10.Fd3

در اینجا امکان 10.g4 نیز برای سفید وجود دارد ولی سیاه قادر خواهد بود که با حمله
مقابلۀ نماید، مثلاً "می نیچ - فیشر (زاگرب ۱۹۷۰) چنین ادامه دادند :

10.g4 b5 11.FxC CxF 12.g5 Cd7 13.a3 Tb8 14.h4 b4

15.axb4 Txb4 19 Fh3 0-0!

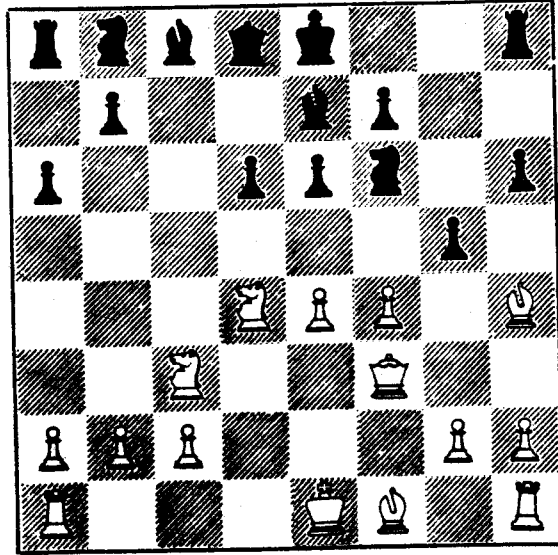
و سیاه امکانات متقابل و خوبی را بدست آورد. اگرچه فیشر در جناح شاه دچار مشکلاتی
شد ولی با دفاعی هشیارانه و حمله‌ای به موقع توانست سفید را به تسلیم وادارد.

10...b5 11.Th-e1 b4 12.Cc-e2 Cc5

با وضعیتی برابر، اما فیشر در مقابل اسپاسکی (ریک یاویک ۱۹۷۲) حرکت 11...Fb7
را انجام داد و با جواب عالی 12.Dg3! روبرو شد. البته امکان پاسخ 12.Cd5! نیز
در مقابل این حرکت وجود دارد ولی هنوز عواقب ناشی از این حرکت متهورانه روشن
نشده و احتمالاً "راه مطمئنی نیست. اگرچه که ولیمیریویچ در برابر لیوبیویچ (یوگسلاوی
۱۹۷۲) اقدام به دادن همین قربانی کرد و با گشودن ستون e حملات سختی را آغاز نمود
و به پیروزی رسید، ولی حرکت 12.Dg3! راهی مطمئن تر بوده و وضعیتی خطرناک را برای
سیاه در جناح شاه بوجود می آورد و امکان تاثیر قربانی اسب را در 15 افزایش می دهد.
از اینرو سیاه در جناح شاه دچار ضعف گشته و مجبور است که برای تامین شاه به قلعه بزرگ
برود.

* * * *

8...h6 9.Fh4 g5



این واریانت اول بار در سال ۱۹۵۵ توسط سه استاد بزرگ آرژانتینی در شهر گوتبرگ ابداع و بکار گرفته شد و نتیجه هولناک و شومی را برای این سه استاد به همراه داشت. سه استاد بزرگ شوروی که در مسابقات بین قاره‌ای گوتبرگ در مقابل پانو، پیلنیک و نایدروف قرار گرفته بودند، توانستند به سهولت و بطوری یکسان به کار گیرندگان این واریانت را تار و مار کنند و از این رو بعد از این شکست سنگین واریانت مزبور مورد استقبال قرار نگرفته و طرد گشت ولیکن بعدها، پل کرس، اصلاحاتی در آن به عمل آورده و بار دیگر مطرحش ساخت. بد نیست که قبل از پرداختن به نکات اصلاحی کرس این سه بازی را از نظر بگذرانیم:

گلر - پانو (گوتبرگ ۱۹۵۵)

10.PxP Cf-d7 11.Cxe6 Fxe6 12.Dh5+ Rf8 13.Fb5! Ce5
14.Fg3 Fxg5? 15.0-0+ Re7 16.Fxe5 Db6+ 17.Rh1 dxe5
18.Df7+

و سیاه بازی را از دست می‌دهد.

کرس - نایدروف (گوتبرگ ۱۹۵۵)

نایدروف به جای حرکت $Ce5 \dots 13$ که پانو در مقابل گلر انجام داده بود حرکت بدتر $Rg7? \dots 13$ را برگزید و طی ادامه زیر درهم شکست:

14.0-0 Ce5 15.Fg3 Cg6 16.gxh6 Txx6

پیلینک نیز در مقابل اسپاسکی همان راهی را رفت که نایدروف در برابر کرس رفته بود و با همان سرعت بازی را از دست داد.

10.PxP Cf-d7

پیلینک یکسال بعد در چکسلواکی همین واریانت را در برابر اگوزین برای دومین بار به آزمایش گذاشت و لسی این بار به جای راندن اسب f6 به d7 با پیاده h پیاده مهاجم سفید را گرفت ولی باز هم سفید طی ادامه زیر ضمن کسب برتری کمی وضعیتی برنده بدست آورد:

10...PxP 11.FxP Cb-d7 12.Fd3 Ce5 13.De2

11.Cxe6 PxC 12.Dh5+ Rf8 13.Fb5!

خازین در برابر نیکی تین به جای این حرکت چنین ادامه‌ای را برگزید:

13.Fc4 Ce5 14.Cd5 exd5 15.0-0+ Rg7 16.Fg3 Cb-c6

17.Fxd5 hxg5 18.Tf7+ Cxf7 19.Dxf7+ Rh6 20.h4 Tf8

21.hxg5 Fxg5

و بازی را از دست داد.

حرکت $13.Fb5!$ بهترین و قویترین حرکت سفید است و دیدیم که سه استاد آرژانتینی در مقابل این حرکت جوابهای غیرکافی و نادرست $Ce5 \dots 13$ و $Rg7? \dots 13$ را دادند و تسلیم شدند. اما پل کرس بعدها حرکت $13 \dots Th7!$ را پیشنهاد نمود که قادر است طی ادامه زیر اوضاع را متعادل ساخته و بازی را مساوی کند:

13...Th7! 14.0-0+

گلیگوریچ در مقابل فیشر (پورتوروز ۱۹۵۸) به اشتباه $14.Dg6?$ را برگزید و طی ادامه زیر با مخاطراتی روبرو شد.

14...Tf7 15.Dxh6+ Rg8 16.Dg6+ (16.g6? Fxh4+ 17.g3 Tg7

18.gxh4 axb

که سفید ضمن از دست دادن دو سوار چیزی بدست نمی‌آورد.

16...Tg7 17.Dxe6+ Rh8 18.Fxd7 CxF 19.0-0-0 Ce5

20.Dd5 Fg4

با برتری سیاه

14...Rg8 15.g6 Tg7 16.Tf7 Fxh4 17.Dxh6 Txf7
18.gxf7+ Rxf7 19.Tf1+ Ff6 20.Dh7+ Re8 21.Dg8+

آخرین شاخه از واریانت نایدروف

VI)6.h6

این حرکت در واقع مقابله‌ای است با 6...e5، چرا که پس از این حرکت سفید با 7.Cd-e2 بازی را دنبال نموده و در مقابل 7...Fe7 با 8.g4 پاسخ گفته و به برتری می‌رسد. حال سیاه در مقابل حرکت متن سه ادامه 6...b5 و 6...g6 و 6...e6 را در اختیار دارد که انجام حرکت اخیر ممکن است بازی را به یکی از واریانتهای شونینگن بکشاند که در جای خود بدان خواهیم پرداخت:
در صورت 6...b5:

6...b5 7.Cd5!

نایدروف در مقابل فیشر (وارنا ۱۹۶۲) ادامه 7...Fb7 را برگزید و طی ادامه زیر سفید پوزیسیونی برتر بدست آورد.

(7...Fd7? 8.CxC+ PxC 9.c4 PxP 10.FxP FxP 11.0-0 d5)

7...Df3 8.Cc5 9.b4

با امکاناتی برابر

در صورت 9.Cf6+ بازی چنین ادامه پیدا کند:

(9.Cf6+ g7xC 10.DxT Fb7 11.Da7 Dc7(11...e5 12.b4!

و سیاه به ازای کمیت از دست رفته وضعیتی فعالتر بدست می‌آورد.

در صورت 6...g6:

6...g6 7.g4 Fg7 8.g5 Ch5!

سیاه در صدد تسخیر خانه f4 برآمده

9.Fe2 e5 10.Cb3 Cf6 11.Cd5 0-0

در نبردی که پیش روست سیاه امکانات مناسبی برای مقابله در اختیار خواهد داشت. به عنوان مثال نتیجه ادامه زیر برای سیاه بد نیست

12.h4 Cd7 (13.Fg4 f5 14.gxf6 Cxf6)

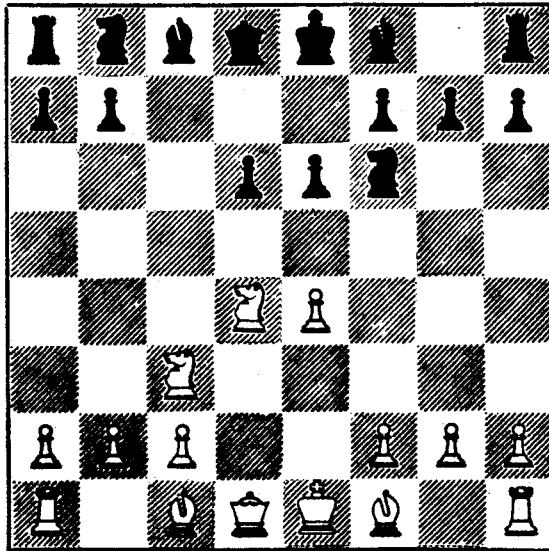
اما رشفسکی در مقابل فیشر (آمریکا ۱۹۶۳) ادامه محتاطانه 11.Cxd5 را برگزید و سفید طی ادامه زیر به برتری دست یافت:

11.Cxd5 12.DxC Cc6 13.Fg4!

واریانت شونینگن (Scheveningen Variations)

(1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 PxP 4.CxP Cf6 5.Cc3 e6)

5...e6 6.Fe2 Cc6



ادامه زیر نیز برای سیاه ممکن است

کاریف - اسپاسکی (لنینگراد ۱۹۷۴)

6...Fe7 7.0-0 0-0 8.f4 Cc6 9.Fe3 e5 10.Cb3 a5 11.a4 Cb4
12.Ff3 Fe6

ادامه

(6...a6 7.0-0 Dc7 8.f4 Cc6 9.Fe3 Fe7 10.De1 0-0)

نیز برای سیاه بد نیست اما بک در مقابل بولسلاوسکی (استکهلم ۱۹۴۸) به جای قلعه رفتن حرکت عجولانه Cxd4 را انجام داد و سفید پس از 11.Fxc4 وضعیت بهتری بدست آورد و پس از اشتباه بعدی سیاه که حرکت 11...e5? بود طی ادامه 12.f4xe5 d6xe5

13.Dg3 از پوزیسیونی عالی برخوردار شد و عاقبت سیاه ظرف ۱۲ حرکت بعد تسلیم

گردید.

7.Fe3 Fe7 8.0-0 a6

ادامه 8...Fd7 نیز می‌تواند کم‌وبیش تعادل را برقرار سازد ولی حرکت متن مطمئن‌تر است :

(8...Fd7 9.f4 0-0 10.De1 CxC 11.FxC Fe6 12.Dg3 g6!

13.Fd3 Ch5! 14.Df2 CxP 15.DxC e5 (16.PxP? Fg5!)

سیاه موفق می‌شود از پیشروی پیاده e4 مانعت به‌عمل آورد. اصولاً "در این واریانت جلوگیری از پیشروی پیاده سفید و کسب موقعیت حمله در جناح وزیر از اهم برنامه‌های سیاه است.

9.f4 Dc7 10.De1

در صورت 10.Ff3 نیز سیاه به‌قلعه رفته و امکان مقابله را خواهد داشت و می‌تواند با Ta-c8, Ca5, Fd7 تهدیداتی را در جناح وزیر بوجود آورد. هرچند که سفید نیز با انتقال وزیر به g3 درصدد اقداماتی مشابه در جناح شاه برمی‌آید که ایده حرکت دهم سفید نیز ایجاد چنین تهدیداتی است.

10...Fd7

در صورت 10...0-0 ممکن است سفید طی ادامه زیر رچان خطرناکی را به‌کف آورد.
(11.Dg3 Fd7 12.Cf3! b5 13.e5! PxP 14.PxP)

حرکت 10...CxC نیز ممکن است به پوزیسیون زیر منجر گردد:

(11.FxC b5 12.e5! PxP 13.PxP Cd7 14.Ce4 Fb7 15.Cd6+ FxC

16.PxF DXP 17.Td1 Dc7 18.Df2)

سفید ضمن برتری دو فیل، حمله‌ای غیرقابل تحمل را در اختیار دارد.

11.Td1

حرکت 11.Dg3 ممکن است با؟! h4... 11 روبرو شود و در صورت 12.DxP سیاه با 12...Tg8 و 13...Tg6 وضعیتی خطرناک را برای سفید بوجود می‌آورد. در صورت 11.g4 نیز سیاه با؟! h6... 11 پاسخ گفته و بعد به‌وسیله e5... 12 امکاناتی برای حمله متقابل بدست می‌آورد.

11...0-0 12.Dg3

حالا این حرکت عجولانه نیست، چرا که سیاه تکلیف خود را در جناح شاه روشن کرده و به قلعه رفته است.

12...b5

این حرکت ادامه طبیعی و منطقی حرکت 0-11...0 سیاه است، چرا که او تصمیم گرفته
بمانند سایر شاخه‌ها و واریانتهای سیسیلی در جناح وزیر دست به حمله‌ای متقابل زند.
13.a3

برای ممانعت از پیشروی پیاده b5، در اغلب واریانتهای کلید حمله سیاه و کسب برتری او در
جناح وزیر همین حرکت b4... می‌باشد.

13...Ta-d8 14.Cf3

سیمونیویچ در برابر پیرک (یوگسلاوی ۱۹۴۶) با انتقال شاه به h1 خواست ضمن تامین
شاه حرکت e5 را انجام داده و در صورت امکان از ستون g برای حمله استفاده کند ولی
سیاه پس از این ادامه، امکانات متقابلی را بدست آورد و اقدامات سفید را برای انجام
e5 بی‌اثر ساخت.

(14...CxC 15.FxC Fc6 16.Ff3 Db7 17.Td2 a5)

حرکت متن تهدیدات مداومتری را موجب گشته و امکانات بهتری را برای e5 بوجود
می‌آورد، مثلاً:

14...b4 15.PxP Cxb4 16.e5!

که در اینصورت سفید ضمن کسب فضا و موقعیتی فعالتر تهدیدات جدی را متوجه مرکز و
قلعه سیاه می‌سازد.

* * * *

سیسیلی چهاراسب

(1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 PxP 4.CxP Cf6 5.Cc3 Cc6)

واریانتهای دراگون، نایدروف و شونینگن را از نظر گذرانندیم و اکنون در ادامه بررسی
واریانتهای که پس از 2...d6 پدید می‌آیند به واریانت حاضر رسیده‌ایم:

5...Cc6

البته همانطور که بعدها نیز خواهید دید، سیاه می‌تواند از این امکان در مقام دومین
حرکت استفاده کند که ما در مبحث واریانت ارتدکس به آن خواهیم پرداخت. در آن
واریانت نیز بازی پس از ادامه:

1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.d4 PxP 4.CxP Cf6 5.Cc3 d6

به پوزیسیون حاضر منجر می شود. ولی عاملی که باعث گشته تا ما برای حرکت 2...Cc6 میبختی جداگانه در نظر بگیریم، احتمال انجام حرکتی غیر از 5...d6 از سوی سیاه می باشد، به همین لحاظ در ادامه بررسی های خود راجع به دفاع سیسیلی میبخت مستقلی را تحت عنوان واریانت ارتدکس (2...Cc6) آورده و به تحلیل پی آمده های آن پرداخته ایم :

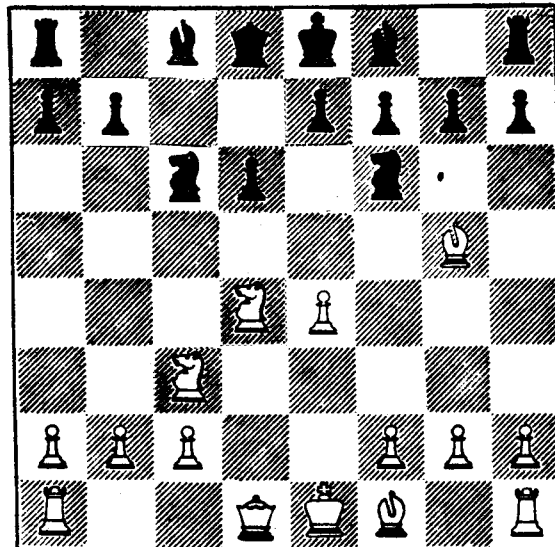
حال پس از این توضیح به حرکت متن بازگشته و به معرفی و بررسی امکانات سفید پس از این حرکت می پردازیم، این امکانات عبارتند از :

- I) 6.Fg5 واریانت ریختر
- II) 6.Fc4 واریانت سوزین
- III) 6.Fe2 e5 واریانت بولسلاوسکی
- IV) 6.g3

* * * *

حمله ریختر

I) 6.Fg5



این واریانت به حمله ریختر - راورز نیز مشهور است .

6...e6

اونزیکر - گتورگیو (۱۹۶۹) چنین ادامه دادند :

6...Fd7 7.Dd2

در صورت 7.FxC سیاه با 7...g7xF پاسخ گفته و ضمن کسب برتری دو فیل ستون g را اشغال می کند .

7...Tc8 8.0-0-0 CxC

سیاه خود را آماده می کند تا با دادن قربانی تفاوت، قلعه سفید را درهم شکند .

9.DxC Da5 10.f4

سفید دست به حمله متقابل می زند، چرا که حمایت از اسب c3 توسط 10.Fd2 با 10...a6 محاب گشته و سودی برای سفید ندارد .

10...TxC! 11.PxT e5 12.Db4 DxD 13.PxD CxP 14.Fh4 g5!

15.f4xg5 Fe7!

با امکاناتی بالنسبه برابر

7.Dd2

حرکت 7.CxC ادامه ای پرفراز و نشیب را به دنبال داشته و نهایتاً "به نفع سفید نیست، ببینید :

7.CxC PxC 8.e5 Da5!

در صورت 8...PxP سفید با 6.Df3 جواب گفته و حمله ای نیرومند را بدست می آورد . اصولاً "، اساس و ایده حرکت 7.CxC سفید نیز برپایه سود بردن از چنین لغزشهای است و درواقع نوعی دام گسترده محسوب می شود . از اینرو سیاه می باید بادقت و هشیاری تمام به حرکات سفید پاسخ گوید .

9.Fb5 PxP

ادامه بازی خود نشان خواهد داد که این بهترین حرکت سیاه است .

10.PxC b5! 11.Ce4

در صورت 11.Df3 سیاه ابتدا 11...De5+ را انجام داده و پس از 12.Ce2 با 12...d4 راه حمله وزیر را سد می کند .

11...De5

حال سفید برای حمایت از اسب خود دو راه f3 و De2 را در اختیار دارد : در صورت f3

سیاه طی ادامه زیر ضمن برتری کمی از موقعیتی خوب نیز برخوردار می شود :

(12.f3 d5 13.Dd2 h6(13...PxC?? 14.0-0-0)14.Fh4 g4
15.Fg3 Dxb2

در صورت De2 :

12.De2 d5 13.0-0-0 g6!

اگر چنانچه سیاه 13...PxC? را انجام دهد ممکن است با ادامه :

(14.f4 Da5 15.PxP FxP 16.Db5+ DxD

و Td8+ روبرو شود و در صورت 13...DxC نیز ممکن است با

(14.DxD PxD 15.f6xg7

با تهدید 16...Td8+ و مات بازی را بیازد .

ولیکن حرکت !g6... 13، قطر فیل را همچنان مسدود نگهداشته و از عمل رخ در ستون d جلوگیری می کند و ضمن ایجاد چنین موضعی به سیاه امکان می دهد که درصد گرفتن یک سوار برآید .

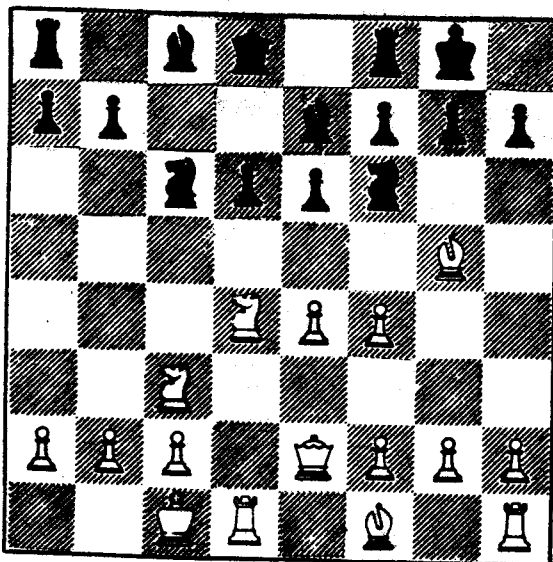
اکنون پس از بررسی این واریانت دام گونه که از ابداعات خود ریخته می باشد بار دیگر به حرکت متن بازگشته و به بررسی دو ادامه ممکن سیاه تحت عناوین شاخه یک و دو می نشینیم :

a)7...Fe7 شاخه اول

b)7...a6 شاخه دوم

* * * *

7...Fe7 8.0-0 0-0 9.f4



بازیهای زیر نشان می‌دهند که ادامه 9.Cb3 به نفع سفید نیست:

9.Cb3

سفید با این حرکت قصد دارد تا از فعالیت سیاه در جناح وزیر که معمولاً "به وسیله ...a6 ، ...b5 صورت می‌گیرد ممانعت به عمل آورده و ضمن تحکیم مواضع در این سو دست به اقدامات فعالانه‌ای در جناح دیگر زند ولی در تحقق بخشیدن به این ایده ناکام می‌ماند. بازی لیبن - تایمانوف (لنینگراد ۱۹۵۵) به خوبی نشانگر این نکته است:

9...Db6 10.f3 Td8 11.Fe3 Dc7 12.Df2!

تا اینجا سفید در اجرای نقشه خود موفق است. ولی ادامه بازی چیز دیگری را ثابت می‌کند.

12...Cd7!

کوزما در مقابل اسپاسکی (لیون ۱۹۵۵) 12...d5 را برگزید و طی ادامه زیر به برتری

مختصری قناعت کرد:

(12...d5 13.exd Cxd5 14.CxC exd 15.g4 Fe6 16.Cd4 Cxd4

17.Fxd4)

13.Cb5 Db8 14.g4 a6 15.Cb5-d4 Dc7 16.h4 Cc-e5 17.g5 b5
18.h5 Cf8!

ادامه:

(18...Cc4 19.g6! Cxe3 20.gxF+ Rxf7 21.Dxe3 Cc5 22.Fb3)

برتری مختصری را برای سفید تامین می‌کند

19.f4 Cg4 20.Dg3 Cxe3 21.Dxe3 e5!

سیاه ضمن کسب برتری دو فیل ابتکار عمل را در اختیار دارد .

حال سیاه برای مقابله با حرکت متن چه راهی را برگزیند؟

9...Cxh6 یا 9...Ra و یا اینکه به راه 9...d5 رود؟

اونگوریانو در مقابل کاریف (اسکوپیه ۱۹۷۲) 9...Cxh6 را برگزید:

9...Cxh6 10.Dxc Da5 11.Fc4 Fd7 12.e5! Pxp 13.Pxp Fc6!

به منظور کسب برتری پوزیسیونی و ایجاد تهدیداتی چون Dxf و Td8 و یا Fc5

14.Fd2!

سفید ضمن حفظ امکان گرفتن اسب تهدید جدیدی را بوجود آورده:

14...Cd7 15.Cd5 Dd8 16.CxF+ Dxc 17.Te1

سفید ضمن کسب برتری دو فیل از وضعیتی بسیار خوب برخوردار است، و بدیهی است که گرفتن پیاده g2 برای سیاه به مثابه یک خودکشی است.

کورچنوی به سال ۱۹۵۵ در برابر تال به راه 9...d5 رفت و پوزیسیون زیر شکل گرفت:

(9...d5 10.e5 Cd7 11.h4 Cb6 12.FxF DxF 13.h5 Fd7

14.g4 Ta-c8 15.g5 Cb4)

15...Ca5 با تهدید به تسخیر خانه c4 بهتر بود.

16.Rb1 a6 17.Fd3 Ca4 18.CxC FxC 19.Td-f1 CxF 20.PxC

پیاده‌های سفید، تهدیدات جدی را علیه قلعه سیاه بوجود آورده‌اند و لسی سیاه نیز از امکانات متقابلی در جناح وزیر برخوردار است. و از آنجائی که ساختمان پیاده‌های قلعه سیاه دست نخورده باقی مانده، امکان بلوکه کردن پیاده‌های سفید و سد نمودن راه حمله برای سیاه وجود دارد و این خود نمونه خوبی است برله قانون آرایش پیاده‌های قلعه که می‌گوید: "حتی‌الامکان باید از حرکت دادن پیاده‌های حافظ قلعه پرهیز کرد."

و اما پی آمدهای h6...9 :

9...h6 10.Fh4

ادامه! 10.FxC FxF 11.CxC PxC 12.DxP Db6 برای سفید خطرناک است.

10...CxP

هیبل در مقابل زاگورفسکی (۱۹۶۵) اینگونه ادامه داد :

10...CxC 11.DxC Da5 12.Dd3 Td8 13.Rb1! Fd7 14.g4 Fc6

15.Fg2!

و سفید وضعیت مستحکم و خوبی پیدا کرد.

استرن در مقابل ریتر (۱۹۶۹) ادامه دیگری را برگزید ولی این بار نیز سفید به برتری دست یافت :

(10...e5 11.Cf5 FxC 12.PxF Da5 13.Rb1 Ta-d8 14.FxC! FxF

15.Cd5 DxD 16.TxD PxP 17.CxF+ PxC 18.Fe2 Tf-e8 19.Tf1 Te4

20.Ff3 Te7 21.a3 Ce5 22.Fd5 Cg4 23.TxP Ce3 24.Ff3!

اسب سیاه گرفتار آمده و نظر به آرایش خوب پیاده‌های سفید در مقابل درهم ریختگی و از هم پاشیدگی پیادگان سیاه، سفید یک آخر بازی برنده را پیش رو دارد.

11.FxF CxD 12.FxD Cd2xF 13.CxC PxC 14.Fe7 Te8

15.ThxC TxP Fb7

سفید به واسطه فضای بیشتر و ساختمان پیاده‌ای نسبتاً "بهرتر از برتری مختصری برخوردار است.

همانطور که مشاهده کردید شاخه نخست برای سیاه چندان مفید فایده نبوده و وی را با مشکلاتی روبرو می‌سازد از اینرو امروزه شاخه دوم بیشتر مورد استفاده قرار گرفته و متداولتر است :

شاخه دوم از واریانت ریختر

7...a6 8.0-0-0 Fd7 9.f4 Fe7

ادامه :

(9...Te8 10.Cf3 Da5 11.Rb1 (11.e5? Cb4! 12.exf Txc3

13.Cd4 Ta3! (با حمله‌ای شدید! 11...b5 12.e5!

کلر در برابر تایمانوف (۱۹۵۵) به جای 12.e5 حرکت 12.Fd3? را انجام داد و سیاه

طی ادامه

(12...Cb4 13.Te1 CxF 14.DxC b4 15.Ce2 Fb5 ! 16.De3 Fe7)

بازی نسبتاً "خوبی پیدا کرد .

12...dxe (12...b4? 13.exf bxc 14.fxg شدید

13.Fxe Cd5 14.CxC PxC

به برتری سفید می انجامد

اینک سفید برای اجرای دهمین حرکت خود امکانات 10.Fe2 و 10.Cf3 را در اختیار دارد :

در صورت 10.Cf3 :

10.Cf3

خولموف در برابر تایمانوف (لنینگراد ۱۹۶۷) با ادامه 10.f5 برتری مختصری را برای خود تامین کرد :

(10.f5 Tc8 11.Fxe6 Fxe6 12.Fc4 Cxd4 13.Dxd4 Da5

14.Fxf6 gxf6 15.Fb3)

10...b5 11.FxC

چی منز - تایمانوف (هاوانا ۱۹۶۷) اینگونه ادامه دادند :

(11.e5 b4 ! 12.exf6 bxc3 13.Dxc3 gxf6 14.Fh4 a5 15.Rb1 Cb4

16.a3 Tc8 17.Dd2 Cd5 18.c4 Cb6)

و سیاه امکانات متقابل و خوبی را بدست آورد .

11...PxF

ادامه ؟! 11...FxF! نیز می تواند تامین کننده منافع سیاه باشد، ولی از آنجائی که سیاه هنوز به قلعه نرفته . با نیمه باز کردن ستون g می تواند امکانات متقابلی را بدست آورد . با وضعیت حاضر نیز سیاه قادر به دفع حملات سفید می باشد مثلاً "بولسلاوسکی تایمانوف (شوروی ۱۹۷۰) چنین ادامه دادند .

12.f5 Db6 13.Rb1 0-0-0 14.g3

سیاه برتری دو فیل را داراست ولی سفید نیز از آرایش پیاده های خوبی برخوردار است و از آنجائی که هر دو شاه در یک جناح هستند امکانات طرفین برای حمله یکسان می باشد . فیشر در مقابل اسپاسکی (ریک یاویک ۱۹۷۲) به جای 12.f5 از 12.Fd3 استفاده کرد و نبرد تند و سختی در گرفت ولی در پایان نتیجه ای جز مساوی به همراه نداشت .

در صورت 10. Fe2 :

10. Fe2

بازی فیشر - اسپاسکی (ریک یاویک ۱۹۷۲) به خوبی نشانگر این نکته است که با انجام این حرکت از سوی سفید، سیاه قادر به برقراری تعادل و حتی بدست آوردن امکاناتی متقابل است.

10...0-0 11. Ff3 h6

باردن با مهره سیاه در برابر کاوالک (۱۹۶۹) 11...Te8 از انجام داد و پس از 12.Th-e1 h6 13.Fh4 با 13...Cxe4 ضمن برقراری تعادل مشکلاتی را برای سفید بوجود آورد.

12. Fh4

ادامه:

12.FxC FxF 13.Cxc6 FxC 14.Dxd6 Fxc3

نیز برای سفید شمری ندارد.

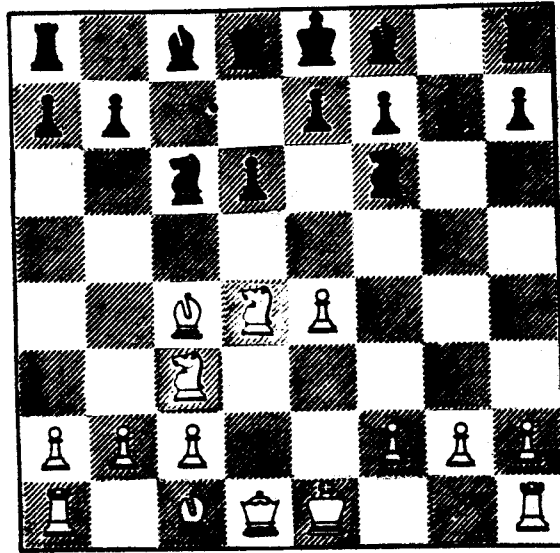
12...Cxe4 13.Fxe7 Cxd2 14.Fxd8 Cxf3 15.Cxf3 Tfxd8

16.Txd Rf8

با وضعیتی برابر

* * * *

(1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 PxP 4.CxP Cf6 5.Cc3 Cc6 6.Fc4)



6.Fc4 e6

(۱ در صورت 6...Fd7:

6...Fd7

سیاه می‌تواند با این حرکت بازی را به یکی از واریانتهای دراگون یکشاندکه واریانتهای مشابه پیش از این در بخش دراگون تعویقی (حمله یوگسلاو) مورد بررسی قرار گرفته است.
7.Fb3 (7.Fe3 Cg4!)

در صورت

(7.Fg5 e6 8.Fxf6? Dxf6 9.Cd-b5 0-0-0 10.Cxd6+ Rb8)

سیاه امکانات خوبی بدست می‌آورد

7...g6 8.f3

سفید می‌تواند طی ادامه زیر برتری مختصری را بدست آورد.

8.Fe3 Cg4 9.Cxc6 bxc6(9...CxF? 10.FxF7+!) 10.Df3 Ce5

11.Dg3
8...Ca5

در صورت

(8...Cxd4 9.Dxd4 Fg7 10.Fg5)

نیز سفید سهم بیشتری را در مرکز به خود اختصاص می دهد.

9.Fg5 Fg7 10.Dd2 h6

حرکت 11.Fh6, 10...0-0 را به دنبال داشته و در پی آن سفید با h4 تهدیدات موثرتری را ایجاد می کند.

11.Fe3 Tc8 12.0-0-0

سفید ضمن برخورداری از موقعیتی فعال، فشار بیشتری را در مرکز اعمال می کند.

(۲) در صورت 6...Db6:

6...Db6

سفید برای مقابله با این حرکت، دو امکان 7.Cd-e2 و 7.Cb3 را در اختیار دارد که 7.Cb3 حرکتی متداولتر می باشد. فیشر در برابر بنکو (بلد ۱۹۵۹) از حرکت قدیمی 7.Cd-e2 استفاده کرد و طی ادامه زیر موقعیت بسیار خوبی بدست آورد:

7.Cd-e2 e6 8.0-0 Fe7 9.Fb3 0-0 10.Rh1 (10.Fe3 Dc7

11.f4 Cg4!) 10...Ca5 11.Fg5 Dc5?

11...Dc7 بهتر بود، اگرچه که سفید باز ابتکار عمل را در اختیار داشت.

12.f4 b5 13.Cg3 b4?

فیشر در مقابل این اشتباه با 14.e5! حمله ای غیرقابل مقاومت را بوجود آورد و سیاه را به تسلیم واداشت. سیاه می توانست به جای این حرکت با Fb7 و 14.axb3 و 13...Cxb3 در جهت تعادل و برابر نمودن امکانات بکوشد.

و اما 17.Cb3

7.Cb3 e6 8.Fe3 Dc7 9.f4 a6 10.Fd3 b5 11.Df3 Fb7

12.0-0 Fe7 13.a4

با حفظ ابتکار عمل

باز دیگر به حرکت متن باز می گردیم:

پس از اجرای حرکت متن از سوی سیاه، واریانت سوزین بنابه انتخاب سفید به دو شاخه فرعی حمله سوزین و حمله ولیمیرویچ تقسیم می شود:

I) 7.Fb3 حمله سوزین

II) 7.Fe3 حمله ولیمیریچ

* * * *

حمله سوزین

7.Fb3

با ادامه 8.Fb3 7.0-0 Fe7 نیز می توان همین واریانت را دنبال کرد. البته جدای از حرکت متن، سفید می تواند با a3 7. ضمن جلوگیری از پیشروی پیاده b سیاه، خانه a2 را برای عقب نشینی فیل خالی کرده و از معاوضه احتمالی آن با اسب جلوگیری کند (اصولاً این فیل در واریانت سوزین مسئولیتهای زیادی به عهده داشته و نقش مهمی را داراست. ارایرو یکی از اهداف سیاه می تواند از صحنه خارج کردن این فیل باشد) و بر قطر a2-g8 تا مدتی طولانی نظارت داشته باشد.

7...Fe7

از اینجا حمله سوزین به سه شاخه

8.f4

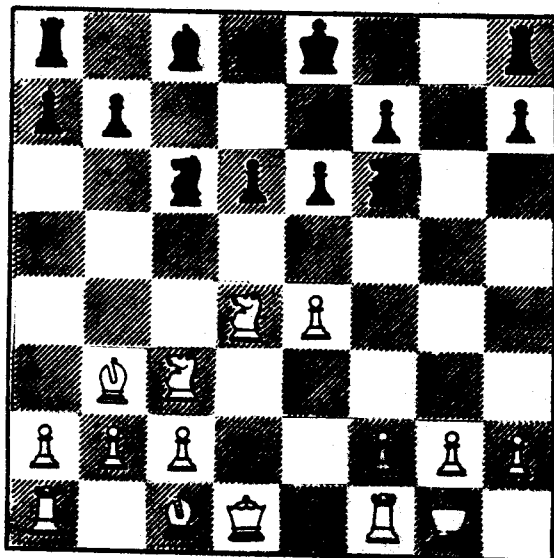
8.Fe3

8.0-0

تقسیم می شود.

* * * *

8.0-0



در این شاخه سیاه به طرق مختلف می تواند تعادل را برقرارو یا حتی در برخی موارد کسب برتری کند، مثلا " گلر در مقابل فیشر (کوراکاشو ۱۹۶۲) راه زیر را برگزید و نتیجه نسبتا " خوبی گرفت :

8...Cxd4 9.Dxd4 0-0 10.f4 b6 11.Rh1 Fa6! 12.Tf3 d5
13.exd5 Fe5 14.Da4 Fb7 15.Fe3 exd5 16.Fd4 a6

و یا اشتین - تایمانوف (لنینگراد ۱۹۵۴) اینچنین ادامه دادند :

8...0-0 9.f4 در مورد 9.Fe3 به پائین رجوع کند
(9...Cxd4 10.Dxd4 b6 11.Dd3) 10.e5 Cxd4 11.Dxd4 Cg4
12.f5 Db6 !

با تهدید...Fc5 و همینطور زیر ضرب داشتن پیاده های مرکزی سفید .

8...0-0 9.Fe3 a6 ! 10.f4 Cx0! 11.Fxc b5 12.e5 Pxp
13.PxP Cd7

با شانسهای برابر

دومین شاخه حمله سوزین

8.Fe3 0-0 9.0-0 a6

سیاه راههای مختلفی را پیشروی خود دارد، بیاید چند نمونه از این راهها را طی کنیم:

(فیشر - کورچنوی (کوراگائو ۱۹۶۲))

9...Ca5 10.f4 b6 11.e5 Ce8 12.f5 dxe5 13.fxe6 cxb3

14.Cc6 Dd6 15.Dxd6 Fxd6 16.axb3 Fxe6 17.Cxa7

با یک آخر بازی خوب

9...Cxd4 10.Fxd4 b5! 11.Cxb5 Fa6 12.c4 Fxb5

13.Cxb5 Cxe4 14.Dg4 Cf6 15.De2 Cd7 16.Ta-c1 با برتری سفید

هیپ سلیس - بولسلاوسکی چنین ادامه دادند:

9...Fd7 10.f4 Cxd4

لارسن با مهره سیاه در مقابل فیشر (دور ۱۹۷۱) بجای این حرکت چنین ادامه داد:

(10...a6 11.f5 Dc8 12.Fxe6 Fxe6 13.Cxe6 Fxe6 14.Ca4

(با برتری سفید)

11.Fxd4 Fc6 12.De2 b5 13.Cxb5 Fxb5 14.Dxb5 Cxe4 15.f5!

بانیگ در برابر بولسلاوسکی (۱۹۵۵) به جای 15.f5! اینطور ادامه داد:

(15.Dd3 d5 16.c4 dxc 17.Fxc4 Cd6 18.Ta-c1 Cf5 19.Ff2)

با وضعیتی برابر اما آرولاید در مقابل تال (۱۹۵۵) در حرکت پانزدهم به بیراهه رفت و

سیاه طی ادامه زیر موقعیت خوبی بدست آورد.

(15.Ta-d1? Ff6! 16.Dd3 d5 17.c4? Da5 18.Cxd exd

19.Fxf6 Cxf6)

15...Ff6 16.Dd3 d5 17.Ta-d1 Dc7 18.PxP PxP 19.c4 Cc5

20.De3

با برتری مختصری برای سفید

10.f4 CxC 11.FxC b5

اینک پوریسیون حاضر شباهت زیادی به وضعیتهای شاخه چهارم واریانت نایدروف پیدا

کرده است.

12.a3 Fb7

12.a3 Fb7

حال سیاه قادر است تا با تهدیدات سفید مقابله نموده و دست به اقداماتی متقابل بزند .

شاخه سوم حمله سوزین

8.f4 0-0 9.Fe3 Cxd4

واسیوکف - بازانوف (مسکو ۱۹۵۵) اینطور ادامه دادند :

(9...d5 10.e5 Cd7 11.0-0 Cc5 12.Dh5

(و سفید امکانات خوبی را برای حمله بدست آورد

10.Fxd4 b5 11.e5 dxe5 12.fxe5 Cd7 13.0-0 Fc5

اولافسون در برابر فیشر (استکهلم ۱۹۶۲) چنین ادامه‌ای را برگزید :

13...b4 14.Ce4 Fb7(14...Dc7 15.Cf6+ Rh8 16.Dh5)

15.Cd6 FxC 16.PxF

با برتری سفید

14.FxF(14.CxP Db6)14...CxF 15.DxD TxD 16.CxP Fa6 17.Fc4

(17.Cc7 FxT 15.CxT Fxg2)17...FxC 18.FxF Ta-b8

19.Tf-d1 TxT 20.TxT g6

سفید یک پیاده جلوست. ولی از آنجائی که این پیاده ایزوله است و مهمتر از آن در خانه سیاه است و فیل قادر به دفاع از آن نیست، ازدست خواهد رفت .

* * * *

حمله ولیمیریچ

7.Fe3

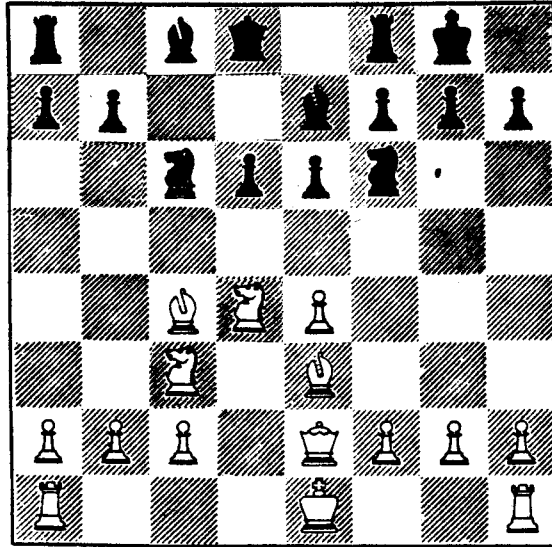
بنا به جوابی که سیاه به این حرکت می‌دهد، این حمله به دو شاخه :

I)7...Fe7

II)7...a6

تقسیم می‌شود .

7...Fe7 8.De2 0-0



حال سفید! دو ادامه 9...Fb3 و 9...0-0 را در اختیار دارد، اما قبل از پرداختن به هریک از حرکات فوق، خوب است نکته‌ای را بدین شرح یادآور شویم که در بسیاری موارد پی‌آمدهای این دو حرکت به ایجاد یک پوزیسیون می‌انجامد و فقط ترتیب حرکات در دو ادامه متفاوت است. البته در طی این بررسی بهتر متوجه این نکته خواهید شد.

در صورت 9...Fb3:

9...Fb3 Da5 10...0-0 CxC 11...FxC Fd7 12...Rb1

سعید در نظر دارد پس از 13...FxC تهدید گرفتن پیاده را بوجود آورد.

12...Fc6

فیشر - سوفروسکی (اسکوپه ۱۹۶۷) چنین ادامه دادند:

(12...Ta-d8 13...De3 !! b6 14...Fxf6 !! gxf6 15...Cd5 !! Tf-e8

(15...exd5 16...Txd5 Da6 17...Th4) 16...Cxe7+ 17...Txd6 Tc8

18...Dd4 Fe8 19...Dxf6 (و سیاه تسلیم شد)

13...f4 Ta-d8

سیاه بدینوسیله از پیاده خود دفاع نموده و امکان d5 را فراهم می‌آورد.

14.Th-f1

در صورت 14.e5 ممکن است طی ادامه

(14...dxe5 15.fxe5 Cd7)

پیاده e5 سفید ضعیف گشته و مشکلاتی را برای سفید فراهم آورد.

14...b5

(14...e5 15.Cd5 Fxd5 16.Fc3 Dc7 17.exd5

) با وضعیتی بهتر برای سفید

15.e5

ادامه

15.f5 b4 16.Fxe6 bxc3 17.Txf6!

نیز برای سفید ممکن و خوب است. در آن صورت بهترین دفاع سیاه می‌تواند ادامه زیر باشد که باز سفید برتریهای را در اختیار خواهد داشت:

17...Fxf6 18.FxF gxf6 19.e7 De5(19...Td7 20.Td5!)

20.exd8=D Txd8 21.Dc4 Fe8 22.Dxc3

و اگر چنانچه سیاه از طریق 17...gxf6 اقدام کند، آنگاه پس از ادامه‌های زیر وضعیتی بدتر خواهد داشت.

17...gxf6 18.exf7+ Th8(18...Txf7 19.Fxf7+ Rxf7 20.Dc4+)

19.Dg4

سفید با حرکت اخیر تهدیدات 20.Tf1 و 20.Dh4 و 20.De6 را بوجود آورده و بهترین حرکت سیاه برای مقابله با این تهدیدات 19...Tb8 می‌باشد، چراکه 19...h6 پاسخ 20.h4 را به دنبال داشته و سفید ضمن این حرکت، تهدید Dg6 را بوجود می‌آورد که به باخت سریع سیاه می‌انجامد. حرکت 19...Fd7 نیز پس از ادامه:

(19...Fd7 20.Dh4 Rg7 21.Td3 Txf7 22.Tg3+ Rf8

23.Dxh7

شرایطات کردن را برای سفید فراهم می‌آورد

20.Fxc3 (20.De6 Dd8 21.Tf1 Tb4 22.Fxc3 (22.bxc3 Fd7

23.Dd5 Tb5)22...Txe4 23.Txf6 Te1+ (23...TxD?? 24.TxT)

24.Dxe1 Fxf6 25.Dg3 d5

(آنچنان چیزی عاید سفید نمی‌گردد)

20...Dd8 21.Fe6

حال سیاه از نظر کمی اندکی پیش است ولی به لحاظ کیفی وضعیت بدی دارد و در این میان پیاده f7 نقش قاطعی را بازی می‌کند و سیاه برای رفع تهدیدات می‌بایست به طریقی از شر این پیاده خلاص شود. که البته در هر صورت سفید بازی را خواهد برد، مثلا " اگر چنانچه سیاه از طریق 21...Fd7 اقدام کند. پس از ادامه 22.Fxf7 و 22.Fxf7 نیز وضعیت خوبی نخواهد داشت، از طرفی رخ‌های سیاه عملا " منفعل گشته و قادر به انجام هیچگونه حرکت مثبتی نمی‌باشند، مثلا " رخ b8 قادر نیست که عرض هشتم را ترک گوید، چرا که سفید در آن صورت پیاده d6 را توسط رخ گرفته و به پیروزی می‌رسد، و اگر چنانچه سیاه با وزیر رخ را بگیرد با کیش وزیر در g8 روبرو می‌شود و اگر با فیل در صدد گرفتن رخ برآید سفید با Fxf6 کیش داده و باز تهدید +Dg8 را بوجود می‌آورد که به مات سیاه می‌انجامد. اما فیشر در مقابل گلر (اسکوپیو ۱۹۶۷) در حرکت هفدهم به جای 17.Txf6 حرکت اشتباه 17.exf7+ را انجام داد و گلر بخوبی از این اشتباه سود جسته و ضمن دفاعی مناسب امکانات حمله‌ای را فراهم آورده و عاقبت سفید را به تسلیم واداشت. ادامه این بازی از این قرار بود:

(17.exf7+? Rh8 18.Tf5 (18.Fxc3 Db5 19.Fc4 Dc7

(نتیجه‌ای برای سفید ندارد)

18...Db4 ! 19.Df1

(19.Txf6 Fxf6 20.Fxf6 gxf6 21.Df3 Txf7

(و سیاه می‌برد)

ادامه 19.bxc3 نیز پاسخ 19...Db7 را به دنبال داشته و 19.Fxc3 هم با 19...Dxe4 جواب گفته می‌شود.

19...Cxe4 20.a3 Db7 21.Df4 Fa4 22.Dg4 Ff6 23.Txf6 Fxb3

(و سفید تسلیم شد)

اکنون پس از بررسی 15.f5 بار دیگر به حرکت متن (15.e5) بازگشته و ادامه آن را بی می‌گیریم:

15...PxP 16.PxP Cd7 17.Dg4 !

اگر چنانچه سفید به امید حرکت Fxe6 حرکت 17.Txf7 را انجام می‌داد، آنگاه سیاه طی ادامه زیر به خوبی از خود دفاع می‌کرد:

(17...TxT 18.Fxe6 Cf8 19.Fb3 Fd7! 20.e6 Fxe6 21.FxF CxF
22.DxC Td6)

در صورتی که حرکت متن تهدیدات 18.Fxe6 و یا 18.Td3 و سپس 18.Tg3 را بوجود آورده.

17...b4 18.Txf7! RxT

(18...TxT 19.Dxe6 Td-f8 20.Tf1 Cf6 21.PxC Fxf6 22.FxF

و سفید می برد

19.Dxe6+ Re8 20.Dxc6 PxC 21.e6 Dh5 22.PxC+ TxP 23.g4! Dg6

(23...DxP 24.Dc8+ Fd8 25.Te1+ Te7 26.TxT+ RxT

27.Fc5+ Re8 28.Fa4+ DxF 29.De6+ Fe7 30.DxF و سفید می برد

24.Ff6! TxF 25.DxT+ Rf8 26.Dc8+ De8 27.Dc4 Df7

28.DxD+ TxD 29.FxT RxF 30.Td7

و سیاه به واسطه کمبود قوا مجبور به تسلیم است.

اینک پس از بررسی عواقب ناشی از حرکت 9.Fb3 بار دیگر به حرکت نهم سفید بازگشته و به بررسی حرکت 9.0-0-0 می پردازیم:

9.0-0-0 a6

حرکت 9...Da5 طی ادامه:

(10.Fb3 CxC 11.FxC Fd7 12.Rb1 Fc6 13.f4 Ta-d8

14.Th-f1 b4)

بازی را به همان واریانتهای که پیش از این تحت عنوان 9.Fb3 مورد بررسی قرار دادیم می کشاند.

10.Fb3 Dc7 11.g4 CxC 12.TxC b5!

در صورت 12...e5 سفید با 13.Tc4 و یا Cd5 وضعیت خطرناکی را برای سیاه بوجود می آورد.

13.g5 Cd7 14.f4

ادامه 15.Tg1 g6! 14.Dh5 Td8! چیزی عاید سفید نکرده و در حمله او ایجاد وقفه می کند.

14...Cc5 15.Df2

حال سفید می تواند با 15...f5 طی ادامه:

(16.e4xf5 TxP 17.Dd2 Fd7)

شانسهای را برای تساوی بدست آورد اما حرکت 15...Td8 ممکن است چنین ادامه‌ای را بدنبال داشته باشد :

(15...Td8 16.f5 Tb8 17.Tf1 Ff8 18.g6!?! CxF+ 19.a2xc

سیاه برای دفاع از قلعه خود با مشکلات زیادی روبرو شده و ادامه مناسبی برای مقابله در اختیار ندارد و اگر چنانچه بخواهد با 19...b4 دست به اقدامات متقابلی در جناح وزیر زند ، سفید اینگونه پاسخ خواهد داد :

20.Dh4! h7xg6(20...f6xg6 21.f5xg6 h6 22.Fg5)

21.f5xg6 f7xg6 22.Fg5 Te8 23.Td3 Th3 با تهدید

23...e5 Th3 جلوگیری از

24.Cd5 Db7 25.Td-f3 Fe6 26.Tf1-f2!

حال سفید تهدید 28.Ce7+ TxT 27.Txf+! TxT را بوجود آورده . اگر چنانچه سفید در دادن قربانی تفاوت (TxF) تعجیل کند سیاه پس از

26...TxT 27.Cd7+ DxC 28.FxD TxT+

درمقابل وزیر خود دورخ سفید را می‌گیرد . ولی اکنون سفید با حرکت متن به‌توسط وزیر از رخ دفاع کرده و تهدید مات و یا گرفتن وزیر درمقابل یک رخ را بوجود آورده حال اگر سیاه با گرفتن اسب توسط فیل درصدد خنثی‌سازی این تهدید برآید سفید از طریق Th3 تهدید غیرقابل دفاع مات در خانه h8 را بوجود می‌آورد .

شاخه دوم حمله ولیمبرویچ

7...a6 8.De2 Dc7 9.0-0-0 Fe7 10.Fb3 Ca5

در این شاخه سیاه از طریق همین حرکت سعی دارد تا فیل خطرناک b3 را نابود کرده و ضمن بدست آوردن برتری دو فیل از شدت حمله سفید بکاهد .

11.g4 b5 12.g5 CxF+ 13.a2xc Cd7

حال سه ادامه برای سفید ممکن است :

14.Cf5!?! PxC 15.Cd5 Dd8 16.PxP Fb7(16...0-0? 17.f6)

17.Th-g1 FxC 18.TxF 0-0 19.f6 CxP! 20.PxC FxP!

با وضعیتی برابر

وگت درمقابل ترینگوف (بلغارستان ۱۹۷۳) ادامه زیر را برگزید :

14.Dh5 Cc5 15.b4 Ca5 16.Td3 Db7!

و سیاه ضمن دفع حمله امکانات متقابل و خوبی را در جناح وزیر بدست آورد .
در صورت ادامه زیر سفید به لحاظ کمی یک پیاده عقب می افتد و لیکن از جنبه کیفی امکانات
مناسبی را در اختیار گرفته و می تواند به نتیجه حمله اش امیدوار باشد :

14.h4 b4 15.Ca4 Cc5 16.h5!?! CxP 17.g6

* * * *

واریانت بولسلاوسکی

(1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 PxP 4.PxP Cf6 5.Cc3 Cc6 6.Fe2 e5)

6.Fe2 e5

(در صورت 6.e6 بازی به واریانت شونینگن کشانده می شود)

ایده اصلی سیاه در این واریانت ، تعویض فیلهای خانه سیاه و بالنتیجه ضعیف نمودن
خانه های d4 و e3 است و قصد دارد که در فرصتی مناسب حرکت d5 را انجام داده و
ضمن کسب سهم بیشتری از مرکز باراندن پیاده a7 حمله ای را در جناح وزیر سامان دهد .
حال سفید برای مقابله سه حرکت زیر را در اختیار دارد :

I) 7.Cf3 شاخه اول

II) CxC شاخه دوم

III) 7.Cb3 شاخه سوم

شاخه اول واریانت بولسلاوسکی

7.Cf3

گرتلدی - اونزیکر (مونیخ ۱۹۵۴)

7...h6 جلوگیری از Fg5

8.0-0 Fe7 9.Tel (9.Fe3 0-0 10.Dd2 Fe6 11.Ta-d1 Dd7

12.De1 Tf-d8 اقدامی برای انجام d5

13.Fc1 Ff8 14.b3 Dc8 ((با وضعیتی محکم و خوب

9...0-0 10.b3

اونزیکر در مقابل تایمانوف (۱۹۵۲) به جای حرکت متن 10.h3 را انجام داد و سیاه طی ادامه زیر برتری جست :

(10.h3 a6 11.Fc1 b5 12.a3 Fb7 13.b3 Ta-c8 14.Fb2 Tc7)

در حالیکه سفید در وضعیت ای غیر فعال بسر می برد ، سیاه می تواند با ...Da8 و ...Td8 مهمترین ایده واریانت بولسلاوسکی ، یعنی راندن پیاده وزیر به d5 را موفقانه عملی سازد

10...a6 11.a4 Fe6 12.Fb2 Tc8 13.h3 Da5 14.Ff1 Tf-d8

با وضعیتی برابر

شاخه دوم

7.CxC

(والتر - ایوه (زوریخ ۱۹۵۴))

7...PxC 8.0-0

(8.f4 Cd7 9.f5? Db6! مانع قلعه رفتن سفید می گردد)

8...Cd7!!

دونر - تروت (۱۹۵۴) چنین ادامه دادند :

(8...Fe7 9.f4! Cd7 10.f5! 0-0 11.Dd3 Cb6 12.Dg3 Fh4

13.Dg4 Rh8 14.Tf3 (با حمله ای خطرناک)

9.Dd3 Fe7 10.Dg3 0-0 11.f4 PxP 12.FxP Cc5

(نیز ممکن است 12...Ce5)

13.Fc4 Ce6 14.Fe3 Ff6 15.Ta-d1 Fe5 16.Df2 Da5 17.FxC FxF

18.Fd4

با وضعیتی برابر

سومین شاخه واریانت بولسلاوسکی

7.Cb3

(پیلینک - پطروسیان (بوئنوس آیرس ۱۹۵۴))

7...Fe7 8.0-0 0-0

باردن در مقابل وید (ناتینگهام ۱۹۵۴) به جای این حرکت 8...a5 را انجام داد اما بعد از :

(9.Fe3 a4 10.Cd2 a3 11.PxP! Fe6 12.Cc4 FxC 13.FxF 0-0
 14.Tb1! TxP 15.Tb3 TxT 16.C2xT)
 سفید ضمن برتری دو فیل و رجحان در جناح وزیر و نظارت بر ستون d بازی فعالتر و بهتری
 بدست آورد)

9.Fe3(9.Ff3 a5)

لاکوبنس - گلیگوریچ (۱۹۴۹) چنین ادامه دادند .

(9.f4 a5! 10.a4(10.fe3 a4) 10...Cb4! 11.Rb1(11.Fe3 Fe6
 12.Db6+, 12...Cxc2 (با تهدید 11...Fe6 12.f5 Fd7 13.Fg5 Tc8
 14.Ff6 Fc6 15.De2 h6 16.Fh4 Dc7

حال سیاه می تواند با حرکت Tf-d8 پیاده وزیر را به d4 رانده و بازی خوبی بدست آورد .
 9...Fe6

(9...a5 نیز ممکن است)

10.Ff6 a5 11.Cd5

در صورت 11.a4 سیاه اسب را به b4 رانده و خانه d5 را تقویت می کند .

11...FxC 12.PxF Cb8!!

این بهترین خانه فرار اسب است چرا که طی مانورهای بعدی از طریق d7 و b6 و c4 امکانات
 خوبی را بدست آورده و می تواند فیل های خانه سیاه را تعویض کند که در این صورت سفید
 در خانه های سیاه مرکز دچار ضعف گشته و سیاه بازی بهتری پیدا می کند .

13.a4

پیلینک در مقابل گلر (گوتبرگ ۱۹۵۵) در حرکت سیزدهم c4 نمود ولی پس از ادامه زیر
 سیاه وضعیت دفاعی خوب و مناسبی بدست آورد .

(13.c4 Ca6 14.Fd2 b6 15.Fc3 Ce5 16.Cxc b6xc 17.De1 Cd7
 18.Fd1 a4)

13...Cb-d7 14.Fe2 Cb6 15.c4 Cb6-d2 16.Cd2 Ce8 17.Rh1 Fg4

سیاه موفق شد تا ایده واریانت بولسلاوسکی را عملی گرداند . او با تعویض فیل های خانه
 سیاه مرکز را حفظ کرده و ضمن برخورداری از پوزیسیونی محکم ، امکانات متقابلی را
 در اختیار خواهد داشت .

واریانت g3:

(1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 PxP 4.PxP Cf6 5.Cc3 Cc6 6.g3)

با نگاهی گذرا بر این ادامه متروک، واریانتهای سیسیلی چهاراسب و همینطور مبحث مربوط به d6... را به پایان می‌بریم، همانطور که اشاره شد این واریانت امروزه کاربردی ندارد و سیاه می‌تواند به طرق مختلف تعادل را برقرار و در برخی موارد کسب برتری کند به عنوان مثال لی‌پنی تسکی - کورچنوی (۱۹۵۵) چنین ادامه دادند:

6...g6 7.Cd-e2 h5! 8.h3 Fd7 9.Fg2 Dc8!!

سیاه با تهدید پیاده h3 مانع قلعه رفتن سفید گشته

10.Fe3 Fg7 11.Cd5 CxC 12.PxC Ce5 13.Cd4 Cc4 14.Fc1 Cb6

15.c3 Dc4

با وضعیتی فعال برای سیاه

* * * *

سیسیلی ارتدکس

(1.e4 c5 2.Cf3 Cc6)

تا بدینجا در بررسیهای مربوط به دفاع سیسیلی با واریانتهای و سیستمهای دفاعی روبرو بودیم که سیاه در آنها حرکت d6... را انجام می‌داد و اکنون تحت عنوان فوق به بررسی واریانتهای می‌پردازیم که پس از 2...Cc6 ممکن می‌گردند.

2...Cc6 3.d4 PxP 4.CxP

حال سیاه پاسخهای، 4...CxC و 4...Cf6 و 4...g6 (دراگون پیش افتاده) و 4...e6 (واریانت تایمانوف) را در اختیار دارد.

حرکت 4...CxC به سفید امکان می‌دهد که با ایده اساسی دفاع سیسیلی مقابله نموده و پس از 5.DxC d6 حرکت 6.c4 را انجام دهد. (در این مورد می‌توانید رجوع کنید به واریانت دراگون پیش افتاده بازی پورتیش - رشفسکی (۱۹۷۳)).

و اما در صورت 4...Cf6

4...Cf6 5.Cc3 e6

حرکت d6...5 که از قضا بهترین پاسخ سیاه نیز می باشد بازی را به یکی از واریانتهای سیسیلی چهاراسب که پیش از این مورد بررسی قرار گرفت می کشاند. ادامه e5...5 نیز برای سیاه مثمرتر نبوده و برتریهای را نصیب سفید می گرداند:

(5...e5!? 6.Cd-b5 d6 7.Fg5 a6 8.Ca3! b5

9.FxC PxF 10.Cd5 f5)

6.Cd-b5

به منظور بهره برداری از خانه ضعیف d6، حرکت CxC 6. که ادامه:

(6...b7xc 7.e5 Cd5 8.Ce4 Dc7 9.f4 f5 10.Cd6+ FxC

11.exd Db6! 12.c4 Cf6 13.Db3 Ce4 14.Dxb6 axb

15.Fe3 c5)

را به دنبال دارد بازی را به تساوی کشانده و فایده ای برای سفید ندارد.

6...Fb4(6...d6? 7.Ff4 e5 8.Fg5)

که در این صورت سفید ضمن تضعیف خانه d5 تهدید Fxf6 و Cd5 را بوجود می آورد.

7.a3

ادامه +Cd6 7. نیز کاری از پیش نمی برد چرا که سیاه پس از

7...Re7 8.Cxc8 TxC

از طریق Th-e8 به قلعه مصنوعی رفته و با d5 بازی مناسبی بدست می آورد.

حرکت 7.Ff4 نیز امکانات جالب توجه ای را در اختیار سیاه قرار می دهد، مثلاً:

7...Cxe4 8.Cc7+ Rf8 9.Df3

(در صورت 9.Cxa8? سیاه با 9...Df6 حمله شدیدی را بوجود می آورد)

9...d5 10.Cxa8 Df6

و سیاه امکانات خوبی بدست می آورد.

7...FxC+ 8.CxF d5 9.e4xd5 e6xd5 10.Fd3 0-0 11.0-0

سفید ضمن برتری دو فیل از آرایش پیاده ای بهتری نیز برخوردار است.

* * * *

دراگون پیش افتاده

(1.e4 c5 2.Cf3 Cc6 3.d4 PXP 4.CXP g6)

4...g6

قبلا" در مبحث دراگون (2...g6) و بررسی بازیهای (فیشر - لارسن) و (تال - آرونین) اشاراتی به این قسمت داشتیم و در واقع این بخش مکمل همان مبحث می باشد. در این واریانت سیاه با انجام g6 در مقام چهارمین حرکت از افتادن درکش و قوس حمله لوفیش خود را مصون می دارد ولی، انجام این حرکت پیش از افتادن Cf6... این امکان را به سعید می دهد که پیاده c2 را به پیش رانده و سیاه را از برخی امکاناتی که معمولاً "در دفاع سیسیلی در اختیار وی قرار می گیرد محروم گرداند (دانستید که یکی از اصول و ایده های مهم دفاع سیسیلی بهره برداری از ستون نیمه باز و بالنتیجه بدست آوردن امکانات متقابل در جناح وزیر می باشد). اما سیاه نیز در صد برمی آید تا از رخنه d4 و همینطور ضعف خانه های سیاه مرکز استفاده کرده و وضعیتی دلخواه بدست آورد و لیکن تجربه نشان داده که سیاه در عملی ساختن این ایده موفق نبوده و با مشکلات بسیار زیادی برخورد می کند.

5.c4

در صورت 5.Cc3 سیاه می تواند طی ادامه 5...Fg7 6.Fe6 Cf6 7.Fc4 0-0 از مواجهه با حمله یوگسلاو اجتناب ورزد.

5...Cf6 6.Cc3

حال پوزیسیون ایجاد شده دقیقاً "بمانند وضعیتی است که در یکی از واریانتهای گشایش انگلیسی بوجود می آید، البته احتمال ایجاد چنین پوزیسیونی در گشایش رتی نیز هست که ما در جای خود به هر دو این گشایشها پرداخته ایم (این مباحث در جلد سوم آمده)

6...Fg7

رشفکی در برابر پورتیش (۱۹۷۳) به جای حرکت متن 6...CxC را انجام داد و طی ادامه زیر سفید در جناح شاه صاحب حمله شدیدی شد.

(6...CxC 7.DxC d6 8.Fg5 Fg7 9.Dd2 0-0 10.Fd3 a5 11.0-0 a4 12.Ta-c1 Fe6 13.Dc2 Cd7 14.f4)

7.Fe3 Cg4 8.DxC CxC 9.Dd1 Ce6

سرواتی درمقابل نوناگاپرین داشویلی (دورتموند ۱۹۷۴) درمقابل این تهدید سفید به‌جای عقب‌نشینی با 9...e5 از اسب دفاع کرد و سفید توانست طی ادامه زیر سیاه را به تسلیم وادارد.

(9...e5 10.Cb5 0-0 11.Fe2 Dh4? 12.CxC PxC 13.FxP Dxe4

14.FxF Dxd2? 15.Dd4! DdT+ 16.Rd2 DdT 17.Df6

و سیاه به‌خاطر 18.Fh6 و سپس مات تسلیم شد

10.Tc1

اینک سفید وضعیتی فعالتر داشته و به‌سیاه اجازه نخواهد داد تا در جناح وزیر دست به اقدامات متقابل بزند مثلاً "می‌تواند 10...a5 را با 11.c5! و 10...Da5 را با 11.Fd3! پاسخ گفته و بخته‌های خوبی را برای حمله بدست آورد. در بازی زیر که بین پورتیش و پفلیگر (مانیل ۱۹۷۴) انجام شده، پورتیش همین برتری را به‌یک پیروزی تبدیل کرد:

10...d3 11.b4! 0-0 12.Fe2 a5 13.a3 PXP 14.PXP Fd7

15.0-0 Fc6 16.Dd2 Ta6

(16...FxC 17.DxF FXP 18.Fh6 Te8 19.Tf-e1

با تهدید TxC و Fd3

17.Cd5 Rh8 18.Fb6 Dd7 19.f4 f5 20.PXP PXP 21.Ff3 Tf-a8

تنها نقطه امید سیاه استفاده از همین ستون است.

22.Tc-e1 Ta1 23.b5 (تامین برتری دو فیل) 23...FxC 24.DxF Cd8

25.TxT TxT 26.TxT FxT 27.c5!)

این پیاده که اکنون اینچنین بر مواضع سیاه فشار وارد می‌آورد، همان پیاده‌ای است که سیاه با انتخاب این واریانت بدان اجازه تحرک داده است.

27...e6 28.c6 (28.Dxd6? Fd4+

) و سپسFxF,....DxD

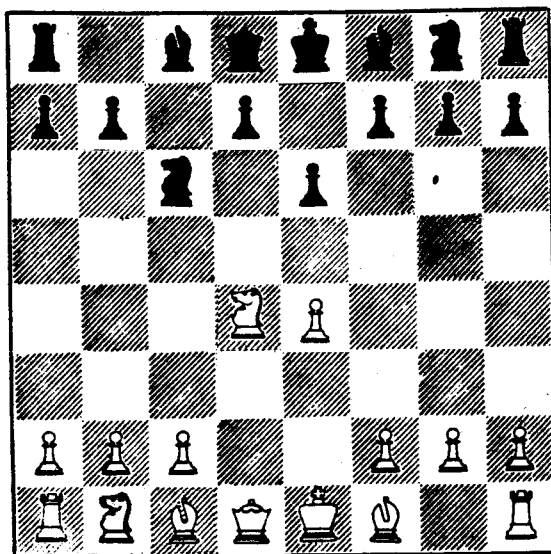
28...PXP 29.PXP PxD 30.PxD Ff6 31.FXP Rg7 32.Fc4 Fe7

33.Rf2

و سیاه تسلیم شد چرا که شاه وی به هیچ طریقی نمی‌تواند به پیاده سفید نزدیک شود و سفید به‌راحتی با انتقال شاه خود به‌میدان بازی را می‌برد.

(1.e4 c5 2.Cf3 Cc6 3.d4 PxP 4.CxP e6)

4...e6



سفید دوراه 5.Cc3 و 5.Cb5 را پیشرو دارد که البته 5.Cb5 متداولتر می باشد .

شاخه اول :

5.Cc3 Dc7 6.g3 a6

سیاه با این حرکت از پیشروی اسب به خانه b5 جلوگیری می کند ، تال در یکی از بازیهای خود در برابر میشر (بلد ۱۹۶۱) به اشتباه حرکت 6...Cf6 را انجام داد و به دردهای بسیاری گرفتار آمد و عاقبت نیز بازی را واگذار نمود ، ببینید :

6...Cf6? 7.Cd-b5 Db8 8.Ff4 Ce5

ادامه

(6...e5 9.Fg5 a6 10.Fxf6 gxf6 (10...axb5 11.Fg5)

نیز درمانی برای درد سیاه نیست

9.Fe2 !

سفید با این حرکت خانه 3 را کنترل نموده و مقدمات 4 Dd را فراهم می‌آورد. در صورتی که ادامه

9.Fxe5 Dxe5 10.f4 Db8 11.e5 a6

می‌توانست امکاناتی را برای تساوی در اختیار سیاه قرار دهد.

7.Fg2 Cf6 8.O-0 Cxd4 9.Dxd4 Fc5 10.Ff4 d6

تعویض وزیرها به دلیل از دست دادن ابتکار در ستون c و بالنتیجه منفعل گشتن در جناح وزیر، به نفع سیاه نیست.

11.Dd2 h6 (11...Cd7 نیز میسر است) 12.Ta-d1 e5 13.Fe3 Fg4

با وضعیتی بالنسبه برابر

در صورت 14.Pxf 13...Fxf سیاه یک پیاده از دست می‌دهد و نمی‌تواند با 14...Re7 از پیاده دفاع کند چرا که با حرکت خوب 15.Txf6 روبرو خواهد شد.

دومین شاخه

5.Cb5 d6 (5...d5? 6.PxP PxP 7.DxP)

و در صورت 7...DxD، سفید با 8.Cc7+ وزیر را پس می‌گیرد.

حال سفید دو ادامه 6.Ff4 و 6.c4 را در اختیار دارد:

در صورت 6.Ff4:

6.Ff4

این حرکت دلخواه فیشر بود و در بسیاری از بازیهای خود آنرا بکار گرفته است.

6...e5 7.Fe3 Cf6 8.Fg5 Fe6

ادامه 8...Da5+ به دلیل

(9.Dd2 CxP 10.DxP CxD 11.Fe3(Cc7+ Rd7 12.CxT Cxg5

(برای سفید خوب نیست)

11...Rd7 12.Cb1-c3

در صورت 7.Fxa7 یا 7.Cxa7 سیاه در مرکز قدرت گرفته و وضعیت خوبی پیدا می‌کند.

12...CxC 13.CxC Rd8 14.Cb5 !

حال سیاه نمی‌تواند پیاده عقب مانده d6 را به جلو براند چرا که با 15.Fxa7 و سپس

(16.Fb6+ Rd7 17.Cc7

9.Cb1-c3 a6 10.Fxf6 gxf6 11.Ca3 d5 !

تمامی ادامه‌های زیر منجر به برتری سفید می‌گردند :

اگر) 11...b5 12.Cd5 !

و اگر) 11...Ce7 12.Fc4 !

11...f5 12.Fc4 Fxc4 13.Cxc4 Fxe4 14.Cxe4 d5 15.Dxd5!

11...Cd4 12.Cc4 Tc8 (و یا اگر چنانچه

بوریسکو در مقابل استرین (شوروی ۱۹۶۱) به جای 12...Tc8 حرکت 12...f5 را انجام داد ولی باز هم طی ادامه زیر سفید ابتکار عمل را در اختیار داشت :

(12...f5 13.exf5 14.Fd3 Tc8 15.Fxf5 Txc4 16.Fxe6 Fxe6

17.Df3 De7 18.0-0-0 Tf4 19.Dh3)

13.Ce3 Fh6 14.Fd3 Tg8 15.Dh5

اما حرکت متن که از ابداعات سوئیتن می‌باشد در عوض یک پیاده سفید را با مشکلات گسترشی روبرو می‌گرداند و می‌تواند طی ادامه :

15.exd5 Fxa3 13.bxa Da5 ! 14.Dd2 0-0-0 !

وضعیت مناسبی را برای سیاه فراهم آورد .

در صورت 6.c4

6.c4

اسپاسکی - لانگ ویگ (آمستردام ۱۹۷۳)

6...Cf6

نیکی تین این ادامه را توصیه می‌کند :

(6...a6 7.Cb5-c3 Fe7 8.Fe2 Cf6 9.0-0 0-0 10.Fe3 Tb8!)

با بختهای برای تساوی

7.Cb1-c3 a6 8.Ca3 Fe7 9.Fe2 0-0 10.0-0 b6

10...Fd7 شاید بتواند طی ادامه! 11.Ff4 Ce5 و یا 11.Fe3 Tb8 امکاناتی را

برای بازی متقابل بوجود آورد .

11.Fe3 Fb7 12.Tc1 Ce5 13.f4 Ce5-d7

(13...Cg6 14.Fd3 Tc8? 15.Db3 Cd7 16.Ca4)

14.Ff3 Tb8 15.De2 Te8 16.Tf-d1 Dc7 17.g4 Te-d8 18.g5 Ce8

19.Cd5 PxC 20.c4xd5 Cc5 21.b4

با وضعیتی برنده

واریانتهای که پس از 2...e6 ممکن می گردند :

(1.e4 c5 2.Cf3 e6)

2...e6 3.d4 PxP 4.CxP

اکنون سیاه می تواند با یکی از این حرکات بازی را ادامه دهد :

4...Cc6

4...d6

4...Cf6

4...a6

حرکات 4...Cc6 و 4...d6 بازی را به یکی از واریانتهای که پیش از این مورد بررسی قرار گرفت می کشاند ، واریانتهای چون تایمانوف ، شونینگن و غیره .
در صورت 4...Cf6 :

ادامه 4...Cf6 پاسخ 5.Cc3 را به دنبال دارد و اگر چنانچه سیاه با 5...d5 پاسخ گوید بازی به واریانت شونینگن کشانده می شود و جواب 5...Cc6 نیز منجر به ایجاد یکی از واریانتهای سیسیلی ارتدکس می شود و اما سیاه یک امکان دیگر را نیز در اختیار دارد که تاکنون به آن نپرداخته ایم و آن 5...Fb4 می باشد که به حمله سیسیلی معروف است .

* * * *

حمله سیسیلی

این حمله زود هنگام نتیجه خوبی برای سیاه به همراه ندارد .

5...Fb4 6.e5!

حال سیاه دو ادامه 6...Da5 و 6...Cd5 را پیش روی دارد . در صورت 6...Da5 سفید می تواند طی ادامه زیر ضدحمله ای را تدارک ببیند :

6...Da5 7.e5xc Fxc+ 8.b2xF DXP+ 9.Dd2! DXT 10.c3

(با تهدید Cb3)

10...Db1 11.Fd3 Db6

اینک حمله سیاه پایان یافته و او با وضع غیرفعالی روبروست در مقابل سفید می تواند طی ادامه

12.Fa3 g7xf6 13.Cb5 d5 14.Cd6+

یا 12.f6xg7 Tg8 13.Dh6

حمله شدید و غیرقابل دفعی را بوجود آورد.

حرکت 6...Cd5 نیز پس از

7.Fb2 CxC

(در صورت 7...FxC نیز سفید پس از 8.b2xf7 ضمن کسب برتری دو فیل می تواند با

c4 و 4g4 و Fb4 وضعیت فعالانه ای بدست آورد).

8.b2xc Fe7 9.Dg4

پوزیسیونی تهاجمی و عالی فراهم می آورد.

در صورت 4...a6:

4...a6

سفید برای مقابله با این حرکت دو واریانت زیر را در اختیار دارد.

5.Fd3

واریانت پائولسن

5.Cc3

واریانت کان

* * * *

واریانت پائولسن

این واریانت بنا به انتخاب سیاه به سه شاخه 5...Fc5, 5...Cc6, و 5...Cf6

تقسیم می شود.

شاخه اول

5...Fc5

کاریف - هوبنر (۱۹۷۲)

6.Cb3 Fa7 7.De2 Cc6 8.0-0 d6 9.Fe3 FxF 10.DxF Cf6

11.c4 0-0 12.Td1 (مقابله با a5) Dc7 13.Cc3 Ce5 14.Ta-c1 b6

15.Fe7 Fb7 16.f4 Cg6 17.g3 Tf-d8 18.a3 Ta-c8 19.Cd4 Fa8

(19...De5 20.b4) 20.b3 Ce7 21.Ff3

سفید در هر دو جناح از ابتکار عمل و بازی بهتری برخوردار است.

دومین شاخه

5...Cc6 6.CxC b7xC

(6...d7xc 7.Ff4 Ce7 8.Fg3 Cg6 9.Cd2 Fd6 10.Cc4 FxF
 11.h2xF b5 12.Ce3 c5 13.Db5 c4 14.Fe2 Fb7 15.Ff3 Dd4
 16.c3 De5 17.a4

و سیاه بازی مناسبی در اختیار ندارد

7.0-0 d5 8.c4!

سیاه در گسترش عقب مانده و از اینرو سفید در صدد است تا بازی را هر چه سریعتر باز کند (حال بد نیست که به این بهانه کمی صحبت کنیم: اصولاً در اینگونه واریانتها که سیاه در آن حرکت 2...e6 را انجام می دهد. وضعیتی بسته فراهم می آید. که از قضا این یکی از اهداف و نیات اصلی و اساسی سیاه نیز می باشد. و عمده مشکل سفید هم در اینگونه واریانتها بر سر چگونگی گشودن و شکافتن خطوط برای حمله است. سیاه با حرکاتی چون 7...Dc7 و 6...Cf6 و 6...a6 و 7...Fd7 و خود را آماده انجام e5 و یا احياناً "d5" می گرداند و یا اینکه اسب خود را در نقطه مهم e5 مستقر می سازد و سفید هم در مقابل با حرکاتی چون 2...Fe2، 3...Fe3، 0-0، 1...Dc1، 1...Td1 خود را آماده می کند تا با انجام e5 از عمل سیاه جلوگیری کند. این موارد در واریانت شونینگن نیز صادق است، در آنجا هم شاهد بودیم که سفید یکی از اهدافش راندن پیاده شاه به e5 بود). اسپاسکی در مقابل پطروسیان (۱۹۶۹) ادامه 8.Cd2 را برگزید ولی نتیجه خوبی از آن نگرفت.

(8.Cd2 Cf6 9.De2 Fe7 10.b3 0-0 11.Fb2 a5 12.f4! g6?!
 (12...Cd7! 13.Dg4 g6) 13.Ta-d1 Cd7 14.c4(14.f5! e5
 15.exd5 Cxd5 16.Fxe5) 14...a4 15.f5 exf5 16.exf5 Ff6
 8...Cf6

در اینجا باتونیک پیشنهاد زیر را ارائه می دهد:

(8...d5xc4 9.FxP DxD 10.TxD Cf6 11.Cc3 Fc5 12.Fg5 e5

با کنترل d4

9.c4xd5 c6xd5 10.e4xd5

اکنون سیاه سه راه 10...DxP، 10...CxP و 10...PxP را پیش رو دارد.
 10...CxP 11.Fe4 Fe7 12.Cc3 Fb7 13.Da4+

(نیز ممکن است 13.Db3)

Dd7 14.DxD+ RxD 15.Td1

و سفید یک پیاده نفع می‌کند.

واسیوکف - وورما (۱۹۷۲) چنین ادامه دادند:

10...DxP 11.Cc3 Dd7 (11...Dc6 12.Fe2) 12.Fc2 DxD

13.TxD Fe7 14.Fc4

با برتری سفید بخصوص در جناح وزیر

و اما پطروسیان در مقابل فیشر (بوئنوس آیرس ۱۹۷۱) با پیاده پیاده را گرفت:

10...PxP 11.Cc3 Fe7 12.Da4+! Dd7?!

ادامه:

(12...Fd7 13.Dd2 Fe6 14.Ff4 0-0 15.Ta-c1)

نسبت به حرکت متن بهتر است.

13.Te1! DxD 14.CxD Fe6 15.Fe3 0-0 16.Fc5

سفید با تعویض فیله‌ها، سیاه را بیش از پیش ضعیف می‌گرداند. و این بیشتر به خاطر داشتن دو پیاده منفرد است که در خانه‌های سفید قرار دارند. از طرفی در میان دو فیل سیاه، فیل خانه‌های سفید خودبخود برد محدودی دارد در صورتی که فیل خانه‌های سیاه از قابلیت مانور بیشتری برخوردار است.

16...Tf-e8 17.FxF TxF 18.b4!

با برتری سفید

شاخه سوم

5...Cf6 6.0-0

این واریانت بازی را به پوزیسیونهای مشابه شونینگن می‌کشاند.

فیشر - نایدروف چنین دنبال کردند:

6...d6 7.c4 Fd7 8.Cc3 Cc6 9.Fe3 Fe7 10.h3 Ce5 11.Fe2 Tc8

12.Db3 Dc7 13.Ta-c1 0-0

سفید از امکان مانورهای بیشتری برخوردار است ولی سیاه نیز امکانات دفاعی مناسبی را در اختیار دارد.

واریانت کان

یانوسهویج - هارتوخ (آمستردام ۱۹۷۱)

5.Cc3 Cc6

اسپاسکی - مارشالک (۱۹۵۸) اینطور ادامه دادند :

(5...Dc7 6.Fd3 Cc6 7.Fe3 b5 8.0-0 Fb7 9.Cb3 Cf6 10.f4 d6
 11.Df3 Fe7 12.a4 b4 13.Ce2 e5 14.Cg3 0-0 15.Cf5 exf
 16.Dxf4 Ce5 17.Dg3 Cg6 18.Fd4 Cxe4 19.Dg4 Cf6 20.Dg5 Ce4
 21.Dh6

و سیاه تسلیم شد .

6.Ff4 (6.Cxc6 bxc6 7.Fd3 d5

(سیاه سهم بیشتری را از مرکز به خود اختصاص می دهد)

اسپاسکی درمقابل فیشر (ریک یاویک ۱۹۷۲) 6.Fe3 را انجام داد و

(6.Fe3 Cf6 7.Fd3 d5 8.exd5 exd5(8...Cxd5 9.Cxc6 bxc6
 (9...Cxe3? 10.Cxd8 Cxd1 11.Txd1 Rxd8 12.Fxa6+)10.Fd4

با برتری سفید

9.0-0 Fd6 10.Cxc6 bxc6 11.Fd4 0-0

با امکاناتی برابر

7.Fg3 e5 8.Cb3 Cf6 9.Fc4 Fe7 10.0-0 0-0 11.a4 b6
 12.De2 Fb7 13.Tf-d1 Dc7 14.Fb4 Cb4 15.Fxf6 Fxf6
 16.Cd5

با برتری مختصری برای سفید .

* * * *

واریانت رویین اشتاین در دفاع سیسلی

(1.e4 c5 2.Cf3 Cf6)

به دلیل ادامه های زیر ، انتخاب این واریانت به صلاح سیاه نیست :

2...Cf6 3.e5

اگر چنانچه سفید به جای 3.e5 حرکت 3.Cc3 را انجام دهد برای سیاه دو ادامه ممکن می‌گردد.

یا 3...d5 4.PxP CxP 5.Fb4+

با برتری سفید

و یا 3...Cc6 4.d4 PxP 5.CxP

که به واریانتهای دیگری منجر خواهد شد مثلاً "در صورت 5...e6 به واریانت شونینگن کشانده می‌شود."

3...Cd5 4.Cc3! e6

(4...CxC 5.d2xC d5 6.PxPep PxP 7.Fc4 Fe7 8.Ff4 0-0

9.Dd2)

با بهترین وضعیت

5.CxC PxC 6.d4 d6 7.Fg5! Da5+

(با برتری سفید 7...Fe7 8.FxF DxP 9.d4xc5

8.c3 c5xd4? 9.Fd3! d4xc3 10.0-0 c3xb2 11.Tb1 PxP

12.CxP Fd6 13.CxP! RxP 14.Dh5+ g6 15.FxP+ PxP 16.DxT

با حمله‌ای غیرقابل مقاومت

* * * *

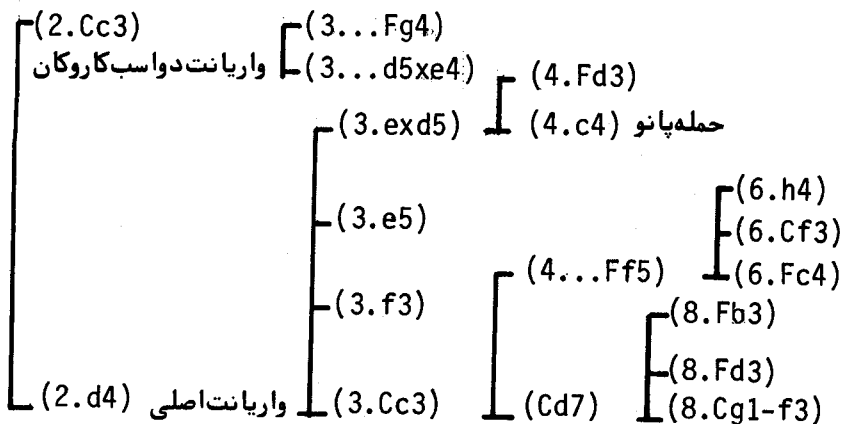
دفاع کاروکان (The Caro-Kann Defence)

(1.e4 c6)

1...c6

این حرکت تدارکی است برای انجام d5 ولی برخلاف دفاع فرانسراه خروج فیل وزیر را مسدود نمی‌سازد، اما در عوض این حسن، اسب وزیر را از بهترین خانه خروجش محروم می‌گرداند و سفید غالباً " در صورت گسترش دقیق و صحیح قادر است تا در مصاف با این دفاع قدیمی برتریهای بدست آورد .

نمودار زیر نشانگر امکانات سفید و همینطور شعبات و شقوق مختلف این دفاع می‌باشد :



واریانت دواسب کاروکان

2.Cc3 d5 2.Cf3

3.d4 بازی را به واریانت اصلی می‌کشاند. حال سیاه می‌تواند با توسل به یکی از این دو شاخه بازی را ادامه دهد:

I)3...Fg4

II)3...d5xe4

شاخه 3...Fg4

3...Fg4

این حرکت به منظور گرفتن اسب و بلادفاع ساختن خانه e5 بازی می‌شود.

4.b3 FxC 5.DxF Cf6 6.d3(6.e5 e4)6...e6 7.g3

از آنجائی که قطر فیل به وسیله d3 مسدود گشته سعید در نظر دارد تا از خانه g2 برای گسترش و نظارت بر مرکز استفاده کند و از سوی دیگر این حرکت می‌تواند پایه‌ای باشد برای انجام f4

7...Fb4

سیاه ضمن مهیا ساختن امکان قلعه، فیل را گسترش داده و تهدید d4 را بوجود آورده است.

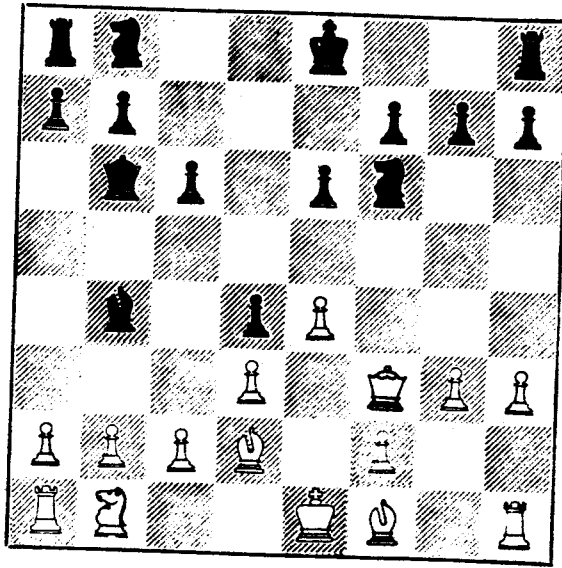
8.Fd2 d4

پاخمن پیشنهاد زیر را ارائه می‌دهد:

(8...Db6 9.0-0-0 d4 10.Ce2 FxF+ 11.Txd2 Cb-d7)

که منجر به تساوی وضعیت می‌گردد.

9.Cb1 Db6!



پطروسیان در برابر فیشر (بلد ۱۹۵۹) به جای این حرکت، دست به تعویض فیله‌ها زد. البته این حرکت بد نیست ولی به نسبت حرکت متن که فشار فوق‌العاده‌ای در جناح وزیر بوجود می‌آورد ضعیف است.

(9...FxF+ 10.CxF

حال اسب آزاد شده و با کسب تمپ خانه‌های خوب b3 و c4 را می‌تواند اشغال کند.

10...e5 11.Fg2 c5 12.0-0 Cc6 13.De2

مقدمه‌ای برای f4 و شکافتن مرکز، حال وقت آن است که سیاه به قلعه رفته و طی ادامه (14.f4 exf4 15.gxf4 Rh8)

بختهای را برای مقابله بدست آورد، ولی پطروسیان چنین ادامه داد:
13...g5?! 14.Cf3?!

این حرکت تهاجمی است ولی ادامه:

(14.f4 gxf4 15.gxf4 De7 16.Cc4 Cd7 17.Dg4)

امکانات بیشتری را برای حمله در اختیار سفید قرار می‌دهد.

بازی فوق‌نشان می‌دهد که حرکت 9...FxF+ حداکثر تساوی را برای سیاه تأمین می‌کند

درحالی‌که حرکت متن کوششی است در جهت کسب برتری

10.b3

در صورت 10.c3 سیاه با 10...Fe7 یا 10...Fa5 پاسخ گفته و همچنان بر نقطه b2 فشار وارد می‌آورد.

10...a5!

سیاه بیش از پیش جناح وزیر سفید را تحت فشار قرار می‌دهد.

11.a3 Fe7 12.Fg2 a4 13.b4 Cb-d7 14.0-0 c5

دیدیم که این دفاع با c6 آغاز می‌شود و در اینجا ما شاهد حرکت دوم این پیاده هستیم و در دفاع کاروکان این حرکت زیاد به چشم می‌خورد، در واقع سیاه در آغاز بازی یک تمپ برای این حرکت ازدست می‌دهد. و این خود یکی دیگر از نقایص این دفاع است ولی اگر چنانچه سیاه بتواند در جریان بازی این زمان ازدست رفته را بازگیرد، این نقص را رفع کرده، و طی ادامه فوق سیاه موفق شده تا با راندن اسب سفید از خانه c3 این تمپ ازدست داده را جبران کنند ولی از طرف دیگر سفید برتری دو فیل را بدست آورده. اصولاً "یکی از ایده‌های مهم سفید در مقابل با این دفاع می‌تواند بهره‌برداری از همین نکته باشد. یعنی به نحوی شروع کرده و ادامه دهد که سیاه فرصت بازپس گرفتن تمپ از کف داده را نیابد!

15.c4

فیشر در برابر کرس (زاگرب ۱۹۵۹) حرکت غیرفعال 15.Ta2؟! را انجام داد و کرس طی ادامه زیر موفق شد تا در جناح وزیر موقعیتی عالی بدست آورده و سرانجام پیروز گردد:

(15...0-0 16.bxc5 Fxc5 17.De2 e5 18.f4 Tf-c8 19.h4 Tc6
20.Fb3 Dc7 21.Fxe5 Cxe5 22.Ff4 Fd6! 23.h5 Ta5! 24.h6 Cg6
25.Df3 Th5! 26.Fg4 Cxf4! 27.Fxh5(27.gxf3 Th4) 27...Cf4xh5
28.g4 Fb2+ 29.Rg2 Cxg4 30.Cd2 Ce3+

(و سفید تسلیم شد)

15...Cxb4 16.axb4 Fxb4 17.Fxb4 Dxb4 18.Ca3

حال سیاه همان تمپ را ازدست داده او می‌باید به قلعه رود ولی از طرفی دیگر با حرکت Cc2 روبروست، وی از موقعیت پیاده c4 زیاد نگران نیست چرا که در مقابل a5 را در اختیار دارد اما عدم کنترل بر ستون نیمه‌باز b می‌تواند دردسرهای برایش فراهم آورد. در مجموع می‌توان گفت که سفید امکانات بهتری را در اختیار دارد و این صرفاً "به خاطر عقب ماندگی

سیاه از لحاظ زمان است، در صورت:

(15...dxc3 16.Cxc3 cxb4 17.axb4)

نیز سفید وضعیت فعال خود را حفظ خواهد کرد.

شاخه دوم

3...d5xe4 4.CxP Fg4

ادامه 4...Ff5? سیاه را در وضعیتی بازنده قرار می دهد:

(4...Ff5? 5.Cg3 Fg6 6.h4 h6 7.Ce5 Fh2 8.Dh5 g6 9.Ff4

(یا تهدید مات با Fxf4)

9...e6 10.De2

(یا تهدید Cxf7 و سپس Dxe6)

5.h3

ادامه 7.DxF Fxc 6.h3 e6 5.d4 نیز ممکن است.

5...FxC 6.DxF e6

(به گسترش سفید کمک می کند Fc4 یا 7.d4 6...Cd7)

7...Dxd4 8.Fd3 Cb-d7 9.Fe3 Dd5 10.Td1 Ce5 11.Df5 f5

برونشتین در مقابل گولومبیک (۱۹۵۴) برای بدست آوردن حمله‌ای شدید، طی ادامه زیر اسب را قربانی داد ولی نهایتاً "بهره‌ای از آن نگرفت و از لحاظ کمیت عقب افتاد.

(12.0-0!? CxF 13.TxC DxC 14.Dc7 Fe2!)

اما گریفیت در مقابل کلارک (نایتنگهام ۱۹۵۴) طی ادامه زیر ضمن فراهم آوردن امکان بازگیری پیاده وضعیتی محکم و خیلی خوب بدست آورد:

12.Cg3 Fd6 13.Da4 0-0-0 14.0-0

DXP یا FXP به سیاه فرصت می دهد که در این سوی میدان به شاه قلعه نرفته حمله‌ور

شود.

14...CxF 15.TxC

واریانت اصلی کاروکان

(1.e4 c6 2.d4)

2.d4 d5

حال سفید چهار ادامه 3.f3 و 3.e5 و 3.exd5 و 3.Cc3 را در اختیار دارد. که دو ادامه اول به دلایل زیر کاربردی ندارند و ادامه سوم نیز اگرچه بهتر است اما به دلایلی که خواهید دید به ندرت به کار می‌رود، در نتیجه ادامه چهارم از همه متداولتر می‌باشد. حرکت 3.f3 ادامه‌ای غیرفعال بوده و نفعی برای سفید در بر ندارد:

3.f3 e6

در صورت 4...d5xe4 سفید با 4.f3xe4 پاسخ گفته و امکانات گسترشی مناسبی بدست می‌آورد.

4.Fe3 Cf6 5.Fd3 c5

با وضعیتی برابر

در صورت 3.e5:

3.e5

این حرکت نیز امکان کسب برتری را از بین می‌برد.

3...Ff5 4.Fd3 FxF

4...Fg6? به دلیل ادامه 7.Dg4 6.e6 f7xe6 6.e6 b7xF 5.FxF غلط است

5.DxF e6

6...Ch6 7.Ce2 c5 (و حال اگر 7.Cg-e2 c5) 6.f4 (6.Cc3 Db6)

8.c3 Cc6 9.0-0 Db6

(و سپس ...Cf5)

در صورت 3.e4xd5:

3.e4xd5 c6xd5

اکنون سفید می‌تواند با برگزیدن یکی از دو ادامه زیر بازی را دنبال کند:

I) 4.Fd3

II) 4.c4

حمله پانو

در صورت 4.Fd3 ممکن است بازی چنین ادامه یابد:

4. Fd3 Cc6 5. c3

5... Cf3 یا 5... Fg4 پاسخ داده می‌شود.

5... Cf6

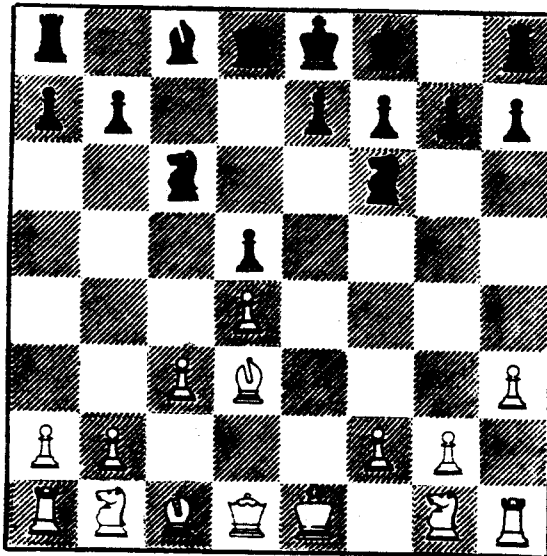
در اینجا خولموف ادامه

5... e5 6. dxe5 Cxe5 7. Fb5+ Cc6

را پیشنهاد می‌کند.

* * * *

6. h3



سفید با این حرکت از نقطه g4 دفاع نموده و امکان Cf3 را فراهم می‌آورد. ضعف سیاه فعلاً "در نحوه گسترش فیلهاست و سفید می‌بایست از این ضعف استفاده کند، اگر چنانچه وی به‌جای حرکت متن، عجلولانه اقدام به Cf3 کند سیاه ضمن گسترش فیل و راندن آن به g4 فرصت می‌یابد که پس از این حرکت با انجام e6 فیل جناح شاه را آزاد سازد.

فیشر در برابر پطروسیان (بلغراد ۱۹۷۰) حرکت 6. Ff4 را انجام داد که ما ذیلاً

ادامه این بازی را با تفسیر سوئیتن آورده ایم :

6.Ff4

درمقابل 6.Fg5 فیشر واریانت جالبی پیشنهاد می کند :

(6.Fg5 Ce4 8.Fxe4 dxe4 8.d5 Ce5 9.Da4+ Dd7

10.Dxe4 Db5!?)

و می گوید که برای سیاه کاملا " تسلی بخش است . ولی اگر سفید چنین ادامه دهد :

11.b3! Cd3+ 12.Rf1

مشکل نیست که دریابیم کار سیاه چندان آسان نمی باشد حرکت $12...Ce5+$ پاسخ $13.De2$ را به دنبال دارد . شاید ساده تر این است که به $6.Fg5$ با $6...Fg4$ پاسخ داده شود و آنگاه اگر $7.Db3$ پس از $7...Dd7$ طرفین بخت های برابری پیدا می کنند . $6...Fg4$

وضعیت هائی این چنین بیشتر در دفاع اسلاو (بررسی این دفاع در بخش گشایش های پیاده وزیر آمده است) با رنگ مهره های عکس معمول می باشد . مثلا " :

(1.d4 d5 2.c4 e6 3.Cc3 c6 4.Cxd5 exd5 5.Cf3 Ff5 6.Fg5)

لازم به یادآوری است که در این بیست ساله از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ از نظر استراتژی برای سفید متداول شده که بعضی روش های فعال سیاه را تقلید کند . در حال حاضر خصوصا " لارسن طالب این قبیل استراتژی است . بازی او درمقابل باتونیک (لایدن ۱۹۷۰) را می توان مثال زد که نمونه ای از واریانت شونینگن دفاع سیسیلی با رنگ مهره معکوس می باشد . این تمایل را چگونه می توان توجیه کرد؟ شاید بخاطر این است که تکمیل سعادت سیاه نیازمند یک تمپ است ! ولی سعادت سیاه قبل از هر چیز رسیدن به تساوی است ، در حالیکه وظیفه استراتژیکی سفید بسیار پیچیده تر است . نگهداشتن ابتکار و حتی بدست آوردن برتری جزئی .

7.Db3 Ca5

حرکت ساده تر $8...Te8$ است و در صورت $8.Ca3$ آنگاه $8...a6$ با وضعیتی نیرومند .

8.Da4+ Fd7

خولموف راه زیر را توصیه می کند :

(8...Ce6 9.Fb5 Fd7 10.De2 Te8 11.Cf3 Cb4)

با بازی خوبی برای سیاه ، ولی این واریانت اجباری نمی باشد ، ادامه $9.Cb-d2$ و سپس

$10.Cg-f3$ آهنگ خوشی است برای گسترش نیروهای سفید .

9.Dc2 e6

حرکت a6...9 به منظور مانور Fb5...10 قابل ملاحظه می باشد .

10.Cf3 Db6

سیاه سخاوتمندانه عمل می کند و از گسترش جناح شاه خود غفلت می نماید . Fe7...10
بهتر می باشد .

یک پاسخ بجا برای جلوگیری از ...Fb5

11.a4!
11...Tc8

حرکت 11...Cb3 چیزی بدست نمی آورد زیرا :

12.Ta2 Tc8 13.0-0 و به دنبال آن Cb-d2 موجب پیشی گرفتن سفید در گسترش می گردد:

12.Cb-d2 Cc6 13.Tb1 Ch5 14.Fe3 h6

یک لحظه مهم ، سیاه امکانات زیر را در اختیار داشت :

I)14...f5

و کوششی برای بستن در مرکز و جناح شاه

فیشر ادامه زیر را برای مقابله توصیه می کند :

(15.g4 Fxg4 16.Cg5 Fd6 17.Fxh7)

و وضعیت را با برتری سفید ارزیابی می کند .

II)14...Fd6

بازی را بسیار پیچیده می کند

(15.Fxh7 g6 16.Fxg6 Fxg6 17.Dxg6+ Rd8 18.g4 Ce7

(18...Cf4 19.Fxf4 Fxf4 20.Df6+) 19.Dg5 Rc7 20.c4

(20.gxb5? Tc-g8 21.Dh4 Cf5 22.Dh3 Cxe3 23.Fxe3 e5!)

با بازی خوبی برای سیاه

20...dxc4 21.gxh5 Tc-g8

به نظر می رسد که در این راه سیاه بخت های متقابلی پیدا می کند و بنابراین می بایست با

حرکت 14...Fd6 دنبال همین پیچیدگیها می رفت ، با واگذار کردن خانه e5 ، سیاه زیر

فشار شدیدی قرار می گیرد . بار دیگر به حرکت متن باز می گردیم :

15.Ce5 Cf6

بعضی از مفسران ادامه زیر را پیشنهاد می کنند .

15...Cxe5 16.dxe5 Fc5 17.a5 Dc7 18.g4!?! Fxe3
 19.Fxe3 Dxe5 20.gxh5 Dxe3+ 21.Fe2 Fb5 22.Dd1
 و سیاه‌سواری را که ازدست داد، به‌حد کافی جبران نموده‌است با اقدام به Ta3 سفید حمله
 دشمن را دفاع نموده و سوار اضافی خود را حفظ می‌کند. جالب است که فیشر در تفسیری
 که بر بازی نوشته حرکت 18.g4!?! را مورد ملاحظه قرار نداده و حرکت یوزیسیونی
 18.Cf3 را که آنهم موجب برتری سفید می‌شود ترجیح داده‌است بعد از 18...Fxe3
 سفید با ادامه 19.Fxe3 g6 20.0-0 در هم شکستن مرکز را با e4 تدارک می‌بیند.
 در این بازی تا بدینجا پطروسیان بختهای برقراری تساوی را ازدست داده و دیگر چنین
 فرصتهای نیز نخواهد داشت. (این بازی را در همین جا وامی‌گذاریم و بار دیگر به حرکت
 ششم سیاه باز می‌گردیم):

6...e5!;

ادامه 6...g6 نیز برای سیاه بد نیست چرا که پس از:

(7.Cf3 Fg7 8.0-0 Ff5

منجر به برابری امکانات می‌گردد. حال اگر چنانچه سفید 9.Fxf5 را انجام دهد، سیاه
 پس از exf می‌تواند پیاده را با حرکت e6 تقویت کرده و خانه e4 را تحت کنترل درآورد.
 7.d4xe5 Cxe5

با امکاناتی برابر، سفید با ادامه 8.De2 نیز به‌جای نمی‌رسد، ببینید:

8.De2 De7 9.Fb5+ Fd7 10.Fe3 FxF 11.DxF+ Dd7

12.De2 0-0-0

حال اگر سفید 13.Fxa7? را انجام دهد، سیاه پس از

13...Te8 14.Fe3 Cc6

فشار شدیدی را در ستونهای مرکزی وارد می‌آورد.

* * * *

حمله پانو

4.c4

این واریانت، امکانات مناسبتری را در اختیار سفید قرار می‌دهد و از اینرو متداولتر

از واریانت (4.Fd3) است ولی در اینصورت نیز سیاه با دفاعی هشیارانه قادر است تا تعادل را برقرار سازد .

4...Cf6 5.Cc3 e6

باتونیک - فلور (۱۹۳۳) چنین ادامه دادند :

(5...Cc6 6.Fg5 d5xc4 7.d5 Ce5 8.Dd4 Cd3+ 9.Fxc c4xF
10.Cf3!

با برتری سفید

6.Cf3

در صورت 6.c5 سیاه پس از 6...Fe7 و 0-0... با حرکت b6 فشار پیاده c5 را از بین برده و آرایش پیاده‌ای سفید را درهم می‌ریزد و از این رهگذر تعادل را برقرار می‌سازد ، نمونه چنین وضعیتی را با یک حرکت تاخیر در بازی فیشر - ایوکف خواهیم دید .

6...Fe7

در صورت d5xc4 ممکن است بازی به یکی از واریانتهای گامبی وزیر کشانده شود .

7.c4xd5

فیشر - ایوکف (بوئنوس آیرس ۱۹۶۰) چنین ادامه دادند :

(7.c5 0-0 8.b4

8.Fd3 و سپس 8...Ce4 بهتر است

8...b6 9.Fd3 b6xc5 (9...a5 10.Ca4 Cf-d7 11.b5

وضعیتی مبهم را بوجود می‌آورد (11.Dc2

11...bxc5 12.dxc5

(که به نظر باتونیک امکانات مناسبی را در اختیار سفید قرار می‌دهد

10.b4xc5 Cc6 11.0-0 Fd7 12.h3 Ce8

سیاه در نظر دارد تا با Ff6 به پیاده d4 فشار آورد .

13.Ff4 Ff6 14.Fb5 Cc7

با امکاناتی متقابل

7...Cxd5 8.Fb5+ Fd7 9.Fxd7+ Dx F 10.Ce5 Cd5xc3

11.b2xc Db5

با وضعیتی برابر

واریانتهای پس از 3.Cc3 :

(1.e4 c6 2.d4 d5 3.Cc3)

3.Cc3

این ادامه از شایعترین ادامه‌هاست که پس از 3...d5xe4 (در صورت 3...Cf6 سفید حرکت قوی 4.e5 را انجام خواهد داد و ادامه 3...e6 نیز بازی را به دفاع فرانسه می‌کشد، البته با حرکت نامساعد c6) 4.Cxe4 بنا به انتخاب سیاه در یکی از سه مسیر زیر جریان می‌یابد:

I) 4...Ff5 شاخه اول

II) 4...Cf6 شاخه دوم

III) 4...Cd7 شاخه سوم

شاخه اول

4...Ff5 5.Cg3 Fg6

اکنون سفید سه ادامه زیر را در اختیار دارد:

I) 6.h4

II) 6.Cf3

III) 6.Fc4

در صورت 6.h4:

6.h4 h6

6...h5? به دلیل 7.Ch3 و سپس Cf4 غلط است.

7.Cf3 Cd7 8.Fd3

هرندی - چرنیک (تهران ۱۹۷۴) چنین ادامه دادند:

(8.h5 Fh7 9.Fd3 FxF 10.DxF Cg-f6 11.Fd2 e6 12.De2 Dc7

13.0-0-0 c5 14.Th4 Fe7

با امکانات متقابل

8...FxF 9.DxF Cg-f6 10.Fd2 e6 11.0-0-0 Fd6 12.Ce4 CxC

13.DxC Cf6 14.De2 Dc7

حال همانطور که چيگورين در برابر بودويچ (۱۹۰۳) ادامه داد سفيد پس از:

15.Rb1 0-0-0 16.c4 Tb-e8 17.Fc3

وضعيت فعالترى پيدا مى‌کند.

در صورت 6.Fc4:

6.Cf3 Cd7 7.Fd3

در صورت 8.0-0 e6 و 7.Fc4 و سپس De2 و Ce5 نیز سفید می تواند ابتکار عمل را در اختیار داشته باشد.

7...e6 8.0-0 Cg-f6 9.c4 Fd6 10.h3 0-0 11.Fb2

کارپف در مقابل اسپاسکی (لنینگراد ۱۹۷۴) در برابر این حرکت 11...c5 را انجام داد و طرفین پس از

(12.Fxg6 hxc6 13.Te1 Dc7 14.dxc5 Fxc5 15.De2 Tf-d8

16.Ce4 Cxc 17.Dxc)

به تساوی رضایت دادند، اما کورچنوی در برابر اسپاسکی (۱۹۷۶) با دست زدن به یکسری اقدامات فعالانه در جناح شاه امکانات مختصری را بدست آورد.

(12.Dc7 12.FxF h7xF 13.De2 Tf-e8 14.Ce4 Cxc 15.Dxc Fe7

16.Ta-d1 Ta-d8 17.Tf-e1 Da5 18.a3 Df5 19.De2 g5 20.h3 g4

21.h3xg4 Dxc4)

در صورت 6.Cf3:

6.Fc4 e6

به منظور محدود نمودن قطر فیل، ادامه

6...Cd7 17.Cg-e2 e5 8.0-0!.

منجر به برتری سفید می گردد.

7.Cg-e2 Cf6

ادامه 7...Fd6 ممکن است با

(8.h4 h6 9.Cf4 Fxc 10.FxF Cf6 11.h5!)

روبرو شود

8.0-0 Fd6 9.f4

سفید قصد دارد با f5 مرکز را شکافته و راه حمله را بگشاید:

9...0-0 10.f5 e6xf5 11.Cxf5) حال اگر

با امکانات مناسبی برای حمله

9...Ce4 10.f5! Fxc 11.CxF Cxc 12.PxF! CxT

13.Pxf7+ RxP 14.Dxc+

و اگر چنانچه

9...Dd7 10.Fd3 FxF 11.DxF g6 12.b3

و سپس 7.Fb، با وضعیتی فعال و امکان حمله‌ای نیرومند،
گولومبک درمقابل کرس (مسکو ۱۹۵۶) حرکت 7.Dc... را برگزید و بازی چنین ادامه
یافت:

9...Dc7 10.f5! e6xf5 11.CxP Fxh2+ 12.Rh1 0-0

احتمالا " ادامه:

(برای سعید بهتر است 4.Cg (12...FxC 13.TxF Fd6 14.Fb6!?)

13.g3! FxC

(13...Cg4 (13.Dd7 14.Dd3 Cg4 15.De4!) 14.Tf4! FxC

(14...Fb5 15.Df1) 15.TxF FxP 16.Dg1 Cf2+ 17.Rg2 Ce4

18.De3)

14.TxF Fxg3 15.TxC! De7! (15...PxT 16.Dg1 Fh6 و سپس)

16.Df1! De4+ 17.Df3 Dh4+ 18.Rg2 Dh2+ 19.Rf1 Dh3+

20.Dg2 DxD+ 21.RxD g7xT 22.CxF

سعید درمقابل یک رخ و دو پیاده، دوفیل سیاه را گرفته ولی از طرفی پیاده‌های جناح شاه
سیاه می‌تواند برای سعید خطرناک باشند:

22...Cd7 23.Fh6 Tf-e8 24.Rf3 Rh8 25.Ch5 Tg8

دفاعی غیرمستقیم از پیاده f6 با تهدید 6.Tg

26.Fxf7 Tg6

سیاه در نظر دارد که با این قربانی تفاوت پیاده‌های رونده خود را تقویت کند و از طرفی
از قدرت دوفیل بکاهد.

27.FxT h7xF 28.Cg3 Te8 29.Ff4 Rg7 30.Ce4 g5 31.Cd6 Te6

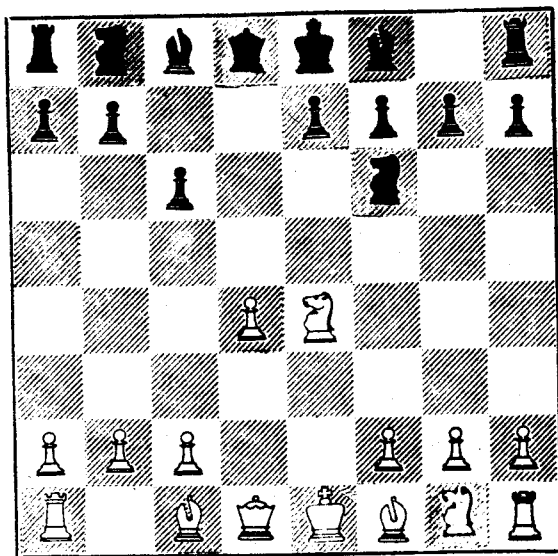
32.Fg3 b6 33.Te1 TxT 34.FxT Rg6 35.Cc8 e5 36.d4xc5 Cxc5

37.Cxa7 f4 38.Ff2 Cd7 39.Fd4 Rh5 40.Cc8 Cf8 41.Ce7 f4

42.Cf5 Cg3 43.Cg7+ Rh6 44.Rg4 Cf8 45.Cf5+

و سیاه تسلیم شد.

4...Cf6



معمولترین پاسخ سفید به این حرکت $5.Cxc0+$ می باشد ولی حرکت $5.Cg3$ نیز ممکن است اما $5.Dd3$ برای سفید خوب نیست، چرا که سیاه می تواند پس از تعویض اسبها در $e4$ با $Dd5$ و یا $Da5+$ و سپس $Fc4$ وضعیت را متعادل کند. ولی در بازی بین رتی و تارتاکوور (وین ۱۹۱۰) سیاه به اشتباه $5...e5?$ را انجام داد و سفید طی ادامه زیر به سرعت بازی را به نفع خود پایان داد:

(6.d4xe5 Da5+ 7.Fd2 Dxe5 8.0-0-0 CxC 9.Dd8+!! RxD
10.Fg5+

و در حرکت بعد مات

آلخین در برابر تارتاکوور (کچکومت ۱۹۲۷) ادامه $5.Cg3$ را برگزید و بازی چنین ادامه یافت:

(5.Cg3 e5 6.Cf3 e5xd4 7.Cxd4 Fc5 8.De2+! Fe7 9.Fe3 c5
10.Cf5 0-0 11.Dc4! Te8 12.Fd3 b6 13.0-0-0 Fa6
14.Ch6+ g7xh6 15.Fxh7+! CxF 16.Dg4+ Rh8 17.TxD TxT
18.De4! Cc6 19.DxC Ff8 20.Cf5 Fc4 21.Fxh6 Fd5

22.Dc7 Ta-c8 23.Df4 Tc6 24.FxF TxF 25.De5+ Cf6 26.Cd6!

و سیاه تسلیم شد.

ماتونویج در برابر مارکلند (۱۹۷۳) حرکت 5.CxC+ را انجام داد:

(5.CxC+ e7xc

ادامه 5...g7xc به دلایل زیر برای سیاه مساعد نیست.

(6.c3 Ff5 7.Fc4 e6 8.Ce2 Cd7 9.Cg3 Fg6 10.f4 f5 11.0-0

(با حفظ ابتکار عمل

اسمیلوف در مقابل پاخمن (آمستردام ۱۹۵۴) پاسخ 5...g7xc را چنین داد:

(6.Cf3 Fg4 7.Fe2 Dc7 8.h3! Fh5 9.0-0 Cd7 10.d5!

(با برتری سفید

6.Fc4 De7+!?)

در صورت 6...Fd6 ممکن سفید طی ادامه

(7.De2+ De7 8.DxD+)

برتری مختصری به جهت آرایش پیاده‌ای بهتر بدست آورد.

7.De2 Fg4 8.DxD+ FxD 9.Ce2 Cd7 10.Fd3 Cb6 11.c4 0-0-0

12.f3 Fe6 13.b4 Th-e8 14.Fb7 f5 15.Rf2 Ff6

سفید آرایش پیاده‌ای بهتری دارد ولی با توجه به پوزیسیون محکم سیاه این برتری بسیار ناچیز و بیمقدار می‌نماید.

شاخه سوم

4...Cd7

به واسطه پرهیز از دوبل شدن پیاده‌ها در ستون f سیاه ترجیح می‌دهد تا قبل از

...Cf6 این حرکت را انجام دهد.

5.Fc4

دام 5.De2 به امید 5...Cg-f6? و مات 6.Cd6+ غلط است زیرا سیاه با 5...e6

پاسخ گفته و پوزیسیون وزیر را در خانه e2 نامطلوب می‌گرداند. البته به غیر از حرکت متن

5.Cf3 نیز برای سفید میسر است مثلاً "تال در برابر فیوشر (پورتوروز ۱۹۵۸) چنین

ادامه‌ای را برگزید:

(5.Cf3 Cg-f6 6.CxC+

ادامه:

(6.Cg3 e6 7.Fd3 c5 8.0-0 b6 9.Tel Fe7 10.c4
 نیز برای سفید خوب است در این وضعیت سفید می‌تواند با b3 و سپس Fb2 به‌گسترش
 خود خاتمه داده و وضعیتی فعال بدست آورد.

6...CxC 7.Fc4 Ff5 8.De2 e6 9.Fg5 Fe7 10.0-0-0 h6
 11.Fh4 Ce4 12.g4!

و مشکلاتی را برای سیاه بوجود آورد.

5...Cg-f6

گولومیک درمقابل تیلور (پیگنتون ۱۹۵۳) چنین ادامه داد و برای گسترش فیل‌وزیر دچار
 مشکل شد.

(5...e6 6.Cf3 Cg-f6 7.CxC+ CxC 8.0-0 Fe7 9.Fb3 0-0
 10.De2 Dc7 11.Fg5 Cd5 12.c4)
 6.Cg5 e6 7.De2 Cb6

اینک سفید سه ادامه 8.Fd3 و 8.Fb3 و 8.Cg1-f3 را در اختیار دارد.

در صورت 8.Fb3:

بهترین جواب سیاه به این حرکت! 8...a5 می‌باشد ولی در بازی بین تراپل و پزر
 (آبرهاوزن ۱۹۶۱) سیاه چنین ادامه‌ای را برگزید:

8...h6 9.Cg5-f3 c5 10.PxP FxP

پطروسیان درمقابل اسمیلوف حرکت بهتر 10...Cd7 را انجام داد و بعد از پس‌گرفتن
 پیاده موقعیت و تسلط بیشتری بر مرکز پیدا کرد.

11.Fd2 0-0

اینک سفید ساختمان پیاده‌ای خوبی در اختیار دارد.

12.Ce5 Cd5 13.Cf3 b6 14.0-0-0! Dc7 15.g4 a5 16.g5 PxP
 17.FxP a4 18.Fxd5 CxF! 19.Tg1 a3

حال سیاه تهدیدات نیرومندی را بوجود آورده مثلاً:

20.Fh6 PxP+ 21.Rb1 Ce3+

و وزیر سفید از بین می‌رود.

20.Fh6 PxP+ 21.RxP Fa3+ 22.Rb3 Dc3+ (و یا

اما سفید با یک قربانی تفاوت زیبا اسب نیرومند سیاه را از صحنه خارج ساخت و طی ادامه

زیر به پیروزی رسید .

20.Txc! PxP+ 21.Rb1 Da7 22.Dc4 PxT 23.Ff6! PxD?
 24.TxP+ Rh8 25.Tg5+ Rh7 24.TxP+ Rh8 28.Tg5+ Rh7
 26.Th5+ Rg8 27.Th8+

ومات

در صورت 8.Cg1-f3

8.Cg1-f3

شیرازی - چرنیک (تهران ۱۹۷۴) چنین ادامه دادند .

(8...CxF 9.DxC h6 10.Ch3 Fd6 11.Fd2 Dc7 12.0-0-0 b6
 13.Fb4 FxF 14.DxF c5 15.d5xc5 b6xc5 16.Df4

سفید به دلیل آرایش پیاده‌های بهتر قصد دارد بازی را ساده کند .

16...DxD 17.CxD Fb7 18.Ce5 g5 19.Cf-d3 Te8 20.Cc4

با امکاناتی تقریباً " برابر در صورت

(19...Fxf2 20.Tg1 Fh3 21.CxP Te8 22.Cd3)

پیاده‌های جناح وزیر سفید خطرناک‌تر می‌شوند

در صورت 8.Fd3

ماتونیچ - پفلیگر (۱۹۶۴)

8.Fd3 h6 9.Cf3 c5 10.d4xc5 Fxc5 11.Ce5

سفید از وضعیت آزادتری برخوردار است ، سوادکوهی و فاتزر (لاس پالماس ۱۹۷۴) همین بازی را چنین ادامه دادند :

11...0-0 12.Cg-f3 Cb-d7 13.Fd2 Dc7?

ادامه 13...Cxe5 14.Cxe5 Cd7 صحیح است

14.0-0-0 b6 15.g4

ادامه

(15.Cxd7 Cxd7 16.De4 Cf6 17.Dxa8 Fb7 18.Dxa7 Ta8

19.Dxa8+ Fxa8

(منجر به برتری سیاه می‌گردد)

15...Ce8 16.Th-g1 Fb7 17.g5 h5!?

برای جلوگیری از باز شدن ستون g

18.Cxd7 Dxd7 19.Ce5 Da4 20.Rb1 Cd6 21.Fc3 Ta-d8

22.b3 Da3 23.Cd7! Txd7 24.Fh7+! RxF 25.Dxh5+ Rg8

26.Fxg7 RxF 27.Dh6+ Rg8 28.g6 f6

(28...Fxf6 29.Dxg6+ Rh8 30.Dh6+ Th8 31.Dxf8+) 29.g7

و سیاه واگذار کرد.

* * * *

دفاع فرانسه (The French Defence)

(1.e4 e6)

1...e6

این حرکت تدارکی است برای انجام d5 و محدود نمودن قطر a1-h8 برای فیل سفید. در واریانتهای مختلف این دفاع، سیاه با مشکل گسترش جناح شاه و فیل c8 دست به گریبان است و این خود یکی از اساسی‌ترین نقایص این دفاع به‌شمار می‌آید، مع الوصف این دفاع با تمام محدودیت و فشردگی که در صفوف سیاه ایجاد می‌کند، امکانات دفاعی مناسبی را نیز در اختیار وی قرار می‌دهد. در این گشایش، معمولا "سیاه از طریق c5 بر مرکز فشار آورده و با راندن پیاده‌های دیگر جناح وزیر و یا Fb4... کوشش‌های را در جهت کسب برتری در این جناح به‌عمل می‌آورد و سفید نیز متقابلا " با e5 جناح شاه را تحت فشار گذاشته و با مستقر ساختن فیل در d3 و یا با Dg4 و یا احيانا " با انتقال اسب b1 به این جناح (مثلا " واریانت تاراش) درصدد حمله برمی‌آید. همانطور که اشاره شد سیاه در واریانتهای مختلف این دفاع با مشکل گسترش جناح شاه خود روبروست و از اینرو تا مدتها شاه وی در میان صحنه میخکوب شده و امکان قلعه رفتن را ندارد، بنابراین بکارگیری این دفاع، دقت و هشجاری بسیاری را طلب می‌کند. اکنون به امید اینکه در لابلای بررسی واریانتهای مختلف بیشتر و بهتر با ایده‌های این دفاع آشنا گردید، نقطه آخر را بر این مقدمه مختصر گذارده و به معرفی امکانات سفید برای اجرای دومین حرکت می‌پردازیم. امکانات سفید عبارتند از:

I)2.De2 واریانت چیگورین

II)2.d3 حمله شاه هندی

III)2.f4

IV)2.d4

که در این بین واریانت چهارم رایجترین نوع ادامه است و پس از آن واریانت دوم جای دارد و دو واریانت دیگر از زمره واریانتهای متروکند و امروزه چندان کاربردی ندارند.

* * * *

(1.e4 e6)

(2.De2) (2.f4) (2.d3) (2.d4)
واریانت چیگورین حمله شاه‌هندی

(3.Cd2) واریانت تاراش (3.e5) واریانت ادوانس (3.e4xd5) واریانت تعویضی (3.Cc3)

(3...Cf6) واریانت اصلی

(3...Fb4) واریانت ویناور

(3...Cf6) تاراش بسته
(3...c5) تاراش باز
(3...Cc6) واریانت گیمارد

(4...PXP) واریانت بیورن
(4...Fb4!?) واریانت مک‌کیوتشن

(4.Fd2)

(4.a3)

(4.Fd3)

(3...PXP) واریانت رویین‌اشناین

(4...Fe7) واریانت کلاسیک

(5...FxC+)

(4.Ce2)

(5...Fe7)

(6.h4!?) حمله شاتار

(6.FxF) خط اصلی

(5.Cf3)

(5.Fd3)

(5.Df3)

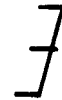
(4.e4xd5)

(6...c5)
(6...a6)
(6...h6)
(6...f6)
(6...FxF)

(7.Cf3)

(7.Dg4)

(7.a4)



(4...c5)

(4...b6)

(4...Dd7)

(4...Ce7)

(4.e5)

واریانت چیگورین

2.De2

در طی این واریانت سیاه از عهده برقراری تعادل برمی‌آید و از اینرو این ادامه در دوران ما کاربردی ندارد.

مثلاً "تاراش در برابر چیگورین (۱۸۹۳) پس از

2...Fe7

(2...d5 3.e4xd5 Dxd5 4.Cc3

بهتر

2...Cc6j مانع حرکت پیاده c7 می‌گردد و این در دفاع فرانسه یک نقص محسوب می‌شود چرا که راندن این پیاده به c5 معمولاً "وضعیت سیاه را آزادتر می‌سازد. حرکت 2...Ce7 به‌نظر مناسب می‌رسد ولی اشکال این حرکت نیز در محبوس نمودن فیل f8 است مثلاً "سفید می‌تواند با 4.Fb2 3.b3 d5 و سپس Dg4 مشکلاتی را برای سیاه فراهم آورد.

3.b3 d5 4.Fb2 Ff6 5.e5 Fe7

سیاه با این مانور قطر فیل را مسدود و از میزان تاثیر آن کاست.

6.Dg4 Ff8 7.Ch3 c5 8.f4 Cc6 9.a3 Ch6

نسبتاً "اوضاع را متعادل ساخت.

* * * *

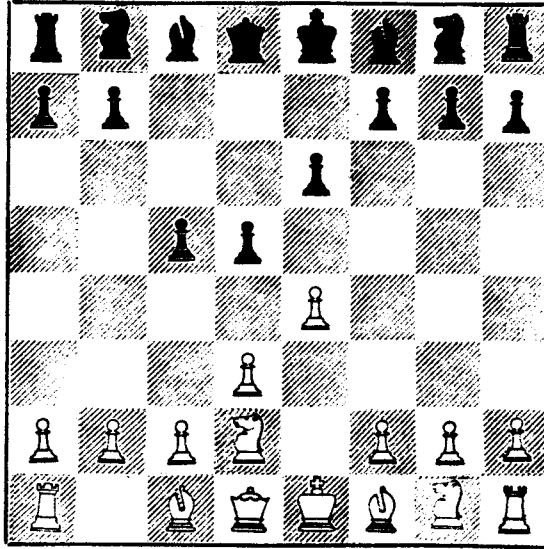
حمله شاه هندی

2.d3 d5 3.Cd2

ترینگوف - لی (۱۹۶۶)

این واریانت مشابه دفاع شاه هندی است منتهی با رنگ مهره‌های معکوس (دفاع شاه هندی در قسمت مربوط به‌گشایشهای 1.d4 مورد بررسی قرار گرفته است). اصولاً "در دفاع فرانسه یکی از مشکلات سعید بر سر چگونگی گسترش فیل شاه است، چرا که دورنمای این فیل در قطر h8 a2 به‌واسطه حرکات 1...e6 و 1...d5 بسیار محدود است، از اینرو

سعی گاهها "از خانه g2 برای گسترش فیل و نظارت بر مرکز استفاده می‌کند. البته در بسیاری دیگر از واریانتها خانه d3 برای گسترش این فیل مورد استفاده قرار می‌گیرد.
3...c5



آیانسکی - دونچیف (وارنا ۱۹۷۸) چنین ادامه دادند:

3...Cf6 4.Cg-f3 b6

(درمورد حرکات Cc6 و e5 به‌بازیهای زیر رجوع کنید)

5.g3 Fb7 6.e5 Cf-d7 7.Fg2 c5 8.0-0 Cc6 9.Tc1 Dc7

10.De2 Fe7 11.c3 g5 12.h3 h5 13.Cb3 g4 14.hxg hxg

15.Ch2 Dxe5 16.Cxg4 Dh5 17.Ff4 d4 18.Cxd Cxd4 19.Cxd4 Dh1

و سعید تسلیم شد.

کلین - مایلز (اکسفورد شایر ۱۹۷۲)

3...Cf6 4.Cg-f3 Cc6 5.g3 dxe4 6.d3xe4 e5! 7.Fg2 Fc5

8.0-0 0-0

با وضعیتی برابر

شریف - سووه (نیس ۱۹۷۴)

3...Cf6 4.Cg-f3 Fc5 5.e5 Cd7 6.d4 Fe7 7.Fd3 b6 8.De2 c5

9.c3 a5 10.Cf1 Fa6 11.FxF CxF 12.Cg3 0-0 13.0-0

و سفید وضعیت متمرکز و فعالتری بدست آورد .

حرکت " 4...c5 " 4.Cg-f3 و 3...Cf6 نیز پس از 5.g3 و Cc6 بازی را به همین مسیر 3...c5 می‌کشاند .

4.Cq-f3 Cc6 5.g3 Cf6

پن‌رز در مقابل هاردینگ (۱۹۷۲) پس از ادامه زیر وضعیت آزادتر با امکانات متقابل بدست آورد .

(5...Fd6 6.Fg2 Cg-e7 7.0-0 0-0 8.Ch4 Fd7 9.f4 f5!)

6.Fg2 Fe7 7.0-0 0-0 8.Te1 b5 9.e5 Ce8

9...Cd7 9 خانه‌های بیشتری را در اختیار اسب قرار می‌دهد اما سیاه با این حرکت قصد دارد تا قدرت دفاعی قلعه را فزونی بخشیده و در آینده از طریق c7 اسب را وارد میدان سازد . اولمن در برابر بریوگکیان (۱۹۷۸) اسب را به d7 کشاند و از قضا بازی خوبی بدست آورد ، ببینید :

9...Cd7 10.Cf1 a5 11.h4 Fa6 12.Ff4 b4 13.Cl-h2 a4

14.Cg5 De8 15.Cg4 Tc8 16.Tc1 Cb6 17.Cf6 FxC 18.exf g6

19.Fd6 Cd4 20.Fh3 Dc6 21.Fxf8 TxF 22.Cf3 CxC 23.DxC Dd6

24.De3+ d7 25.Dg5 Te8 26.h5 Fb7 27.Te2 d4 28.hxg hxg

29.f4 Ff3 30.Th2 Dh5 31.Ff5

و سفید تسلیم شد .

10.Cf1 a5 11.h4

حال شاهد اجرای یک ایده رایج هستیم ، فشار سیاه در جناح وزیر و حمله سفید در جناح شاه

11...a4 12.Ff4 a3 13.b3 Fb7 14.Cf1-h2 d4

سیاه ضمن گشودن قطریل قصد دارد تا با مانور اسب به c7 و سپس d5 فیل f4 را تهدید و از قدرت حمله بکاهد .

15.h5 Cc7 16.h6 g6 17.Dd2 Cd4 18.Fg5 Cc-b4 19.FxF DxF

20.Cg5! Rh8 21.Ce4 Ta7 22.Cg4 Fa8 23.Te-c1 Tc7

24.Cg4-f6 Td8 25.Ff1 CxC 26.CxC Cd4 27.CxC FxC 28.c3 !

اینک انگیزه حرکت 23.Te1 واضح و روشن شده . حال سیاه مجبور است که پیاده c3 را با d4 بگیرد ، چرا که با تهدید 29.c3xd4 روبرو است و اگر چنانچه سیاه در

پاسخ این حرکت $c4xd4$...29 را انجام دهد، آنگاه سفید طی ادامه DxT 30. TxT و $Dg5$ 31. تهدید کیش در $f6$ و سپس مات در $g7$ را بوجود می‌آورد.

28... $d4xc3$ 29. TxP

اینک سفید می‌تواند با دوپل کردن رخها در این ستون و محفوظ داشتن امکان $Dg5$ رخ و وزیر سیاه را منفعل گرداند و از طرفی با انجام به موقع $d4$ از پیاده پیش افتاده خود دفاع و یا ستون c را به نفع خود باز کند.

29... $b4$ 30. $Tc2$ $f5$

تلاشی برای برطرف ساختن تهدید $Dg5$ و انهدام پیوزیسیون شاه سفید

31. $Ta-c1$ $g5$ 32. $d4$ $Fa8$ مطمئن‌ترین راه

33. $Fg2$ FxF 34. RxF $Tc-d7$ (34... $TxP?$ 35. DxT $c5xd$

36. TxT مات (با تهدید مات 35. $Txc5$ $Txd4$ 36. $De3$ $f4$ 37. $Df3$ $f4xg3$

38. $Tc7$ $Td4-d7$ 39. TxT TxT (39... DxT 40. $Td1$!! $De7$

41. $TxT+$ DxT 42. $Df7$!) 40. $Tc8+$ $Td8$ 41. $Da8$ و سیاه تسلیم شد

اگرچه سیاه در بازی فوق با شکست مواجه شد ولی می‌توان گفت که نحوه گسترش و دفاع او بسیار فعال و خطرآفرین بود و در صورت کوچکترین لغزشی از سوی سفید ممکن بود بازی به دلخواه سیاه اداره شود.

واریانت 2. $f4$:

این ادامه هنوز مورد بحث و بررسی دقیق واقع نشده و ندرتا "بکار گرفته می‌شود":

کالشیان - ارنشتین (۱۹۷۸)

2. $f4$ $d5$ 3. $e5$ $c5$ 4. $Cf3$ $Cc6$ 5. $c3$ $Fd7$ 6. $Fe2$ $Cg-e7$

7. $0-0$ $Cf5$ 8. $d3$ $h5$ 9. $Ca3$ $Fe7$ 10. $Cc2$ $b5$ 11. $Ce3$ $Ch6$

12. $d4$ $Db6$ یا وضعیتی تقریباً "برابر"

واریانتهای پس از $d4$:

2. $d4$

این حرکت رایجترین پاسخ به $1...e6$ است و حال پس از $2...d5$ ممکن است بازی

به دنبال یکی از حرکات زیر مسیرهای جداگانه‌ای را طی کند:

I) 3. $e4xd5$

واریانت تعویضی

II) 3.e5 واریانت ادوانس

III) 3.Cd2 واریانت تاراش

IV) 3.Cc3

انجام 3.Fd3 باعث می شود که سیاه به سهولت نیروهای خود را گسترش داده و بازی راحتی بدست آورد، از اینرو کاربردی ندارد:

(3.Fd3 d5xe4 4.Fxe4 Cf6

(با تهدید CxF و بدست آوردن برتری دو فیل)

15.Fd3 c5(5...Dxd4? 6.Fb5+)

* * * *

واریانت تعویضی

3.e4xd5 e6xd5 4.Fd3 Fd6 5.c3

(5.Cf3 نیز ممکن است ولی حرکت متن مطمئنتر است)

پاسخ 5.Ce2 با 5...Dh4 داده می شود و در صورت 5.Df3 چنین ادامه ای برای سیاه ممکن می گردد.

(5...Cc6 6.c3 (6.Dxd5 Fe6 7.De4 Cf6) 6...Cf6 7.h3 Ce5!)

5...Cc6 6.Dc7

سعید با زیرضرب قرار دادن پیاده h7 سیاه را مجبور نمود که با h6 و یا g6 جناح شاه را بدست خود تضعیف کند، چرا که پاسخ 6...Cf6، 7.Fg5 خواهد برد. اما ووگل در مقابل هاردینگ (۱۹۷۳) نه پیاده ها را به جلوراند و نه در صد دفاع از طریق 6...Cf6 برآمد او چنین ادامه داد:

6...Fg4!

حال اگر سعید 7.FxP را انجام دهد ممکن است با 7...De7+ و سپس 8...Dh4 روبرو شود و در صورت 8.Fe3 سیاه گذشته از امکان 8...Dh4 از طریق 8...Ff4 نیز می تواند پیاده خود را پس بگیرد.

7.Ce2 Cg-e7 8.Fg5 Dd7 9.Cd2 h6 10.Fh4 0-0 11.Fg3 Tf-e8

12.0-0 Ff4

با وضعیتی برابر

واریانت ادوانس

3.e5

این حرکت به منظور تحت فشار قراردادادن جناح شاهو محبوس ساختن فیل وزیرانجام می شود .

3...c5

این بهترین حرکت سیاه است، او از کانال فشار بر d4 و به تبع آن e5 سوارهای خود را فعالانه گسترش می دهد. در صورت ادامه درست پس از این حرکت، سیاه تساوی را برای خود تامین می کند ادامه:

(3...b6 4.c3 Dd7(4...Fa6? 5.FxF CxF 6.Da4+) 5.a4 a5 6.f4

منجر به فعالتر شدن سفید می گردد و از اینرو ضعیف است .

4.c3

در صورت 4.c3:

(4...c5xd4 5.Fd3 (5.Dxd4(5.Cxd4 Fe5) Ce6 6.Df4 f5

7.Fd3 Cg-e7 8.0-0 Cg6 9.Dg3 Fe7 (با وضعیتی مطلوب

ادامه 5...Cc6 6.0-0 f6 7.Fb5 Fd7 8.FxC b7xf 9.Dxd4 Db6

10.Df4 f5)

وضعیتی مبهم بوجود می آورد که احتمالا " برای سیاه بد نیست .

4...Cc6

حرکت 4...Db6 نیز می تواند کم و بیش تعادل را برقرار سازد. مثلا"

4...Db6 5.Cf3 Fd7 6.Fe2(6.a3 Fb5! 7.Fd3 FxF 8.DxF Da6!)

که سفید تقریبا " مجبور به تعویض وزیرها در خانه a6 می شود و در این صورت سیاه می تواند ضمن گرفتن وزیر با اسب مقدمات اشغال ستون c توسط رخ را فراهم آورد .

6...Cxd (6...Fb5 7.c4!) 7.PxP Fb5 8.0-0 Fxe2 9.DxF Ce7

10.Cc3 Ce-c6 11.Fe3 Fe7

با وضعیتی تقریبا " برابر، اما کاپنگوت در مقابل آرخیپکن به جای 11...Fe7 حرکت

11...Cd7? را انجام داد و سفید طی ادامه

12.Ta-b1 a5 13.Cg5! Fe7 14.Ch3 g6 15.Cf4 Da6 16.Dg4

وضعیت خوبی پیدا کرد .

5.Cf3 Db6 6.Fd3!?

در جواب حرکت 6.a3 که البته حرکت بدی هم نیست سیاه می تواند با 6...PxP
7.PxP Fd7 8.Cf3 Tc8 اوضاع را کنترل کند. ولی ماکارف در برابر پاراخف (ششوری
۱۹۶۲) ادامه زیر را برگزید و سفید به برتری آشکاری دست یافت.

(6...c4 7.g3 Ca5 8.Cb-d2 Fd7 9.Fh3 f4 10.PxPep PxP
11.0-0 0-0-0 12/Te1 Fg7 13.Tb1 Te8 14.b3)

6...PxP

در صورت

6...Fd7?! 7.PxP FxP 8.0-0 f6 9.b4 Fe7 10.Ff4
سفید ضمن حفظ پیاده وضعیت پیاده فعال بدست می آورد و اگر سیاه 10...g5 کند ممکن است
با 11.Cxg5! و سپس 12.Dh5+ روبرو شود.

(و وزیر را می گیرد 9.Fb5+ 8.CxC DxC 7.PxP Fd7 (7...Cxd4??
8.0-0

سفید در صورت 9.b3 Cf5 10.Fb2 (8.Fc2 Cb4! بهتر) Cg-e7 8.Fe2 می تواند
پیاده را حفظ کند اما پس از 10...Fb4+ از قلعه رفتن محروم می گردد.

8...Cxd4 9.CxC DxC 10.Cc6 a6!;

در صورت 10...Dxe5 سفید با 11.Te1 وزیر را هدف قرار می دهد و حال اگر:

(با حمله ای شدید 14.Fd2 13.Dg4! Rf8 11...Db8 12.Cxd5 Fd6
11...Dd6!?) 12.Cb5 FxC 13.FxF+ Rd8 14.Df3) و یا اگر

با رجحانی خطرناک)

11.De2 Ce7 12.Td1

(با وضعیتی مناسب! Dc4 14.Fb1 13.f4 Cb4 12.Rh1 Ce6

12...Cc6 13.Fxa6 ? Dxe5 14.DxD CxD 15.Fxb7 Th8 !

16.Fxd5 e6xF 17.Te1 f6 18.f4 Fc5+ 19.Rh1 0-0

20.PxC PxP 21.CxP Fd4

سفید یک پیاده پیش است ولی سیاه برتری دو فیل داشته و در حال حاضر قادر است تا
پیاده را پس بگیرد و مضاف بر این سفید برای گسترش جناح وزیر خود با مشکلاتی روبروست
و این خود نکته ظریف و جالبی است، در ابتدای بررسی این واریانت خاطر نشان ساختیم
که سفید e5 را به منظور تحت فشار قرار دادن جناح شاه و محبوس ساختن فیل وزیر انجام

می‌دهد ولی ۲۰ حرکت بعد از آن شاهد چنین پوزیسیونی هستیم! "مشکل گسترش فیل وزیر برای سفید"

* * * *

واریانت تاراش

3.Cd2

سفید با این حرکت ضمن جلوگیری از حرکت $Fb4$... (در صورت $Fb4$ سفید با $c3$ جواب خواهد داد) در نظر دارد که در فرصتی مناسب این اسب را به جناح شاه انتقال داده و از این طریق فشار بیشتری را در این جناح وارد آورد. اکنون سیاه برای ادامه چهار امکان زیر را در اختیار دارد:

- I) $3...Cc6$ واریانت گیمارد
- II) $3...Cf6$ تاراش بسته
- III) $3...c4$ تاراش بار
- IV) $3...PxP$ واریانت روبین اشتاین

* * * *

واریانت گیمارد

3...Cc6

برونشتین طی بازی جالبی در برابر سابو (استکهلم ۱۹۴۸) با ایجاد معضلانی بسیار برای سیاه مهر بی‌اعتباری بر این واریانت زد. آنان چنین ادامه دادند:

4.Cf3 Cf6 5.e5 Cd7 6.Cb3 f6 7.Fb5 a6

در صورت $f6xe5$... 7. سفید پس از $d4xe5$ 8. تهدیدات $Fxc5$ و $Ca5$ را بوجود خواهد آورد.

8.Fxc b7xF 9.0-0 c5 10.c4 !

سیاه در گسترش عقب مانده و از اینرو سفید قصد نموده تا از این برتری گسترشی هرچه زودتر استفاده کند و این دلیل برای درست نبودن حرکت متن که ایده گشودن خطوط را

دنبال می‌کند کافی است .

10...d5xc4

(10...c6 11.e5xf6 g7xf6 12.De2 Rf7 13.Te1)

ادامه

نیز به برتری آشکار سفید می‌انجامد .

11.Ca5 Cb6 12.e5xf6 Dxf6 13.d4xc5 Df5(13...Fxc5 14.Fg5)

14.Fg5 Dxc5 15.Dd8+ Rf7 16.Ta-d1!

حرکت متن به مراتب قوی‌تر است از 16.Cc6 چراکه در آن صورت سیاه می‌تواند با 16...Cd7 ضمن بستن راه وزیر از خانه e5 دفاع کند .

16...Fb7

ادامه 16...Dxa5 نیز با 17.Dxc7+ روبرو شده و در صورت 17...Rg6 سفید می‌تواند

با 18.Fe3 ضمن تهدید b6, امکان Ce5+ را فراهم آورد ، و اگر چنانچه در حرکت

هفدهم شاه به جای g6 به g8 برود ، باز سفید طی ادامه

18.Ce5 h6 19.Fe3(19.Td8 Fd7)

ضمن در اختیار داشتن حمله سوار را پس می‌گیرد .

17.Cxb7! TxD 18.CxD Td5(18...TxT 19.TxT FxC 20.Ce5+ Rg8

(20...Rd8? 21.Td8+ و مات)

21.Td8+ Ff8 22.Fe7 (و سفید می‌برد)

19.Ce4

اینک سفید یک سوار گرفته و بازی را می‌برد .

* * * *

تاراش بسته

3...Cf6

گلر - اولمن (اسکوپیه ۱۹۶۸)

4.e5 Cf-d7 5.Fd3

در صورت 5.f5 ممکن است بازی چنین ادامه یابد :

(5...c5 6.c3 Cc6 7.Cd-f3)

حال اگر سیاه

(7...c4xd5 8.c3xd5 9.Fd3 Fd7 10.Ce2 h5 11.0-0 a5
12.a3 a4 13.De1 g6! (13...Ca5! 14.f5!))

با پوزیسیونی محکم و غیرقابل نفوذ
ولی اگر

(7...Db6 8.g3 PXP 9.PXP Fb4+ 10.Rf2 f6 11.Rg2)

سعید می‌تواند با Fd3 و Ce2 بازی را دنبال کرده و در صورت f5... با h3 و g4 خطوط
را برای حمله در جناح شاه بگشاید.

5...c5 6.c3 Cc6

کرس در مقابل کوتوف (مسکو ۱۹۴۸) از طریق ادامه زیر فیل قوی سعید را با فیل خانه‌های
سعید خود تعویض کرد ولی سعید فشار خود را همچنان بر جناح شاه سیاه حفظ نمود:

(6...b6 7.Ce2 Fa6 8.FxF CxF 9.0-0 Fe7 10.Cg3 0-0 11.Dg4)
7.Ce2

در اینجا سعید می‌تواند با 7.Cf3!؟ یک پیاده قربانی داده و امکانات جالب توجه‌ای
بدست آورد که به واریانت تریفونویچ مشهور است. اما هنوز در صحت و سقم این حرکت
تردیدهای وجود دارد.

(7.Cf3!؟ Db6 8.0-0 PXP 9.PXP Cxd4 10.CxC DxC 11.Cf3 Db6
12.Da4! Db4! 13.Dc2 Dc5! 14.De2!؟ Fe7 15.Fe3 Da5 16.Dc2

اینک سعید به‌ازای یک پیاده خود از برتری پوزیسیونی آشکاری برخوردار است.

7...PXP 8.PXP Db6 9.Cf3 f6

در صورت

(9...Fb4+ 10.Fd2 FxF+ 11.DxF Db4 12.Ta-c1 DxD+ 13.RxD

سعید وضعیت فعالتری بدست می‌آورد.

10.PXP

در صورت 10.Cf4!؟ اشمیت ادامه زیر را توصیه می‌کند:

(10...PXP 11.PXP Fb4+ 12.Rf1 Cd7xP 13.CxC CxC 14.Dh5+ Cf7
15.FXP Dd4 16.Fe3 DXP))

(که به برتری سیاه می‌انجامد)

10...Cxf6 11.0-0 Fd6

حال وضعیت به نحوی شکل گرفته که در آن سعید می‌بایست ضمن بی‌اثر ساختن تهدیدات

فیل در خانه‌های سیاه از پیاده b2 خود نیز دفاع کند و سیاه نیز باید در جهت راندن پیاده، e5 و ایمن ساختن موقعیت شاه خویش بکوشد.

12.Cc3 !

پلاتر - اولمن (آلمان شرقی ۱۹۶۲) چنین ادامه دادند:

(12.Ff4 FxF 13.CxF Dxb2 ! 14.Tel(14.Tb1 Dxa2) 14...0-0

15.CxP FxC 16.TxF Ta-e8 (با وضعیتی برابر)

حرکت 12.Cf4 نیز طی ادامه:

(12...0-0 13.Tel Fd7! 14.Cxe6 Tf-e8 15.Ff5 Ca5!)

و سپس 16...Fxp+ و یا 16...Fb4 به تساوی وضعیت می‌انجامد.

12...0-0

پس از این بازی اولمن پیشنهاد 12...Fd7 را داد که طی ادامه 0-0-0 و 13.Fg5

به وضعیتی مبهم می‌انجامد.

13.Fe3 Fd7 14.a3! Dd8 ! 15.h3 Tc8

اینک سعید ضمن کنترل خانه‌های سیاه، از پیشروی e6 که باعث آزاد شدن نیروی سیاه می‌گردد ممانعت به عمل آورده و به کسب موقعیتی فعالتر نائل آمده.

* * * *

تاراش باز

3...c5

کارپف - کورچنوی (۱۹۷۴)

4.e4xd5

4.Cf3 طی ادامه زیر به تساوی پوزیسیونی می‌انجامد:

(4.Cf3 Cc6 5.Fb5 d5xe4 6.CxP Fd7 7.Fg5 Da5+ 8.Cc3 PxP

9.CxP Fe7 10.Dd2 Cf6)

4...e6xd5

برونشین در مقابل اولافسون (آمستردام ۱۹۵۴) به جای حرکت متن، 4...Dxp را انجام

داد و طی چنین ادامه‌ای موفق به برقراری تعادل گشت:

4...DxP 5.Cg-f3 PxP 6.Fc4 Dc4

ادامه 6...Dd8...کنیر برای سیاه چندان بد نیست ولی در آنصورت سفید آزادی عمل بیشتری پیدا می‌کند، ببینید:

(6...Dd8 7.0-0 Cc6 8.Cb3 Cf6 (8...e5? 9.Te1)

9.Cbxd4 CxC) 7.0-0 Cc6 8.De2 Db6 9.Cb3 Fe7 10.Td1 Ff6

11.Fb5 Cg-e7 12.Cbxd4 0-0

5.Cf3!

حرکت 5.Fb5+ ممکن است پس از ادامه:

(5...Fd7 6.De2+ Dc7 7.FxF+ CxF 8.d4xc5 DxD+ 9.CxD Fxc5)

به وضعیتی برابر بیانجامد.

5...Cc6

در پاسخ c4...5 بوندرا سکی پیشنهاد زیر را ارائه می‌دهد:

(6.b3! PxP (یا 6...b5 7.a4 Da5 8.Ce5!) 7.Fb5+ Fd7

8.De2+ (با برتری سفید)

6.Fb5 Fd6 7.PxP

در صورت

(7.0-0 PxP 8.Cb3 (نه 8.CxP FxP+ 9.RxF Dh4+) 8...Cg-e7

9.Cbxbp 0-0 10.c3 Fg4 11.Da4 Dd7 12.Fe3 a6 13.Fe2 CxC

14.DxC Cc6 15.Dd2 Tf-e8 16.Ta-d1 Ta-d8 17.DxP FxP+

18.CxF DxD 19.TxD FxF

سیاه سریعاً "بازی را به آخر کشانده و بخت‌های را برای تساوی بدست می‌آورد.

7...Fxc5 8.0-0 Cg-e7 9.Cb3 Fd6

گلر - ماتولوج (اسکوپیه ۱۹۶۸) چنین ادامه دادند:

(9...Fb6 10.Te1! Fg4 11.Fg5 f6 12.Fe3 FxF 13.TxF)

و سیاه وضعیتی غیرفعال و ساختمان پیاده‌ای بسیار ضعیفی پیدا نمود.

10.Fg5! 0-0 11.Te1 Dc7 12.c3 Fg4 13.h3 Fh5 14.Fe2 h6

15.FxC CxF 16.Cf-d4 FxF 17.DxF a6

سیاه وضعیتی قابل دفاع در اختیار دارد ولی در آینده ممکن است که پیاده ایزوله d5 و بطور کلی آرایش نامنظم پیاده‌ای در دسرهای را برای وی موجب گردد ولی در حال حاضر

فیل او بسیار قوی گشته و قادر است که از مرکز به خوبی دفاع کند و زمانی ضعف پیاده d5 به خوبی آشکار می شود که سفید موفق به تعویض یکی از اسبهای خود با فیل سیاه گردد که فعلا "سیاه از طریق a6... 17 از این امر جلوگیری نموده است .

* * * *

واریانت روین اشتاین در دفاع فرانسه

3...PxP

این واریانت قدیمی بیشتر در پی این است که با ساده کردن بازی شانسهای حمله سفید را کاهش دهد، این حرکت را معمولا "درمقابل 3.Cc3 نیز انجام می دهند .

4.CxP Fe7

پس از 4...Cd7 بنا به پیشنهاد کاپابلانکا سفید می تواند طی ادامه زیر فشار زیادی را وارد آورد :

(5.Cf3 Cg-f6 6.CxC+ CxC 7.Ce5!)

5.Cf3 f6 6.Fd3

6.CxC+ پاسخ 6...FxC را به دنبال دارد و این تعویض نابجا و بیموقع منجر به از دست دادن شانسهای سفید برای حمله می شود .

6...CxC 7.FxC Cd7 8.0-0

کرس - پاوی (نیویورک ۱۹۵۴) چنین ادامه دادند :

(8.De2 0-0 9.Fe3 Cf6 10.Fd3 b6

هیندفیلد - تروت (۱۹۵۳) چنین ادامه دادند .

(9...0-0 10.De2 Dc7 (10...Cf6? 11.Fc2 b6 12.Fg5)

11.Fg5! FxF 12.CxF h6 13.Cf3 Cf6 14.PxP DXP 15.Tf-d1

Db6 16.Td2

و سفید کنترل مرکز و ستون d را در اختیار گرفت .

10.PxP Cf6 11.Fc2 0-0 12.Dd3

اینک سفید وضعیتی فعالتر داشته و می تواند امکانات بهتری را نیز در اختیار گیرد مثلا "

پس از

12...Dd6 13.Fg5 g6 14.Ce5 ! Cd5 15.FxF DxF 16.Fd3
 می‌تواند با تعویض فیل، پیاده e6 را به d5 کشانده و آنرا ایزوله‌کند و از طرفی از موقعیت غیرفعال فیل سیاه سود جسته و رخها را در ستونهای مرکزی ناظر سازد و در مجموع آخر بازی بهتر و راحتتری را برای خود فراهم گرداند.

واریانتهای پس از 3.Cc3

3.Cc3

برای مقابله با این حرکت سیاه معمولاً "به دو واریانت 3...Cf6 موسوم به اصلی و 3...Fb4 مشهور به ویناور متوسل می‌شود که واریانت دوم امروزه متداولتر است. حرکت 3...Cc6 بازی را به یکی از واریانتهای دفاع نیمزیچ می‌کشاند که در جای خود مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

* * * *

واریانت اصلی فرانسه

3...Cf6 4.Fg5

ادامه 4.e5 به دلایل زیر به نفع سفید نیست:

(4.e5 Cf-d7 5.f4

در صورت 5.Dg4 نیز سیاه با 5...c5 پاسخ گفته و پس از

(6.Cf3 Cc6 7.dxc f5 ! 8.exf Cxf6 9.Dg3 Fxc5 10.Dxg7 Tg8

11.Db6 Fxf2+)

به 12...Cg4+ با 12.Rxf2 داد.

5...c5 6.PxP Cc6 7.Cf3 FxP 8.Fd3 Cb4 ! 9.a3 CxF+

10.DxC f6 !

اینک سیاه با ایمنی کامل و کافی می‌تواند به ادامه گسترش خود بپردازد.

حال بار دیگر به حرکت متن بازگشته (4.Fg5) و به مرور امکانات سیاه در مقابله با این

حرکت می‌پردازیم، سیاه برای مقابله می‌تواند یکی از دو واریانت زیر را برگزیند:

واریانت مک‌کیوتشن I) 4...Fe7 واریانت کلاسیک II) 4...Fb4 ! ?

البته جدای از این دو امکان سیاه می‌تواند به دنبال واریانت بیورن رفته و حرکت PXP...4 را انجام دهد. در این صورت ممکن است بازی چنین ادامه یابد:

5.CxP Fe7 6.FxC FxF 7.Cf3 Cd7 8.c3 b6

ژنوسکی در برابر یودویچ (مسکو ۱۹۳۱) به جای این حرکت 0-0...8 را انجام داد ولی باز طی ادامه

(8...0-0 9.Dc2 e5 10.0-0-0 exd 11.Cxd4 De7 12.Fd3

(ابتکار عمل به دست سفید افتاد

9.Fd3 Fb7 10.Dc2 0-0 11.0-0-0 De7 12.h4

با بخت‌های خوبی برای حمله

این واریانت را معمولاً "پطروسیان بکار می‌گرفت ولی در حرکت ششم به جای 6...FxF حرکت 6...gxf را انجام می‌داد و در دو بازی که ذیلاً "از نظر شما می‌گذرد، وی علیرغم برخی اشکالات موفق به برقراری تعادل و کسب امکانات متقابل گشته، مثلاً "بازی زیر را در مقابل کلووان انجام داده است.

(6...gxf 7.Cf3 b6 8.Fd3 Fb7 9.De2 Cd7 10.0-0-0 c6

11.Rb1 Dc7 12.Th-e1 0-0-0 13.Fa6 Fxa6 14.Dxa6+ Db7

15.De2 Th-e8 16.g3 Rb8 17.a3 b5 18.Td3 Ra8 19.Tc1 Cb6

20.Cc5 Dc7 21.Cd2 Td5

و یا بازی زیر را در مقابل فیشر (بوئنوس آیرس ۱۹۷۱) انجام داده:

6...gxF 7.g3 f5 8.Cc3 Ff6 9.Cg-e2 Cc6 10.d5 exd5

11.Cxd5 Fxb2 12.Fg2 0-0 13.0-0 Fb8 14.Ce-f4 Ce5

15.Dh5 Cg6 16.Ta-d1 c6 17.Ce3 Df6 18.Rh1 Fg7

19.Fh3 Ce7 20.Td3 Fe6 21.Tf-d1 Fh6 22.Td4 Fxf4

23.Txf4 Ta-d8 24.Txd8 Txd8 25.Fxf5 Cxf5 26.Cxf5 Td5

27.g4 Fxf5 28.gxf5 h6 29.h3 Rh7 30.De2 De5 31.Dh5 Df6

32.De2 Te5 33.Dd3 Td5

این بازی بنا به حرکت 34.De2 سفید که منجر به تکرار یک وضعیت برای سه بار شده بود مساوی اعلام شد ولی گذشته از نتیجه، برتری سیاه به واسطه اکثریت پیاده‌ای در جناح وزیر کاملاً "مشهود است.

واریانت کلاسیک

4...Fe7 5.e5

5.FxC که به حرکت آندرسن مشهور است ، چنین ادامه‌ای را ممکن می‌سازد :
 (5.FxC FxF 6.e5 Fe7 7.Dg4 0-0 8.0-0-0 f5 9.Dh3 e5
 10.PxP Cc6 11.f4 Da5 12.Rb1 b6

(و سیاه ضمن برتری دو فیل بازی راحتی بدست می‌آورد)

5...Cf-d7

پس از 5...Ce4 سفید طی ادامه

6.Cxe4 Fxg5(6...dxe 7.Fxe7 DxF 8.De2

(پپاده e4 در معرض خطر قرار می‌گیرد)

7.Cxg5 DxC 8.g3 e5 9.c3 Cc6 10.f4 De7 11.Cf3

امکانات تهاجمی خوبی بدست می‌آورد .

در برابر حرکت متن، سفید دو ادامه 6.FxF موسوم به خط اصلی و؟! 6.h4 معروف به حمله شاتار را در اختیار دارد :

* * * *

خط اصلی واریانت کلاسیک

6.FxF DxF 7.f4

سفید با انجام این حرکت در نظر دارد که تا با c5 به وسیله d4xc5 مقابله نموده و خانه d4 را به وسیله اسب اشغال نماید و برای سیاه مشکل گسترش فیل را بوجود آورد ، حرکت 7.Dg4 همانطور که بازی برنشتین - لاسکر (زوریخ ۱۹۳۴) نشان داد به پیروزی منتهی می‌گردد :

(7.Dg4 0-0 8.Fd3 c5 9.Cf3 f5 10.PxPep TxP 11.Dh4 Cf8

12.PxP DXP 13.0-0 Cc6)

در صورت (7.Fd3 Db4 8.Cf3 (8.Cg-e2 c5!) 8...Dxb2 9.Ce2 c5

10.c3 Db6)

نیز سفید امکانات کافی برای پس گرفتن پیاده را در اختیار نخواهد داشت .

7...0-0!

این حرکت ضمن تدارک انجام e5... از حمله Cb5 مانعت به عمل می آورد ، ولی ادامه 7...a6 مشکلات سیاه را بیشتر می کند ، مثلاً "نوپولسکی - لیلیانتال (۱۹۳۶) چنین ادامه دادند و سفید به برتری دست یافت .

(7...a68.Cf3 c5 9.dxc (9.Ce2 PxP 10.Ce2xp Db4+)9...Dxc5
10.Dd4! Cc6 11.Dxc5 Cxc5 12.Fd3 Re7 13.Rd2

با امکان Cc3 e2 d4

یا راورز - لیلیانتال (۱۹۳۷) چنین دنبال کردند :

(7...a6 8.Cf3 b5 9.Fd3 c5 10.dxc Dxc5 11.Dd2 Cc6
12.a3 Fb7 13.Df2 Tc8 14.Ce2 Dxf2+ 15.Rxf2 Cc5 16.Ce-d4

و با محبوس شدن فیل b7 سفید برتری قابل ملاحظه ای بدست آورد .
بولسلاوسکی - گیمارد (گرونینگن ۱۹۴۶) نیز به شکل دیگری به همان نتیجه بازی راورز - لیلیانتال رسیدند ، ببینید :

(7...a6 8.Cf3 c5 9.dxc Cc6 10.a3 DxP 11.Dd2 b5 12.Df2 Fb7
13.DxD CxD 14.Ce2 f6 15.PxP PxP 16.Ce-d4)

8.Cf3

در صورت

8.Dd2 c5 9.Cf3 Cc6 10.0-0-0

اسریل - یانوفسکی (۱۹۵۲) چنین ادامه دادند :

(10.g3 a6 11.Fg2 Cb6 12.b3 Fd7 13.Ce2 PxP 14.CfxP Dc5
15.c3 Cc8 16.0-0 Cc8-e7

(و سیاه ابتکار عمل را بدست گرفت

10...f6 (10...c4? 11.f5 Tb8 12.Dg5!) 11.e5xf6 Cxf6

12.PxP DxP 13.g3

سفید مرکز را تحت کنترل می گیرد ولی از طرفی سیاه نیز شانسهای را برای حمله در جناح وزیر بدست می آورد .

8...c5

یانوفسکی در مقابل برنشتین (استکهلم ۱۹۴۸) به جای حرکت متن 8...f6 را انجام داد

و طی ادامه زیر سعید برتری جست :

(8...f6 9.PxP TxP(9...CxP!?) 10.Dd2 c5 11.Fd3 Cc6 12.PxP
9.d4xc5

9.Cb5 عجلولانه است چرا که سیاه پس از

(9...a6 10.Cd6(10.Cc7? Ta7)10...f6

مرکز را مورد تهدیدات جدی قرار می دهد .

درمورد حرکت 9.g3 نیز به پائین رجوع کنید .

9...CxP 10.Fd3

اینک سعید از وضعیت بی فعالتر برخوردار است . اما پن رز در مقابل یانوفسکی (آکسفورد ۱۹۵۲) در مقام نهمین حرکت 9.g3 را انجام داد و بازی چنین ادامه یافت :

9.g3 PxP 10.DxP (10.CxP بود) Cc6 11.Dd2 a6 12.Fg2 Cb6

با تهدید 13...Cc4 که در صورت 14.Df2 سیاه امکان انجام 14...Db4 را می یابد .

13.Ff1 Fd7 14.Fd3 Dc5 15.g4!?

از لحاظ استراتژیکی و با توجه به ضعف گسترشی فیل سیاه درست است که سعید با حرکت

15.Df2 درصد تعویض وزیرها برآمده و به امید آخربازی بهتری باشد . ولی در اینجا

پن رز تصمیم گرفته که دست به اقدامات متهورانه در جناح شاه بزند ، حال بینیم در

اجرای این ایده تاجه اندازه موفق خواهد بود .

15...Cc4 16.FxC DxF 17.0-0-0 b5

سعید وضعیت شاه خود را روشن ساخته و سیاه نیز درصد است تا در این جناح دست به

اقدامات متقابلی بزند .

18.Rb1 Ta-d8 19.Th-g1 f6

تعیین تکلیف در مرکز

20.PxP TxP 21.f5

سعید ضمن گشودن خطوط در واقع می خواهد از شر این پیاده ضعیف خلاصی یافته و پیاده

d5 را ضعیف گرداند .

21...b4 22.Ce2 PxP 23.PxP FxP 24.Ce-d4 CxC 25.CxC Fg6

26.Td-e1 Td-f8 27.Tg2 Fe4 28.Tg-e2 a5 29.Tg1 Tf1+

30.Te1 (30.TxT? TxT+ 31.Te1 TxT+ (و نفع می کند 30...Tf2

31.Dg5 DxC

دیدیم که چگونه سیاه در حرکت ۱۵ و ۱۷ جناح وزیر را تحت فشار قرار داد و در

حرکت ۱۹ و ۲۵ جبهه‌های دیگر را در جناح شاه گشود و بر ستون f فشار آورد و از طرفی با حرکت ۲۵ خانه c2 را همچنان زیر ضرب نگهداشت و در واقع پس از ایجاد ضعفهای اینچنین در جبهه سفید بر او یورش برده و یک سوار نفع نمود. غالباً " برای پیروزی و به‌ثمر رساندن یک حمله وجود یک ضعف در صفوف دشمن کافی نیست و یانوفسکی در بازی فوق‌به‌خوبی از ضعف سفید در جناح وزیر سود جسته و آن را در تمامی عرصه بسط داد و با عمیق نمودن این ضعف، کاستی‌های دیگری را در جبهه سفید پدیدار نمود و آنگاه ضربه را وارد آورد.

* * * *

حمله شاتار

6.h4

از آنجائی که در دفاع فرانسه سیاه با مشکل گسترش فیل c8 روبرو است و امکان قلعه‌بزرگ رفتن برای وی به‌سهولت امکان‌پذیر نیست سفید کمر به حمله‌ای سریع و برق‌آسا می‌بندد تا هرچه زودتر با زیر ضرب قرار دادن جناح شاه که احتمالاً " مامن شاه سیاه نیز خواهد بود برتریهای بدست آورد. این حرکت بغرنجیهای بسیاری را سبب گشته و سیاه را در مقابل راههای مختلفی قرار می‌دهد که ما پس از معرفی این راهها یک به یک به بررسی آنها می‌پردازیم:

I) 6... FxF

II) 6... a6

III) 6... h6

IV) 6... f6

V) 6... c5

در صورت 6... FxF:

(کرس - وید (لندن ۱۹۵۴)

6... FxF 7.PxF DXP 8.Ch3 De7 9.Cf4

(9.Dg4 نیز ممکن است)

9... a6 10.Dg4 Rf8

به قلعه رفتن برای سیاه فوق العاده خطرناک است و حرکت 10...g6 نیز ممکن است با 11.Dg3!?

11.Df3! (با تهدید 12.Cg6+)

11...Rg8 12.Fd3 c5 13.FxP+!! TxF 14.TxT RxT 15.0-0-0

و سفید می برد

در صورت 6...a6:

6...a6 7.Dg4 f5 8.Dh5+ g6 9.Dh6 FxF 10.PxF Rf7

(به منظور ...Df8)

11.Cg-e2

(با تهدید Cf4)

برتری سفید کاملاً "واضح و آشکار است."

در صورت 6...h6:

دوبینی - رابینویچ (لنینگراد ۱۹۲۴)

6...h6 7.Fe3 c5 8.Dg4 Rf8 9.Cf3 Cc6 10.0-0-0

با تهدید Th3 و سپس Tg3

در صورت 6...f6:

اسپاسکی - گیمارد (گوتبرگ ۱۹۵۵)

6...f6 7.Dh5+

حرکت 7.e5xf6 برای سفید چندان مناسب نیست چرا که سیاه پس از 7...Cxf6 مشکلات گسترشی خود را حل خواهد نمود. آلخین در مقابل این حرکت سیاه 7.Fd3 را توصیه می کند ولی یودویچ معتقد است که پس از 7.Fd3 سیاه می تواند با 7...c5 متقابلاً "بازی خوبی را بدست آورد. البته ادامه 7...fxg? پس از 7.Fd3 غلط است چرا که در این صورت سفید می تواند پس از:

(8.Dh5+ g6 9.Fxg6+ hxg 10.Dxh8+ Cf8 11.hxg Fxg5 12.Th7

خطرات جدی را برای سیاه بوجود آورد.

7...Rf8

حرکت 7...g6 ادامه های زیر را به دنبال خواهد داشت:

(با وضعیتی بهتر 8.PxP! PxD 9.PxF

یا 8.PxP! CxP 9.De2 c5)

(با برتری سفید که البته از ادامه متن بهتر به نظر می‌رسد)

8.PxP CxP 9.De2 c5 10.PxP Ca6 11.Cf3 CxP 12.0-0-0 b4
13.Ce5

و سفید به‌بهترین شکلی پیاده e6 را از حرکت بازداشته و از این رهگذر سوارهای سیاه را
منفعل می‌گرداند.

در صورت 6...c5:

6...c5 7.FxF RxF (7...DxF 8.Cb5 0-0 9.Cc7)

8.f4 Db6 (انگیزه اصلی 7...RxF)

9.Cf3 Dxb2 10.Cb5 a6 11.Cc7 Db4+ 12.Rf2 Ta7 13.c4

با وضعیتی فعال و در اختیار داشتن امکانات تهاجمی مناسب.

* * * *

واریانت مک کیوتشن

4...Fb4)?

سیاه با این حرکت ضمن گسترش فیل اسب را آچمز گرفته و پیاده e4 را تحت فشار
قرار می‌دهد. حال سفید می‌بایست تکلیف خود را در مرکز روشن کند. یا با 5...e5
رهیدن از تهدید سیاه پیاده e6 را بلوکه کرده و بر اسب f6 فشار آورد و یا اینکه
و یا 5.Ce2 را انجام دهد. در صورت 5.Ce2 سیاه می‌تواند طی ادامه زیر تعادل را
برقرار سازد:

(5.Ce2 dxe 6.a3 Fe7 7.FxC FxC 8.Cxe4 0-0 9.Dd3 e5

10.0-0-0 exd 11.Cxd4 Fxd4 12.Dxd4 DxD 13.TxD Cc6

در صورت 5.e4xd5 نیز سیاه می‌تواند با کسب برتری دو فیل ضعف جناح شاه خود را
پوشاند:

(6.e4xd5 Dxd5

) 5...exd 6.Df3 به علت 6.Df3 خوب نیست و در صورت 6...Fe7 طی ادامه:

(7.Fxf6 FxF 8.Cxd5 Fxd4 9.De4+ وضعیت بهتری پیدا می‌کند

6.Fxf6 gxf 7.Dd2 Da5 8.Cg-e2 Cd7 9.a3 Cb6 10.Td1 Fe7

11.Cg3 Fd7

و اما 5.e5

5.e5 h6 6.Fd2

چیکورین حرکت 6.PxC را پیشنهاد می کند که ادامه های زیر را به دنبال دارد :

(6.PxC PxF 7.PxP Tg8 8.Cf3 (8.h4 PxP

در صورت 8...TxP سفید با راندن پیاده h به جلوسیاه را با مشکلی جدید روبرو می سازد .

9.Dh5 (9.Dg4 Df6 10.Txh4 Dxc7(10...Txg7 11.Td8+ Ff8?

12.Cxd5! (که به پیروزی سعید می انجامد) 11.DxD TxD 12.Th8+ Ff8

(با وضعیتی برابر 14.Ce2 Cd7 13.0-0-0 c6

(با امکاناتی برابر 11.0-0-0 Fd7 10.Txh4 Dxc7 9...Df6

8...Df6 9.h4 PxP(9...FxC+!?) 10.TxP Dxc7 11.Dd3!)

با وضعیتی فعالتر

حرکت 6.Fe3 طی ادامه

(6...Ce4 7.Dg4 Rf8 8.Fd3 (یا a3) 8...CxC 9.a3 Fa5

10.Fd2 c5 11.FxC FxF+ 12.PxF Da5 13.Rd2 Ce6 14.Cf3 Cxd4

به وضعیتی تقریباً " برابر می انجامد :

6...FxC

6...Cf-d7 به علت 7.Dg4 برای سیاه خوب نیست .

7.PxF

ادامه :

(7.FxF Ce4 8.Fb4 c5 9.dxc Cxf2 10.RxC Dh4+

(برای سعید خوب نیست

7...Ce4 8.Dg4

در صورت 8.Fd3 سیاه می تواند پس از

(8...CxF 9.DxC c5 10.Cf3 c4 11.Fe2 Ce6

(وضعیت را متعادل کند

8...g6 9.Fc1

سعید با این حرکت به قیمت قربانی دادن یک پیاده درصدد حفظ برتری دوفیل برآمده .

در صورت 9.Fd3 سیاه مشکلاتی را برای سعید بوجود می آورد ، مثلاً "

(9...CxF 10.RxC e5 11.Df4 PxP 12.PxP Da5+ ! 13.c3 Da3
14.Ce2 Cd7

(Df6 جلوگیری از

شاه سفید وضعیت مناسبی در اختیار ندارد .

9...Cxc3 10.Fd3 c5 11.PxP Da5! ? 12.Fd2 Da4 13.h3 h5 !
14.DxD CxD

اگرچه سفید از برتری دو فیل برخوردار است ولی از آرایش پیاده‌های خوبی بهره‌مند نیست .

* * * *

واریانت ویناور

3...Fb4

این واریانت از متداولترین و پیچیده‌ترین واریانتهای دفاع فرانسه است ، چرا که سفید می‌تواند با یکی از شش راه زیر بازی را در مسیرهای خاص هدایت کند : این شاخه‌های فرعی عبارتند از :

I) 4.Fd2

II) 4.Fd3

III) 4.a3

Iv) 4.Ce2

V) 4.e4xd5

VI) 4.e5

شاخه اول

4.Fd2

این حرکت را به آلتخین نسبت داده‌اند در صورتی که او چنین حرکتی را که برای سفید چندان مناسب نیز نمی‌باشد پیشنهاد نکرده است وی در یکی از بازیهای خود در برابر فلوهر (نایتنگهام ۱۹۳۶) این حرکت را پس از 4.e5 c5 انجام داد که ما در بررسی شاخه ششم به آن خواهیم پرداخت .

4...PxP 5.Dg4 DXP

کرس - باتونیک (مسکو ۱۹۴۸) چنین ادامه دادند:

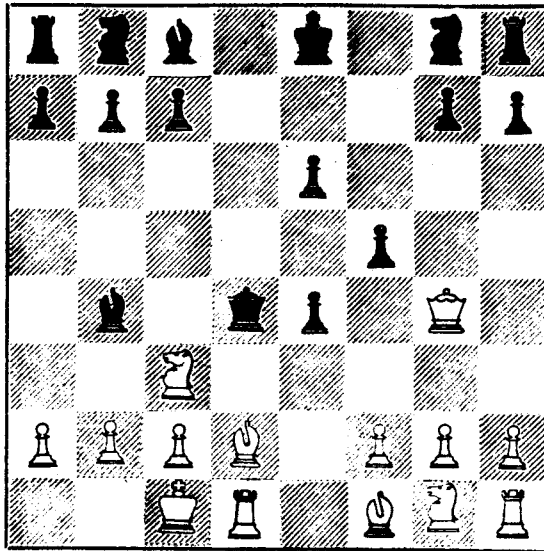
(5...Cf6 6.Dxg7 Tg8 7.Dh6 Tg6 8.Dh4 Cc6 9.0-0-0 FxC

10.FxF Dd5 11.g3 Ce7 12.f3 خطوط گشودن خطوط)

12...Fd7 13.Fg2

اینک سیاه می‌تواند با حرکت 13...0-0 بازی رضایت‌بخشی بدست آورد چرا که سفید اگرچه برتری دو فیل دارد ولی در گسترش جناح شاه عقب مانده و شاه وی از پوزیسیونی محکم برخوردار نیست.

6.0-0-0 f5



شیستاکوف در مقابل چودینوفسکیخ (۱۹۷۸) چنین ادامه‌ای را برگزید:

6...h5 7.De2 Cf6 8.Fh6 De5 9.Fxg7 Tg8 10.FxC DxF

11.Cxe4 Dh6+ 12.Rb1 Fe7 13.Cf3 Cc6 14.Db5 a6 15.Da4 Tb8

16.c3 b5 17.Dc2 Fb7 18.g3 f5 19.Ce-d2 Rf7

سیاه برتری دو فیل دارد ولی از ساختمان پیاده‌های ضعیفی برخوردار است و شاه وی مکان امنی در اختیار ندارد برای واضح‌تر شدن ضعف پوزیسیونی سیاه بهتر است تا چند حرکت دیگر بازی را دنبال کنیم:

20.Fg2 Tg-d8 21.h4 Td6 22.Cg5+ FxC 23.PxF DXP 24.Cf3 Dg7
 25.TxT PxT 26.Dd2 Re7 27.Txh5 Th8 28.Tg5 Df6 29.Ch4 Rd7
 30.Tg6 De7 31.De3

7.Dq3 Fd3 8.Ff4 FxF+ 9.DxF Dc5 10.f3 Cf6!

این حرکت پیشنهاد ویکوسویچ می باشد. حالا سفید امکان بازپس گیری یک پیاده را دارد ولی پس از آن سیاه با گسترش جناح وزیر و به قلعه رفتن ضمن تحکیم موقعیت خود می تواند یک پیاده دیگر را حفظ کند.

شاخه دوم

4.Fd3!? c5

پطروسیان در برابر پیلنیک (بلگراد ۱۹۵۴) ۴...PxP را انجام داد و نتیجه نسبتاً خوبی از آن گرفت:

(4...PxP 5.FxP Cf6 6.Ff3 0-0 (6...Cc6!?) 7.Ce2 Cb-d7

8.Ff4 Cd4

5.e4xd5 DXP 6.Fd2

پیشکش کردن این قربانی پیاده می تواند برتری دو فیل را در پوزیسیونی باز برای سفید نامین کند.

6...Fxc7 7.FxF PxP 8.FxP Dxxg2 9.Df3 DxD 10.CxD f6

11.Tg1 Rf7 12.Cd2! Cc6 13.Fc5

حال سفید به ازای یک پیاده از کف داده وضعیتی فعال و خوب بدست آورده است.

ایزینگر - اشمید (نورنبرگ ۱۹۵۵) در پی همین وضعیت چنین دنبال کردند.

13...Cg-e2 14.Cc4 Td8 15.Cd6+ Rg8 16.0-0-0 Cd5

17.Fc4 Ce5 18.TxC! CxF! (18...PxT? 19.FxP+ Rh8 20.f4)

19.Cf5 TxT 20.Ch6+

با کیش دائم

شاخه سوم

4.a3!?

کرس - بولسلاوسکی (مسکو ۱۹۴۰)

4...FxC+ 5.PxF PxP 6.Dg4 Cf6 7.Dxxg7 Tg8 8.Dh6 Tg6

اسمیلوف - باتونیک (۱۹۵۴) چنین ادامه دادند :

(8...c5 9.Ce2 Tg6 10.Dd2 Cb-d7 11.Fb2 b6

و حال بنا به نظر برونشتین سفید پس از

(وضعیت مطلوبتری بدست می آورد 12.Cf4 Tg8 13.Fb5

9.Dd2

تلاشی برای ایجاد وضعیتی که در بازی اسمیلوف باتونیک (۱۹۵۴) نشان دادیم :

9...Cc6! 10.Fb2 Ce2

با وضعیتی بالنسبه برابر

شاخه چهارم

4.Ce2 PxP 5.a3

حال سیاه دو ادامه 5...FxC+ و 5...Fe7 را پیشرو دارد :

در صورت 5...FxC+ :

5...FxC+

لاسکر - کان (مسکو ۱۹۳۶)

6.CxF Cc6

این حرکت از ابداعات خود کان است، در صورت 6...f5 سیاه در گسترش عقب مانده و سفید امکان حمله‌ای شدید را بدست می آورد مثلا "آلخین - نیمزویچ (بلد ۱۹۳۱) چنین ادامه دادند :

(6...f5 7.f3 PxP 8.DxP DxP 9.Dg3 Cf6 15.0-0-0 Fxg2

16.Th-e1 Fe4 17.Fh5 CxF 18.Td8+ Rf7 19.DxC

و سیاه تسلیم شد

7.Fb5 Ce7 8.0-0

در صورت 8.CxP سیاه پس از f5 9.Dd3 8...Dd5 پیاده g2 را می گیرد.

8...0-0 9.FxC CxF 10.d5 PxP 11.DxP Cd4!

با وضعیتی مناسب

در صورت 5...Fe7

5...Fe7

برونشتین - پطروسیان چنین دنبال کردند .

6.CxP Cf6

فیلگوت در برابر اوکامپو (۱۹۷۸) چنین ادامه‌ای را برگزید:

6...Fd7 7.Ce2-g3 Fc6 8.Fe3 Cd7 9.c4 Cg-f6 10.Cc3 b6

11.f3 0-0 12.Dc2 a6 13.Td1 Te8 14.Fd3 Db8

با وضعیتی محدود ولی نسبتاً "محکم"

7.Ce2-g3 0-0 8.Fe2 Cb-d7 9.0-0 b6 (9...c5 10.Ff3)

10.Ff3 Tb8 11.c4 CxC 12.FxC Cf6 13.Ff3 Fb7 14.FxF TxF

15.Df3 c6! 16.Ce2 Dc8 17.b4 Td8 18.Ff4 Tb-d7

ادامه:

(18...b5 19.Tf-c1 bxc 20.Txc4 Cd5 21.Ta-c1 Da8

22.Txc6 a5

نیز چندان بد نیست

19.Tf-c1 h6 20.h3 c5! 21.dxc bxc 22.b5 Td3 23.Fe3 Da8

با وضعیتی برابر

شاخه پنجم

4.e4xd5 e6xd5

حال سفید سه راه

III)5.Df3 II)Fd3 I)5.Cf3

را پیش رو دارد البته امکان 5.Ce2 هم وجود دارد که با پاسخ 5...Cc6 و حرکت

6.Fd3 باری را به همان راه دوم می‌کشد:

در صورت 5.Cf3:

5.Cf3

مان هایمر - نیمزیچ (فرانکفورت ۱۹۳۰)

5...Ce7 6.Fd3 Cc6 7.h3 Ff5 8.FxF Cxf5 9.0-0 FxC

برتری سیاه کاملاً "آشکار است وی با برهم زدن آرایش پیاده‌های سفید و ایجاد رخنه‌های

c4 و e5 مانور تساوی را به پایان برده و می‌تواند با بسط و گسترش این برتری وضعیتی

بهتر بدست آورد.

10.PxF 0-0 11.Dd3 Cd6 12.Cg5 g6 13.Ff4 Df6 14.Fd2 h6

در صورت 14...Df5 15.g4 DXP 16.PxD
 15.Cf3 Rh7 16.Ch2 Dh8! (16...Dg7? 17.Cg4 h5 18.Fh6!)
 17.De3 Dg7 18.Df3 Ce4 19.Fc1 f5 20.Dd3 Ca5 21.f4 Dd7
 22.Cf3 Dc6 23.Ce5! De6(23...Dxc3? 24.DxD CxD 25.Fd2!)
 24.Tb1 b6 25.Rh2 Cc4

حال سیاه همان خانه‌های را برای اسبهای خود انتخاب نموده، که در آغاز بازی سفید آنها را بلا دفاع گذاشته بود.

26.Fe3 g5 27.g3 Tf6 28.Tb-e1 Tg8 29.Fc1 b5 30.Cf3 g4
 31.h3xg4 Tgxg4 32.Cg1 Tf-g6 33.Tf3 Dg8 34.Ce2 h5
 35.Rg2 h4 36.Th1 Th6 37.Th-h3 Dg6

(38...h4xg3 39.Txh6+ Dxh6 40.Cxg3 Dh4) یا تهدید

38.Fe3 Da6! 39.Ff2 Dxa2 4.Fe1 a5 41.Rf1 Db1 42.Cq1 a4
 43.Re2 a3 44.Tf1 a2

و سفید تسلیم شد.

در صورت 5.Fd3:

5.Fd3

کاپابلانکا - آلمخین (بوئنوس آیرس ۱۹۲۷)

5...Cc6

سیاه ضمن حمله به پیاده d4 از 6.Dh5! جلوگیری می‌کند.

6.Ce2

اشکال کار سفید در همین حرکت نهفته است و البته چاره‌ای هم جز این نیست ولی با انجام این حرکت قطر و زیر بسته شده و سیاه امکان می‌یابد که تعادل را برقرار ساخته و حتی کسب برتری کند.

6...Cg-e7 7.0-0 Ff5 8.FxF

رابینویچ در مقابل یودویچ (۱۹۳۴) به جای این حرکت 8.Cg3 را انجام داد ولی باز هم سیاه طی ادامه

8.Cg3 FxF 9.DxF Dd7 10.Ff4 0-0 11.Ta-d1 Tf-e8 12.h3 Fd6

وضعیت بهتری پیدا کرد.

8...CxF 9.Dd3 Dd7 10.Cd1 0-0 11.Ce3 CxC 12.FxC Te8!

حال سفید مجبور است که این ستون را با اسب یا فیل بسته نگهدارد و این به معنای انفعال یک سوار است به ویژه آنکه رنگ سوار سفید باشد.

13.Cf4

سفید در نظر دارد که با c3 و Te1 در کنترل ستون e سهیم گردد.

13...Fd6 ! 14.Te1

(و سپس DxC CxP FxP+ 14.)

14...Cb4 ! 15.Db3 Df5 16.Ta-c1 Cxc2 ! 17.TxC

(17.DxC DxD 18.TxD FxC 19.FxF? TxT++) 17...DxC !

اینک سیاه ضمن پس گرفتن اسب و نفع یک پیاده تهدید 2+Dxb را بوجود آورده است.

18.g3 Df5 19.Tc-e2 b6 20.Db5 h5 21.h4 Te4 ! با تهدید

(و مات در سه حرکت 23.PxT Dg3+ 22...Txh4 !)

22.Fd2 Txd4

(22...Txh4? 23.Te8+

(از آنجائی که سفید راه فرار شاه را مهیا نموده می تواند به راحتی رخ را بگیرد.

23.Fc3 Td3 24.Fe5 Td8 25.FxF TxF 26.Te5 Df3 27.Texh5 DxT

28.Te8+ Rh7 29.DxT+ Dg6 30.Dd1 Te6

31.Ta8 Te5 32.TxP

سفید پیاده از کف داده را بار دیگر بدست آورده و لیکن سیاه از دورافتادگی این رخ سود

جسته و حمله را آغاز می کند.

32...c5 33.Td7 De6 ! 34.Dd3+ g6 35.Td8 d4 36.a4 Te1+

37.Rg2 Dc6+ 38.f3 Te3 39.Dd1 De6 40.g4 Te2+ 41.Rh3 De3

42.Dh1 Df4 ! 43.h5 Tf2

و سفید تسلیم شد.

در صورت 5.Df3:

5.Df3

لیمان - فاراگو (کی یف ۱۹۷۸)

5...De7+ 8.Fe3 Cf6 7.h3 Ce4 8.Ce2 Cc6

تا اینجا سیاه با محبوس نمودن فیل f1 موفق به اتمام مانور تساوی گشته

9.0-0-0 FxC 10.FxF CxC 11.PxC

سیاه با اعطای امتیاز برتری دو فیل به سفید، آرایش پیاده‌های وی را برهم زده و مکان شاه وی را ناامن ساخته .

11...Fe6 12.Dg3 0-0-0 13.Dxg7 Td-g8 14.Dh6 Ff5 15.Rd2 Da3
16.Dh5 Fe4 17.h3

سفید مجبور شد که راه وزیر خود را سد کند و حالا :

17...Fxc2!! 18.RxF Dxa2+ 19.Rd3 Te8 20.f4 Ca5 21.De2 Db3
22.Ta1 Cc4 23.Dg4+ Rb8 24.Fc1 Th-g8 25.Df3 Tg3
(26.De1++ با تهدید 26.Fe2 TxF! 27.RxT Dc2+ 28.Re1 TxD
29.PxT DxP+

و سفید تسلیم شد .

ششمین و آخرین شاخه واریانت ویناور

4.e5

این شاخه، خط اصلی واریانت ویناور است و بالنتیجه متداولترین ادامه‌های که در دفاع فرانسه به چشم می‌خورد، حال سیاه حرکات زیر را در اختیار دارد .

I)4...b6 II)4...Dd7 III)4...c5 IV)4...Ce7

دو حرکت اول ایده‌های مشترک را دنبال می‌کنند و دو حرکت اخیر نیز معمولاً "با جابجای حرکات بعدی به پوزیسیونهای مشابه می‌انجامند .

در صورت 4...b6: ممکن است بازی چنین ادامه یابد :

مکینگ - آندرسن (وی کان زی ۱۹۷۸)

4...b6 5.Cf3 Dd7 6.Fd2 Fa6

سیاه بدین طریق خود را از مرزتهای حاصل از گسترش این فیل راحت می‌کند .

7.FxF CxF 8.Ce2 Ff8

سیاه خانه e7 را برای گسترش اسب احتیاج دارد .

9.0-0 c5 10.Ce7 11.Cf4 Cb8 12.Tc1 c4

سیاه به واسطه عقب ماندگی در گسترش جناح شاه تمایلی به باز شدن ستون c ندارد چرا که در این صورت سفید امکانات تهاجمی خوبی بدست می‌آورد . در حال حاضر سفید به لحاظ گسترش از سیاه پیشی گرفته و آزادی عمل بیشتری در اختیار دارد ولی سیاه نیز از پوزیسیون محکم و غیرقابل نفوذ برخوردار است، چرا که فیل سفید همانند فیل f8

ناتوان از حرکت است و از سوی دیگر با بلوکه شدن جناح وزیر سیاه می‌تواند بدون هراس به قلعه بزرگ رفته و با $Ca5$ و $Tc8$ از پیاده $c4$ خود دفاع کرده و مانع باز شدن این جناح گردد. و در سوی دیگر میدان نیز می‌تواند با $g6$ و $h6$ محدوده عمل اسبهای سفید را تنگ کند.

در صورت 4...Dd7:

این حرکت نیز ایده‌های $4...b6$ را دنبال می‌کند و در بسیاری از موارد هر کدام از این حرکات با تقدم و تاخر حرکات بعدی به پوزیسیونهای همسان می‌انجامند، مثلاً " تیم‌مان - سیراوان (۱۹۷۸) چنین ادامه دادند:

4...Dd7 5.Fd2 b6 6.Cf3 Ff8 7.Fe2 Fa6 8.0-0 Ce7 9.FxF CxF
10.De2 Cb8 11.Cd1 c5 12.PxP PxP

سفید مانع از بلوکه شدن جناح وزیر می‌گردد ولی سیاه نیز در عوض پیاده‌های نیرومندی را در مرکز مستقر می‌سازد.

13.c4 d4 14.Ce1 h5 15.Cd3 Cf5 16.f4 Db7! 17.Cd1-f2 Cd7

سفید با کمبود فضا روبروست، و قلعه شاه سیاه تمام جبهه وی می‌باشد. از اینرو او ضمن به پایان بردن مانور تساوی در اندیشه به‌کف آوردن زمینه‌ای برای حمله است.

در صورت 4...c5:

4...c5 5.a3

پس از $5.Fb2$ ممکن است بازی چنین ادامه یابد:

5...Cc6 (5...PxP 6.Cb5 Fe5 7.b4 Ff8 8.Cf3 Ce6 9.Tb1

(سفید امکانات تهاجمی مناسبی بدست می‌آورد)

6.Cb5 FxF+ 7.DxF Cxd4 8.CxC

در صورت (8.Cd6+ Rf8 9.0-0-0 Ch6 10.Fd3 f5

(و سپس با $11...Cf7$ سیاه می‌تواند حمله را دفع کند

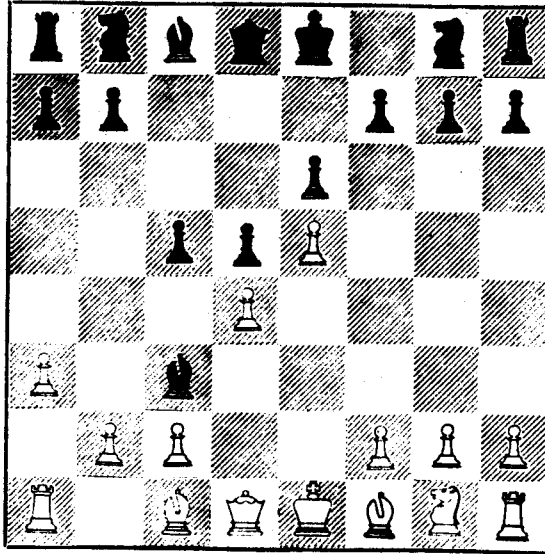
8...PxC 9.Cf3 Ce7 10.Cxd4 Ce6

نتیجه‌ای برای سفید به‌همراه ندارد، در صورت

10.DxP 0-0 11.Fd3 Ce6

نیز سفید قادر به‌کسب برتری نمی‌گردد.

5...FxC+



ادامه 5...PxP بنا به نظر راغورز درست نیست چرا که سفید پس از
 (6.PxF PxC 7.Cf3! Cxb 8.Fxb2 f5 9.Fd3)
 به ازای قربانی یک پیاده حمله شدیدی بدست می آورد. اما تال در برابر فیشر (لایپزیک
 ۱۹۶۰) به جای حرکت متن و همینطور 5...PxP ادامه خطرناک 5...Fa5!؟ را برگزید
 و بازی چنین ادامه یافت:

6.b4! Cxd4

در اینجا نیز سفید پس از

6...Cxb4 7.Cb5 bxa3+ 8.c3

و سپس Fxa3 به رغم از کف دادن یک پیاده بخت های مساعدی را برای حمله بدست
 می آورد.

7.Dg4 Ce7 8.bxa5

در صورت 8.Cb5 Fc7 9.Dxg7 Tg8 10.Dxh7
 8...dxc3 9.Dxg7 Tg8 10.Dxh7 Cb-c6!

اسمیلوف - باتونیک در بازی نهم خود (۱۹۵۴) چنین ادامه داده بودند.
 (10...Cd7 11.Cf3 Cf8 12.Dd3 Dxa5 13.h4 با برتری سفید)

11.Cf3 Dc7

در صورت 13.f4 Tf8 12.Cg5 11...Dxa5 سفید می تواند با 14.Fe2 و 15.Cxf7 وضعیت بهتری بدست آورد.

12.Fb5! Fd7

پس از 15.RxT+ 14.Tg1 Tg8 13.Rf1 سفید می تواند با 12...Txg2? کیشهای به موقع شاه سیاه را در بند کشیده و پیاده h را به جلو براند.

13.0-0 0-0

در صورت 16.Dd3 15.Fxd7+ RxF 14.Cxe5 13...Cxe5

سفید کسب برتری می کند مثلاً " می تواند به 16...De4 به وسیله 17.DxD و سپس 18.f3 پاسخ دهد.

14.Fg5?

این حرکت با پاسخ خوب! 14...Cxe5! و سپس! 15...Fxb5! بازی را به تساوی کشاند در صورتی که بنا به نظر خود فیشر سفید می توانست پس از

(و سپس 14.Fg5, h4 15.Tel 14...Cxc6 FxF (14.Fxc6!

18.Rxg2 Fh3+ 17.Dxe7 Txg2+ 16.Dxe6+ Fd7 15.Dxf7 d4

19.Rxh3 Dxe7 20.Fg5

سیاه را مغلوب کند.

6.PxF Ce7

سیاه در صدد است، تا امکانات متقابلی را در مرکز و جناح وزیر از طریق a5 و یا Dc7 بدست آورد. ادامه 6...c4 معمولاً نتیجه خوبی برای سیاه ندارد چرا که سفید می تواند از طریق a4 و Fa3 فیل را به شکلی فعال وارد میدان کند. در اینجا تذکر نکته‌ای به این شرح لازم است: گفتیم که سیاه در حرکت چهارم امکانات مختلفی چون 4...b6 و 4...Dd7 و 4...c5 و 4...Ce7 را در اختیار دارد و خاطر نشان ساختیم که حرکات 4...Dd7 و 4...b6 از یک آبشخور سیراب گشته و حرکات 4...Ce7 و 4...c5 نیز در اغلب موارد با تقدم و تاخر حرکات به پوزیسیونهای یکسان می انجامند مثلاً " فیشر - لارسن (دنور ۱۹۷۱) پس از

4...Ce7 5.a3 Fxc3 6.PxF c5

سفید برای اجرای هفتمین حرکت می پردازیم: این حرکات عبارتند از:

- I) 7.Dg4
 II) 7.a4
 III) 7.Cf3

در صورت 7.Dg4:

واسیوکف - دوروشکویچ (مسکو ۱۹۶۷)

7.Dg4 Dc7

بوگولیویف - فلوهر (نایتنگهام ۱۹۳۶) چنین ادامه دادند:

(7...Cf5 8.Fd3 h5 9.Df4(9.Dh3 PXP 10.PXP Dh4 11.DxD

(نیز ممکن است

9...PXP 10.PXP Dh5

اینک سفید می تواند طی ادامه

11.DxD (11.Fxf5 Dxd4) 11...CxD 12.Fg5! Cf5 13.Ce2 Cc6

14.c3

وضعیت فعالیت بدست آورد

حرکت 0-0...7 نیز طی ادامه:

(8.Cf3 Cb-c6 9.Fd3 f5 10.PXPep TXP 11.Fg5

به برتری سفید می انجامد

8.Dxg7 Tg8 9.Dxh7 PXP 10.Ce2

(10.Rd1 Cb-c6 (10...Cd7!?) 11.Cf3 PXP)

10.Cb-c6 11.f4 Fd7 12.Dd3

بیرن - اولمن (موناکو ۱۹۶۸) چنین ادامه دادند.

(12.h3 PXP 13.g4 0-0-0 14.Dd3 d4 (با وضعیتی برابر

12...PXP 13.h4 Cf5

پیاپی ۱۱ برای سیاه خطرناک است، اما وی می تواند به قلعه بزرگ رفته و راه این پیاپی را

سد کند از اینرو با توجه به برتری دو فیل سفید و در عوض وضعیت ناامن شاه وی می توان

گفت که وضعیت تقریباً "برابر است".

در صورت 7.a4:

7.a4

این ادامه و ادامه 7.Cf3 در اغلب موارد به پوزیسیونهای مشابه می انجامد.

7...Cb-c6 8.Cf3

(در مورد 7.Cf3 8...Da5 می‌توانید به قسمت 7.Cf3 رجوع کنید)

8...Fd7 9.Fd3!

فیشر - اولمن (بوئنوس آیرس ۱۹۶۰) چنین ادامه دادند:

(9.Dd2 Da5 10.Fd3 c4 11.Fe2 f6 12.Fa3 Cg6 13.0-0

و سفید درازای این قربانی پیاده چیزی بدست نیاورد.

9...Dc7 10.0-0 c4 11.Fe2 f6 12.Te1

فیشر - مدنیس (۱۹۶۱) اینطور دنبال کردند:

(12.Fa3 0-0 13.Te1 Tf7 14.exf6 gxf6 15.Ff1 Te8

16.Ch4 Cg6 17.Dh5 Rg7 (با وضعیتی برابر

12...0-0 (12...Cg6 13.Fa3!) 13.Fa3 Tf7

با وضعیتی برابر

در صورت 7.Cf3:

7.Cf3

سیاه برای مقابله دو ادامه 7...Cb-c6 و 7...Dc7 را در اختیار دارد.

ادامه اول

اسمیلوف - باتونیک (شوروی ۱۹۴۴)

7...Cb-c6

بنا به نظر اولمن حرکت 7...Da5 به دلیل:

(7...Da5 8.Dd2 b6 (یا 8...Cb-c6 9.Fe2) 9.PxP! (9.c4 Da4!)

9...PxP 10.c4! (به نفع سیاه نیست)

اما شیستاکوف در مقابل پطروش (۱۹۷۸) حرکت 7...Fd7 را برگزید و طی ادامه:

(7...Fd7 8.Fd3 Da5 9.Fd2 Cb-c6 10.0-0 c4 11.Fe2 f6

12.Te1 fxe 13.dxe 0-0 14.Ff1 Dc7 15.g3 Fe8 16.Cg5 Dd7

17.Fb3 Ch5 18.f4 Fg6 19.Fe3 h6 20.Cf3 CxF 21.TxC De7

22.Dd2 Ta-d8 23.a4

به تساوی رضایت دادند.

8.a4 Da5 9.Fd2 c4 10.Cg5

بولسلاوسکی - بارکزا (بوداپست ۱۹۵۳) چنین ادامه دادند:

(10.g3 Fd7 11.Fg2 0-0-0 12.0-0 f5 13.PxPep PxP 14.Te1 Cg6

15.Fh3 Th-g8

و سیاه با فشار بر پیاده c3 تعادل را برقرار ساخت .

10...h6 11.Ch3 Cg6 12.Df3

در اینجا اولمن 12.Fe2 و سپس 13.Fh5 را توصیه می کند .

12...Fd7 13.Cf4 CxC 14.DxC Ce7! 15.h4 Fxa4

سیاه یک پیاده گرفته و توانائی مقابله با حمله سفید را دارد ، حال پس از بررسی

7...Cb-c6 به ادامه ای که پس از 7...Dc7 ممکن می گردد می پردازیم :

7...Dc7

ویلیامز - کنی (انگلستان ۱۹۷۳)

8.a4 b6

با این حرکت قبلا " نیز برخورد داشته ایم (بازیهای مکینگ - آندرسن و تیم مان - سیراوان) و در آنجا گفتیم که ایده این حرکت تعویض فیل ضعیف c8 با فیل f1 سفید است و در آن دو بازی دیدیم که سیاه به این مهم دست یافته و بازی نسبتا "خوبی بدست آورد .

9.Fb5+! Fd7 10.Fd3

سفید بدین طریق از معاوضه فیلها پرهیز کرد .

10...Cb-c6 11.0-0 h6

در صورت 11...0-0 سفید با یک شیوه کلاسیک فیل را در h7 قربانی داده و بازی را می برد .

12.Fa3 Ca5 13.Cd2 0-0

(13...Fxp 14.Pxp Pxp 15.Dg4)

14.Pxp Pxp 15.Cb3 CxC

مارکلند در برابر هارتستون (هاستینگز ۱۹۷۱) حرکت ضعیف 15...Ca-c6 را برگزید و سفید طی ادامه 16.Fxp Dxp 17.Cd4 با در اختیار گرفتن نقاط مهم مرکزی (بخصوص خانه های سیاه) برتری قابل ملاحظه ای بدست آورد .

16.PxC

حال سیاه گذشته از پیاده ایزوله a7) وضعیتی فشرده ولی نسبتا " محکم در اختیار دارد و سفید نیز از برتری دو فیل برخوردار است .

در صورت 4...Ce7:

4...Ce7

همانطور که قبلاً اشاره شد وضعیتهای حاصل از این حرکت شباهتهای زیادی به پوزیسیونهای پس از 4...c5 دارد. حال سفید می تواند برای ادامه یکی از دو حرکت 5.Dg4 و یا 5.Fd2 را برگزیند، در صورت 5.a3 بازی طی ادامه 5...Fxc3 6.PxF c5 به همان واریانت 4...c5 می انجامد در بازی زیر که مابین ابوخووسکی - ریویاکین (۱۹۷۸) برگزار شده، سفید 5.Fd2 را بکار گرفته است.

5.Fd2 b6 6.Cc-e2 FxF 7.DxF Fa6 8.f4 Cf5 9.Cf3 c5

10.0-0-0 Dd7 11.dxc bxc 12.g4 Ce7 13.Cg3 Da4

14.Rb1 Cxf1 17.Ra1 Da3 18.f5 c4 19.Tb1 0-0 20.f6-Cg6

21.fxg Tf-c8 22.Ch5 c3 23.Dc1 Cb4

و سفید تسلیم شد.

ادامه های پس از 5.Dg4

کوزمین - کاگان (۱۹۷۸)

5.Dg4 0-0

سیمینوا و اکویان (شوروی ۱۹۷۸) چنین ادامه دادند:

5...c5

این حرکت بازی را به همان واریانت 4...c5 می کشاند منتهی با اختلاف نوبت حرکت ببیند:

6.a3 FxC 7.PxF Dc7 8.Dxg7 Tg8 9.Dxh7

14.Fd2 Ca5 15.Cd1

در اینجا برای واضح تر شدن و تحلیلی بهتر می توانید به بازی فیشر - تال (لایپزیک ۱۹۶۰) که پیش از این مورد بررسی قرار گرفت رجوع کنید.

9...PxP 10.Ce2 PxP 11.f4 Fd7 12.Dd3 Cb-c6 13.Cxc3 a6

حال سیاه برای پس گرفتن پیاده های خود حملات سختی را تدارک می بیند ولی آیا موفق خواهد شد! ادامه بازی جواب این سؤال را خواهد داد:

16.Ce3 Cxe3 17.FxC Tc8 18.Tc1 Cf5 19.Fd2 Fb5 20.Db3 Fc4

21.Dh3 d4 22.Fxc4 DxC 23.Rf2 Dc5 24.Dd3 Ce3 25.g3 Cxc2

26.h4 Tc6 27.h5 Th8 28.g4 Dxa3 29.DxD CxD

سیاه پیاده ها را پس گرفت ولی حالا:

30.TxT PxT 31.Ta1 Cb5 32.Txa6 Rd7 33.Tb6 Th7

34.Rf3 Ca3 35.Tb7+ Rc8 36.Te7 Cc4 37.Fb4 d3
38.Ta7 c5 39.Fxc5 d2 40.Re2

و سیاه تسلیم شد .

اسپاسکی درمقابل اولمن (مانیل ۱۹۷۶) در جواب 5...c5 حرکت 6.Cf3 را ارائه داد و طی ادامه زیر وضعیت خوبی بدست آورد .

(درمورد 6...Cb-c6 می‌توانید به‌بازی زیر رجوع کنید) (6.Cf3 PxP
7.Cxd4 Dc7 8.Fb5+ ! Cb-c6 9.0-0 FxC 10.PxF Fd7
(10...Dxe5 11.Fa3) 11.FxC PxP 12.Fa3 Dxe5 13.Tf-e1 h5
14.Df3 Dc7 15.c4!)

مدنیس علیه ساکس (بوداپست ۱۹۷۶) در برابر 6.Cf3 که اسپاسکی درمقابل اولمن (بازی بالا) بکار برده بود حرکت 6...Cb-c6 را انجام داد و بازی چنین ادامه یافت .

(6...Cb-c6 7.Fd2 0-0 8.Fd3 f5 9.PxPep TxP 10.Dh5 h6
11.a3 Fa5 12.0-0-0 PxP 13.Ce2

(و سفید وضعیتی فعالتر بدست آورد

اینک به‌ادامه حرکت متن می‌پردازیم :

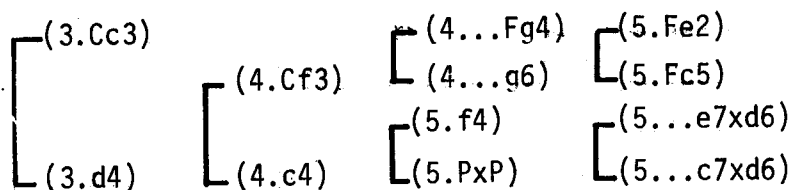
6.Fd3 c5 7.dxc Cb-c6 8.Cf3 f5 9.PxPep TxP 10.Dh5 h6
11.0-0 Fxc5 12.Fe3 Fb6
(12...Fxe3 13.fxe Db6 (و سپس Cd4)
13.FxF DxP 14.De8+ Tf8 15.Fb7+ RxF 16.DxT Dxb2 17.Ce2
17...e5

حال سفید می‌باید برای تساوی مبارزه کند، چرا که سیاه به‌راحتی با گرفتن پیاده‌ها ضعف کمی را جبران و با راندن پیاده‌های مرکزی، وضعیتی خطرناک را برای سفید بوجود می‌آورد .

* * * *

دفاع پیرک (The Pirc Defence)

(1.e4 d6)



1...d6

سیاه در این دفاع بمانند دفاع شاه هندی فیل خانه‌های سیاه را از طریق g7 گسترش داده و مشابه بسیاری دیگر از دفاعها (بخصوص سیسیلی) با راندن پیاده‌های جناح وزیر در جهت بدست آوردن امکاناتی در این جناح کوشش می‌کند.

2.d4 Cf6

واضح است که حرکت 2...e5 به خاطر 4.DxD+ RxD 3.PxP PxP اشتباه است. در پاسخ 2...e5 اگر سفید 3.Cf3 را انجام دهد بازی به دفاع فیلیدر کشانده می‌شود که پیش از این مورد بررسی قرار گرفته است. حرکت 2...g6 نیز بازی را به دفاع مدرن پیرک می‌کشاند.

3.Cc3

در صورت 3.F3 ممکن است بازی با تقدم و تاخر حرکات بدین طریق به واریانت زمیش در دفاع شاه هندی کشانده شود .

(3...g6 4.c4 Fg7 5.Cc3 e4 6.Cg-e2 0-0 7.Fg5)

(در مورد این واریانت می توانید به دفاع شاه هندی مندرج در جلد دوم رجوع کنید) .
حرکت 3.Fd3 نیز بازی را به دفاع مدرن پیرک می کشاند .

3...g6

یوپا در برابر فیلیپین کو (۱۹۷۸) به جای حرکت متن، با انجام 3...c6 یک تمپ از دست داد و بازی چنین ادامه یافت .

(3...c6 4.f4 g6 5.Cf3 Fg7 6.Fd3 0-0 7.0-0)

اینک سیاه در گسترش جناح وزیر دچار اشکال گشته، در صورتی که سفید به شکلی فعال سوارهای خود را گسترده

7...Fg5 8.h3 FxC

سیاه جز این چاره ای نداشت، این اعطای امتیاز (برتری دو فیل) ماحصل عقب ماندگی در گسترش است .

9.Df3 Db6 10.Ce2 c5

انجام این حرکت خود دلیلی است بر بیجا بودن 3...c6

11.PxP Dxc5 12.Fe3 Da5 13.Fd4

با برتری واضح و آشکار سفید، این بازی چنین ادامه یافت :

17.Rh1 Db4 18.b3 Ta-c8 19.Ta-d1 Dc3 20.f5 Rh8 21.Dh4 Cd7

22.e5 g5 23.Dh6 Cdx5 24.f6 Cxd3 25.Dg7+

و مات

پس از حرکت متن (3...g6) سفید می تواند به یکی از سه واریانت زیر متوسل شود :

I) 4.f4 حمله اتریشی

II) 4.Fg5 واریانت بیرن

III) 4.Cf3

حمله اثری

4.f4 Fg7 5.Cf3

(در مورد e5 می‌توانید به بازی ولیمیرویچ - رایکوویچ رجوع کنید)

5...0-0

این حرکت متداولترین پاسخ سیاه به 5.Cf3 است، اما بعضاً "5...c5" را انجام می‌دهند، که در این صورت ممکن است پاسخ سفید یکی از این سه حرکت باشد،

6.PxP

یا 6.e5

یا 6.Fb5+

مثلاً "ولیمیرویچ - رایکوویچ (اسکوپییه ۱۹۷۱) چنین ادامه دادند:

(6.e5 Cf-d7 7.Fc4(7.e5xd6 0-0! 8.Fe3 Db6 9.d6xe7 Te8

10.Dd2

(با وضعیتی مبهم که احتمالاً "به نفع سیاه تمام می‌شود

7...0-0 8.e6 Cb6?! 9.exf7+ Rh8 10.h4!!

و سفید امکان حمله شدیدی بدست آورد.

اسپاسکی در مقابل فیشر (ریک‌یاویک ۲۲ اوت ۱۹۷۲) 6.PxP را برگزید و بازی چنین

دنبال شد:

(برای سیاه خوب نیست 8.e5 7.DxD+ RxD 6...Da5(6...PxP

7.Fd3 Dxc5 8.De2 0-0 9.Fe3 Da5 10.0-0 Fg4! 11.Ta-d1 Cc6

12.Fc4! Ch5!

با وضعیتی تقریباً "برابر

زوکرمین در مقابل بنکو (نیویورک ۱۹۶۷) حرکت 6.Fb5+ را انجام داد و بازی اینطور

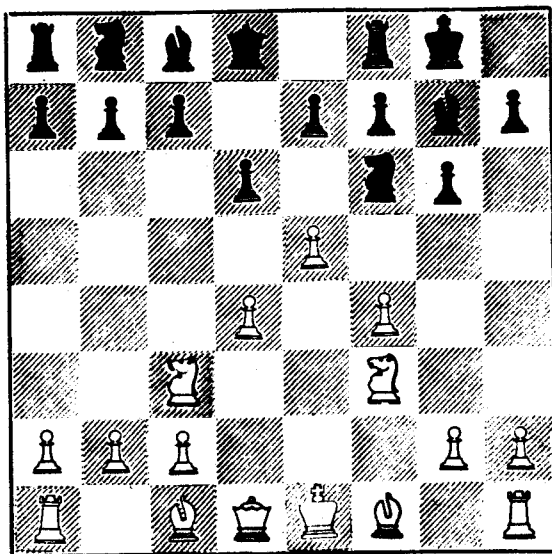
ادامه یافت

(6...Fd7 7.e5 Cg4 8.e6 Fxb5 9.exf7+ Rd7 10.Cxb5 Da5+

11.Cc3 exd4 12.Cxd4 Fxd4 13.Dxd4 Cf6

با وضعیتی تقریباً "برابر

6. e5! ?



تا سالهای ۶۳-۱۹۶۲ حرکت 6.Fe2 محبوبیتی تام داشت. ولی پس از این سالها 6.Fd3 باب گردید و امروزه نیز معمولاً "همین حرکت را انجام می دهند و ما هم قبل از برداختن به ادامه حرکت متن ذیلا" به بررسی 6.Fe2 و 6.Fd3 می پردازیم.
در صورت 6.Fe2:

فیشر - کورچنوی (کوراگائو ۱۹۶۲)

6.Fe2 c5 7.PxP Da5 8.0-0 Dxc5+ 9.Rh1 Cc6

در صورت 9...Cg4 وزیر سیاه در دامی اینچنین گرفتار می آید:

(9...Cg4 10.Cd5 Cf2+ 11.TxC DxC 12.Fe3)

افتاچینک در برابر سیکورا (چکسلواکی ۱۹۷۸) به جای 9...Cc6 چنین ادامه ای را برگزید و

(9...Cb-d7 10.De1 a6 11.Fd3 b5 12.e5 dxe 13.fxe Cg4

14.Fe4 Tb8 15.h3 CgxP 16.Fe3 CxC 17.TxC Fd4 18.FxF DxF

19.Td1 De5 20.Te3)

سفید به ازای یک پیاده خود ضمن کنترل مرکز، امکانات تهاجمی بسیار خوبی بدست آورد.

10.Cd2 a5! 11.Cb3?

(11.Cc4 Fg4! 12.Fe3 Dh5 13.Ff5 b5)

ادامه

برای فیشر بهتر بود ولی باتوجه به این ادامه هم باز سیاه از وضعیت بهتری برخوردار می شد .

11...Db6 12.a4

ادامه :

(12.Cd5 Cxd5 13.exd5 a4 14.dxc6 axb3 15.Cxb7 Txa2

16.bxc8=D TxD

چه در صورت bxc2 و 17.Tb1? و چه در صورت 17.Fd2 Fxb2 18.Tc1 FxT و سپس ...b2 (به برد سیاه می انجامد)

12...Cb4 13.g4?

(13.Ff3) بهتر بود اگرچه سیاه در آن صورت نیز برتری خود را حفظ می کرد)

13...Fxf4! 14.FxF CxF 15.DxC Cxc2 16.Cb5

(در صورت 16.Dd1 Dxb3 17.Ta3 Dc4 سیاه برتری کمی و کیفی خود را همچنان حفظ می کند)

16...CxT

با پوزیسیونی برتر

در صورت 6.Fd3 :

کاپنگوت - زایچیک (۱۹۷۸)

6.Fd3 Ca6 (...c5 (گسترش اسب با حفظ امکان

7.e5 PxF 8.dxe Cd5 9.CxC DxC 10.De2 Ff5 11.FxF PxF

12.Fe3 c5 13.0-0 Cc7 14.Ta-d1 Dc6 15.Dd3 e6

با امکاناتی برابر

اما کلوان در برابر زایچیک (۱۹۷۸) در حرکت چهاردهم به جای 14.Ta-d1 حرکت 14.Tf-d1 را انجام داد و بازی جالب و زیبایی زیر بوجود آمد که در آن سیاه برتری

یافته و به پیروزی رسید .

14.Tf-d1 De4 15.Dd3 Ce6 16.DxD PxD 17.Cd2 f5 18.PxPep FxF

19.c3 Fd4 20.PxF PxF 21.CxP PxF 22.g3 Ta-d8 23.TxT TxT

24.Te1 Td3 25.Rf1 Cd4 26.Cc5 Td2 27.TxP b6 28.Cb3 CxC

29.TxC Txb2 30.Tb5 Rf7 31.a4 Rg6 32.a5 Tb5 33.TxT RxT

34.PxP PxF 35.Rf2 Rg4 36.Rg2 h5 37.Rf2 b5 38.b4 h4

39.PxP Rxf4 40.h5 Rg5

و سفید تسلیم شد .

6...Cb-d7

در صورت

(6...PxP 7.d4xe5! DxD+ 8.RxD Td8+ 9.Fd2! Ce8

(9...Cd5 10.CxC TxC 11.Fc4 (با برتری سفید

سفید وضعیت فعال و خوبی خواهد داشت .

7.h4!?

ادامه PxP!? و یا 8.Fd3 Cc6 7.Cg5!? به وضعیتی مبهم می انجامد و در صورت

(7.e6 PxP 8.h4 (8.Cg5 Cf6 9.Ff4 d5) 8...Cf6! 9.Fd3 Cc6

10.h5 PxP 11.a3 Fd7!

سفید نمی تواند دو پیاده از دست رفته را جبران کند . حرکت 7.Fc4 نسبتاً "خوب است ،

که البته سیاه می تواند با 7...Cb6 جواب گفته و امکاناتی را برای برقرار ساختن تعادل

بدست آورد .

7...c5 8.h5

در صورت

(8.e6!? f7xe6 9.h5 g6xh5 10.TxP (10.PxP!? Cf6)

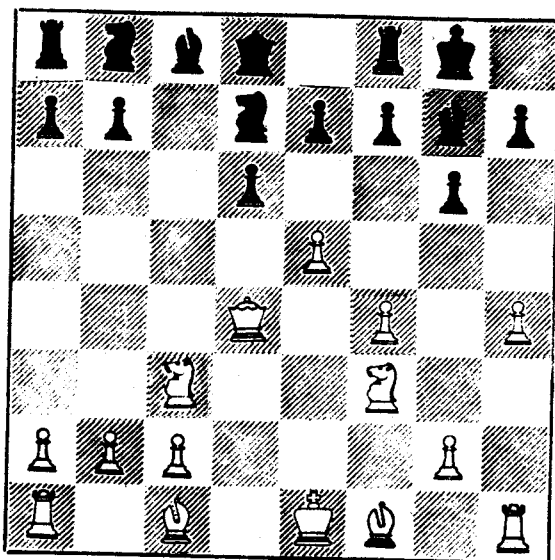
10...Cf6 11.Th4 PxP 12.CxP e5 13.Ff4+ d5 14.CxP CxC

15.Dh5 PxC! 16.FxC+ e6 17.DxP+

سیاه از لحاظ کمی نفع کرده و حمله سفید به واسطه کمبود قوا متوقف خواهد شد .

* * * *

8...c5xd4 9.DxP



در صورت ؟! 9.h5xg6 سفید پس از TxP 10.g6xf7+ 11...PxP 12.PxC Da5! حمله سفید را دفع و وضعیتی برنده پیدا می کند و در صورت 11.e6 نیز سیاه بعد از

11...PxP! 12.PxT+ Tf8 13.FxP FxF 14.Fc4 Da5+ 15.Rf1 Cf6
16.Tb1(16.Cg5 Ff5!) 16...Dc3!

وضعیتی برنده پیدا خواهد کرد.

ادامه 11.Fc4 نیز بعد از:

11...e6! 12.Cg5 (12.f5 CxP 13.PxP Te7 14.CxC Da5!)

12...CxP (یا 12...Cf8) 13.Dh5 (13.PxC? c3xb2

14.Dh5 DxC (و سیاه می برد) 13...h6

برای سیاه یک آخر بازی برنده را به دنبال دارد.

9...d6xe5

در صورت 9...Cc6 سفید به f2 وزیر را عقب رانده و می تواند با ادامه های که فوقاً بررسی شد سیاه را تهدید کند.

10.Df2

ادامه 10.Dg1!؟ از جهت اینکه خانه f2 را برای کیش احتمالی Da5... برای شاه سفید خالی نگه میدارد خوب است ولی در آن صورت سفید وضعیت محدودتری پیدا می کند، از این لحاظ حرکت متن مرجح است.

10...e4!

پالمیوتو با مهره سیاه در مقابل برونشتین (مونیک ۱۹۵۸) به جای حرکت متن 10...e5xf4 را انجام داد و پس از ادامه زیر مجبور به تسلیم گردید:

(10...e5xf4 11.h5xg6 h7xg6 12.FxP Cf6 13.Dh4 Da5

14.Cg5 Fg4 15.Fd3 Cb-d7 16.0-0! Fh5 17.Ta-e1 e5

18.Fd2 Dc5+ 19.Fe3 Dc6 23.Cc-e4 Rf8 24.CxC CxC

25.TxC FxT 26.Ch7+ (و سیاه تسلیم شد)

11.CxP

پادیوسکی - ماتونویچ (هاوانا ۱۹۶۶) چنین ادامه دادند:

(11.Cg5 Cf6 12.PxP h7xg6 13.Dh4? Dd4!

با برتری سیاه

ادامه 13.Fc4 نیز پس از 13...Fg4 و یا 14.Dh4 Dd4 چیزی عاید سفید نمی کند در صورت 13.CcXP نیز سیاه پس از 14.CxC Dd4 تعادل را برقرار می سازد.

11...Cf6!

حرکت 11...Db6 ممکن است با چنین ادامه ای روبرو گردد.

(12.Dh4 Da5+ 13.Fd2 Dxh4 14.DxD PxP 15.0-0-0)

12.CxC+ PxP 13.PxP Te8+ 14.Fe2! h7xg6

15.Fd2 De7 16.Rf1

(در مورد 14...f7xg6 به پائین رجوع کنید)

16...Ff5 17.Cd4 Fe4 18.Ff3 Cc6 19.CxC PxP!

با وضعیتی پیچیده و مبهم که در آن امکانات سیاه کمتر از سفید نیست، سیاه در این وضعیت آرایش پیاده ای خوبی ندارد ولی در عوض سفید را از قلعه محروم ساخته و از این رهگذر ارتباط دو رخ سفید را قطع نموده است. بورول با مهره سیاه در مقابل کلارک (انگلستان ۱۹۷۲) در حرکت چهاردهم با پیاده f7 پیاده g6 سفید را گرفت و بازی چنین ادامه یافت:

14...f7xg6 15.Fd2! De7 16.Rf1!

سفید در نظر دارد تا با $f5, Te1$ و $Fc4+$ قلعه سیاه را ویران کند .

16...Fe6 17.Te1 Dd7 18.Fc3 h5 19.Fd3 Ff7 20.TxT DxT
 21.g4! Cc6 22.PxP PxP 23.Tg1 De6 ! 24.Dg4 Dg4 25.Dh1 De6
 26.Cg5 ! De3(26...PxC 27.TxP)27.CxF DxP+ 28.Re2 RxC
 29.DxP+ Rf8 30.Tf1! Te1+ (30...Dd3 31.FxP FxF 32.Dh8+)
 31.DxT+

و سیاه تسلیم شد .

* * * *

واریانت بیرن

4.Fg5

این حرکت که مورد علاقه روبرت بیرن بود ایده تعویض فیلهای خانههای سیاه از طریق $Fh6$ و $Dd2$ را دنبال می کند . تا بلکه از این طریق یوزیسیون جناح شاه را (باتوجه به حرکت $g6$) برهم زند . و حال سیاه برای مقابله می تواند به یکی از حرکات زیر متوسل شود :

I)4...h6	شاخه اول
II)4...Fg7	شاخه دوم
III)4...Cb-d7	شاخه سوم
IV)4...c6	شاخه چهارم

شاخه اول :

4...h6

شونبرگ - لایبرسون (۱۹۶۷)

سیاه امیدوار است که با تحت فشار قرار دادن فیل سفید وی را مجبور به تعویض در خانه $f6$ گردانده و از این کانال ضمن کسب برتری دو فیل ستون e را نیمه باز نموده و پس از آن با $f5$... امکانات متقابلی را بدست آورد .

5.Fe3! Cg5

بعد از $6.Dc1!$ $5...Fg7$ سیاه به خاطر تهدید $Fxh6$ نمی تواند به قلعه رود و پاسخ

6...g5 نیز باعث تضعیف جناح شاه می‌گردد. شوچ در مقابل پرشیل (۱۹۷۸) چنین ادامه‌ای را برگزید:

(5...c6 6.Fe2 Fg7 7.Cf3 Db6 8.0-0 Dxb2 9.Dd2 Da3
10.h3 Da5 11.a4 Cb-d7 12.Fc4 0-0 13.Fxh6 FxF
14.DxF d5 15.Fd3 Dxc3 16.e5 Ch7 17.Ta-e1 c5
18.Te3 Da5 19.Ch4 Cxd 20.Cf5 (و سیاه تسلیم شد)

6.Fc1

ادامه 6.Fc4 Fg7 7.Cf3 Cc6 8.Fg3 e5 9.PxP
6...Fg7 7.f3 Cf6 8.Fe3

با وضعیتی بهتر

شاخه دوم:

4.Fg7

فیشر - مدنیس (آمریکا ۱۹۵۸)

5.Dd2 h6

در مورد حرکت 5...c6 می‌توانید به شاخه چهارم رجوع کنید

6.Fc4 g5 7.Fg3 Ch5 8.Ff4! c6

در صورت 8...Cc6 سفید می‌تواند با 9.cg-e2 پاسخ گفته و پس از آن با 4!h تهديدات سختی را در جناح شاه بوجود آورد.

9.0-0-0 Da5 10.Fd3 b5 11.Rb1 Cd7 12.f5!'

اینک سفید با توجه به امن بودن محل شاه خود، اقدام به حمله نموده و حال اگر سیاه 12...PxP کند موقعیت فیل 7g متزلزل می‌شود و در صورت 12...CxF نیز سفید می‌تواند از طریق 13.e5 12.PxC g4 امکان‌ات ترکیبی جالب توجه‌ای بدست می‌آورد.

شاخه سوم

4...Cb-d7

یودویچ - بیرک (یوگسلاوی ۱۹۵۲)

5.f4 c6

حرکت 5...h6 به خاطر f5 و یا 7.cg-e7 6.Fb4 Ch5 مطمئن نیست.

6.e5 Cd5 7.CxC PxC 8.Cf6 Db6 9.Fd3 Fg7 10.De2

اعمال فشار بر ستونهای مرکزی

10...f6 11.e5xf6 CxP 12.Fb5+ Fd7 13.FxC Fgxf 14.FxF+
RxF 15.0-0-0

با برتری مختصری برای سفید

شاخه چهارم

4...c6

مستیل - بوتریل (انگلستان ۱۹۷۴)

5.Dd2 b5 6.Fd3 Fg7 7.f4

بعد از 8.DxF و 7.Fb6 سیاه می تواند با 8...Db6 تعادل را برقرار سازد.

7...0-0 8.Cf3 Cb-d7

هورت در مقابل براون (مادرید ۱۹۷۳) با ادامه زیر اوضاع را متعادل ساخت :

(8...Fg4 9.f5 b4 10.Ce2 cb-d7 11.0-0 c5)

9.0-0 b4

ادامه

(9...Cb6 10.e5 b4 11.Ce2 cf-d5 12.f5 c5 13.Fb6

وضعیت مطلوبی را برای سفید فراهم می آورد.

10.Ce2! Db6 11.Cg3 e5 12.c3 c5!?

(12...b4xc3 13.b2xc3 Da5 14.f4xe5 d6xe5 15.CxP CxC

16.FxC (با برتری سفید)

13.d4xe5 d6xe5

در صورت 14...c4+ 14.Rh1 PxF 15.PxC CxP سفید امکانات مناسبی در اختیار

خواهد داشت.

14.Fc4! b4xc3 15.b2xc3 Tb8 16.CxP CxC 17.PxC Cg4 18.Fe7

در صورت 18...FxF و یا 18...CxP سفید می تواند از طریق 12.Ff4 و یا

(در صورت 18...CxP) پس از تعویض با Tc4 و Th4 فشارهای را بر قلعه سیاه وارد آورد

ولی سیاه هم امکانات تدافعی کافی در اختیار داشته و خواهد داشت.

واریانت 4.Cf3

4.Cf3

کاریف - کورچنوری (۱۹۷۸)

4...Fg7 5.Fe2 0-0 6.0-0 Fg4

معمولا "در اینجا به جای این حرکت 6...c6 را انجام می دهند، مثلا "سیمکوف - پرشیل (وارنا ۱۹۷۸) چنین ادامه دادند:

(6...c6 7.h3 b5

گاپرین داشویلی در مسابقات دوجانبه خود در برابر چیپور دانیدزه (۱۹۷۸) حرکت 7...Cb-d7 را انجام داد و نتیجه نسبتا "خوبی از آن گرفت:

(7...Cb-d7 8.Ff4 Da5 9.Dd2 e5 10.Fe3 Te8 11.Tf-e1 Dc7

12.PxP PxP 13.a4 Ff8 14.Fc4 Cb6 15.Fb3 Fe6 16.FxF TxF

(با امکانات متقابل

8.e5 Ce8 9.Ff4 Cd7 10.Dd2 Cb6 11.Tf-e1 Ff5 12.g4 Fc8

13.a4 b4 14.Ce4 a5 15.c3 Cd5 16.Fg3 b4xc3 17.b2xc3 f5

18.PxPep Cexf6 19.CxC PxC

سیاه ضمن امکانات دفاعی مناسب می تواند از طریق f5... در صدد ویران ساختن قلعه سفید برآید.

7.Fe3 Cc6 8.Dd3 e5 9.d5 Cb4 10.Dd2 a5 11.h3 Fd7

سفید به لحاظ تمرکز نیروهای خود از برتری مختصری برخوردار است.

* * * *

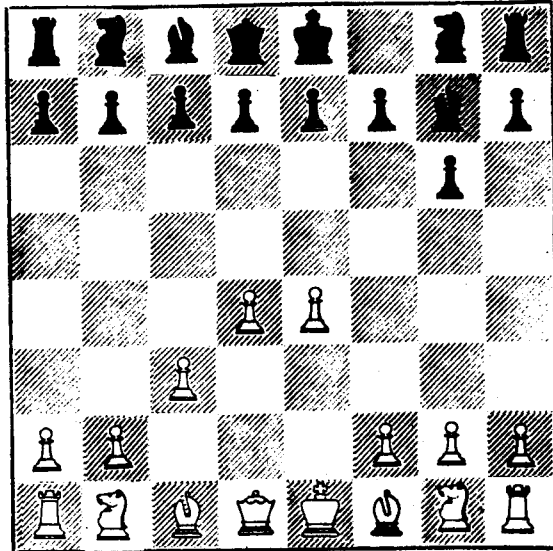
دفاع مدرن پیرک (The New Pirc Defence)

(1.e4 g6)

1...g6

اسکات - کنی (۱۹۷۴)

2.d4 Fg7 3.c3



3.Cc3 و 3.Cf3 بازی را به دفاع پیرک که قبل از این مورد بررسی قرار گرفت می‌کشاند و در این رابطه نظری به دو بازی زیر خالی از لطف نیست :

شرن - پولیکیر (فرانسه ۱۹۲۷)

(3.Cf3 d6 4.Cc3 Cd7 5.Fc4 Cg-f6 6.e5 d6xe5 7.d4xe5 Ch5
8.Fxf7+! RxF 9.Cg5+ Rg8 10.Dd5+

و سیاه واگذار کرد .

سیگوریونسون - وسترنین (ژنو ۱۹۷۷)

(3.Cc3 d6 4.f4 Cf6 5.Cf3 c5 6.Fb5+ Fd7 7.e5 Cg4
8.h3 c5xd4 9.Dxd4 Ch6 10.Fd2 Fxb5 11.Cxb5 Cc6
12.Df2 d6xe5 13.F4xe5 a6 14.Cc3 Cf5? 15.0-0-0! cxe5
16.Ff4 Cd6 18.Fxd6 19.Txd6 Dc7 20.Te1+ Rf8 21.Cg5 Cc5
22.Td5

و سیاه تسلیم شد .

3.c4 نیز پس از 3...d6 4.Cc3 Cf6 بازی را به دفاع شاه هندی می‌کشاند .

3.f4 نیز چنین ادامه‌ای را به دنبال دارد :

3.f4 c5!

4.Cf3 PxP 5.CxP Cc6 حال اگر

بازی به یکی از واریانت‌های دراگون در دفاع سیسیلی کشانده می‌شود منتهی با عقب ماندگی سفید در انجام Cc3 که برای وی نامطلوب می‌باشد .

4.d5 d6 5.Cf3 (و اگر

(به دفاع شاه هندی منجر می‌شود 5.c4)

5...Cf6 6.Fb5+ Cb-d7!

با وضعیتی برابر

کارو در برابر کنی (۱۹۷۴) چنین ادامه‌ای را برگزید :

4.c3 PxP 5.PxP Db6 ? 6.Cf3 Cc6

7.c5 (7.Cc3 Ch6)

7...Ch6 8.Cc3 0-0 9.d5 Cb4 10.a3 Ca6

11.Fd3 d6 12.De2 Cc4 13.Fc4 Fg4 14.Fe3 FxC

با برتری سیاه

3...d6

در صورت :

3...b6 4.Fd3 Fb7 5.Cf3 d6 6.0-0 Cf6 7.Cb-d2 0-0 8.Te1

سفید ضمن کنترل مرکز شانسهای بهتری را در جناح وزیر بدست می آورد .

4.f4

ژوراولیو - تشکوکوسکی (شوری ۱۹۷۸) چنین ادامه دادند :

(4.g3 Cf6 5.Fg2 0-0 6.Ce2 e5 7.0-0 Cb-d7 8.Cd2 b6

9.Te1 Fb7 10.Dc2 Te8 11.d5 c6 12.PxP FxP 13.c4 Tc8

و سیاه ضمن ایجاد تعادل امکانات مناسبی بدست آورد .

4...Cf6 5.Fd3

بیرن - بوتریل (هاستینگز ۱۹۷۱) چنین دنبال کردند .

(5.e5 PxP 6.f4xe5 Cd5 7.Cf3 0-0 8.Fc4 c5 9.PxP Fe6

با امکانات متقابل

5...0-0 6.Cf3 c5!?

6...e5!?! (6...Cb-d7 7.0-0 c5 8.e5) 7.0-0 e5xf4 پس از :

8.FxP c5 9.Rh1

سفید فشار خود را در مرکز حفظ خواهد کرد

7.PxP

ادامه 7.0-0 PxP 8.PxP Cf6 9.Cc3

7...Cb-d7!

در صورت

7...PxP 8.0-0(8.e5!?) 8...Cc6 9.e5 Cg4 10.Ca3! f6 11.h6

سفید پس از 12.Cc4 وضعیت خوبی پیدا می کند .

8.PxP PxP 9.0-0

رودریگز در مقابل کنی (اسکوپی ۱۹۷۲) 9.Fe3? را انجام داد و با 9...Te1 روبرو شد .

9...Cc5 10.Dc2 Te1 11.Cb-d2 CxF 12.DxC CxP! 13.CxC Ff5

14.DxP TxC 15.DxD+ TxD 16.Fd2 Fg4 17.Ta-e1 Ta5

سیاه به ازای یک پیاده از دست داده از وضعیتی فعال و برتری دو فیل در عرصه‌ای باز برخوردار است از اینرو می توان گفت که وضعیت متعادل است .

دفاع فیل وزیر (Queen's Fianchetto Defence)

(1.e4 b6)

1...b6

درمقابل این دفاع قدیمی که نتایج خوبی را نیز برای سیاه به همراه ندارد، سفید می تواند با 2.d4 و یا 2.Cf3! بازی را دنبال کند. در صورت 2.d4 ممکن است بازی چنین ادامه یابد که به بازی گرکو معروف است:

(2.d4 Fb7 3.Cc3

سفید می تواند به امید تعبیه دامی چنین بازی کند:

(3.Fd3 f5 4.PxP FxP? 5.Dh5+ g6 6.PxP Cf6 7.PxP+! CxD
8.Fg6+

و مات

3...e6 4.Fd3 Fb4 5.Cg-e2

حالا تحلیل بردن و ویران ساختن مرکز محکم سفید برای سیاه به آسانی مقدور نیست، با وجود این سفید می باید از حمله بی موقع و نابهنگام حذر کند.

2.Cf6! Fb7 3.Fc4 e6

(3...FxP? 4.Fxf7+! RxF 5.Cg5+)

4.De2 Fe7 5.0-0 d5 ? 6.PxP PxP 7.Fb3 Cf6 8.Te1

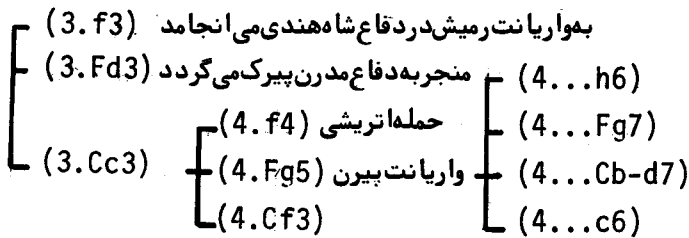
اینک سیاه با مشکل چگونه به قلعه رفتن مواجهه شده. در صورت 8...Cc6 سفید می تواند

با Cc3 پاسخ گفته و در جواب 9...d5 ، 10.Cg5 را انجام دهد و تهدید 11.Cxf7 را بوجود آورد .

* * * *

دفاع آلخین (Alekhine's Defence)

(1.e4 Cf6)



1...Cf6

ایده اصلی سیاه در این دفاع، تحریک سفید به پیش راندن پیاده‌های خود می‌باشد تا از این طریق پیاده‌های مهاجم را ضعیف گرداند، که البته این نوع دفاع برای سیاه خالی از خطر نبوده و بکارگیری آن احتیاج به دقت و هشیاری فراوان دارد.

2.e5

حرکت 2.Cc3 در صورت جواب 2...e5 بازی را به‌گشایش وینی می‌کشاند اما در صورت 2...d5 ممکن است بازی چنین ادامه یابد: مثلاً "پیریسپکن - آلبرت (کی‌یف ۱۹۷۸)" این‌طور دنبال کردند:

2...d5 3.PxP CxP 4.CxC

هرندی - پانگ (نیس ۱۹۷۴) چنین ادامه دادند:

(4.Df3 CxC 5.Fc4 e6 6.dxc3 Df6 7.De2 Cc6 8.Cf3 h6

9.Fd2 Fd6 10.0-0-0 Fd7 11.Rb1 0-0-0 12.Fe3 e5 13.Cd2 Dg6
 14.f3 f5 15.Cb3 Rb8 16.Fd5 Ce7 17.Fxb7 f4 18.Fg1 Cc4
 19.Da6 c5 20.Fe4

و سیاه تسلیم شد .

4...DxC 5.d4 Cc6 6.Cf3 e5 7.Fe3 Fg4 8.PxP FxC 9.DxF DxD
 10.PxD CxP 11.0-0-0 Fd6 12.Fb5+ Rf8

سفید به‌ازای برتری دو فیل و محروم نمودن شاه سیاه از قلعه آرایش پیاده‌ای خوبی
 در اختیار ندارد .

2...Cd5

حال سفید می‌تواند یکی از دو واریانت 3.Cc3 I) و 3.d4 II) را برگزیند. حرکت 3.c5
 نیز پس از 4.d4 3...Cb6 به واریانت دوم منجر می‌شود .

* * * *

واریانت 3.Cc3:

مارکلند - کورچنوی (۱۹۷۳)

3.Cc3

این واریانت به نسبت واریانت دوم کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد .

3...CxC

کوستنا در مقابل اوزولا (شوروی ۱۹۷۸) 3...e6 را انجام داد و بازی چنین ادامه یافت .

(4.Fc4 d6 5.PxP CxC 6.d2xc FxP 7.Cf3 0-0 8.0-0 h6

9.Fe3 h6 10.De2 Fb7 11.Ta-d1 Cd7 12.Fd7 13.Fa6 FxF

14.DxF e5

با امکاناتی مناسب

4.d2xC

در صورت

4.b2xc d5 5.d4(5.Fa3!?! Cd7) 5...c5 6.Cf3 Cc6

بازی به یکی از واریانتهای دفاع فرانسه کشانده می‌شود .

4...d6 5.Cf3 Cc6

در صورت 5...PxP سفید پس از

6.DxD+ Rxd7 CxP Re8 8.Fe3 f6 9.Cd3 e5
(9...Cc6? 0.f4!) 10.0-0-0

و سپس 11.f4 امکانات خوبی بدست می آورد.

حرکت 5...g6 نیز پس از 8.Cg5! 7.Ff4 Cc6 6.Fc4 و Fg7 امکانات ترکیبی جالب توجهی را در اختیار سفید قرار می دهد.

6.Fb5 Fd7 7.De2 CxP

در صورت (7...a6 8.Fc4 e6 9.Ff4 PxP 10.CxP Fd6 11.Fg3 سفید می تواند پس از 0-0-0 وضعیت بهتری پیدا کند.

8.CxC PxC 9.DxP f6!

کرس - اشמיד (زوریخ ۱۹۶۱) چنین ادامه دادند:

(9...c6 10.Fc4 Db8 11.De4 e6 12.Fg5 h6 13.Fb4 Fd6
14.0-0-0

(با وضعیتی فعالتر

10.Dh5+ g6 11.De2 e5 12.Fe3 Fd6 13.0-0-0

با وضعیتی فعال

* * * *

واریانتهای پس از 3.d4:

3.d4 d6

اکنون سفید می تواند بازی را با یکی از این دو حرکت ادامه دهد.

یا 4.Cf3

یا 4.c4 (و یا

واریانت 4.Cf3:

4.Cf3

در مقابل این حرکت سیاه دو ادامه 4...Fg4 و 4...g6 را در اختیار دارد.

در صورت 4...g6:

کاسپاروف - پالاتنیک (۱۹۷۸)

4...g6 5.Fc4

براون - فیشر (زاگرب ۱۹۷۰) چنین ادامه دادند:

5.Fe2 Fg7 6.c4

(درمورد 6.0-0 به پائین رجوع کنید)

6... Cb6 7.exd6 Cxd6 8.Cc3 0-0 9.0-0 Cc6 10.Fe3 Fg4

11.b3 d5 12.c5

با بختهای برابر

و یا رزکوف - بهوشیو (لنینگراد ۱۹۷۸) چنین دنبال کردند:

5.Fe2 Fg7 6.0-0 0-0 7.c4 Cb6 8.e5xd6 c7xd6 9.Cc3 Fg4

10.Fe3 Cc6 11.b3 d5 12.c5 Cc8 13.Tc1 e6 14.Ce1 FxF 15.CxF

5...Cc8-e7

با وضعیتی برابر

5...Cb6 6.Fb3 a5?!

6.Fg7 نسبت به حرکت متن بهتر است و برای سفید ادامه مطمئن راهی است که کرس در مقابل کوپکا (کافنبرگ ۱۹۷۰) درپیش گرفت.

6...Fg7 7.0-0 (7.Cb-d2?! 0-0 8.h3 a5! 9.a4 dxe5

10.dxe5 Ca6!! 11...Cc5 (با تهدید 7.Cg5 d5 8.f4 a5

9.c3 f6! نیز راه به جای نمی برد!) 7...0-0 8.a4 a5 9.h3 Cc6

10.De2 d5!?! 11.Cc3 Fe6 12.Ff4 با حفظ ابتکار عمل

7.a4 Fg7 8.Cg5 e6 9.f4 dxe 10.fxe 0-0 11.0-0 c5

12.c3 Cc6 13.Ce4! Cd7 14.Fe3 Ce7 15.Fg5! Cxd 16.Cxdh6

16.Fh4 g5 18.Ff2 Cg6 19.Cb-c3

سفید با دردست گرفتن نقاط مهم مرکزی و ستونها و اقطار باز برتری قابل توجهی در اختیار دارد.

4...Fg4 در صورت

گابریل داشویلی - آلاکوشینر (تفلیس ۱۹۶۹)

4...Fg4 5.Fe2 e6

حرکات 5...Cc6 و 5...c6 نیز می توانند تعادل را برقرار سازند مثلاً "بوندراسکی - میکناس (مسکو ۱۹۴۲) چنین ادامه دادند:

5...Cc6 6.h3 FxC 7.FxF dxe 8.dxe e6 9.0-0 Cd-b4

(با وضعیتی برابر

و یا باتونیک - فلور (۱۹۳۶) چنین دنبال کردند :

5...c6 6.0-0 FxC 7.FxF dxe 8.dxe e6 9.De2 Dc7 10.c4 Ce7

11.Fg4 Cd7 12.f4 h5 13.Fb3 0-0-0 (با وضعیتی مناسب

6.0-U Fe7 7.h3

تشکووسکی - آلبورت (۱۹۷۸) پس از

7.c4 Cb6 8.Fe3 0-0 9.Cc3 d5 10.c5 FxC 11.g2xF Cc8

12.f4 Cc6 13.f5?! exf 14.Ff3 Fg5 15.Cxd5 f4! 16.Cxf4 FxC

17.FxF 14.Dxd4!

(به وضعیتی برابر رسیدند

7...Fh5 8.c4 Cb6 9.Cc3 0-0 10.Fe3 d5!?

ادامه 10...Cc6 11.exd6 12.d5! به برتری سفید می انجامد

11.c5 Fxf3 12.FxF Cc8

برتری پوزیسیونی سفید در برخورداری از فضای بیشتر خلاصه می شود. فیشر در مقابل

اسپاسکی (ریک یاویک ۲۷ اوت ۱۹۷۲) حرکت فعالتر (12...Cc4) را به جای 12...Cc8

انجام داد و بازی اینطور دنبال شد.

(13.b3! Cxe3 14.fxe3 b6! 15.e4!

(و سفید باز هم از فضای بیشتری برخوردار گشت

منتهی این بازی طی ادامه :

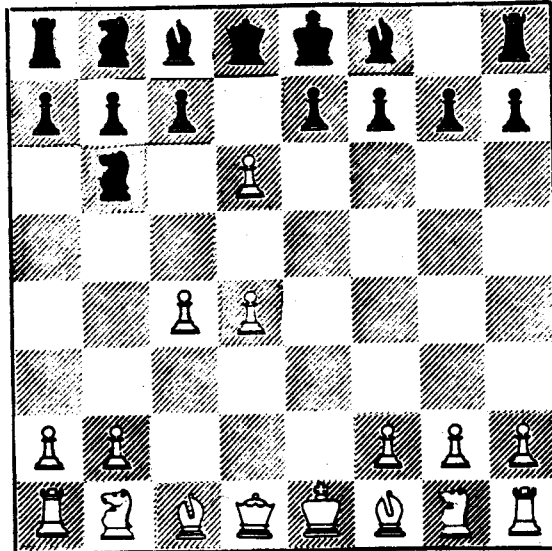
15...c6 16.b4 bxc4 17.bxc4 Da5 18.Cxd5! Fg5!

19.Fh5! Cxd5! 20.Fxf7+ Txf7 21.Txf7 Dd2!

(به وضعیتی برابر انجامید

* * * *

4.c4 Cb6 5.PxP!



بنا به قول "مایزلیس" این حرکت گسترشی موزون به همراه فشار بر نقاط مرکزی را سبب می‌شود، ادامه دیگر در اینجا 5.f4 می‌باشد که ذیلاً "قبل از پرداختن به دو ادامه سیاه (5...e7xd6 و 5...c7xd6) به آن می‌پردازیم:

5.f4 d6xe5

در اینجا ادامه 5...Ff5 نیز میسر است

5...Ff5 6.Cc3 dxe 7.fxe Cc6 8.Fe3

که با تقدم و تاخر حرکات به همان راه 5...d6xe5 می‌انجامد، کویپیلوف در مقابل اسپاسکی (شوروی ۱۹۵۸) پس از 6.Cc6 5...Ff5 به جای 6...dxe حرکت 6...e6 را انجام داد و بازی چنین دنبال شد.

(7.Fe3 dxe 8.fxe Cc6 9.Cf3 Cb4 10.Tc1 c5 11.Fe2 Fe7

12.O-O Cxd 13.Cxd4 Fg6 14.Cd-b5 Cd3 15.Fxc Fxc

16.Tf4 Fxc4 17.DxD+ TxD 18.Fxb6 Fxb5 19.Fxd8 Fc5

20.Tf2 Fc6 21.Fc7

(و سیاه تسلیم شد)

ماکاروف در مقابل ریویاکین (۱۹۷۸) که حرکت $5...Ff5$ را انجام داده بود چنین ادامه‌ای را برگزید:

(6.Cf3 e6 7.Fe2 dxe 8.Fxe c5 9.0-0 Cc6 10.d5 exd
11.Cg5 Cd4 12.cxd Dxd5 13.Cc3 Dd7 14.Fb5 CxF 15.CxC DxD
16.TxD Tc8 17.Cxa7 Tc7 18.Ff4 Td7 19.Cb5 h6 20.TxT FxT
21.Cc7+ Re7 22.Fe3 Ca4 23.Cd5+ Re8 24.Cc7+ Re7
25.Cd5+ Re8 26.Cc7+ Re7

و با تکرار حرکت بازی مساوی شد.

ادامه $6.Fd3$ در پاسخ به $5...Ff5$ به دلیل:

$6...FxF$ 7.DxF dxe 8.fxe c5!

برای سفید خوب نیست چرا که سیاه قادر است در جواب $9.d5$ با $9...e6$ تهدیدات $Dh4+$, exd را بوجود آورد.

$6.f4xe5$ Cc6 7.Fe3 Ff5 8.Cc3 e6 9.Cf3 Fe7

(حرکت $9...Dd7$ به دلیل)

(10.Fe2 0-0-0 11.0-0 f6 12.d5! Cxe5 13.CxC Fxe 14.Db3!

و تهدید $15.c5$ Cxd5 16.c6 11...Fe7 در صورت

به جای $11...f6$ نیز سفید پس از

$12.d5$ exd 13.fxb6 axb 14.cxd Cb4 15.Cd4

حمله شدیدی بدست می‌آورد و در صورت $15...Fc5$ جواب سفید $16.Txf5$ خواهد بود.

10.Fe2 0-0 11.0-0 f6 12.exf Fxf6 13.Dd2 De7 14.Ta-d1

سفید وضعیت فعالتری در اختیار دارد ولی سیاه هم از پوزیسیونی قابل دفاع برخوردار است.

اینک بار دیگر به حرکت متن بازگشته ($5.PxP$) و به دو پاسخ ممکن سیاه می‌پردازیم:

در صورت $5...e7xd6$

$5...e7xd6$ 6.Fe2

تولوش - میکناس چنین ادامه دادند:

(6.Fe3 g6 7.Cf3 Fg7 8.Cb-d2 Cc6 9.Fe2 0-0 10.Db3 Te8

و سیاه چندان مشکلی در ارتباط با نحوه گسترش پیدا نکرد.

6...Fe7 7.Cc3 0-0 8.Cf3 Fg4 9.0-0 Cc6 10.b3 Ff6
11.Fe3 d5

ماتونویج - هوگ (برلین ۱۹۷۱) پس از

11...Te8 12.h3 Fh5 13.Dd2 h6 14.Tc1 Ce7 15.g4 Fg6
16.h4 c5! 17.PxP PxP 18.DxD TaxD 19.Fxc5 FxC
20.TxF Ce-d5!!

به وضعیتی مساوی رسیدند.

12.c5 Cc8 13.h3

حال چهار ادامه زیر پیش روی سیاه است:

اگر 13...Fh5 14.Dd2 Fg6 15.Ch2

سفید امکانات مناسبی برای حمله در اختیار خواهد داشت

کیوریکا - هورت (سامبور ۱۹۶۸) چنین دنبال کردند:

اگر 13...Ff5 14.Dd2 h6 15.Ta-d1 Cc8-e7 16.g4!

با برتری سفید

بانس - کنیزویج (۱۹۷۳)

اگر 13...Fe6 14.g4 h6 15.Tb1! (15.Dd2 b6!)

15...g5 16.Dd2 Fg7 17.Ch2

با وضعیتی برتر و فعال و آماده انجام b4 و یا f4

و اگر چنانچه

13...FxC 14.FxF Cc8-e7 15.Dd3 (15.g4!?) g5 16.Tc1!

(نیز بد نیست)

15...g6 16.Ta-d1

با برتری دو فیل و وضعیتی فعالتر.

در صورت 5...c7xd6

فیشر - برلینر (آمریکا ۱۹۶۰)

6.Cc3 g6 7.Fe3 Fg7 8.Fd3 0-0 9.Cg-e2 Cc6 10.0-0 e5?!

حرکت 10...e6 مطمئن تر است.

11.d5 Ce7 (11...Cb4 12.b3 CxF 13.DxC Cd7 14.Dd2 f5 15.f4!

با وضعیتی برتر به ویژه برای آخر بازی

12.b3 Cd7 12...f5 13.c5! f4 14.PxP) 13.Ce4 Cf5 14.Fg5 f6
 15.Fd2 Cc5 16.CxC PxC 17.FxC FxF 18.f4 PxP 19.CxP Dd6

برتری سفید به خاطر پیاده آزاد d5 و مسدود بودن قطر فیل g7 کاملاً "محسوس و آشکار
 است .

20.Ch5!

با تهدید TxF و سپس DxP و همینطور Te1, Ff4

20...Ta-e8 21.CxF RxC 22.Ff4 Dd7 23.Dd2 Tf7 24.Fh6+ Rg8

25.Ta-e1 Tf-e7

26.TxT DxT 27.h3 De4 28.Df2 De7 29.g4 Fd3 30.Td1 Fe4

31.d6 De5 32.Ff4 Dc3 33.d7 Td8 34.De2 Df3 35.DxD FxD

36.Fc7

و سیاه تسلیم شد .

* * * *

دفاع نیمزویج (بیاده شاه)

Nimzowitsch Defence (King's Pawn)

(1.e4 Cc6)

1...Cc6

پل کرس در ارتباط با این دفاع بسیار قدیمی که امروزه چندان کاربردی ندارد می گوید :
این شروع بازی آنقدر که معروف است بد نیست ، سیاه به راحتی می تواند سوارهای خود
را گسترش دهد " و حال ما طی یک بازی که توسط خود وی انجام شده به کم و کیف این
دفاع می پردازیم :

بوئی - کرس (وارنا ۱۹۶۲)

2.d4 e5

ادامه 2...d5 3.Cc3 e6 که ایده مجبور کردن سفید به راندن پیاده به e5 و سپس
مقابله با f6 را دنبال می کند ، وضعیت محدود و بسته ای را برای سیاه بوجود می آورد .
به عنوان مثال فیشر - پطروسیان (بوئنوس آیرس ۲۶ اکتبر ۱۹۷۱) چنین ادامه دادند :
(4.Cf3 Cf6 5.exd5 exd5 6.Fb5 Fg4 7.h3 Fxf3

در صورت 7...Fb5 8.g4 Fg6 9.Ce5 سفید وضعیت بهتری پیدا می کند .

8.Dxf3 Fe7 9.Fg5 a6 10.Fxc6+ bxc6 11.0-0 0-0 12.Tf-e1 h6
13.Fh4 Dd7 14.Te2 a5 15.Ta-e1 Fd8 16.b3 Tb8 17.Ca4 Ce4
18.Fxd8 Tbx d8 19.Df4! Db6 20.Dxd6 Cxd6 21.c4 !

و فیشر با این حرکت آرایش پیاده های سیاه را بر هم می ریزد و پس از

21...Cf6 22.Tc1 Tb8 (22...Tc8 23.Te-c2) 23.Cxd5 Cxd5
24.f3 Ch5

دفاع از آنها را برای سیاه تقریباً " غیرممکن می سازد .

3.PxP CxP 4.f4 Cg6

حرکت 4...Cc6 احتمالاً " قویتر است زیرا حال سیاه باید همیشه چشم به راه f5 سفید باشد .

5.Cf3 Fc5 6.Fc4 d6

حرکت 6...Cf6 نیز خوب بود زیرا در جواب 7.e5 می توانست 7...d5 را انجام دهد .

7.De2 Cf6

این حرکت به انگیزه ادامه

8.e5 0-0 9.PxC Te8 10.FxP+ RxF 11.Cg5+ RxP

انجام شده ولی با توجه به حرکت هشتم سفید معلوم می شود که 7...De7 برای سیاه بهتر بوده است .

8.f5! Ce7

حرکت 8...Ce5 با توجه به ادامه زیر برای سیاه خوب نیست

(8...Ce5 9.CxC PxC 10.FxP+ RxF 11.Dc4+)

ولی حالا تا اندازه ای پوزیسیون سیاه درهم ریخته است .

9.Cc3 0-0?

حرکت صحیح 9...c6 می باشد .

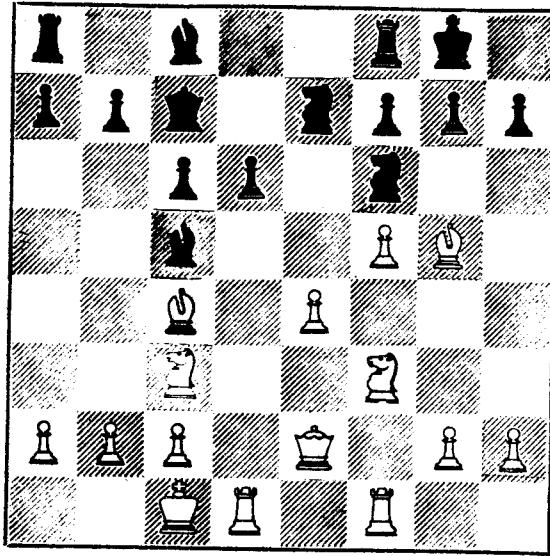
10.Fg5! c6

در صورت 10...Cxf5 بالطبع سفید با! 0-0-0 پاسخ داده و رخنهای خود را در ستونهای مرکزی مستقر می سازد و با انتقال سوارهای خود به جناح شاه، قلعه بی دفاع سیاه را مورد تهاجمی سخت قرار می دهد و البته اگر چنانچه سفید در پاسخ 10...Cxf5 چنین ادامه دهد :

11.FxC PxF 12.PxC Te8 13.Ce4 FxP

سیاه متقابلاً " بازی خوبی پیدا می کند .

11.0-0-0 Dc7 12.Th-f1?



سفید امکانات حمله‌ای خوبی بدست آورده که می‌توانست مثلاً"

12.FxC PxF 13.g4

با تهدید پیشروی این پیاده در شرایط مناسب از آن استفاده کند. حرکت متوسط و کند سفید به سیاه اجازه می‌دهد تا حملات متقابل‌های را بوجود آورد.

12...b5 13.Fb3 a5 14.FxC PxF 15.Cd4?

سفید تهدیدهای را که به نفع یا به ضرر او در صحنه وجود دارد نادیده گرفته است. او بهتر بود با حرکت 15.a4 جلوی پیشروی پیاده سیاه را می‌گرفت. حالا سفید مجبور به از دست دادن مهره‌های زیادی است و وضع صحنه پیچیده می‌شود.

15...a4 16.Tf3 PxF

به نظر می‌رسد که حمله سفید در این لحظه از بین رفته است زیرا در صورت کیش رخ سفید سیاه با مستقر نمودن اسب در g6 دفاع می‌کند و در صورت ادامه:

(17.Th3 FxC 18.TxF Pxa2 19.Cxa2 TxC 20.Dh5 Td8)

حمله سفید با شرایط فوق به نتیجه قطعی نمی‌رسد در این لحظه سفید قربانی شجاعانه‌ای می‌دهد:

17.Cxc6!?

foo

به امید :

(17...CxC 18.Cd5 Dd8 19.Th3!)

17...DxC! 18.Th3 CxP 19.PxC FxP 20.Cd5 Tf-e8

(20...DxC! 21.TxD Pxa2 22.TxF a1=D+ 23.Dd2 Fb4+

24.Rd3 Ta3+ 25.PxT Dc3+)

21.Df3 Pxa2! 22.CxP+

(22.DxF a1=D+ 23.Rd2 DxC+! 24.DxC Fb4+)

22...Rf8 23.DxD a1=D+ 24.Rd2 Fb4+ 25.Tc3 DxP

و سفید تسلیم شد .

* * * *

مروری بر گشایشها

□ پرز - ■ اسپاسکی (۱۹۶۴)

روی لوپز

1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 a6 4.Fa4 Cf6 5.d4 exd 6.0-0 Fe7
7.Te1 b5 8.e5 Cxe5 9.Txe5 d6 10.Tg5 bxa 11.Cxd4 0-0
12.Cc3 Fd7 13.Cf5 Fxf5 14.Txf5 a3 15.b3 Dd7 16.Df3 Ta-e8
17.Fxa3 d5 18.Cxd5 Fxa3 18.Txf6 Fb2

سفید تسلیم شد .

□ واتسون - ■ لایل (۱۹۸۴)

روی لوپز

1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 f5 4.d4 fxe4 5.Cxe5 6.Cc3 Fe7
7.Fc4 d5 8.Cxd5 9.Dh5+ g6 10.Cxg6 Cf6 11.Ff7+! Dxf7
12.Ce5+ Re6 13.Dh3+ Rd5 14.Db3+ Rd6 15.Cf7+ Rd7
16.Cxd8 Rxd8 17.Fg5 Fd7 18.0-0-0 Rc8 19.d5 Cd8 20.d6

سیاه تسلیم شد

□ آرخین - ■ بلکبرن (۱۹۱۴)

روی لویز

1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 13.Fb5 Cd4 4.CxC PxC 5.0-0 g6 6.d3 Fg7
 7.f4 c6 8.Fc4 d5 9.PxP PxP 10.Fb5+ Rf8 11.Cd2 Da5
 12.a4 a6 13.Cb3 Dd1

و سفید بدلیل از دست دادن سوار تسلیم می شود.

□ کنور - ■ چیگورین (پترزبورگ ۱۸۷۴)

ایتالیائی

* این بازی بدون نام بازیکنان در قسمت گشایش ایتالیائی آمده است :

1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Fc5 4.0-0 d6 5.d3 Cf6 6.Fg5 h6
 7.Fh4? g5 8.Fg3 h5! 9.Cxg5? h4! 10.Cxf7 h4xF! 1
 11.CxD Fg4! 12.Dd2 Cd4! 13.Cc3 Cf3+! 14.g2xf3 Fxf3

و سفید تسلیم شد.

□ شیفرز - ■ گارمونیسٹ فرانکفورت (۱۸۸۷)

ایتالیایی

1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 4.c3 Cf6 5.d4 e5xd4
 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Fc5 4.c3 Cf6 5.d4 e5xd4
 6.c3xd4 Fxb4+ 7.Fd2 Fxd2+ 8.Cxd2 d5 9.e4xd5 Cxd5
 10.Db3 Cc-e7 11.0-0 0-0 12.Te1 c6 13.a4 Dc7
 14.Ta-c1! Cf4 15.Cg5 Ce-g6 16.Te8 Txe8 17.Fxf4+ Rh8
 18.Fxe8 Ce2+ 19.Rh1 Cxc1 20.Cf7+ Rg8 21.Ch6+ Rf8
 22.Dg8+ Re7 23.Fxa6 h7xg6 24.Dxg7 Rd8 25.Df8+ Rd7
 26.Ce4! Dd8 27.Dd6+ Re8 28.Cf6+

سیاه تسلیم شد

□ کیوکالتی - ■ نژمیتدینوف (بخارست ۱۹۵۴)

دفاع دواسب

1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Cf6 4.Cg5 d5 5.e4xd5 Ca5

6.Fb5+ c6 7.d5xc6 b7xc6 8.Fe2 h6 9.Cf3 e4 10.Ce5 Dc7
 11.Cg4 Fxg4 12.Fxg4 Fc5! 13.Fe2 Ta-d8 14.c3 Cb7
 15.0-0 h5! 16.d4 e4xd3 17.Fxd3 Cg4 18.De2+ Rf8!
 19.g3 Dd7! 20.Fe4 h4 21.Ff4 Cxh2! 22.Tf-e1
 (22.Rxh2 hxg+ 23.Rg1 Dh3) 22...Cg4 23.Ff3 Cxf2
 24.Fe3 h4xg3 25.Fxc5+ Cxc5 26.Fxc6 Ch3+ 27.Rf1 Df5+

سفید تسلیم شد چرا که در هر دو صورت زیر بازی را خواهد باخت.

I) 28.Df3 Dxf3+ 29.Fxf3 Cf4 30.Th2 و سپس
 II) 28.Ff3 g2+! 29.Dxg2 Td3

□ چیگورین - ■ تیچمان (۱۸۹۹)

دفاع دواسب

1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Cf6 4.d4 e5xd4 5.0-0 Fc5 6.e5 d5
 7.e5xf6 d5xc4 8.Te1+ Fe6 9.Cg5 Dd5 10.Cc3! Df5
 11.Ce4 Fb6 12.f6xg7 Tg8 13.g4 Dg6 14.Cxe6 f7xe6
 15.Fg5! Txg7 16.Df3! e5 17.Cf6+ Rf7 18.h4 h6 19.Ce4+ Re6
 20.h5 Df7 21.Ff6 Tg8 22.Df5+ Rd5 23.b3 Txg4+
 24.Dxg4 Ta-g8 25.b3xc4+ Rxc4 26.Fg5 h6xg5 27.Dg3! Ca5
 28.Dxe5

سیاه تسلیم شد

□ کولیش - ■ پالسن (پاریس ۱۸۶۱)

گامبی اوانس

1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fc4 Fc5 4.0-0 Cf6 5.b4 FxP
 6.c3 Fe7 7.d4 PxP 8.PxP Cxe4 9.d5 Ca5 10.Fd3 Cc5
 11.Fa3 CxF 12.DxC 0-0 13.d6! PxP 14.Cc3 b6
 15.Cd5 Cb7 16.Fb2 Cc5 17.De3 Ce6 18.Cd4 Ff6 19.Cc6!! PxP
 20.CxF+ PxP 21.Dh6 d5 22.FxP Dd6 23.f4 Te8 24.Tf3

سیاه تسلیم شد

□ کاپابلانکا - ■ استینر (انگلستان ۱۹۳۳)

گشایش چهار اسب

- 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Cc3 Cf6 4.Fb5 Fb4 5.0-0 0-0 6.d3 d6
7.Fg5 Fxc3 8.b2xc3 Ce7 9.Ch4 c6 10.Fc4 Fe6?
11.Fxf6! g7xf6 12.Fxe6 f7xe6 13.Dg4+ Rf7 14.f4! Tg8
15.Dh5+ Rg7 16.f4xe5 d6xe5 17.Txf6! Rxf6 18.Tf1+ Cf5
19.Cxf5 e6xf5 20.Txf5+ Re7 21.Df7+ Rd6 22.Tf6+ Rc5
23.Dxb7! Db6 24.Txc6+! Dxc6 25.Db4+

ومات

■ یولودین - ■ کوریلوف (۱۹۷۸)

گشایش چهار اسب

- 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Cc3 Cf6 4.d4 exd 5.Cd5 Cb4
6.Cxf6 Dxf6 7.Fc4 Fc5 8.0-0 0-0 9.e5 Dg6 10.a3 Cc6
11.b4 Fb6 12.b5 Ca5 13.Fd3 Db5 14.g4 Dxc4 15.Rh1 g6
16.Tg1 De6 17.Cg5 Dxe5 18.f4 Dg7 19.f5 d6 20.
20.Cxh7 Fxf5 21.Fxf5 Dxh7 22.Dd3 Rg7 23.Fg5 c5
24.Tg3 Th8 25.Th3 Dg8 26.Tg1 Txh3 27.Dxh3 Dh8
28.Dg3 Dh5 29.Fe4 Fd8 30.Df4 Fxg5 31.Txg5 Dh6 32.c4 Th8

سفید تسلیم شد.

□ رینر - ■ اشتاینیتز (وین ۱۸۶۰)

گشایش اسکا تلندی

- 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.d4 4.Fc4 Fc5 5.0-0 d6 6.c3 Fg4
7.Db3 Ff3! 8.Fxf7+ Rf8 9.Fxg8 Txg8 10.g2xf3 g5!
11.De6 Ce5 2.Df5+ Rg7! 13.Rh1 Rh8 14.Tg1 g4!
15.f4 Cf3 16.Txg4 Dh4!! 17.Tg2 Dxh2+ 18.Txh2 Txg1+

وکار سفید تمام است.

□ آلخین - ■ لاسکر (مسکو ۱۹۱۴)

گشایش اسکاتلندی

- 1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.d4 e5xd4 4.Cxd4 Cf6 5.Cc3Fb4
 6.Cxc6 b7xc6 7.Fd3 d5 8.e4xd5 c6xd5 9.0-0 0-0 10.Fg5 Fe6
 11.Df3 Fe7 12.Ta-e1 h6 13.Fxh6! g7xh6 14.Txe6! f7xe6
 15.Dg3+ Rh8 16.Dg6 De8 17.Dxh6+ Rg8 18.Dg5+ Rh8 19.Dh6+

مساوی (کیش دائم)

□ دولماتوف - ■ لیرنیر (۱۹۷۸)

دفاع فیلیدر

- 1.e4 e5 2.Cf3 d6 3.d4 exd 4.Cxd4 Cf6 5.Cc3 Fe7
 6.Fe2 0-0 7.0-0 Te8 8.f4 Ff8 9.Ff3 10.Te1 c6
 11.Fe3 d5 12.e5 c5 13.exf Txe3 14.Txe4 cxd
 15.Fxd5 Ff5 16.Te5 Fg6 17.fxg Rxc7 18.Ce4 f6
 19.Dxd4 Fxe4 20.Dxe4 Cc5 21.Df3 fxe 22.Dg4 Rh6
 23.Te1 Cd7 24.Rh1 Fc5 25.Td1 Cf8 26.Fxb7

سیاه تسلیم شد.

□ برونشتین - ■ میکناس (روستف ۱۹۴۱)

گامبی لیتوانی

- 1.e4 e5 2.Cf3 f5 3.Cxe5 Df6 4.d4 d6 5.Cc4 f5xe4 6.Fe2 Cc6
 7.d5 Ce5 8.0-0 Cxc4 9.Fxc4 Dg6 10.Fb5+ Rd8 11.Ff4 h5
 12.f3 Ff5 13.Cc3 e4xf3 14.Dxf3 Fxc2 15.Fg5+! Cf6
 16.Ta-e1! c6 17.Fxf6+ Dxf6 18.De2 Dd4+ 19.Rh1 Fg6
 20.Txf8+! Rc7 21.Fxc6 b7xc6 22.Cb5+ c6xb5 23.Dxb5 Te8
 24.Te7+! Txe7 25.Dc6+

ومات

□ اسمولووسکی - ■ بارانوف (مسکو ۱۹۵۳)

دفاع پطروف

- 1.e4 e5 2.Cf3 Cf6 3.d4 e5xd4 4.e5 Ce4 5.Dxd4 d5
 6.e5xd6 Cxd6 7.Fd3 De7+ 8.Fe3Cf5? 9.Fxf5 Fxf5
 10.Cc3 Db4 11.De5+ Fe6 12.0-0-0 Cc6 13.Dxc7 Ta-c8
 14.Df4 Da5 15.Dg5 Da6 16.Th-e1 Cb4 17.Cd4 Txc3
 18.Dd8+ !! Rxd8 19.Cxd6+ Re7 20.Fg5+ f6 21.Cd8+

و سیاه تسلیم شد.

□ یولیان - ■ خارتونوف (۱۹۷۸)

دفاع پطروف

- 1.e4 e5 2.Cf3 Cf6 3.Cxe5 d6 4.Cc4 Cxe4 5.De2 De7
 6.b3 Cc6 7.Fb2 d5 8.Ce3 Fe6 9.g3 0-0-0 10.Fg2 Dd7
 11.Cc3 f5 12.0-0 Tg8 13.Ccxd5 Fxd5 14.Cxd5 Dxd5
 15.d3 Db5 16.c4 Da5 17.dxe Td2 18.Dh5 Txb2 19.Dxh7 Ce7
 20.exf Dd2 21.Fd5

سیاه تسلیم شد.

□ شالتن - ■ مورفی (نیویورک ۱۸۵۷)

گامبی شاه

- 1.e4 e5 2.f4 d5 3.e4xd5 e4 4.Cc3 Cf6 5.d3 Fb4 6.Fd2 e3 !
 7.Fxe3 0-0 8.Fd2 Fxc3 9.b2xc3 Te8+ 10.Fe2 Fg4 11.c4 c6
 12.d5xc6 Cxc6 13.Rf1 Txe2 14.Cxe2 Cd4 15.Db1 Fxe2+
 16.Rf2 Cxg4+ 17.Rg1 Cf3+ 18.g2xf3 Dd4+ 19.Rg2 Df2+
 20.Rh3 Dxf3+ 21.Rh4 Ch6 22.h3 Cf5+ 23.Rg5 Dh5+

ومات

□ چیکورین - ■ داویدوف (پطرزبورگ ۱۸۷۴)

گامبی شاه

1.e4 e5 2.f4 e5xf4 3.Cf3 g5 4.Fc4 g4 5.0-0 g4xf3
6.Dxf3 Df6 7.e5! Dxe5 8.d3 Fh6 ! 9.Cc3 Cg-e7 10.Fd2 Cc6
11.Ta-e1 Df5! 12.Cd5 Rd8 13.Fc3 Th-e8 14.Ff6 Fg5
15.g4 Dg6 16.Fxg5 Dxg5 17.h4 Dxh4 18.Dxf4 d6 19.Cf6 Ce5
20.Txe5 ! d6xe5 21.Dxe5 Fxg4? 22.Dd4+ Rc8 23.Fe6+! Rb8
24.Cd7+ Rc8 25.Cc5+ Rb8 26.Ca6+ ! b7xa6 27.Db4+

ومات .

□ اسپاسکی - ■ سیراوان (۱۹۸۵)

گامبی شاه

1.e4 e5 2.f4 exf4 3.Cf3 Ce7 4.d4 d5 5.Cc3 dxe4
6.Cxe4 Cg6 7.h4 De7 8.Rf2 Fg4 9.h5 Ch4 10.Fxf4 Cc6
11.Fb5 0-0-0 12.Fxc6 bxc6 13.Dd3 Cxf3 14.gxf3 Ff5
15.Da6+ Rb8 16.Cc5 Fc8 17.Dxc6 Txd4 18.Ta-e1 Txf4
19.Db5+ Da8 20.Dc6+ Rb8 21.Txe7 Fxe7 22.Td1 Tf6
23.Cd7+ Fxd7 24.Dxd7 Td8 25.Db5+ Rc8 26.Txd8+ Fxd8
27.Da4 g5 28.Dxa7 Tf4 29.Da6+ Rb8 30.Dd3 Fe7 31.Dxh7 g4
32.Rg3

سیاه تسلیم شد .

□ سونیسون - ■ بیلیاوسکی (۱۹۷۸)

گشایش وینی

1.e4 e5 2.Cc3 Cf6 3.f4 d5 4.fxe Cxe4 5.Cf3 Fg4 6.De2 Cxc3
7.dxc c6 8.Ff4 Cd7 9.0-0-0 Fe7 10.Dd2 Cc5 11.Fd3 0-0
12.Rb1 f6 13.Td-e1 Fxf3 14.gxf fxe 15.Fxe5 Ff6
16.f4 Fxe5 17.fxe Dh4 18.De3 b6 19.Tg-e1 Ta-e8
20.h3 Df4 21.Te1 g6 22.h4 Dxe3 23.Txe3 Tf4 24.h5 g5

25.Td1 h6 26.Fg6 Te7 27.Tg-e1 Ce6 28.Th1 Tf2 29.c4 Cf4
 30.cxd cxd 31.Tc3 Cxg6 32.hxg Txe5 33.a3 Rg7 34. Tc7 Rxg6
 35.Txa7 g4 36.Tb7 Tf6 37.Tb8 h5 38.b4 Rg7 39.Tb7 Rh6
 40.Tb8 g3 41.Rb2 g2 42.Tg1 Tg5

سفید تسلیم شد .

□ کاراسیو - ■ رتوف (۱۹۷۸)

دفاع اسکاندیناوی

1.e4 d5 2.exd Cf6 3.Fb5 Fd7 4.Fc4 Fg4 5.f3 Ff5 6.g4 Fc8
 7.Cc3 Cb-d7 8.g5 Cb6 9.Fb5 Cf-d7 10.d4 Cxd5 11.Cxd5 c6
 12.Ff4 cxd 13.De2 a6 14.Fd3 e6 15.h4 Fe7 16.0-0-0 g6
 17.Rb1 Tg8 18.Ch3 b5 19.Cf2 Db6 20.De3 b4 21.Cg4 a5
 22.h5 a4 23.hxg hxg 24.Th7 Cf8 25.Txf7 b3 26.Txe7 Rxe7
 27.Cf6 Rf7 28.Cxg8 Rxg8 29.Th1 Fa6 30.De5 Dd8 31.Th8 Rf7
 32.Fxg6 Cxg6 33.Th7 Re8 34.Dxe6 De7 35.Dxg6 Rd7 36.Dd6

سیاه تسلیم شد .

□ پاکلیلا - ■ تی پونی (آرژانتین ۱۹۸۴)

دفاع سیسیلی

1.e4 c5 2.c3 Cf6 3.e5 Cd5 4.d4 cxd4 5.cxd4 Cc6 6.Cc3 Cxc3
 7.bxc3 d6 8.f4 dxe5?! 9.fxe5 Ff5 10.Cf3 e6 11.Fd3 Fxd3
 12.Dxd3 Fe7 13.Tb1 b6 14.0-0 Ca5 15.Cd2 Dd5 16.Ce4 Tc8
 17.Fg5! Fxg5 18.Cd6+ Dd7 19.Txf7+ Fe7 20.Tb5! Dxa2
 21.d5! Th-e8 22.dxe6+ Dxe6 23.Txa5 bxa5 24.Cb5+

سیاه تسلیم شد .

□ تیم مان - ■ لیویویوچ (۱۹۸۴)

دفاع سیسیلی

1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 cxd4 4.Cxd4 Cf6 5.Cc3 a6 6.Fg5 e6

7.f4 Db6 8.Dd2 Dxb2 9.Tb1 Da3 10.Fe2 Fe7 11.0-0 Cb-d7
 12.e5 dxe5 13.fxe5 Cxe5 14.Fxf6 Fxf6 15.Txf6 gxf6
 16.Ce4 Cd7? 17.Tb3 Dxa2 18.Dd6+ Rf8 19.Dc3 Dg7
 20.C6-f5+ exf5 21.Cxf5+ Rg6 22.Dh3

سیاه تسلیم شد.

□ گبیسلیس - ■ ورتی نزون (دورتموند ۱۹۷۸)

دفاع سیسیلی

1.e4 c5 2.Cf3 Cc6 3.Cc3 Cf6 4.Fb5 a6 5.Fxc6 dxc
 6.h3 g6 7.0-0 Fg7 8.d3 0-0 9.Fe3 Cd7 10.Dd2 e5
 11.Fh6 De7 12.Ch2 Td8 13.Fxg7 Rxc7 14.f4 exf
 15.Dxf4 Ce5 16.Cf3 Cxf3 17.Txf3 b5 18.Ta-f1 Fe6
 19.De5 Rg8 20.Txf7

سیاه تسلیم شد.

□ کوپریچیک - ■ ماگیراموف (۱۹۷۸)

دفاع سیسیلی

1.e4 c5 2.Cf3 e6 3.d4 cxd 4.Cxd4 Cf6 5.Cc3 d6 6.Fe3 a6
 7.f4 b5 8.Df3 Fb7 9.Fd3 Cb-d7 10.g4 b4 11.Cc-e2 e5
 12.Cb3 d5 13.Cg3 Fe7 14.0-0-0 0-0 15.g5 dxe 16.Cxe4 Cxe4
 17.Fxe4 Fxe4 18.Dxe4 exf 19.Dxf4 Dc8 20.Cd4 Cc5
 21.Cf5 Ta7 22.De5

سیاه تسلیم شد.

□ کاسپاروف - ■ کورسونسکی (۱۹۷۸)

دفاع سیسیلی

1.e4 c5 2.Cf3 e6 3.d4 cxd 4.Cxd4 Cc6 5.Cc3 d6 6.Fe2 Fe7
 7.0-0 Cf6 8.Fe3 a6 9.f4 Fd7 10.De1 b5 11.a3 0-0
 12.Dg3 Dc7 13.Rh1 Ta-b8 14.e5 dxe 15.fxe Cxe5

16.Txf6 Fxf6 17.Ff4 Db6 18.Fxe5 Fxe5 19.Dxe5 b4 20.axb f6
 21.Dc5 Dxb4 22.Dxb4 Txb4 23.Cb3 Fb5 24.Rg1 Fxe2
 25.Cxe2 Tc8 26.Cc3 Tc6 27.Rf2 Rf7 28.Ta2 g5 29.Cc1 Tf4
 30.Re2 Tg4 31.g3 h5 32.Cd3 Tg-c4 33.Re3 h4 34.Ce4 hxg
 35.hxg Tb6 36.c3 Tc8 37.Cd-c5 f5 38.Cxg5 Rg6 39.Cd7 Txb2
 40.Txb2 Txc3 41.Rd4 Tgx3 42.Cxe6 f4 43.Cxf4 Rf5 44.Cd3 a5
 45.Tb5 Re6 46.Cd-c5 Rf7 47.Tb7 Rg8 48.Ce6 a4 49.Ta7 a3
 50.Cd-f4 a2 5.Txa2 Tg1 52.Re5

سیاه تسلیم شد.

□ کاسپاروف - ■ پانچنکو (۱۹۷۸)

دفاع سیسیلی

1.e4 c5 2.Cf3 Cc6 3.d4 cxd 4.Cxd4 Cf6 5.Cc3 d6 6.Fg5 e6
 7.Dd2 a6 8.0-0-0 Fd7 9.f4 b5 10.Cxc6 Fxc6 11.Fd3 Fe7
 12.e5 dxe 13.fxe Cd7 14.Fxe7 Dxe7 15.Fe4 Fxe4
 16.Cxe4 Cxe5 17.Dd4 f6 18.Cd6 Rf8 19.Th-f1 Rg8 20.g4 h6
 21.h4 Cf7 22.De4 Tf8 23.Cf5 De8 24.Cd4 e5 25.Cf5 h5
 26.Tg1 Th7 27.Db7 Rh8 28.gxh De6 29.Cxg7 Dxa2 30.De7 Tg8
 31.Dxf6 Da1 32.Rd2 Da5 33.Re2 Tgxg7 34.Txg7 Txg7 35.Tg1

سیاه تسلیم شد.

□ کوپریچیک - ■ زایچک (۱۹۷۸)

دفاع سیسیلی

1.e4 c5 2.Cf3 d6 3.d4 cxd 4.Cxd4 Cf6 5.Cc3 a6 6.Fe2 g6
 7.Fg5 Fg7 8.Dd2 0-0 9.h4 h5 10.0-0-0 Cb-d7 11.g4 hxg
 12.h5 gxh 13.Cf5 Ce5 14.Cxg7 Rxg7 15.Fxf6 Rxf6
 16.Txh5 Tg8 17.Df4

سیاه تسلیم شد.

□ آدوریان - ■ مایلز (آمستردام ۱۹۷۸)

دفاع سیسیلی

1.e4 c5 2.Cf3 e6 3.d4 cxd 4.Cxd4 a6 5.Fd3 Cc6
 6.Cxc6 dxc 7.Cd2 e5 8.Cc4 Cf6 9.0-0 Fg4 10.De1 Cd7
 11.f4 Fc5 12.Rh1 exf 13.Fxf4 0-0 14.e5 Fh5 15.e6 Cf6
 16.Fg5 Fe7 17.Dh4 b5 18.Ce5 Dd5 19.Fxf6 Fxf6
 20.Dxh5 g6 21.Cd7

سیاه تسلیم شد.

□ کرس - ■ وینتر (۱۹۳۵)

دفاع سیسیلی

1.e4 c5 2.Cf3 Cf6 3.e5 Cd5 4.Cc3 e6 5.Cxd5 e6xd5 6.d4 d6
 7.Fg5 Da5+ 8.c3 c5xd4 9.Fd3! d4xc3 10.0-0! c3xb2
 11.Ta-b1 d6xe5 12.Cxe5 Fd6 13.Cxf7! Rxf7 14.Dh5+ g6
 15.Fxg6+ h7xg6 16.Dxh8 Ff5 17.Tf-e1 Fe4 18.Txe4! d5xe4
 19.Df6+ Rg8 20.Dxg6+ Rf8 21.Dxd6+ Rf7 22.De7+ Rg8
 23.Ff6

سیاه تسلیم شد ، ادامه Rg6... 22. نیز سیاه را نجات نمی داد چرا که ادامه:
 (ومات 26.Df6+ Rf5 25.h3+ Rf5 24.Dh6+ Rh5 23.Df6+)

را در پی داشت.

□ هیندل - ■ سوان (۱۹۸۴)

دفاع کاروکان

1.e4 c6 2.d4 d5 3.Cd2 dxe4 4.Cxe4 Cd7 5.Fc4 Cg-f6
 6.Cg5 e6 7.De2 Cb6 8.Fb3 h6 9.C5-f3 Fe7 10.c3 0-0
 11.Ce5 c5 12.Cg-f3 Cxd4 13.Cxd4 Cb-d7? 14.Cxe6 fxe6
 15.Fxe6+ Rh8 16.Cg6+ Dh7 17.Dc2 Ce4 18.Dxe4 Cf6
 19.Cxf8+ Rh8 20.Dh7+!

سیاه تسلیم شد.

□ برونشتین - ■ لوتیکوف (۱۹۷۸)

دفاع کاروکان

1.e4 c6 2.d4 d5 3.Cc3 dxe 4.Cxe4 Ff5 5.Cc5 b6 6.Cb3 Cf6
7.Cf3 Cb-d7 8.g3 a5 9.Fg2 e6 10.0-0 a4 11.Cb-d2 Fe7
12.Ce5 c5 13.Cc6 Dc8 14.Cc4 Ta6 15.dxc bxc 16.Cd6 Fxd6
17.Dxd6 Txc6 18.Fxc6 Fe4 19.Fxa4 Da8 20.b3 Dd5
21.Fxd7 Cxd7 22.Dxd5 exd 23.Ff4 0-0 24.Ta-d1 d4
25.Td2 Cf6 26.b4

سیاه تسلیم شد.

□ پارسین - ■ بوگوف (۱۹۷۸)

دفاع کاروکان

1.e4 e6 2.d4 d5 3.Cc3 dxe 4.Cxe4 Cd7 5.Cf3 Cg-f6
6.Cxf6+ Cxf6 7.Ce5 Cd7 8.Ff4 Cxe5 9.Fxe5 Db6 10.Fd3 f6
11.Fg3 Fe6 12.De2 Ff7 13.0-0 e6 14.c3 0-0-0 15.Fc4 Te8
16.b4 h5 17.h4 Tg8 18.Df3 Fe7 19.a4 g5 20.a5 Dd8
21.a6 gxh 22.axb+ Rxb7 23.Txa7+!
(23...RxT 24.Dxc6)

سیاه تسلیم شد

□ پانچنکو - ■ بوچانان (۱۹۷۸)

دفاع فرانسه

1.e4 e6 2.d4 d5 3.Cd2 dxe 4.Cxe4 Fe7 5.Cf3 Cd7
6.Fd3 Cg-f6 7.Cxf6+ Cxf6 8.0-0 0-0 9.Ce5 c5
10.dxc Fxc5 11.De2 b6 12.Fg5 Dc7 13.Ta-d1 Fe7 14.Ff4 Fd6
15.Fg3 Fb7 16.Cd7! Dc6 17.Cxf6+ gxf 18.Dg4 Rh8 19.Dh3

سیاه تسلیم شد.

□ بوندرا سکی - ■ باتونیک (مسکو ۱۹۴۱)

دفاع فرانسه

- 1.e4 e6 2.d4 d5 3.e5 c5 4.Cf3 Cc6 5.Fd3 c5xd4 6.0-0 Fc5
 7.a3 Cg-e7 8.Cb-d2 Cg6 9.Cb3 Fb6 10.Te1 Fd7 11.g3 f6 !
 12.Fxg6+ h7xg6 13.Dd3 Rf7 14.h4 Dg8 ! 15.Fd2 Dh7 16.Fb4 g5
 17.Dxh7 Txh7 18.e5xf6 g7xf6 19.h4xg5 e5 ! 20.g5xf6 Rxf6
 21.Fd6 Ta-e8 22.Ch4 Te-g8 23.Rh2 Ff5 24.Te2 d3 25.Td2
 (25.Cxd Fxd3 26.Td2 Fc4 27.Cc1 Cd4 !)
 25...d3xc2 26.f4 Fe3 27.Fxe5+ Cxe5 28.f4xe5+ Re7
 29.Ta-f1 C1=D

سفید تسلیم شد .

□ تیم مان - ■ واگانیان (۱۹۸۵)

دفاع فرانسه

- 1.e4 e6 2.d4 d5 3.Cc3 Fb4 4.e5 c5 5.a3 Fa5 6.b4 Cxd4
 7.Dg4 Ce7 8.bxa5 dxc3 9.Dxg7 Tg8 10.Dxh7 Cb-c6
 11.f4 Dxa5 12.Tb1 Fd7 13.Txb7 Cd4 14.Dd3 Ce-f5
 15.Cf3 Cxf3+ 16.Dxf3 Tc8 17.Fd3 Cc6 18.Txf7 ! Rxf7
 19.Dh5+ Re7 20.Fxf5 Tc-f8 21.Dh4+ Re8 22.Dh6 Dc7
 23.Dxe6+ Rd8 24.Fh3 d4 25.0-0 d3 26.cxd3 Db6+ 27.Tf2 Rc7
 28.Dc4 Th8 29.d4 Db1 30.d5 Dxc1+ 31.Tf1 De3+ 32.Rh1 Rb8
 33.dxc6 Rc7 34.Db4

سیاه تسلیم شد .

□ میدیانکوا - ■ بارانوا (مسکو ۱۹۷۸)

دفاع بیرک

- 1.e4 d6 2.d4 Cf6 3.Cc3 g6 4.f4 Fg7 5.Cf3 0-0 6.Fe3 c5
 7.dxc Da5 8.Fd2 Dxc5 9.De2 a6 10.0-0-0 b5 11.Fe3 Db4
 12.e5 dxe 13.fxe Cf-d7 14.Cd5 Da5 15.Rb1 Cc6

16.Fg5 Cdx5 17.Fxe7 Ff5 18.Fxf8 Rxf8 19.Df2 b4
 20.Cb6 Tb8 21.Cc4 Cxc4 22.Fxc4 b3 23.Fxb3 Txb3 24.axb Cb4
 25.Cd4 Da2 26.Rc1 Fh6

سفید تسلیم شد .

□ فیشر - ■ بنکو (نیویورک ۱۹۶۴)

دفاع مدرن بیرک

1.e4 g6 2.d4 Fg7 3.Cc3 d6 4.f4 Cf6 5.Cf3 0-0 6.Fd3 Fg4
 7.h3 Fxf3 8.Dxf3 Cc6 9.Fe3 e5 10.d4xe5 d6xe5
 11.f5 ! g6xf5 12.Dxf5 Cd4 13.Df2 Ce8 14.0-0 Cd6
 15.Dg3 ! Rh8 16.Dg4 ! c6 17.Dh5 De8 18.Fxd4 e5xd4
 19.Tf6 Rg8 20.e5 h6 21.Ce2

سیاه تسلیم شد .

چرا که حرکت 22.Dxh6, 21... Fxf6 و تهدید مات بلادفاع را به همراه دارد .

□ سانتس - ■ لارسن (لاس پالماس ۱۹۷۸)

دفاع مدرن بیرک

1.e4 g6 2.d4 Fg7 3.Cf3 d6 4.Cc3 Cf6 5.Fe2 0-0 6.0-0 a5
 7.a4 Ca6 8.Fe3 Cb4 9.Cd2 e5 10.dxe dxe 11.Fc5 Te8
 12.Cc4 Dxd1 13.Ta-d1 Fd7 14.Ce3 Fc6 15.Fb5 Fh6
 16.Fxb4 axb 17.Cc-d5 Cxd5 18.Cxd5 Fxd5 19.Fxe8 Fxe4
 20.Fb5 Ff5 21.Tf-e1 Ff8 22.Txe5 Fxc2 23.Td-e1 c6
 24.Ff1 Txa4 25.Te8 Rg7 26.Tb8 Ta2 27.g4 h6 28.Fg2 b3
 29.Td8 Fb4 30.Tf1 Ta5 31.Td7 Tb5 32.Ff3 Fc5 33.h3 Tb4
 34.Fd1 Fd4 35.Fxc2 bxc 36.Tc1 Txb2 37.Rg2 c5 38.Rf3 b5
 39.Re2 b4 40.Rd2 b3

سفید تسلیم شد .

□ کوک کوریس - ■ ماروویک (آتن ۱۹۷۰)

دفاع آلخین

- 1.e4 Cf6 2.e5 d5 3.c4 Cb6 4.d4 d6 5.f4 d6xe5 6.f4xe5 Cc6
 7.Fe3 Ff5 8.Cc3 e6 9.Cf3 Fe7 10.d5 Cb4 11.Cd4 Fg6
 12.a3 ca 13.Cxe6 f7xe6 14.a3xb4 c5xb4 15.Cb5 0-0
 16.d6 Fg5 17.Fd4 Fe3 18.Fxe3 Dh4+ 19.Rd2 Tfxf1
 20.Txf1 Cxc4+ 21.Re2 Fh5+ 22.Tf3 Fxf3+ 23.Rxf3 Tf8+
 24.Re2 Dg4+ 25.Re1 Dxcg2

سفید تسلیم شد .

□ فیشر - ■ پطروسیان (بوئنوس آیرس ۲۶ اکتبر ۱۹۷۱)

دفاع نیمزویج

- 1.e4 e6

حرکتی که دفاع فرانسه را با آن آغاز می کنند ، ولی در اینجا پس از

- 2.d4 d5 3.Cc3 Cc6

به دفاع نیمزویج می انجامد .

- 4.Cf3 Cf6 5.exd5 6.Fb5 Fg4 7.h3 Fxf3 8.Dxf3 Fe7 9.Fg5 a6
 10.Fxc6+ bxc6 11.0-0 0-0 12.Tf-e1 h6 13.Fh4 Dd7
 14.Te2 a5 15.Ta-e1 Fd8 16.b3 Tb8 17.Ca4 Ce4 18.Fxd8 Tbx8
 19.Df4! Dd6 20.Dxd6 cxd6 21.c4! Cf6 22.Tc1 Tb8
 23.Cxd5 Cxd5 24.f3 Ch5 25.Tc6 Cf4 26.Td2 Tf-e8
 27.Txd6 Te1+ 28.Rf2 Th1 29.Rg3 Ch5+ 30.Rh4 g6
 31.Txd5 Te8 32.Txa5 Te-e1 33.Cc3 Cf4 34.Rg4 Ce6
 35.Te5 f5+ 36.Rg3 f4+ 37.Rh4 Rh7 38.Ce4 g5+ 39.Rg4 Cg7
 40.Cxg5+! hxg5 41.Txe1 Txe1 42.Rxg5 Ce6+ 43.Rf5 Te2

سیاه تسلیم شد .